پیشگفتار:

از چند سال قبل که با هدف ارائه ارزش به طیف وسیع‌تری از همکارانم فعالیت در فضای مجازی را شروع کردم یکی از حوزه‌هایی که در مورد آن محتوای آموزشی قرار می‌دادم، ترمینولوژی دندانسازی بود.

چون لغات کاربردی را با تصویر ارائه می‌کردم بسیار زیاد با استقبال مواجه شد، آن‌قدر که تصمیم گرفتم به‌صورت کامل‌تر و منظم در این زمینه یک کتاب تهیه کنم.

متأسفانه در حوزه دندانسازی کتب و رفرنس‌های بسیاری کمی وجود دارد. امیدوارم این کتاب بتواند به طیف وسیعی از دانشجویان، دندانسازان و حتی بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه تجهیزات لابراتواری برای داشتن روابط بهتر و حرفه‌ای شدن کمک کند.

کتاب حاضر، حاصل ترجمه چندین کتاب و گردآوری از منابع مختلف است.

در اینجا لازم می دانم از زحمات بی دریغ آقای مهندس ابوالفضل ساروقی مدیر و مشاور در حوزه کسب‌وکار دندانپزشکی، که جز با راهنمایی‌های ارزشمند ایشان نگارش این مجموعه کامل نمی‌شد، کمال تشکر و قدردانی را به جا آورم.

در پایان تقاضا می‌کنم نظرات و حتی نقدهای خود را که قطعاً برای این‌جانب راهگشا خواهد بود از طریق وب‌سایت های دنت به نشانی www.Highdentlab.com ارسال فرمایید.

با تشکر

زینب رحیم زاده

پاییز ۱۴۰۱

هلیا های دنت

مرکز لابراتوار و آموزش پروتزهای دندانی

یک گام تا حرفه‌ای شدن در دندانسازی

اگر در حال تحقیق برای آموزش به‌صورت عَملی و حرفه‌ای هستید باید بگوییم دقیقا متعلق به اینجائیید

PFM

دوره‌های جامع
پروتزهای ثابت

Implant

دوره‌های جامع
پروتزهای ایمپلنت

Porcelain

دوره‌های تخصصی
پُرسلن گذاری

Laminate

دوره‌های تخصصی
لمنیت

Anatomy

دوره تخصصی
آناتومی دندان

SnapSmile

دوره تخصصی
ساخت اسنپ اسمایل

دوره‌های جـامع و تخـصصی نرم افزاری اگزوکد، طـراحی لبـخند
ارائه خدمات مشاوره و راه اندازی بخش دیجیتال توجیه پذیر و سودآور

exocad DSD Digital Smile Design

پس برای حرفه‌ای شدن و متمایز شدن مسیر خودت را سریع و آسان کن

۰۲۱ - ۲۸۴۲۶۰۵۰

A

A" carver”

تراشنده مومی با انتهای تیز و گرد که برای حکاکی محدب در موم استفاده می شود.

abfraction

از دست رفتن پاتولوژیک بافت سخت دندان در اثر نیروهای بیومکانیکی. این تفکر وجود دارد که چنین پدیده ای در اثر خمیدگی و نابودی مینا/ و یا عاج در محلی دور از نقطه وارد شدن نیرو به صورت fatigue شیمیایی اتفاق می افتد.

abrasion

۱. جدا شدن یک ماده یا ساختار مثل پوست یا دندان توسط سایش به روش های غیر معمول و غیر عادی مکا نیکی
۲. از دست رفتن غیر عادی بافت دندان در اثر سایش عواملی غیر از جویدن.

abrasive

یک ماده که برای ساییدن، صاف کردن یا پالیش کردن استفاده می شود.

abrade

پاک کردن یا جدا کردن پوشش خارجی یا لایه بیرونی از یک بخش توسط مالیدن

A

abrasive paste

ساینده ای به حالت معلیق در خمیر. خمیرهای ساینده معمولاً حاوی کاربوراندوم و / یا سنگ خارا هستند و برای صیقل دادن یا صاف کردن سطوح خشن استفاده می شوند.

abrasive point

چرخ سنگ زنی که برای شکل دادن چینی ، فلز یا اکریلیک استفاده می شود. نقاط ساینده همیشه، نقطه، نیستند، اما معمولاً دارای شکل استوانه ای یا مخروطی هستند.

absorption

۱. جذب مواد به درون بافت ها یا از طریق بافت ها مثل مخاط و پوست و روده
۲. در رادیولوژی ،جذب انرژی توسط جرمی که اشعه با آن برخورد داشته است .

abutment

۱. بخشی از یک ساختار که به طور مستقیم فشار و نیرو را دریافت می‌کند، یک تکیه گاه.
۲. یک دندان، یک قسمت از یک دندان یا قسمتی از ایمپلنت که در تامین ساپورت و یا گیر یک پروتز عمل می کند.

abutment analog

یک نسخه همانند سازی شده از بخش فوقانی یک ایمپلنت .معمولا برای تامین یک فرم دقیق از اباتمنت ایمپلنت در لابراتوار در حین ساخت پروتز هایی استفاده می شود که تمام یا قسمتی از ساپورت خود را از ایمپلنت می گیرند.

A

abutment clamp

هر وسیله ای که برای قرار دادن اباتمنت ایمپلنت بر روی بدنه ایمپلنت استفاده شود.

abutment driver

هر وسیله دستی که معمولا به طور اختصاصی برای سهولت قرار دادن و محکم کردن یک اباتمنت ایمپلنت بر روی قسمت فوقانی یک ایمپلنت ساخته شده است.

abutment healing cap

هر پوشش موقتی که برای تامین سیل بر روی قسمت فوقانی یک ایمپلنت استفاده شود؛ بیشتر این پوشش ها فلزی هستند و به منظور استفاده موقت پس از باز کردن سطح فوقانی ایمپلنت به محیط دندان به کار می روند

abutment interface

محل برخورد سطوح پایه ایمپلنت و بدنه ایمپلنت است.

abutment post

بخشی از اباتمنت ایمپلنت که به ساختمان داخلی ایمپلنت ادامه پیدا می کند و به منظور تامین گیر و/ یا ثبات اباتمنت ایمپلنت استفاده می شود.

A

abutment screw

بخشی از اباتمنت را به بدنه ایمپلنت پیچ می‌کند .

abutment tooth

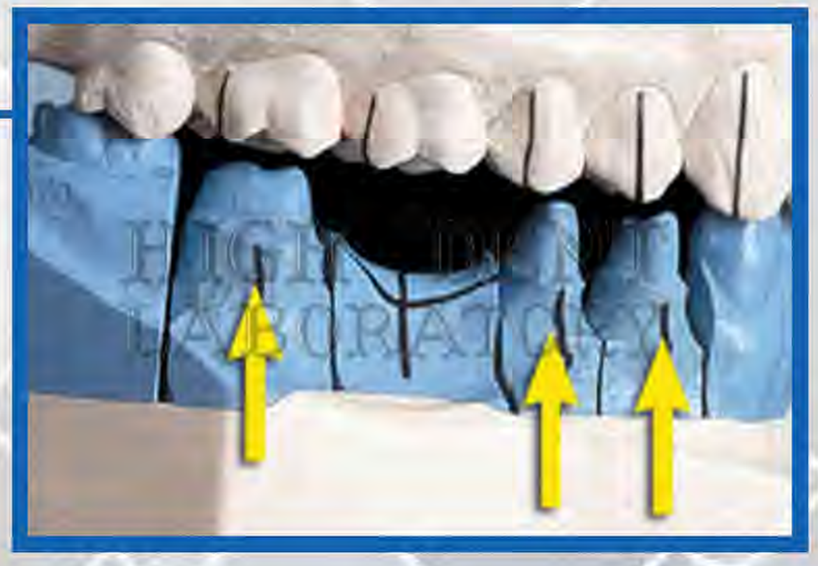

دندانی که از یک بریج یا پارسیل استفاده و یا آن را حفظ می کند.
۱. برای بریج: دندان آماده ای که بریج به آن متصل شده است ، خواه آماده باشد تاج کامل باشد و چه inlay/onlay آماده باشد.
۲. برای پروتز پارسیل دندانی: پروتز را بوسیله بست یا اتکا به خود ساپورت می کند.

accelerator

۱. یک ماده که سرعت یک واکنش شیمیایی را زیاد می کند.
۲. در فیزیولوژی ، یک عصب ، عضله یا ماده که حرکت یا پاسخ را سرعت می‌بخشد.

accentuate

۱ . برای تأکید یا تشدید.
۲. برجسته کردن. ما می توانیم منظقه ای را با اضافه کردن به آن یا کاهش مناطق اطراف ، برجسته کنیم. تکنسین دندانپزشکی مناطقی که در دندان های طبیعی برجسته هستند را طی ترمیم برجسته می کند تا ترمیم طبیعی به نظر برسد.

access hole

باز کردن ناحیه ایمپلنت پیچی برای فراهم کردن امکان دسترسی به پایه یا پیچ پروتز که معمولاً از طریق اکلوزال یا لینگوال انجام می شود.

A

acetal resin

رزین ترموپلاستیک با استحکام بالا که به رنگ شفاف یا به رنگ دندان موجود است ومی تواند برای پروتزهای جزئی زیبایی و گیره ها استفاده شود.

acid

یک ترکیب شیمیایی است که هنگام حل شدن در آب ، یون های هیدروژن آزاد می کند. اسیدها دارای مقدار pH کمتر از ۷ هستند که در آزمایشگاه برای تمیز کردن لایه های اکسید و آلودگی های سطحی از فلزات گرانبها ، و برای اچ کردن فلزات و فلزات غیر قیمتی استفاده می شود. همچنین برای اچ کردن مینای دندان از این ماده استفاده می شود.

acid etch

۱. آماده سازی سطحی مانند مینای دندان با اسیدی مانند اسید فسفریک برای اتصال رزین.
۲. برخی از ترمیم های دندان برای اتصال، اسید اچ می باشند. مانند روکش چینی و پل های چسبیده با رزین مثل پل مریلند.

acid etchant

اسیدی است که برای اچ کردن سطح استفاده می شود.

acid-etched bridge

پلی که برای اتصال به دندان با اسید اچ شده است.

A

acquired centric occlusion

جفت شدگی حداکثری دندانهای مخالف ، صرف نظر از موقعیت کندیل.

acrylic

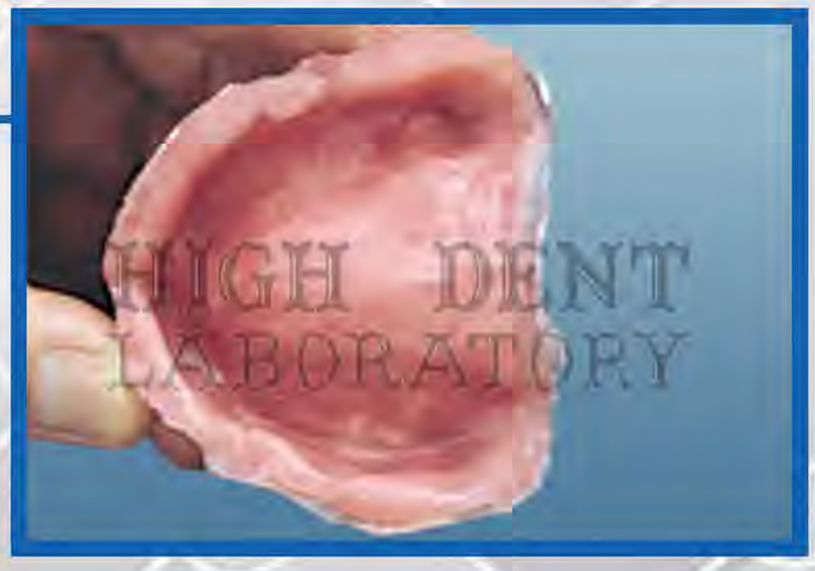

رزین پلاستیکی پلیمریزه ای که در ترمیم های دندان استفاده می شود.
رزین های آکریلیک به دلیل مقاومت بالا ، وزن سبک و مقاومت در برابر سایش انتخاب می شوند.

acrylic resin base

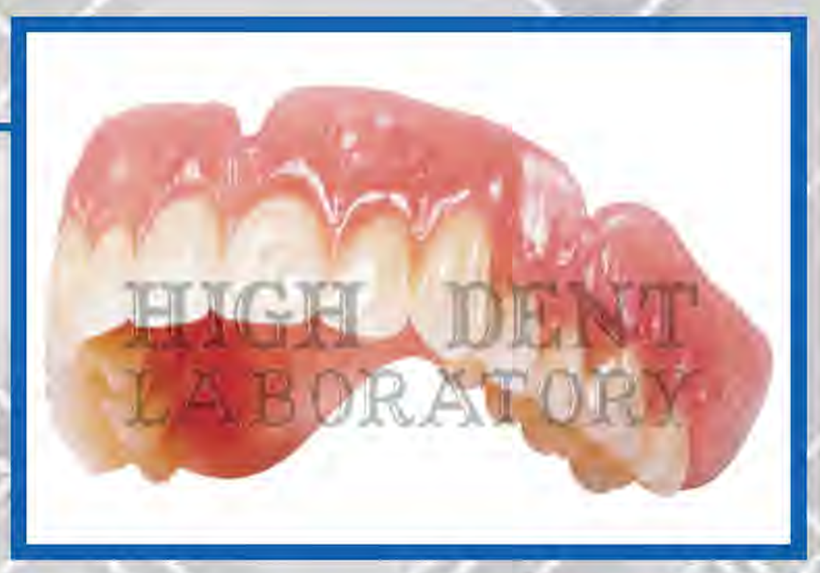

یک بیس بنچر که از رزین آکریلیک ساخته شده است.

activating tool

ابزاری که برای فعال سازی یا افزایش نگهداری یک وسیله ی اتصال مورد استفاده قرار می گیرد.

activator

۱. هر عامل شیمیایی که یک آغازگر شیمیایی را برای آغاز یک واکنش شیمیایی فعال می کند.
۲. یک ماده که در مقادیر اندک برای افزایش اثر یک شتاب دهنده شیمیایی استفاده می شود.

A

acute

تیز یا شدید.

ADA

انجمن دندانپزشکی آمریکا ، انجمن برتر دندانپزشکان در ایالات متحده است. ADA نماینده بیش از ۱۵۰،۰۰۰ دندانپزشک است و برای بهبود سلامت دهان و دندان آمریکا ، پیشرفت علم دندانپزشکی و ارتقاء سیستم مراقبت های بهداشتی کار می کند.

ADA specification

توضیحات مفصل در مورد کیفیت ها و خصوصیات مورد نیاز یک ماده دندانپزشکی که توسط کمیته استاندارد معتبر انجمن دندانپزشکی آمریکا تعریف شده است.

adaptation

۱. عمل یا روند تطابق؛ وضعیت منطبق شدن.
۲. عمل تطابق عمدی دو سطح جهت تامین تماس نزدیک.
۳. تغییرات پیش رونده تنظیمی در حساسیت که به طور منظم با تحریک مداوم حسی یا عدم تحریک همراه است.
۴. در دندان پزشکی: (الف) درجه تطابق بین یک پروتز و ساختارهای ساپورت کننده (ب) درجه نزدیکی یک ماده ترمیمی به دندان آماده سازی شده (ج) تنظیم بندهای ارتودنسی به دندان ها

additive color system

سیستم رنگی که در آن رنگ ها با اضافه کردن روشنایی توصیف می شوند. هنگامی که رنگهای اولیه به طور مساوی با یکدیگر مخلوط می شوند ، نتیجه نور سفید است.
سیستم رنگی RGB (قرمز ، سبز ، آبی) ، مانند آنچه در یک مجموعه تلویزیونی استفاده می شود ، نمونه ای از یک سیستم رنگی افزودنی است.

A

additive process

فرآیند به دست آوردن یک شکل با افزودن مواد.
۱. در دندانپزشکی سنتی ، فرایندهایی مانند مومی کردن ، انباشت چینی یا ساخت کامپوزیت.
۲. در CAD / CAM ، فرآیندی مانند چاپ موم ، استریولیتوگرافی یا چاپ لیزر.

adhesion

۱. خصوصیت باقی ماندن در نزدیکی زیاد ،همانند آنچه از تمایل فیزیکی مولکول ها به یک ماده یا تمایل مولکولی موجود بین سطوح اجسام در تماس ناشی می‌شود.
۲. اتصال با ثبات قطعات به یکدیگر ، که ممکن است به صورت غیر عادی اتفاق افتد.
۳. یک باند یا ساختار فیبروز که توسط آن ،قطعات به صورت غیر عادی می چسبد.

adhesive

۱. هر ماده ای که باعث چسبندگی نزدیک دو سطح متصل شونده به هم گردد.
۲. یک عامل چسباننده.

adjacent teeth

دندان هایی که در کنار یکدیگر در یک فک قرار دارند.

adjustable articulator

آرتیکولاتوری که اجازه مقدار محدودی از تنظیمات در صفحه ساژیتال و افقی را می دهد تا حرکات ثبت شده مندیبل باز سازی شود .

A

adjustable attachment

یک اتصال دقیق که نگهداشتن قابل تنظیم را فراهم می آورد.

adjustment

۱. عمل یا روند تغییر اجزای فیزیکی
۲. در دندانپزشکی: تغییری که بر روی یک پروتز دندانی یا دندان طبیعی داد می شود تا تطابی، عملکرد یا پذیرش آن از سوی بیمار بهتر شود.

aesthetic

شیئی که زیبایی را نشان می دهد.
چشم نواز.
ترمیم زیبایی برای زیبا به چشم آمدن است.
جذابیت بصری دندانهای طبیعی.

agar

یک پلیمر پیچیده سولفاته از واحدهای کالاکتوز که از Gelidium cartilagineum و Gracilaria confervoides و جلبک های قرمز مربوط استخراج می شود. یک ماده موسینی است مه در دمای تقریبی ۱۰۰ °C ذوب می‌شود و در دمای تقریبی ۴۰ °C به یک ژل تبدیل می‌شود. توسط اکثر باکتری ها قابل هضم نیست و به عنوان یک عامل ژل کننده (gelation) در مواد قالب گیری دندانپزشکی و محیط‌های جامد کشت میکروار گانزیم ها به کار می رود.

age atrophy

ضایع شدن، بی مصر ف شدن؛ کم شدن طبیعی کلیه بافت ها در اثر سن بالا

A

air abrasion

سابیدن یک سطح توسط ذرات ساینده که در سرعت بالا توسط هوای فشرده شده حرکت می کند.

air abrasive unit

وسیله ای که در آن از مواد ساینده توسط هوای فشرده شده بیرون داده می‌شود تا اکسیدها و ذرات چینی را از روی بریج‌ها و روکش‌ها تمیز کند.

Akers clasp

[POLK. E .AKERS.شیکاگو.دندانپزشک] eponym برای پارسیل های ریختگی یک تکه از کلاسپ های ریختگی گفته می شود که وی روش ریختگی یک تکه برای ساخت پروتز های پارسیل متحرک با آلیاژ های طلا را در اوایل سالهای ۱۹۲۰ بهبودبخشیده و استاندارد کرده است

ala

لوب خارجی بینی سوراخ بینی را محصور می کند. عرض پره این لوب متناسب با موقعیت دندانهای نیش است و برای تکنسین،مرجع اندازه گیری در خصوص بیماران بی دندان در زمان فیت کردن می باشد.

alameter

وسیله ای برای اندازه گیری پره بینی به عنوان راهنمای انتخاب و قرار دادن دندان.

A

ala-tragus line

یک خط که از لبه تحتانی آلای بینی به یک نقطه مشخص بر روی تراگوس امتداد داده می شود (معمولا نوک تراگوس در نظر گرفته می شود). معمولا با یک نقطه سوم روی تراگوس سمت مقابل برای تعیین صفحه آلاتراگوس استفاده می شود. به طور ایده آل، صفحه آلاتراگس با صفحه اکلوزال موازی در نظر گرفته می شود. صفحه اکلوزال هنگامی که از صفحه میدساژیتال نگریسته شود، حدود ۱۰ با صفحه افقی فرانکفورت زاویه دارد.

alcohol

یک مایع قابل اشتعال بی رنگ و حاوی یک یا چند گروه هیدروکسیل (OH) ، که با تخمیر بدست می آید. اغلب به عنوان حلال یا مسموم یا به عنوان منبع گرما در لامپ یا مشعل استفاده می شود.

alginate

۱. نمک یا استر اسید آلژنیک مانند آلژینات سدیم ، عصاره جلبک دریایی یا جلبک های قهوه ای.
۲. یک ماده قالبگیری دندانپزشکی ساخته شده از آلژینات سدیم.

alignment scan

اسکن که دو مدل را در رابطه با یکدیگر نشان می دهد.

all ceramic restoration

ترمیم دندان به صورت جزئی یا به طور کامل از یک ماده سرامیکی ساخته شده است.

A

alloy

- آلیاژ ، مخلوط دو یا چند فلز یا متا لوئید که متقابلا در وضعیت مذاب قابل حل است . بر اساس تعداد فلزات درون مخلوط به انواع دو گانه ، سه گانه ، چهار گانه و...تقسیم می شود. عناصر آلیاژ جهت تغییر خواص سختی ، قدرت و toughness به مخلوط اضافه می شوند و خصوصیاتی حاصل می شود که در یک فلز خالص یافت نمی شود

alloy classification

سیستم طبقه بندی آلیاژهای دندانپزشکی براساس نوع:

۱. سیستم قدیمی در حال استفاده امروزه بر اساس سختی آلیاژ استوار است: نوع I (نرم) ، نوع II (متوسط) ، نوع III (سخت) و نوع IV (بسیار سخت).

۲. سیستم جدید بر اساس ترکیب آلیاژ ساخته شده است: بسیار نجیب (حداقل ۶۰ ٪ فلز نجیب ، شامل حداقل ۴۰ ٪ طلا) ، نوبل (حداقل ۲۵ ٪ فلز نجیب) و فلز پایه (کمتر از ۲۵ ٪ نجیب فلز).

HIGH DENT
LABORATORY

alloying element

عناصر فلزی یا غیرفلزی که جهت حصول خواص ویژه، به یک فلز خالص اضافه می‌شوند.

altered cast

یک کست نهایی که بخشی از آن قبل از ساختن دنچر بیس دوباره ساخته می‌شود. همچنین گفته می‌شود , corrected cast modified cast .

altered cast partial denture impression

یک پیکره (قالب) منفی از بخش یا بخش هایی از ناحیه تحمل کننده بی دندان که به طور جداگانه و پس از قالب گیری نواحی با دندانی ساخته می‌شود. این تکنیک از یک تری قالب گیری متصل به فریم پارسیل یا همانند آن استفاده می‌کند.

HIGH DENT
LABORATORY

A

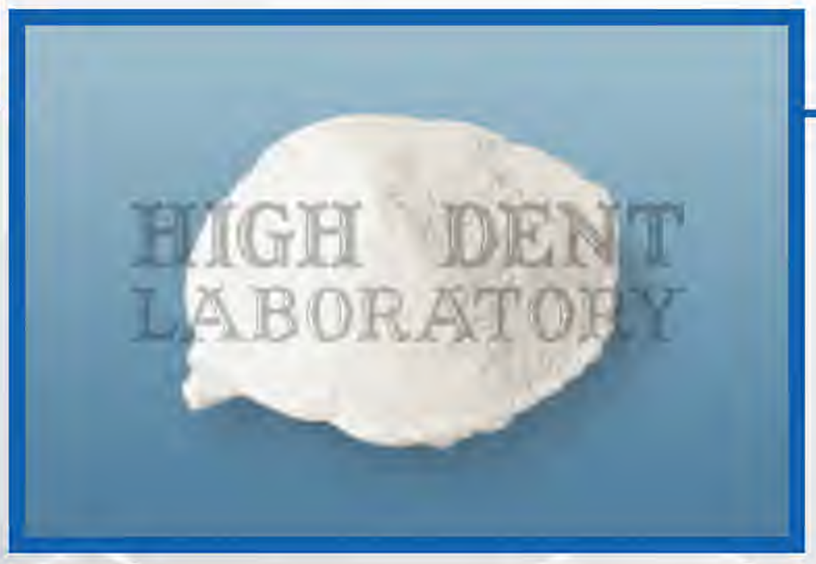

aluminum oxide

۱. یک اکسید فلزی به کار رفته در پرسلن دندانی جهت افزایش سختی و ویسکوزیته
۲. یک کریستال سرامیک با قدرت بالا که از یک فاز شیشه ای برای افزایش قدرت ، متفرق می شود (disperse) همانند پرسلن دندانی آلومینوس که برای ساختن روکش های پرسلن آلومینوس استفاده می‌شود.

alveolar

قسمتی از فک ها که دندان ها در آن رویش می کنند.

alveolar bone

بخش استخوانی مندیبل یا ماگزیلا که ریشه‌های دندان‌ها در آن توسط فیبرهای لیگامان پریودنتال نگه داشته شده است .همچنین گفته می‌شود: dental alveolus.

alveolar crest

تاج خط الراس آلوئولار.

alveolar mucosa

پوشش مخاطی ثابت زائده آلوئلار که به سستی به استخوان متصل است .

A

alveolar process

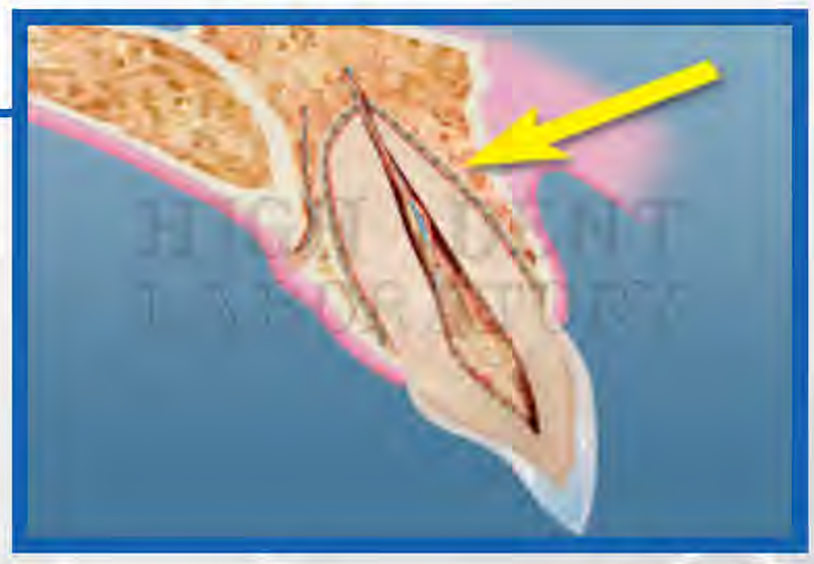

زائده آلوئلار :ساختار استخوانی اسفنجی و متراکم که دندان ها را در بر گرفته و آنها را ساپورت میکند.

alveolar resorption

آب رفتن خط الراس آلوئولار که بعد از کشیدن دندانهای طبیعی رخ می‌دهد. به دلیل شکل خط الراس آلوئولار ، میزان جذب بیشتر در زیر زبان و بوکال فوقانی اتفاق می افتد و باعث می شود قوس فک پایین با افزایش سن پهن و قوس فک بالا باریک شود.

alveolar ridge

افزونه برجسته بر فک پایین یا فک بالا که حاوی آلوئولها است ، سوکت هایی که دندانها را احاطه کرده و آن را ساپورت می کنند. اغلب برای توصیف روند آلوئولار پس از از بین رفتن دندانها استفاده می شود.

alveolingual

روند آلوئولار زبانی

alveolingual sulcus

گودی در کف دهان بین زبان و روند آلوئولار

A

alveolus

یکی از حفره ها یا ساکت‌های درون زائده آلوئلار مندبیل یا ماگزیلا که در آن مجموعه اتصال (attachment complex) ، ریشه دندان را پس از خارج کردن آن نگه می‌داشته است.

amalgam

۱. یک آلیاژ جیوه
۲. آمالگام دندانی یک آلیاژ از جیوه ، نقره ، مس و قلع می باشد که می‌تواند حاوی پالادیوم، روی و سایر عناصر جهت بهبود کارکرد با آن وکارایی بالینی آن باشد.

American Dental Association

انجمنِ برتر دندانپزشکان در ایالات متحده است. ADA ، همانطور که معمولاً نامیده می شود ، بیش از ۱۵۰،۰۰۰ دندانپزشک را تشکیل می دهد و برای بهبود سلامت دهان و دندان آمریکا ، پیشرفت علم دندانپزشکی و تقویت سیستم مراقبت های بهداشتی کار می کند.

analog

۱. در دندانپزشکی ، چیزی که تمام یا قسمتی از آن مشابه چیزی دیگری است.برای مثال یک مدل همانند از قسمتی از اباتمنت ایمپلنت که از جنس برنج ،آلومینیوم ، استیل یا پلاستیک ساخته می شود .
۲. یک ارگان با عملکرد مشابه یک ارگان حیوان یا گیاه دیگر ،اما با ساختار و منشا متفاوت همچنین نوشته می شود analogue.

analog restoration

اصطلاحی که گاهی اوقات برای اشاره به ترمیم های ساخته شده توسط فرآیندهای سنتی به جای فرآیندهای CAD / CAM به کار می رود.

A

anatomic

۱. مربوط به آناتومی.
۲. مادام العمر ، واقعی.
۳. داشتن فرم مشخص.
۴. در دندانپزشکی ، داشتن تمام نقاط برجسته دندانهای طبیعی یا بافتهای نرم.

anatomic coping

پوششی که سطح آن یک مقدار یکنواخت از سطح تاج پوشاننده را متوازن میکند.

anatomic crown

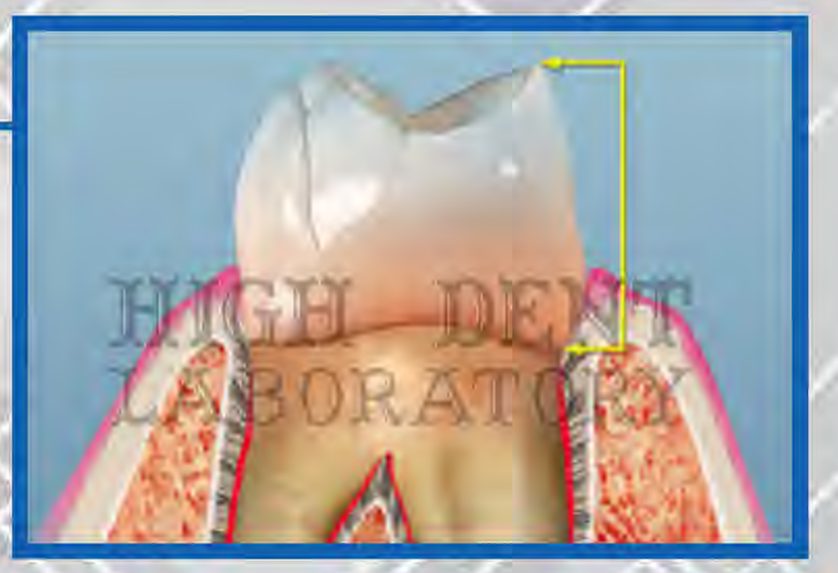

بخشی از یک دندان طبیعی که از حد فاصل سمان و مینا (CEJ) به سمت کرونال گسترده شده است .همچنین گفته می شود anatomical crown.

anatomic landmark

یک ساختار اناتومیک قابل تشخیص که به عنوان یک نقطه مرجع استفاده می‌شود.

anatomic occlusion

یک چیدمان اکلوزال برای پروتزهای دندانی که در آن سطوح جونده دندان های مصنوعی خلفی شباهت نزدیکی به دندان‌های طبیعی سالم دارد و با سطوح مشابه دندان‌های طبیعی با مصنوعی جفت می‌شود (articulate). همچنین گفته می‌شود anatomical occlusion

A

anatomic teeth

۱. دندان مصنوعی که فرم های آناتومیک دندان های طبیعی را همانند سازی می کند.
۲. دندان هایی که در سطح جونده دارای کاسپ های برجسته هستند و برای جفت شدن (articulator) با دندان های مقابل طبیعی یا پروتزی طراحی شده اند.
۳. دندان های آناتومیک با شیب های کاسپی بیش از صفر درجه که تمایل به شبیه سازی آناتومی دندان های طبیعی را دارند.

anatomical

۱. مربوط به آناتومی.
۲. مادام العمر ، واقعی.
۳. داشتن فرم مشخص.
۴. در دندانپزشکی ، داشتن تمام نقاط برجسته بافتهای طبیعی.

anatomical waxing

روند موم گذاری روکش کامل بصورت آناتومیک

anatomist

۱. کسی که آناتومی را مطالعه می کند.
۲. کسی که روابط ، ساختار و عملکرد دندان ها را مورد مطالعه قرار می دهد.

anatomy

۱. یک شاخه مورفولوژی که شامل ساختار های ارگان ها (اعضا) می شود
۲. چیدمان و ترکیب ساختاری (structural makeup) مخصوصا مربوط به یک عضو یا اجزای آن
۳. جدا کردن یا تقسیم کردن به اجزا جهت بررسی و معاینه.

A

anchor

۱. یک نقطه سفت و سخت که یک شیء را محکم نگه می دارد.
۲. وسیله ای برای ایمن سازی پروتز متحرک در ایمپلنت یا ترمیم ثابت.

anchorage area

ناحیه‌ای که از لحاظ موقعیت، ترکیب و/ یا از طریق آماده‌سازی، جهت تامین گیر پروتز مناسب شده است.

ancillary prostheses

یکی از سه گروه اصلی پروتزهای دندانی که در زمینه پروستونتیکس ساخته می‌شود؛ هر پروتزی که نتوان آن را به عنوان پروتز دندانی یا فکی صورتی تعریف کرد. مثال های آن شامل راهنماها، استنت‌ها، اسپلینت‌ها، conformers، carriers و ... بوده و بیشتر این پروتزها جهت استفاده کوتاه مدت یا خاص در نظر گرفته می‌شود.

angle

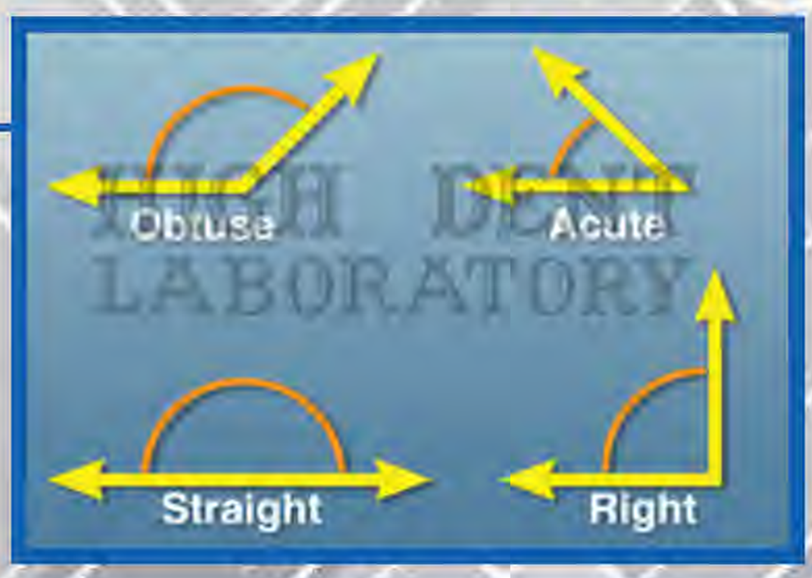

۱. فضای بین دو خط یا سطح هموار متقاطع. واحد اندازه گیری زاویه ها درجه ای است. ۳۶۰ درجه یک دایره کامل است. یک خط مستقیم ۱۸۰ درجه و زاویه راست ۹۰ درجه است.
۲. گوشه ای تیز یا باز.

angle of gingival convergence

۱. به عقیده اشنایدر در اپیکال حداکثر برجستگی دندان اباتمنت قرار دارد. با اندازه‌گیری زاویه بین سطح دندان در قسمت جینجیوال نسبت به خط سوروی با undercut gauge یا analyzing rod که در تماس با حداکثر برجستگی دندان باشد مشخص می‌شود.
۲. زاویه تشکیل شده بین هر سطحی از دندان که زیر خط سوروی حداکثر برجستگی دندان قرار دارد، با مسیر انتخاب شده نشست یک پروتز.
۳. زاویه تشکیل شده بین سطح دندان در زیر حداکثر برجستگی با صفحه عمودی، هنگامی که صفحه اکلوزال دندان، موازی صفحه افقی باشد.

A

angled abutment

اباتمنت که با بدنه ایمپلنت موازی نیست.

Angle's classification

سیستمی از طبقه بندی نیش که برای اولین بار توسط دکتر ادوارد هارلی زاویه (۱۸۵۵-۱۹۵۵) شرح داده شده است.
رده اول انسداد طبیعی است. رده دوم دیستو اوکلوژن است. رده سوم مزو اوکلوژن است. رده چهارم دیگر مورد استفاده قرار نمی گیرد (دیستو اوکلوژن از یک طرف و مزو-اوکلوژن از طرف دیگر).

angular cheilitis

التهاب‌های گوشه دهان که باعث قرمزی و ایجاد شیارهایی می‌شود. همچنین گفته می‌شود perleche (پرلش).

angulated abutment

هر اباتمنت ایمپلنت اندوستئال که زاویه محور آن (long axis) با محوریت ایمپلنت متفاوت باشد.

antagonist

۱. دندانی در یک فک که با دندانی در فک مقابل جفت می‌شود همچنین گفته می‌شود dental antagonist.
۲. ماده‌ای که تمایل به خنثی کردن عمل ماده دیگر دارد مثل دارویی که به گیرنده سلول متصل شود، ولی پاسخ بیولوژیکی را تحریک نکند.
۳. ماهیچه‌ای که عمل آن مخالف مستقیم ماهیچه دیگر است.

A

antagonist scan

اسکن دندان های مقابل.

anterior

۱. در جلو ، بخش جلویی ، قرار گرفته در جلو ، قدامی
۲. موقعیت پیش یا ventral
۳. عبارتی که برای مشخص کردن دندان های انسیزور یا کانین یا ناحیه جلویی آن به کار می رود.

anterior bridge

ترمیم ثابت که دو یا چند دندان جلویی را به هم وصل می کند.

anterior crossbite

ضربدری که یک یا چند دندان ثنای بالا با چند دندان ثنای پایین تشکیل می دهند.

anterior crown

ترمیم ثابت که یک دندان جلویی را پوشانده است.

A

anterior guidance

۱. تاثیر سطوح تماس دندان های قدامی بر حرکات مندیبل محدود به دندان (tooth limiting)
۲. تاثیر سطوح تماس پین راهنما و میزک راهنمای قدامی بر حرکات آرتیکولاتور .
۳. ایجاد یک رابطه دندان های قدامی که از تماس دندان های خلفی در کلیه حرکات خارج مرکزی جلوگیری کند

anterior guide pin

آن بخش از آرتیکولاتور که معمولا به صورت یک میله سخت، به یک بخش متصل است و با میزک راهنمای قدامی بخش دیگر تماس دارد. این پین جهت حفظ جداشدگی عمودی مشخص شده به کار می رود. پین و میزک راهنمای قدامی به همراه اجزای کندیلی ، حرکات بخش های جدای آرتیکولاتور را هدایت می کند.

anterior guide table

میزک راهنمای قدامی: بخشی از آرتیکولاتور که پین راهنمای قدامی روی آن قرار می گیرد تا ارتفاع عمودی اکلوژن را حفظ کند و بر حرکات آرتیکولاتور تاثیر بگذارد .این میزک بر درجه جدا شدن کست ها در تمام روابط تاثیر می گذارد .

anterior open bite

شرایطی که دندانهای قدامی در هنگام انسداد طبیعی بسته نمی شوند.
باز بودن نیش جلویی می تواند در اثر مکیدن انگشت شست یا ضربه زدن با زبان ایجاد شود.

anterior open occlusal relationship

عدم تماس دندان‌های قدامی در کلیه حالت‌های جفت‌شدگی دندان‌های خلفی.

A

anterior teeth

انسیزور ها و کانین های مندیبل و ماگزیلا

anterior tooth

دندان جلو. یک ثنای مرکزی ، یک ثنای جانبی یا نیش در هر کدام از فک ها.

anterior tooth arrangement

موقعیت‌دهی دندان‌های قدامی به منظور زیبایی و فونتیک

anteroposterior curve

انحنای آناتومیک تشکیل شده توسط قرار گیری اکلوزال دندان ها هنگامی که به صفحه میانی تصویر شوند.از نوک کاسپ کانین مندیبل شروع شده و نوک کاسپ های باکال دندان های پرمولر و مولر را دنبال می کند و در مرز قدامی راموس ادامه یافته و در قدامی ترین ناحیه کندیل مندیبل ختم می شود

anti

در مقابل یا ضد

A

anti-flux

موادی که جریان و اتصال لحیم را محدود و متوقف می کند.

anti-rotation

یک ویژگی ساختاری برخی ایمپلنت‌های اندوستئال که از چرخش اجزای بسته شده نسبت به هم جلوگیری می‌کند. این بخش می‌تواند بین بدنه ایمپلنت و اباتمنت ایمپلنت باشد و/ یا بین اباتمنت ایمپلنت و اجزای اباتمنت ایمپلنت قرار داشته باشد.

anti-snoring device

وسیله ای داخل مسیر هوا که برای جلوگیری از خروپف در هنگام خواب استفاده می شود

apex

۱. بالاترین نقطه ، قله
۲. در دندانپزشکی انتهای آناتومیک ریشه دندان

apical

مربوط به بالا یا راس

A

apical foramen

باز شدن کانال پالپ دندان از طریق نوک ریشه.

arch

۱. داشتن شکل قوسی.
۲. مجموعه کامل دندانها در فک پایین یا فک بالا ، به دلیل آرایش هلالی شکل آنها.

arch bars

یک بار سخت و/ یا سیم که برای ثابت‌سازی بین فکی در درمان شکستگی‌های ماگزیلا و مندیبل و/ یا ثابت کردن دندان‌های آسیب دیده استفاده می‌شود و عموماً به دندان‌های باقیمانده و/ یا اسپلینت‌های اکلوزال متصل می‌شود.

arch form

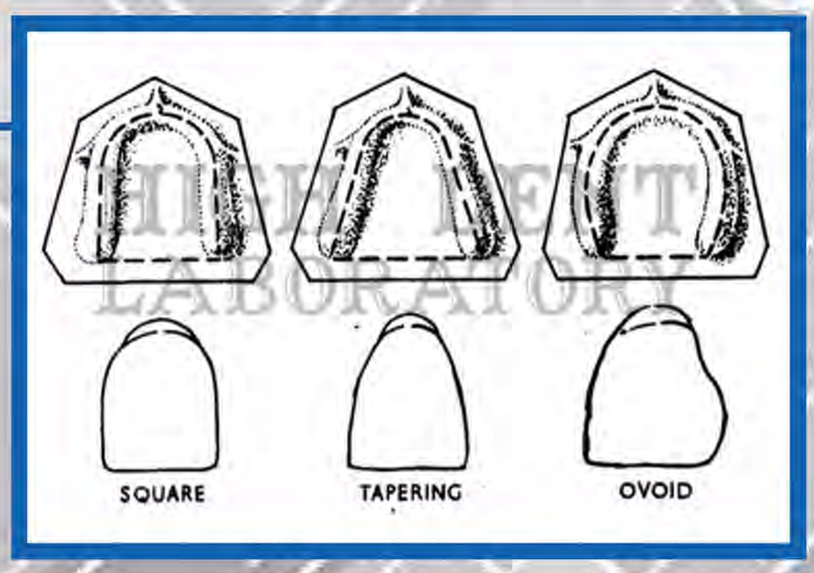

شکل هندسی قوسی دندانی، هنگامی که در صفحه افقی مشاهده می‌شود (مربعی، بیضوی، tapertingٍ، ...)

arch scan

اسکن تمام دندانهای مربوط به هر فک.

A

arch wire

یک سیم ارتودنسی که برای اعمال نیرو در داخل دهان قرار می گیرد.

arcon

یک خلاصه از کلمات آرتیکولاتور و کندیل که برای توصیف نوعی خاص از آرتیکولاتور به کار می‌رود. در این آرتیکولاتورها، اجزای مسیر کندیلی در عضو بالایی و اجزای کندیلی در عضو تحتانی آرتیکولاتور مستقر هستند.

arcon articulator

آرتیکولاتوری که طراحی آرکان دارد. این وسیله با استفاده از آنالوگ‌های کندیلی در جزء ماگزیلا، راهنماهای آناتومیک را حفظ می‌کند.

arrow point tracer

۱. یک وسیله مکانیکی که برای ترسیم مسیر حرکت مندیبل در یک صفحه انتخابی (معمولا موازی پلن اکلوزال) استفاده می‌شود.
۲. یک وسیله مکانیکی با یک نقطه رسام در یک فک و یک صفحه گراف یا صفحه ترسیم (tracing) متصل به فک دیگر که برای ثبت مسیر و محدوده حرکات مندیبل استفاده می‌شود.

articulate

۱. اتصال به یکدیگر به صورت یک مفصل
۲. ارتباط سطوح تماس دندان‌ها یا جایگزین‌های مصنوعی آنها در ماگزیلا با سطوح مشابه در مندیبل

A

articulating film

یک نوار نازک از پلاستیک یا کاغذ ، که یک یا هر دو طرف آن جوهری شده است ، جهت علامت گذاری در جایی که دو جسم لمس می شود ، استفاده می شود.

articulating paper

نوارهای کاغذی پوشیده شده با جوهر که برای یافتن و علامت زدن تماس‌های اکلوزال استفاده می شود

articulation

۱. در صحبت :صریح وفصیح بیان کردن کلمات و جملات
۲. در دندانپزشکی: ارتباط تماس استاتیک و دینامیک سطوح اکلوزال دندان ها حین عملکرد

articulator

دستگاه لولایی مکانیکی که باز و بسته شدن و حرکت آرواره بیمار را شبیه سازی می کند. قالب ها بهم متصل شده اند تا دندانها هماهنگ با ساختار استخوانبندی بیمار برای هر دو ترمیم ثابت و متحرک تنظیم شوند.

asymmetric

نا متقارن، داشتن دو نیمه یا قسمت ، تقسیم شده توسط یک خط مرکزی ، از نظر شکل و اندازه یکسان نبودن

A

asymmetrical

مشخص شده توسط یا متعلق بودن به عدم تقارن

attached gingiva

بخشی از لثه که محکم ، فشرده و با سطح نقطه دار (stippled) است و با پریوست ، استخوان و دندان زیرین ، اتصال محکمی دارد .

attachment

۱. یک وسیله مکانیکی جهت ثابت کردن ،گیر و ثبات یک پروتز
۲. یک نگه دارنده (retainer) که از یک مادگی فلزی و یک بخش با تطابق بالا تشکیل شده است .بخش اول (مادگی یا ماتریکس) معمولا در کانتور نرمال یا اضافه شده روکش دندان اباتمنت قرار دارد و بخش دوم (نری یا پاتریکس) به پونتیک یا فریم ورک دنچر متصل است

attachment screw

هر جزئی که جهت پیچ کردن (بستن) یک پروتز ثابت به اباتمنت (یا اباتمنت‌های) ایمپلنت بکار می‌رود.

attrition

۱. عمل سایش یا تراشیدن توسط اصطکاک
۲. سایش مکانیکی ناشی از مضغ یا پارافانکشن ،محدود به سطوح تماس دندان ها.

A

autopolymerization

پلیمریزاسیون بدون گرمای خارجی ، به طور معمول با ترکیب یک فعال کننده و یک کاتالیزور.

auxiliary

ایفای نقش به نقش یا هدف پشتیبانی.

auxiliary groove

شیار ثانویه که از زیر شاخه یک شیار دیگر است.

average value articulator

آرتیکولاتوری که نحوه ساخت آن به گونه‌ای است که اجازه حرکت بر پایه حرکات میانگین (mean) مندیبل را می‌دهد. همچنین گفته می‌شود Class lll articulator

axail contour

شکل یک جسم در حالتی که در محور طولی خود قرار دارد.

A

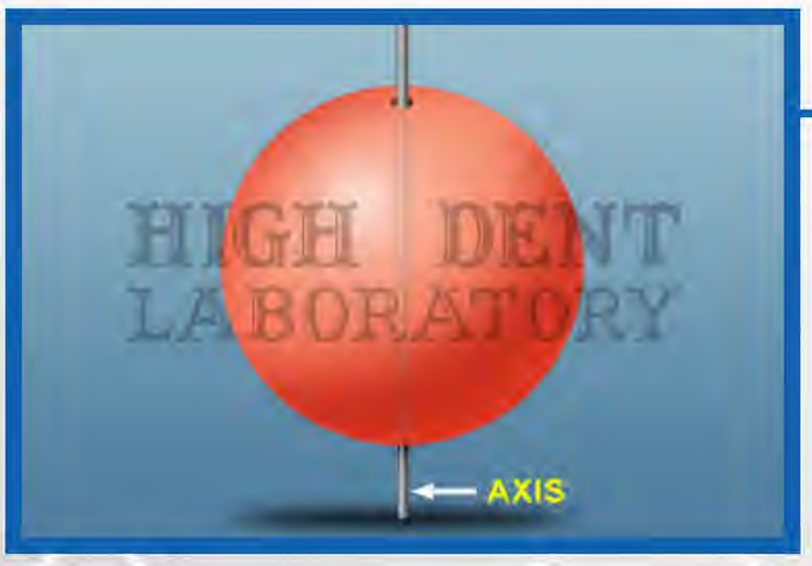

axial

مربوط به یک محور.

axial contour

شکل یک جسم در حالتی که در محور طولی خود قرار دارد

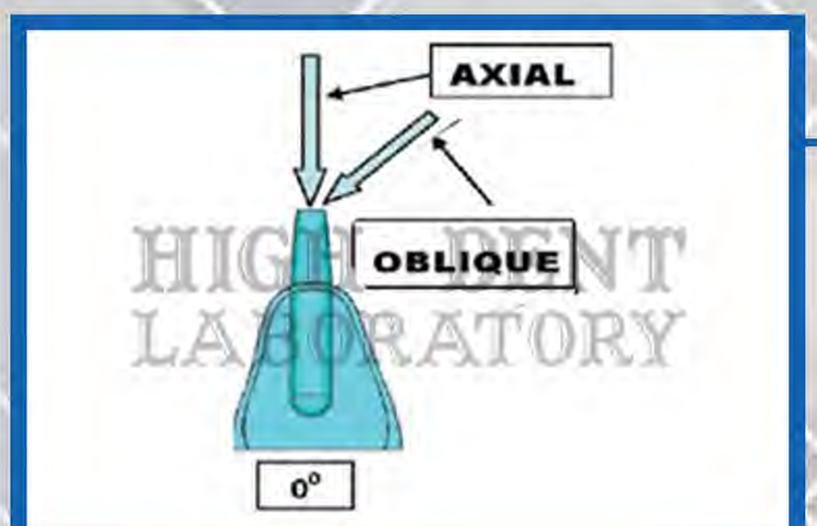

axial loading

نیرویی که در جهت محور طولی یک جسم به آن وارد می‌شود.
(**نوشته ویراستار:** این عبارت معمولاً برای توصیف نیروی حاصل از اکلوزال بر روی یک دندان، ایمپلنت یا شیء وارد می‌شود. واردن شدن نیرو به "محور"، یک اشتباه لغوی است)

axial reduction

میزان برداشت از دندان (تغییر، آماده‌سازی) در راستای محور طولی آن

axial surface

سطح خارجی جسمی که در راستای محور طولی خود قرار دارد .

A

axial wall

۱. دیواره جسمی که در راستای محور طولی خود قرار دارد
۲. در دندانپزشکی :سطحی از آماده سازی دندان که در راستای محور طولی خود قرار دارد.

axis

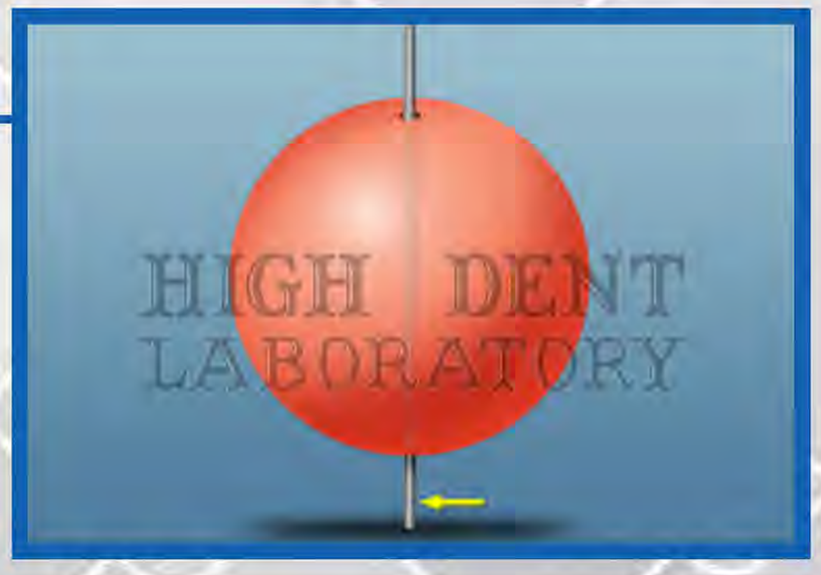

خطی که یک جسم می تواند به دور آن بچرخد و یا یک ساختار اگر می‌توانست ، به دور آن می چرخید.

axis of preparation

خط یا مسیر برنامه ریزی شده جهت قراردهی و برداشتن یک ترمیم دندانی

axle

یک محور یا میله که حرکت چرخشی را هدایت می کند.

B

back pressure porosity

تخلخلی که در ریختگی‌های دندانپزشکی ایجاد می‌شود و باور بر این است که علت آن ناتوانی گازهای درون مولد در خروج، حین ریختگی می‌باشد.

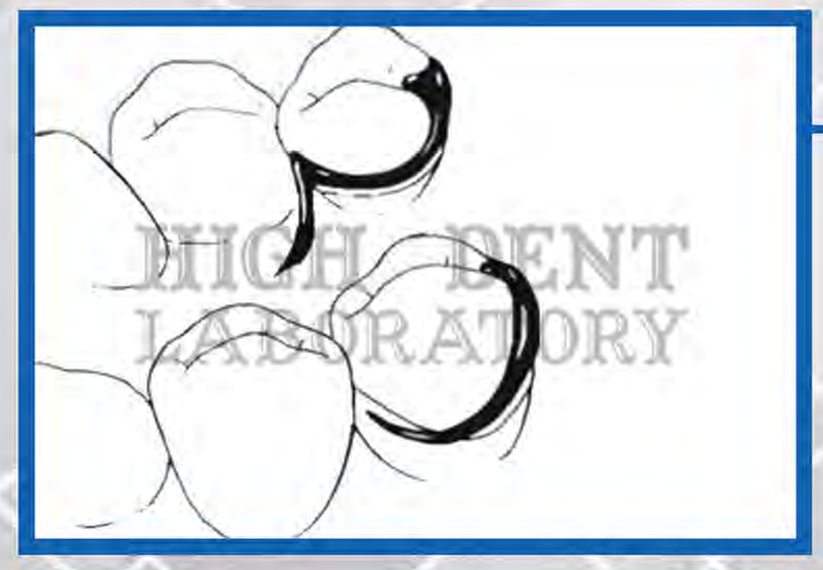

back-action clasp

قلاب محیطی که از باکال سرچشمه می گیرد و دارای تکیه گاهی مسدود کننده با یک بازوی نگهدارنده است.

balance

۱. برابری در وزن ، اندازه یا نسبت.
۲. تماس همزمان دندانهای مسدودکننده در هر دو طرف فکهای مقابل.

balanced occlusion

تماس اکلوزال دو طرفه همزمان قدامی و خلفی دندان‌ها در موقعیت‌های مرکزی و خارج مرکزی.

backing

یک ساپورت فلزی که یک ونیر را به یک پروتز متصل می‌کند.

B

balancing occlusal surface

سطوح تماس یابنده دنچرها در سمت بالانسینگ (قدامی خلی یا طرفی) که برای ثبات دنچرها ایجاد می‌شوند.

balancing side

طرف مقابلی که فک پایین یه آن سمت حرکت می کند. سمت مقابل کاری.

ball attachment

یک ضمیمه خارجی که برای حفظ پروتز توسط یک سوکت کروی نر و ماده استفاده می شود.

ball bearing bite recorder

وسیله ای برای اندازه گیری بسیار دقیق بعد عمودی برای کیسهای خاص. یک بلبرینگ قابل تنظیم به صفحه فلزی در فک مقابل ضربه می زند ، و یک مرجع قابل تنظیم و ثابت مناسب برای تعیین ابعاد عمودی در اختیار پزشک قرار می‌دهد.

bar

یک قطعه فلزی یا چوبی مستقیم یا انحنا دار که طول آن از عرضش بیشتر است .می تواند استفاده های متعددی به عنوان اهرم ، سد ، بست (fastener) ،دسته یا ساپورت داشته باشد. در پروتز نقش اتصال دو یا چند بخش یک پروتز متحرک یا ثابت را ایفا می کند.

B

bar clasp

یک بازوی گیر که بدنه آن از یک اتصال دهنده اصلی یا بیس دنچر گسترش می یابد ،از مجاور بافت های نرم عبور می کند و از یک مسیر ژنژیو و اکلوزال به دندان می رسد.

bar connector

یک قسمت فلزی که طول آن از عرضش بیشتر است و قسمت‌های یک پروتز پارسیل را به هم متصل می کند .

bar overdenture

یک پروتز که توسط یک نوار نگه داشته شده است.

bar retainer

یک بار فلزی که معمولاً بر سطح لینگوال دندان‌ها تکیه می‌کند و برای ثبات آنها و نیز به عنوان نگهدارنده فرعی عمل می‌کند.

basal

متعلق بودن به بستر (base) ، نزدیک به بستر .

B

basal bone

بافت استخوانی مندیبل و ماگزیلا به غیر از زائده آلوئول .

basal ridge

۱. یک ریج در پایه سطح لینگوالی دندان های قدامی
۲. سینگولوم

base

بخشی از دنچر که دندان های مصنوعی را ساپورت می کند و جایگزین ساختار های آلوئولار و بافت های لثه ای می شود .

base material

هر ماده‌ای که بیس دنچر می‌تواند از آن ساخته شود، مثل رزین آکریلی، ولکانیت، پلی استیرن یا فلز

base metal

هر عنصر فلزی که در برابر تارنیش و خوردگی (corrosion) مقاومت نمی کند .

B

base metal alloy

آلیاژی که متشکل از فلزات غیر نابل است

baseplate

یک لایه سخت و نسبتا نازک موم ، shellac (نوعی لاک) یا پلیمر ترمو پلاستیک (توسط گرما ، نور و یا به طور شیمیایی فعال می شود) که بر روی سطوح بی دندانی کست نهایی منطبق می شود تا یک بیس ایجاد شود و به همراه ریم اکلوژن متصل به آن به عنوان یک رکورد بیس عمل می کند

baseplate wax

یک موم سخت که برای ساختن اکلوژن ریم ، موم گذاری دنچر و سایر کار های دندانی استفاده می شود .

basic esthetic composition

آرایش عمومی دندان‌های جلویی که در بیشتر موارد در حالی که هیچ مرجع دیگری مانند مدل قبل از عمل ندارید، می‌توانید از آنها استفاده کنید .
ترکیب اصلی زیبایی شناسی این است:
۱. سانترال ها صاف جلوی دهان ، در صفحه انسداد و نمای عمودی هستند.
۲. جنبه های جانبی در هلال فک قرار دارند ، ۱ تا ۲ میلی متر کوتاهتر از میانه ها و نمای عمودی هستند که محورهای بلند آنها کمی به سمت دیستال کج شده است.
۳. نیش‌های موجود در هلال فک، ۱ تا ۳ میلی متر کوتاهتر از میانه ها ، در لثه با مزیال از ۱ تا ۲ میلی متر با حفره هایی که کمی به بیرون چرخانده شده‌اند و در قسمت‌های دیستال کمی به بیرون می‌چرخند.

bead-brush technique

یک روش برا ی قراردهی یک مخلوط رزینی اتوپلیمریزه بر روی یک سطح ، در این روش نوک یک برس ابتدا در مایع مونومر و سپس در پودر پلیمر فرو می رود و دانه های ریزی شکل می گیرد که به صورت لایه لایه برای ایجاد شکل مورد نظر اضافه می شوند.

beading

B

ایجاد یک سطح نامنظم توسط نقطه (stipples) ، خال، لکه یا سایر موارد مشابه

bennet angle

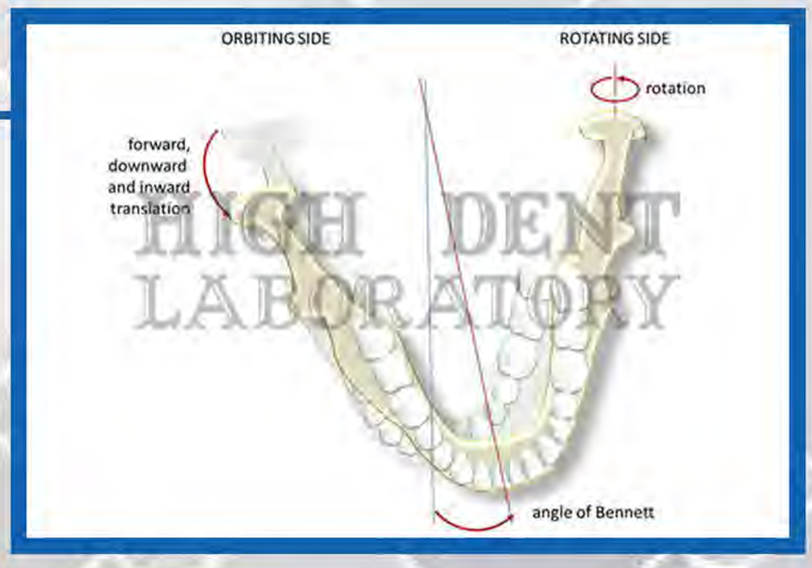

زاویه‌ای که بین صفحه ساژیتال و مسیر میانگین کندیل جلو رونده (advancing) در نمای صفحه افقی حین حرکات طرفی مندیبل ایجاد می‌شود.

Bennett angle

زاویه در سطح افقی بین مسیر کندیل و صفحه ساژیتال.

Bennett movement

حرکت هوایی فک پایین به سمت کار زمانی که کندیل غیر کاری به جلو حرکت می کند.

bevel

۱. یک لبه ی کَج و اُریب
۲. روند اُریب کردن خط خاتمه تراش و انحنای یک آماده سازی دندان

B

bevel preparation

خط خاتمه تراش در آماده سازی روکش که با زاویه ای منفرجه در مارجین، پیچیده شده است و ضمن حفظ تمامیت مارجین، فضای ترمیم را فراهم می کند.

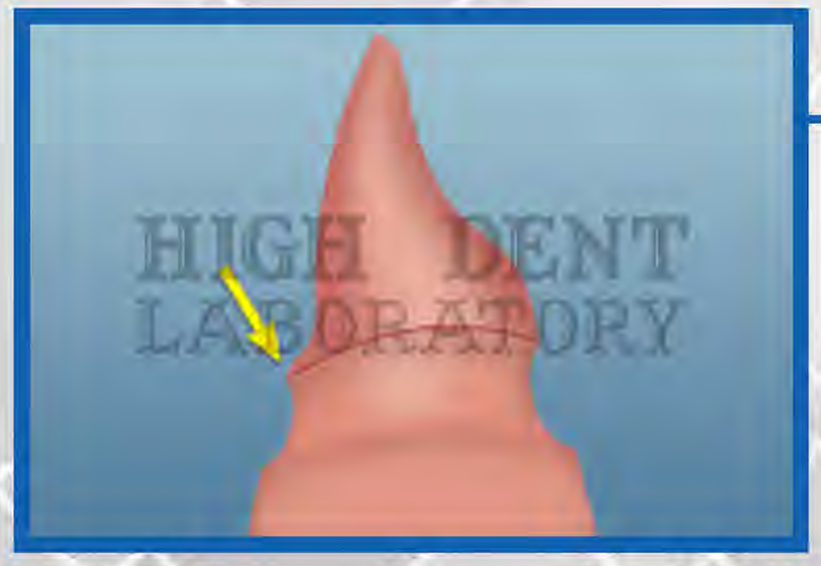

beveled chamfer preparation

آماده سازی با تراشیدن با یک باریکه اضافی در زیر تراش.

beveled shoulder preparation

آماده سازی شانه با باریکه ای اضافه در زیر شانه.

bicuspid

دندانی که عموماً دارای دو تیزی است. دندانهای عقبی جلوتر،در هر قوسفک. دندان چهارم و پنجم از خط میانی.

bifurcation

۱. تقسیم به دو شاخه
۲. محلی که در آن ،یک ساختار تکی به دو قسمت تقسیم می شود ، همان دو ریشه یک دندان

B

bilateral

داشتن یا متعلق بودن به دو طرف ، دو طرفه

bilateral balanced articulation

تماس های اکلوزال دو طرفه همزمان قدامی و خلفی دندان ها در موقعیت های مرکزی و خارج مرکزی .

bilateral partial denture

پروتز جزئی که از هر دو طرف فک ساپورت میگیرد.

biocompatible

دارای توانایی حضور در هارمونی با محیط بیولوژیک احاطه کننده .

biocopy

استفاده از نمایش دیجیتال دندانپزشکی طبیعی برای طراحی ترمیم سازگار.

B

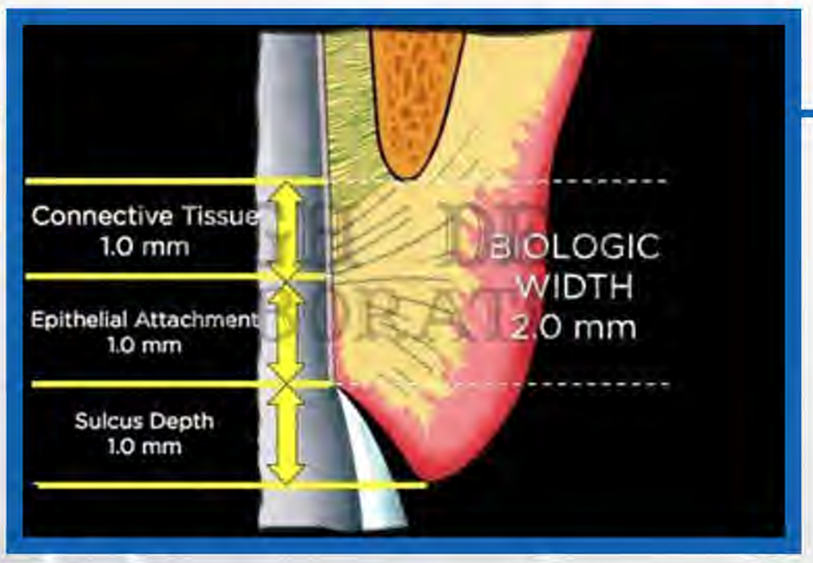

biologic width

مجموع عرض بافت همبند و اتصال اپی تلیوم junctional که در مجاور یک دندان و بالای استخوان کرست شکل می گیرد.

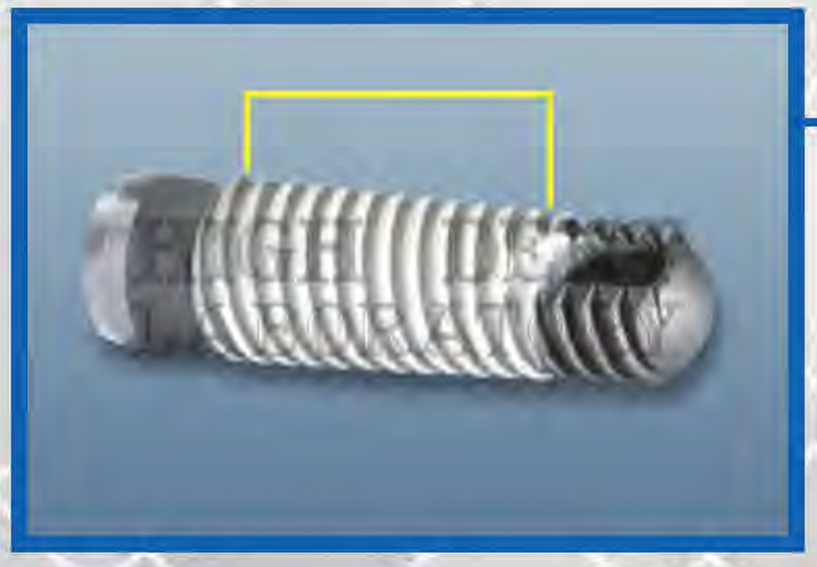

biomaterial

هر ماده ای غیر از دارو که می تواند برای هر مدت زمانی به عنوان بخشی از یک سیستم درمانگر، ارتقا دهنده، جایگزین بافت، عضو یا عملکرد بدن استفاده شود.

bisque bake

مجموعه ای از مراحل بلوغ در پخت مواد سرامیکی که مربوط به درجه واکنش pyrochemical و انقباض sintering پیش از گلیز شدن (شیشه ای شدن) می باشد .
همچنین گفته می شود biscuit bake .

bite

عمل بریدن یا له کردن بین دندان ها

bite block

دستگاه مومی که توسط پزشک برای ثبت رابطه فکهای بیمار استفاده می شود.

B

bite classification

سیستم طبقه بندی روابط بین دندانهای مخالف.

bite plane

۱. یک سطح خمیده خیالی که توسط لبه های برنده دندانهای جلویی و سطوح بسته دندانهای عقبی ایجاد شده است. به دنبال این انحنای طبیعی دندانها ، در زیر منحنی Spee ، با قوس بالایی در پشت و منحنی بالاتر از آن به سمت خارج ، زیر منحنی ویلسون است.
۲. سطح مسطح یا خمیده ای که برای تنظیم دندان های مصنوعی استفاده می شود.

bite plate

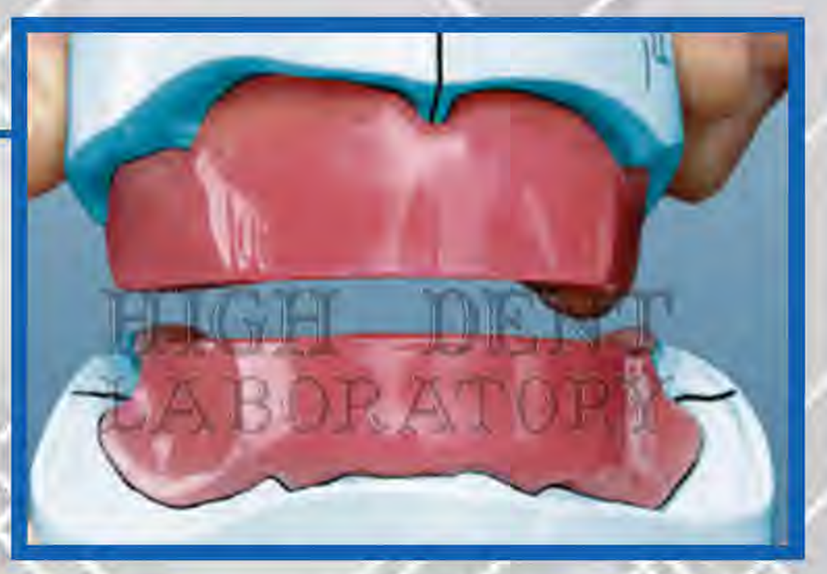

وسیله ای مومی برای شکل گرفتن از منحنی فک ، که برای ثبت نیش و تهیه پایه برای دندان های مصنوعی هنگام تنظیم از آن استفاده می شود.

bite registration

ثبت ارتباط فک در ابعاد محور و ایعاد عملکردی عمودی

blade form implant

ایمپلنت کاملاً منسوخ یا یدنه باریک ، افقی ، تیغه ای یا گوه شکل با دهانه یا برشهایی که استخوان در آنها رشد می کند.

B

bleach

سفید کردن دندان ها به روش شیمیایی.

blend

۱. انتقال تدریجی یک رنگ از شکل یا بافت به رنگ دیگر.
۲. ترکیب تدریجی رنگها برای تولید رنگی متفاوت.

block out

۱. حذف اندرکات های نامطلوب بر روی یک کست
۲. روند استفاده از موم یا ماده موقت مشابه در نواحی اندرکات یک کست به منظور باقی گذاشتن اندرکات های ضروری در ساخت برنامه ریزی شده یک پروتز.یک کست بلاک اوت شده ممکن است شامل سایر تغییرات سطحی مورد نیاز مربوط به ساخت پروتز باشد .

block out wax

مومی که از آن برای مسدود کردن قالبها استفاده می شود.
-۱ موم با درجه حرارت بالا که می تواند قبل از موم کاری با موم با درجه حرارت پایین، قالب را مسدود کند.
-۲ یک موم نرم و قابل استفاده ، که قبل از ریختن مدل به راحتی در قالبها شکل می گیرد. می توان از آن برای ساخت پایه ، ساخت اسپلینت یا قالب تزریق ، استفاده کرد.

body porcelain

یک مخلوط پرسلن که برای تامین قسمت عمده حجم یک ترمیم سرامیکی به کار می رود.

B

body/enamel blend

انتقال تدریجی بدنه چینی به مینا ی چینی در ترمیم با سرامیک.

boil out

پاک کردن موم از قالب با استفاده از آب جوش.

Boley gauge

یک گیج پرگاری شکل لغزشی (sliding)که برای اندازه گیری ضخامت و ابعاد خطی استفاده می شود .

bond

۱. اتصال بین دو اتم یا رادیکال های یک ترکیب شیمیایی.
۲. نیرویی که دویا چند واحد جسم را متصل به هم نگه می دارد.

bond failure

جدایی ناخواسته سطوح چسبیده شده. مشکل پیوند دندان به طور معمول به یکی از دو دلیل زیر یا ترکیبی از هر دو است:
۱. مشکل چسب در جایی که چسب از وسط شکسته شود و بقایای چسب روی هر دو سطح باقی بماند.
۲. عمل نکردن چسب (شایع ترین دلیل) در جایی که چسب از یک سطح جدا شود.

B

bond strength

نیرویی که لازم است تا یک مجموعه متصل، شکسته شود و محل شکستگی در محل چسب یا حد واصل سطوح چسبنده باشد .

bonding

۱. متصل کردن محکم ، با استفاده از یک ماده چسبنده نظیر سمان یا چسب
۲. فرایند استفاده از یک ماده چسبنده ، ماده سمان کننده یا عوامل ذوب شونده جهت به هم پیوستن،، یکی کردن یا قوی کردن
۳. یک روش ادهزیو در دندانپزشکی که شامل آماده سازی مینا و یا عاج جهت ایجاد tagهایی در ساختار دندان برای تامین گیر مکانیکی ماده ترمیمی می‌باشد.

bonding agent

ماده که جهت بهبود adhesion یا cohesion بین دو ماده مختلف یا بین یک ماده و ساختار های دندان طبیعی استفاده می شود.

bone

بخش سفت بافت همبند که بخش اعظم اسکلت را تشکیل می دهد ، از یک بخش غیر آلی یا معدنی و یک بخش آلی تشکیل شده است (ماتریکس و سلول ها).ماتریکس از فایبرهای کلاژونی تشکیل شده که به مواد معدنی آغشته اند .

bone level implant

کاشت دندان که در آن سکوی پروتز همسطح با استخوان قرار می گیرد. معمولاً با استفاده از بافت خشن که به سکوی پروتز منتقل می شود ، شناخته می شود.

B

Bonwill triangle

Eponym برای یک مثلث متساوی الاضلاع به ضلع ۱۰cm که اضلاع آن از اتصال نقطه تماس لبه انسیزال مندیبل (یا خط وسط ریج باقیمانده مندیبل) و کندیل ها (معمولا نقطه وسط کندیل) ایجاد می شود .

border

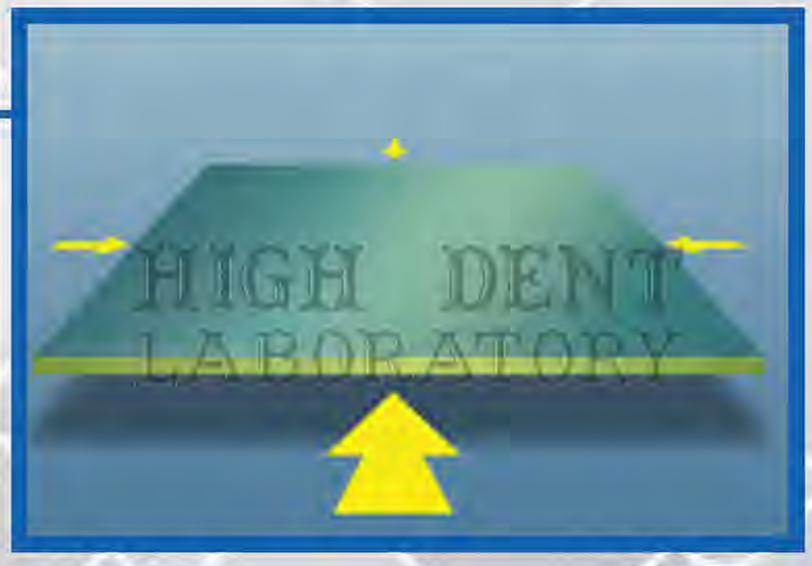

مارجین ، لبه یا سطح پیرامونی و دور تا دور یک خط ، لبه یا سطح اتصال (bounding)

border molding

۱. شکل دهی به نواحی لبه‌ای یک ماده قالب‌گیری توسط حرکات عملکردی یا دستی بافت نرم مجاور لبه ها جهت ثبت کانتور و اندازه و ستیبول
۲. تعیین گسترش یک پروتز با استفاده از عملکرد بافت یا حرکت دادن بافت توسط دست جهت شکل‌دهی به نواحی لبه‌ای یک ماده قالب‌گیری.

border movement

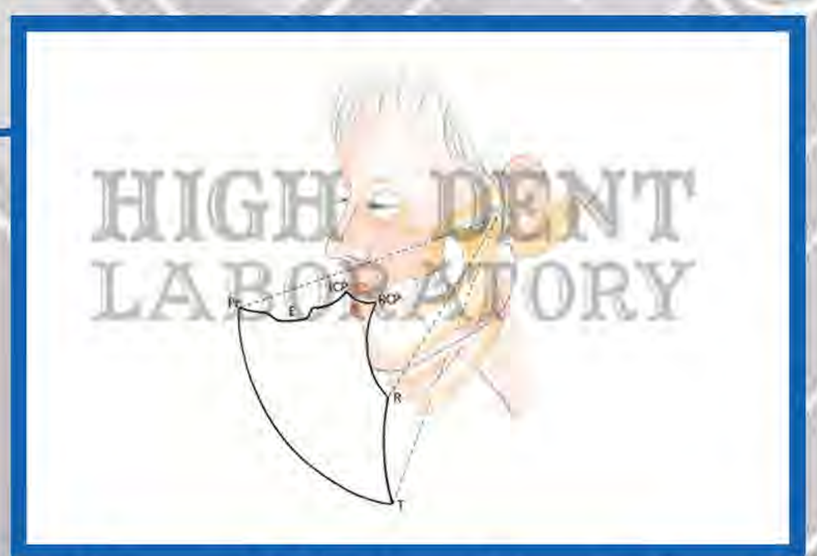

حرکت مندیبل در محدوده‌هایی که توسط ساختارهای آناتومیک ایجاد می‌شود، هنگامی که در یک صفحه مشخص مشاهده شود.

border seal

تماس لبه دنچر با بافت های زیر یا مجاور جهت جلوگیری از هوا یا سایر مواد .

B

box preparation

یک شکل جعبه مانند که برای آماده سازی تاج برش داده شده و اجازه می دهد که یک فضا برای اتصال ایجاد شود.

boxing

محاصره یک جسم با موم برای داشتن یک ماده مایع مانند گچ یا سنگ.

boxing wax

مومی که برای باکسینگ یک قالب به کار می رود.

braces

اصطلاح رایج برای سیستم باندهای ارتودنسی ، براکت ها و سیم ها برای حرکت دادن دندان ها.

bracing arm

بازوی سفت و محکم یک بسته که دستگاه را تثبیت کرده و در برابر هرگونه فشار که توسط بازوی نگهدارنده وارد شود، مقاومت می کند.

B

bracket

یک ابزار ارتودنسی که به هر دندان متصل می‌شود تا آرچ وایرها را نگه دارد.

braze

اتصال دادن توسط یک آلیاژ غیرآهنی که دمای ذوب آن از فلزاتی که باید به هم متصل شوند، کمتر است.

brazing investment

نوعی اینوستمنت که دارای یک سیستم اتصال متشکل از فسفات اسیدی نظیر فسفات مونو آمونیوم و یک اکسید بازی نظیر اکسید منیزیوم می‌باشد.

bridge

۱. ساختاری که اتصال را فراهم می کند.
۲. ترمیم ثابت که دو یا چند دندان را پوشش می دهد. به صورت شل استفاده می شود تا ترمیم هایی مانند اسپلینت و کناف ها انجام شود.

bridge work

ترمیم های غیر متحرک دندان که دو یا چند دندان را پوشش می دهد. به صورت شل برای دربر گرفتن کانتیلور بریج ها و اسپلینت و تمایز از ترمیم های متحرک استفاده می شود.

B

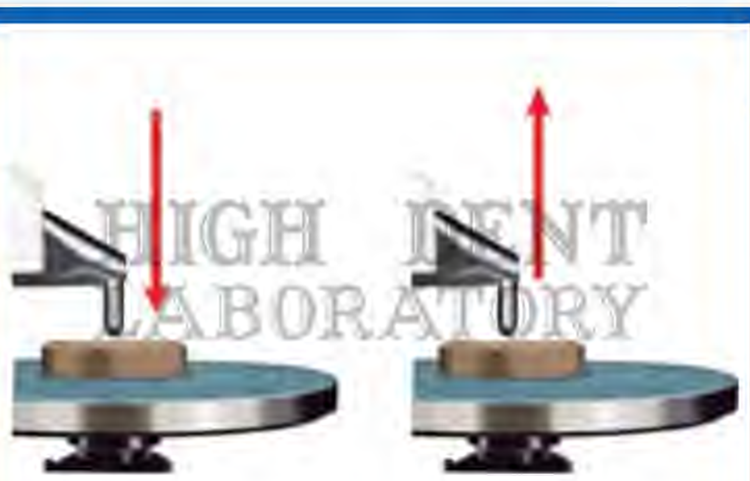

Brinell hardness

اندازه گیری سختی حاصل از ضربه زدن به توپ کاربید تنگستن به سطح ماده ای که در حال اندازه گیری است.
عدد سختی برینل، اندازه گیری وزنی اعمال شده بر سطح تقسیم بر اندازه تورفتگی ساخته شده توسط توپ کاربید تقسیم محاسبه می شود.

broken arm casting machine

دستگاه ریخته گری با چهارچوب معلق حلقوی شکل که تراشه و حلقه ریخته گری را نگه می دارد. در طول شتاب اولیه ، زاویه قائمه و بازوی ریخته گری با نیروهای اینرسی هم تراز می شود. با چرخیدن دستگاه ، شتاب کاهش می یابد و چهارچوب معلق تا زمان هم تراز شدن با بازوی ریخته گری نوسان می کند و نیروی اینرسی فلز را در قالب به حداکثر می رساند.

broken stress bridge

پلی که در آن یک یا چند اتصال دهنده ثابت با یک مفصل جایگزین می شود و اجازه مقداری حرکت میدهد.

brush

۱. وسیله ای مو دار به منظور نقاشی یا قرار دادن پرسلن یا لکه ها جای لازم.
۲. برای اعمال ، تمیز یا شکل دهی با یک برس.

bruxism

۱. ساییدن (grinding) پارافانکشنال دندان ها ، دندان قروچه
۲. یک عادت دهانی که شامل فشردن gnashing ، ساییدن grinding یا clenching غیر ارادی و غیر عمدی دندان ها به صورت ریتمیک و دوره ای spasmodic و غیر فانکشنال ، ومتفاوت با حرکات مضغی مندیبل می شود .همچنین گفته می شود occlusal neurosis ، tooth grinding

B

buccal

متعلق بودن به گونه یا نزدیک گونه ، گونه ای

buccal corridor

جداسازی بصری بین گونه ها و سطح باکال دندانهای عقبی ، که در هنگام لبخند زدن فرد مشاهده می شود.

buccal depression

گودی کم عمق بر سطح باکال یک دندان عقبی در نزدیکی یک سوم میانی.

buccal dissectional groove

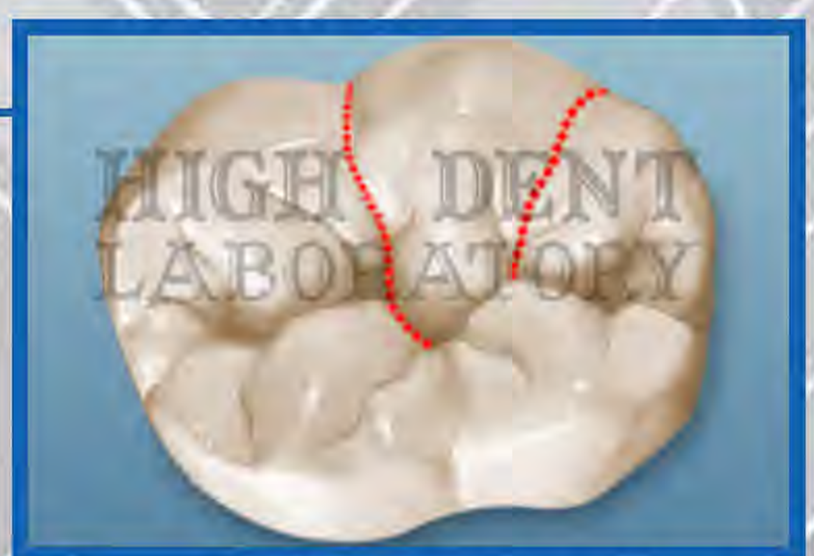

شیار جداکننده بر روی دندان آسیاب که از برش مرکزی شیار به سمت باکال عبور می کند ، قفسه های باکال را جدا کرده وتا سطح باکال ادامه می یابد.

buccal embrasure

فضای V شکل بین سطوح منحنی پروگزیمال دندانهای خلفی مجاور، باکال تا سطح تماس دندان ها.

B

buccal flange

بخشی از لبه flange دنچر که وستیبول باکال دهان را پر می کند .

buccal frenum

یک قطعه مخاط غشایی که مخاط باکال را به مخاط آلوئولار در ناحیه پرمولر هر دو فک وصل می کند. فرنا باکال ، دهلیزهای لبی را از دهلیز باکال جدا می کند.

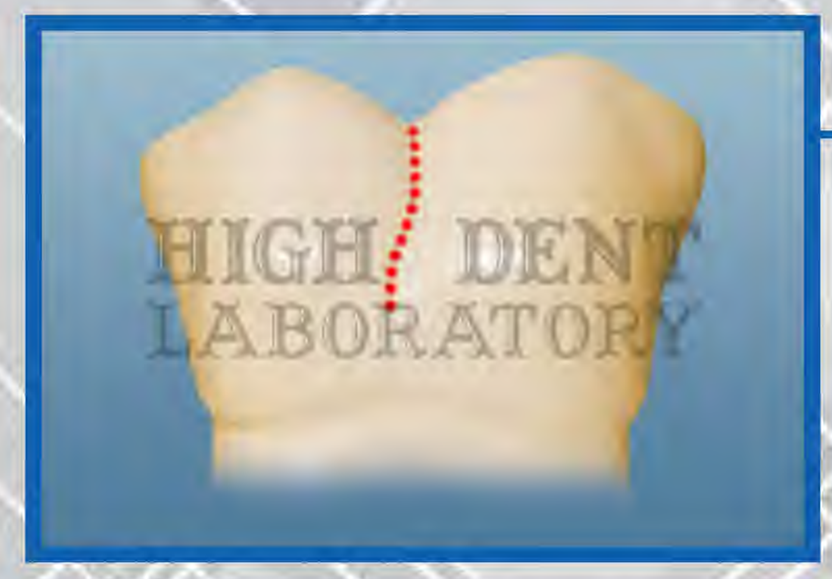

buccal groove

گسترش شیار برشی باکال بر روی دندان آسیاب از محیط انسداد پایین سطح باکال به سمت محل اتصال سیمانامالی .

buccal mucosa

غشای مخاطی که گونه را پوشانده است.

buccal overjet

وضعیت طبیعی دندانهای عقبی در انسداد مرکزی است که در آن ، تیزی باکال دندانهای عقبی فوقانی بر روی مکانهای باکالی دندانهای عقبی پایین گسترش می یابد.

buccal pouch

B

۱. فضای بین گونه و پروسه آلوئولار.
۲. انتهای عقبی دهلیز باکال که اغلب در بیماران مسن در ناحیه آسیاب اول مدل فوقانی دیده می شود. در ساخت دندان مصنوعی بسیار مهم است به طوری که پروتز فوقانی در روند کورونوئید راموس اختلال ایجاد نکند.

buccal sulcus

گودی بین گونه و روند آلوئولار هر فک ، که از چین غشایی باکال شروع می شود و تا قسمت پشت دهان گسترش می یابد.

buccal surface

سطح دندان خلفی رو به روی گونه

buccal vestibule

بخشی از حفره دهان که از یک سمت به دندان ها ، لثه و ریج آلوئولار (در افراد بی دندان، ریج باقیمانده) و از سمت جانبی به گونه در خلف فرنوم های باکال محدود شده است .

buccinator

عضله پهن و نازک گونه ، که گونه را صاف کرده و گوشه های دهان را جمع می کند. در ناحیه آسیاب به به فک پایین و فک بالا و رباط گلو متصل می شود و الیاف آن تا داخل orbicularis oris گسترش می یابد.

B

buccolingual

۱. گسترش از گونه به زبان.
۲. فاصله از باکال تا لینگوالی.

bucco-lingual rotational axis

یک محور چرخشی که از باکال زبانی سطح افقی می رود.

buccoversion

یک انحراف به سمت گونه

build

برای اضافه کردن پرسلن مرطوب به ترمیم در آماده سازی برای در آتش رفتن. از آنجا که پرسلن در هنگام در پخت اندک کوچک می شود ، برای احیای اندازه مناسب پس از در پخت، هر ترمیم باید کمی برزگتر ساخته شده باشد.

building

روند اضافه کردن پرسلن مرطوب به ترمیم در آماده سازی برای در پخت.

bulge

یک طرح گرد از یک سطح. باد کردگی

BULL rule

مخفف "Buccal of Upper، Lingual of Lower" روشی برای تنظیم انسداد توصیف شده توسط دکتر کلید اچ. شویلر که در آن تنظیم سطوح شیب دار تیزیهای فوقانی باکال و تیزیهای زبانی پایین به منظور حفظ ایستگاهای مرکزی بر روی تیزیهایی که به طور معمول در انسداد هستند انجام شود.

bur

یک وسیله چرخنده برنده از جنس استیل یا کارباید تنگستن ، فرز

burnish

براق یا درخشان کردن توسط مالش ، همچنین آسان کردن تطابق لبه ای ترمیم ها با استفاده از یک وسیله

burn out

۱. صاف یا صیقلی کردن با مالش.
حذف موم ازداخل مولد (mold)، معمولا با حرارت.

B

burnout

روند از بین بردن الگوی مومی از قالب توسط حرارت.

burnout furnace

کوره ای که برای از بین بردن موم از قالب در مرحله آماده سازی ریخته گری استفاده می شود.

burnout temperature

دمایی که برای از بین بردن موم و گسترش و آماده سازی قالب برای ریخته گری به درستی به دست می آید ، عموماً در محدوده ۹۰۰ تا ۲۰۰۰ درجه فارنهایت است.

butt joint

مفصل تشکیل شده توسط دو سطح به طور مربعی در کنار هم قرار گرفته و بدون همپوشانی است.

butt margin

۱. آماده سازی که در آن دیواره محوری از حاشیه لثه برداشته می شود و یک پله را در حدود ۹۰ درجه از عمودی می گذارد.
۲. چینی برای ترمیم فلز با چینی که تمام راه را برای آماده سازی مارجین بسط می دهد و هیچ فلزی در معرض آن باقی نمی ماند.

B

button implant

یک شیار فلزی قارچ شکل که به سطح بافت یک دندان مصنوعی متحرک متصل شده است که در مقابل گیرنده جراحی آماده شده و برای حفظ مخاط قرار می گیرد.

C

CAD

فرآیند طراحی ترمیم دندان در کامپیوتر.

CAD file

یک فایل رایانه ای که شامل تمام داده هایی است که سطح هندسی یک جسم اسکن شده را توصیف می کند.

calcification

فرآیندی که طی آن دندانها تشکیل با رسوب نمک های کلسیمی سخت می شوند.

calculus

پلاک هایی که توسط نمک های معدنی مانند کربنات کلسیم سخت شده است.

CAD/CAM

مخفف Computer Aided Design - Computer Aided Manufacturer (یا Computer Adied Machining)

calibrate

تنظیم یک ابزار برای اندازه گیری دقیق

calibration

فرآیند تنظیم دقت یک ابزار

calibration target

یک شکل یا الگویی که به عنوان یک مرجع پایدار برای کالیبراسیون یک اسکنر استفاده می شود.

caliper

یک ابزار کالیبره شده که برای اندازه گیری ضخامت یا قطر استفاده می شود.

CAM

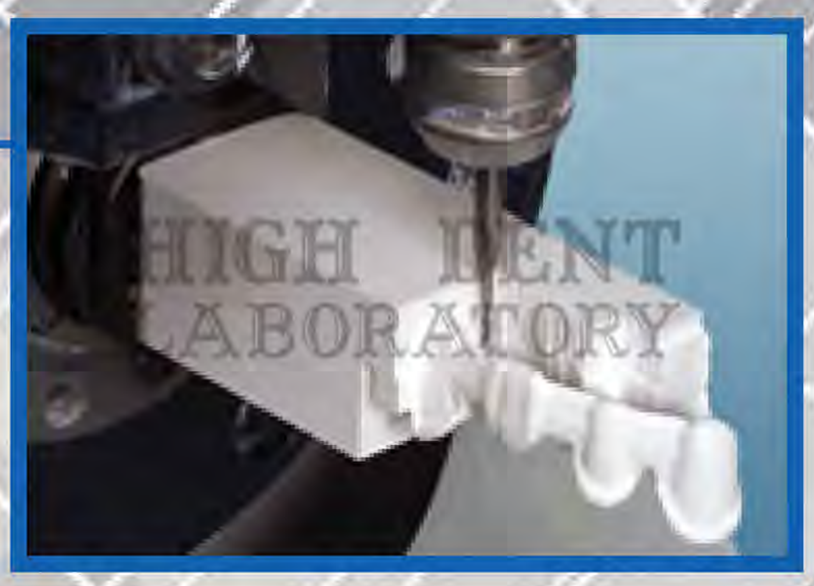

فرآیند ساخت ترمیم دندان که بر روی رایانه طراحی شده است.

C

cameo surface

بخش قابل مشاهده یک پروتز پارسیل متحرک؛ بخشی از سطح دنچر که از لبه دنچر به سمت اکلوزال گسترده می شود و شامل سطوح فاسیال، لینگوال و پالاتال می‌گردد. معمولا بخشی از دنچر بیس است که پالیش شده و سطح باکال و لینگوال دندان‌ها را نیز شامل می‌شود.

cancellous bone

بخش شبکه ای اسفنجی یا توری مانند استخوان ، بافت استخوان اسفنجی موجود در مدولای استخوان که متشکل از یک شبکه ترابکولار متغیر حاوی بافت بینا بینی است و می تواند هماتوپوئتیک باشد.

canine

دندانی که یک کاسپ منفرد دارد و برای پاره کرن مواد غذایی استفاده می‌شود. دیستال ترین دندان‌های جلویی در هر فک. دندان سوم از خط میانی.

canine eminence

برجستگی لبیال بر روی زائده آلوئولار ماگزیلا که مربوط است به موقعیت ریشه دندان کانین .

canine guidance

جداسازی دندانهای عقبی در گردش جانبی به دلیل تماس بین دندان های نیش مخالف.

C

canine protected articulation

یک فرم از آرتیکولاسیون محافظت شده دوطرفه که در آن همپوشانی افقی و عمودی دندان‌های کانین، باعث جدا شدن دندانهای خلفی در حرکات خارج مرکزی مندیبل می‌شود.

canine protection

یک فرم از آرتیکولاسیون محافظت شده دوطرفه که در آن همپوشانی افقی و عمودی دندان‌های کانین، باعث جدا شدن دندانهای خلفی در حرکات خارج مرکزی مندیبل می‌شود.

cantilever

یک میله یا عضو بیرون زده که تنها در یک انتها ساپورت دارد.

cantilever bridge

پلی که در آن دندانهای مصنوعی توسط پایه ها و تنها در یک انتها ساپورت می شوند.

cantilever fixed dental prosthesis

یک پروتز ثابت که پونتیک آن کانتی لور شده است. برای مثال پونتیکی که فقط در یک سمت گیر و ساپورت خود را از یک یا چند اباتمنت می‌گیرد.

C

cap

۱. پوشش.
۲. اصطلاح عامیانه برای تاج دندان ، که دندان را با ترکیبی از فلز ، پرسلین، اکریلیک یا کامپوزیت پوشش می دهد.

cap clasp

قلاب متشکل از یک لایه انسدادی ، یک بازوی نگهدارنده و یک بازوی متقابل.

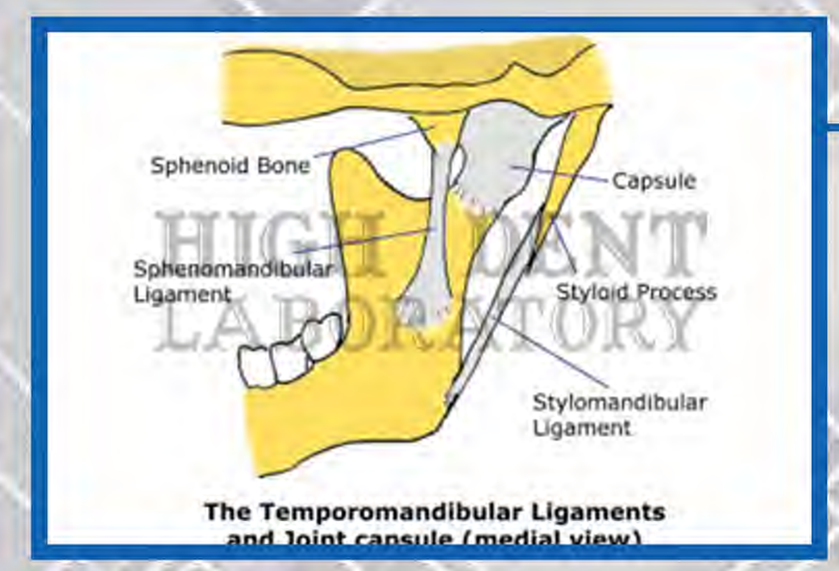

capsular ligament

در ارتباط با مفصل گیجگاهی فکی ، یک ساختار فیبروز که به صورت جداگانه ، فضاهای سینوویال بالایی و پایینی این مفصل را در بر می گیرد (encapulate)

Carabelli cusp

برآمدگی برجسته شده بر روی تیزی mesio-lingual از یک آسیاب فوقانی ، که اغلب در مولر اول آسیاب دیده می شود.

carbide bur

یک وسیله چرخشی برنده (فرز) که از کارباید تنگستن ساخته شده است.

C

caries

یک بیماری دندانی که باعث تخریب مینا ، عاج وسمان دندان می شود . اتیولوژی آن عموما به باکتری های تولید کننده اسید مربوط می شود.

carve

شکل دادن یک جسم از یک ماده جامد با برش یا خراش دادن.

carver

ابزاری که برای حکاکی استفاده می شود.

carving wax

موم ریخته گری به طور خاص برای حکاکی بدون پارگی و تحریف طراحی شده است.

cast

یک پیکره شبیه سازی شده (likeness) با اندازه واقعی که درون یک ماتریکس یا قالب از فرم دلخواه شکل می گیرد و یا ماده ای است که درون آن ریخته می شود.

C

cast clasp

یک کلاسپ (بازو) پروتز متحرک که با روش ریختگی حذف موم ساخته شده است.

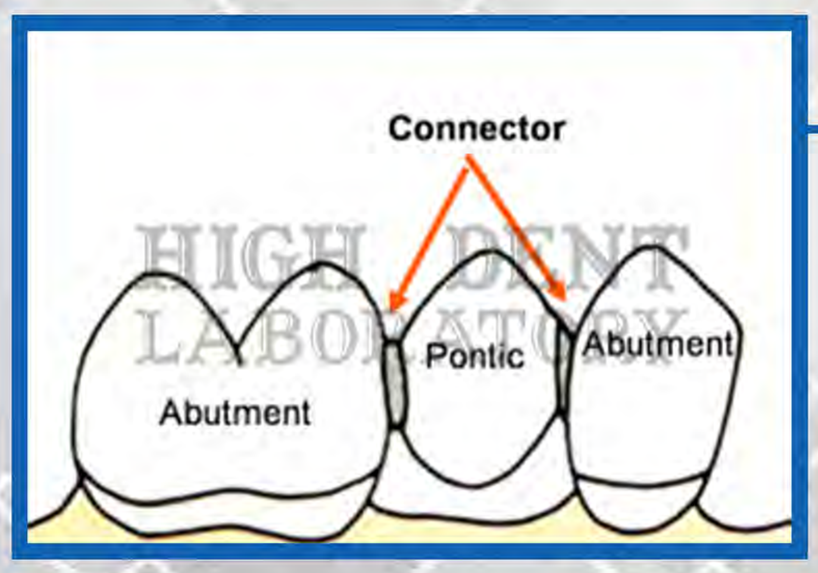

cast connector

یک اتصال فلزی ریختگی بین نگهدارنده (ها) و پونتیک (ها) در یک پروتز ثابت

cast metal

ترمیم دندان با روش ریخته گری موم از دست رفته ساخته شده است

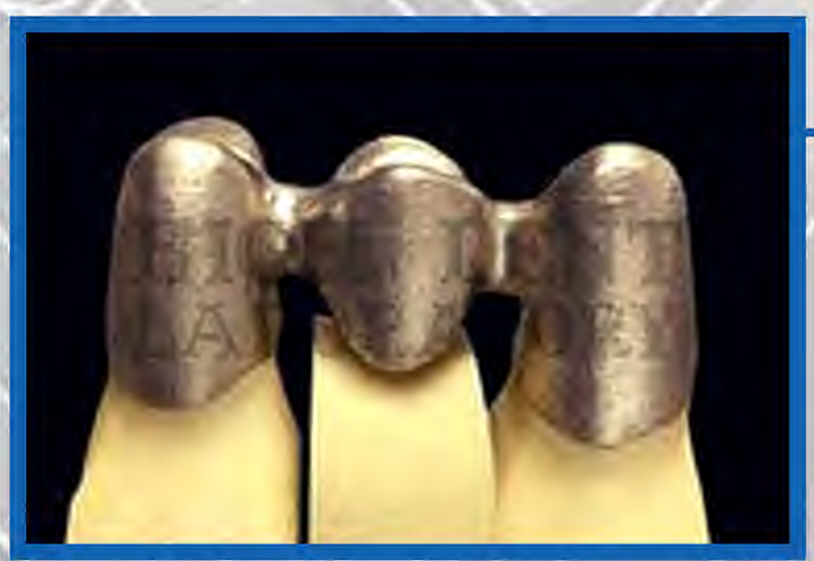

cast metal core

ترمیم زیرساخت (foundation) که به صورت غیر مستقیم با روش حذف موم برای یک پروتز ثابت ساخته می‌شود.

cast partial

پروتز جزئی متحرک از چارچوب چدن که از چارچوب فلزی تشکیل است که معمولا حاوی دندان‌های مصنوعی در یک رزین اکریلیک می باشد.

cast post and core

یک ترمیم زیرساخت (foundation) یک تکه ریختگی برای دندانی که درمان ریشه شده است. این ساختار شامل یک پست در کانال ریشه و یک کُر چایگزین کننده ساختار کرونال از دست رفته دندان برای فرم دادن آماده‌سازی دندان جهت روکش می‌باشد.

castable

هر ماده rafractory که دارای یک عامل باندینگ است و می‌تواند با آب یا سایر عوامل مایع مخلوط گردیده و در یک مولد (mold) ریخته شده تا ست شود.

castable ceramic

- برای کاربرد های دندانپزشکی ، یک ماده سرامیک - شیشه ای که خصوصیات یک ماده ترمیمی برای عملکرد را به همراه قابلیت ریختگی با روش حذف موم دارا باشد

casting

عمل شکل دادن یک شئ در یک مولد (mold)

casting investment

موادی که به طور خاص برای انجام ریخته گری تولید شده است.

C

casting machine

ماشینی که در آن مواد مذاب با کمک نیروی گریز از مرکز ، وزن ، فشار و / یا خلاء در قالب ها ریخته می شوند.

casting ring

یک لوله فلزی که در آن یک مولد refractory جهت ریختگی ترمیم های دندانپزشکی ساخته می شود.

casting wax

یک ترکیب متشکل از موم های مختلف با خصوصیات مطلوب جهت ساختن الگو های مومی که تبدیل به ریختگی های فلزی می گردد .

cast-to

تکنیکی که قطعات سفارشی موم کاری شده و مستقیماً به اجزای فلزی معین ریخته می شوند ، نه اینکه بعداً لحیم کاری یا جوش داده شوند.

cast-to abutment

پایه ایمپلنت که با استفاده از تکنیک cast-to به صورت سفارشی قابل انجام است. کامپوننت یک پایه مومی یا پلاستیکی برای ساپورت کردن از ترمیم آینده، اصلاح شده است و سپس در فلز ریخته گری می شود.

C

catalyst

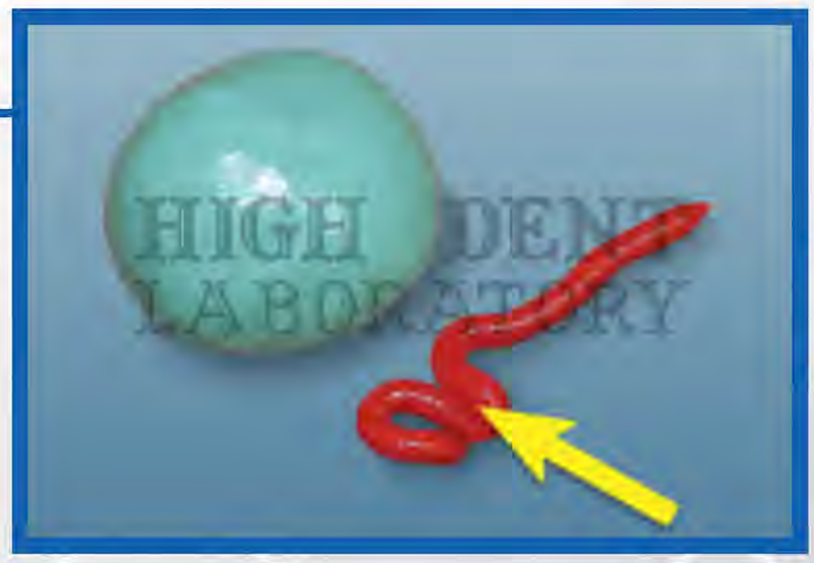

ماده ای که سبب شتاب بخشیدن به یک واکنش شیمیایی بدون تاثیر بر خواص مواد شرکت کننده در آن می باشد.

cavity

۱. سوراخ.
۲. حفره در دندان که معمولاً در اثر پوسیدگی ایجاد می شود.

cavum oris

داخل دهان

CDL

در ایالات متحده، یک لابراتوار دندانپزشکی که استانداردهای لازم از نظر مهارت‌های کارکنان، امکانات و تجهیزات و رعایت کنترل عفونت را دارا بوده و مورد تایید بورد ملی لابراتوارهای دندانپزشکی آمریکا باشد
مخفف: Certified Dental Laboratory

CDT

در ایالات متحده ، به یک تکنسین دندانپزشکی که توسط هیئت ملی صدور گواهینامه در فناوری آزمایشگاه دندانپزشکی تأیید شده است ، گفته می شود.
مخفف: Certified Dental Technician

C

CEJ

جایی که سیمانه دندان و لثه با هم برخورد می کنند.
مخفف: cemento-enamel junction

cement

یک ماده که با سفت شدنش ، یک فضا را پر ، و یا اجسام مجاور را به هم متصل می کند .
یکی کردن یا محکم کردن توسط سمان ، چسباندن .

cement gap

فضایی که در داخل ترمیم ثابت قرار دارد ، ضخیم تر از بدنه آماده سازی و در حاشیه، باریک تر است ، تا فضای سیمان فراهم شود. بدون چنین شکافی ، تاج به دلیل ضخامت اشغال شده سیمان کاملاً روی دندان نمی ماند.

cement retained

ترمیم دندان که توسط سیمانه حافظت می شود.

cementation

۱. روند اتصال اجزا توسط سمان
۲. اتصال یک ترمیم به دندان‌های طبیعی توسط سمان

C

cemento-dentinal junction

محل یکی شدن عاج و سمنتوم

cementum

بافت نازک کلسیفیه با منشا اکتومزانشیم که ریشه دندان را می پوشاند.

central

۱. مربوط به مرکز یک شی.
۲. یک نیش مرکزی ، یکی از دو دندان در وسط فک .

central bearing tracing

الگویی که در صفحه افقی توسط ابزار central bearing traci ng به دست می آید.

cemento-enamel junction

۱. محل یکی شدن عاج و سمنتوم
۲. ناحیه ای در سرویکال دندان که مینا و سمنتوم به یکدیگر می رسند .

C

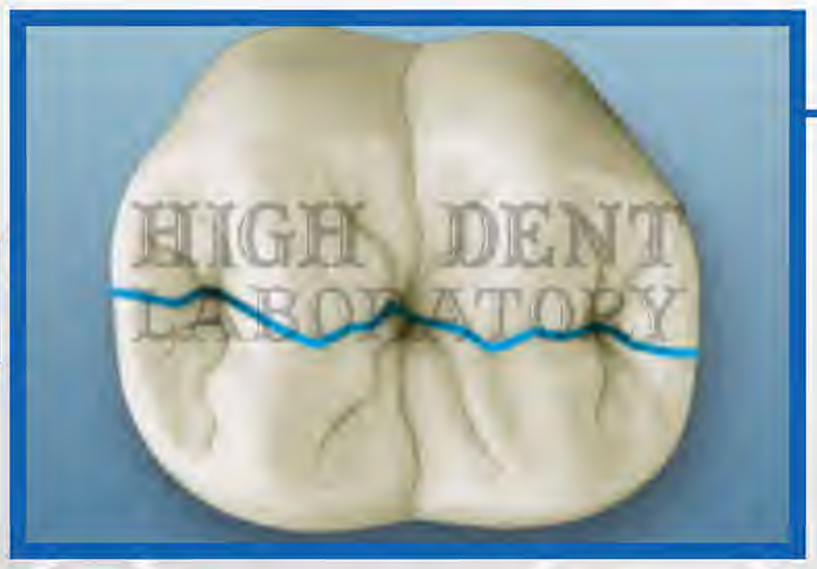

central dissectional groove

شیاری در سطح اکلوزالی دندان عقبی است که از مزیال به دیستال عبور می کند و دندان را به قسمت های باکال و لینگوال جدا می کند.

central fossa

یک فرو رفنگی کم عمق تقریباً در وسط سطح اکلوزال یک دندان آسیا ، هم مرز با تیزی شکاف و محیط انسداد یافت می شود. گاهی اوقات برای توصیف فوسای میان دهانی دندان دو پایه دوم پایین استفاده می شود.

central incisor

یکی از دو دندان جلویی در وسط فک فوقانی یا تحتانی. دندان کنار خط میانه. غالباً فقط مختصر "مرکزی" است.

centric

۱. واقع در یا درون یک مرکز، مرکزی
۲. متمرکز درباره یا جهت یافته به سوی یک مرکز

centric occlusion

اکلوژن دندان های مقابل هنگامی که مندیبل در رابطه مرکزی است. این اکلوژن می‌تواند با موقعیت حداکثر تماس بین کاسپی منطبق باشد یا نباشد.

C

centric relation

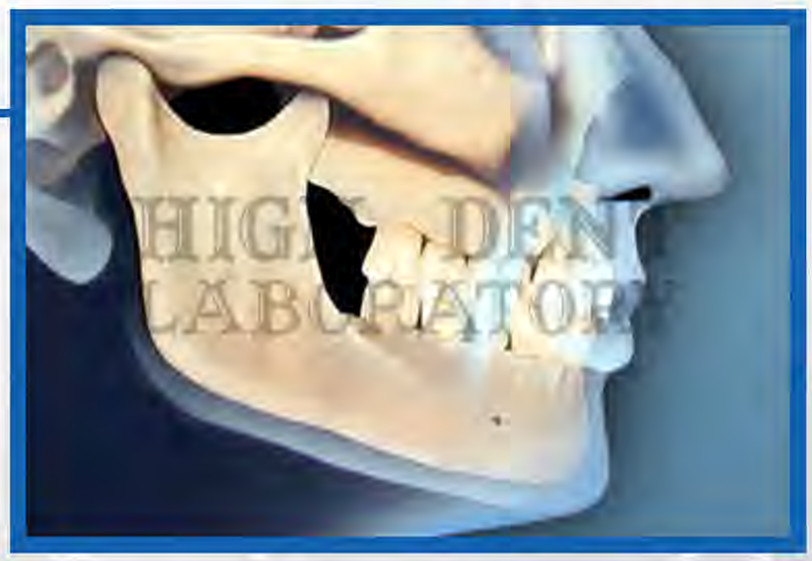

عقب رفته‌ترین رابطه فیزیولوژیک مندیبل نسبت به ماگزیلا که حرکات طرفی به آن و یا از آن انجام می‌شود. این وضعیتی است که می‌تواند در درجات مختلف باز شدن فک‌ها موجود باشد و در اطراف محور لولایی انتهایی (terminal hinge axis) روی می‌دهد.

centric relation record

رابطه ثبت شده ماگزیلا و مندیبل هنگامی که در رابطه مرکزی است. این رابطه می تواند به صورت داخل دهانی یا خارج دهانی ثبت شده باشد.

centric stop

تماس های مقابل کاسپ فوسا که ارتفاع عمودی اکلوزال را بین قوس های مقابل حفظ می کنند.

ceramic

از یا مربوط به ساخت هر محصولی که ضرورتاَ از یک ماده معدنی غیر فلزی (نظیر خاک رس) با پخته شدن در دمای بالا ایجاد شود .

ceramic crown

یک پروتز ثابت سرامیکی که تاج کلینیکی را بدون ساپورت فریم فلزی جایگزین می کند.

C

ceramic inlay

یک ترمیم داخل تاجی سرامیکی

ceramic restoration

ترمیم دندان به صورت جزئی یا به طور کامل از یک ماده سرامیکی ساخته شده است.

ceramic separator

ماده ای که از آن برای جلوگیری از چسبیدن پرسلن پخته نشده به قالب استفاده کرد.

ceramics

۱- ترکیبات یک یا چند فلز با یک عنصر غیر فلزی (معمولا اکسیژن). این ترکیبات از مواد با ثبات شیمیایی و بیوشیمیایی ایجاد می شوند وقوی ، سخت و شکننده بوده و عایق های خنثی برای انرژی گرمایی والکتریکی هستند

۲- هنر ساخت ترمیم های پرسلنی دندانپزشکی

ceramix flux

یک glass modifier؛ یون‌های فلزی نظیر کلسیوم، پتاسیم یا سدیم معمولاً به فرم کربنات که باند اکسیژن و سیلیکا را مختل می‌کنند و باعث بهبود سیالیت می‌شوند.

C

ceramometal restoration

ترمیم متشکل از یک پوسته سرامیکی است که توسط یک زیرسازی فلزی تقویت شده است.

Certified Dental Laboratory

در ایالات متحده، یک لابراتوار دندانپزشکی که استانداردهای لازم از نظر مهارت‌های کارکنان، امکانات و تجهیزات و رعایت کنترل عفونت را دارا بوده و مورد تایید بورد ملی لابراتوارهای دندانپزشکی آمریکا باشد.

Certified Dental Technician

در ایالات متحده، به یک تکنسین دندانپزشکی که توسط هیئت ملی صدور گواهینامه در فناوری آزمایشگاه دندانپزشکی تأیید شده است ، گفته می شود.

cervical

۱. در آناتومی ، متعلق بودن به سرویکس یا گردن
۲. در دندانپزشکی ، متعلق بودن به منطقه تقاطع سمان با مینا (CEJ) و یا نزدیک آن.

cervical border

۱. مرز آماده سازی به سمت طوق.
۲. وسعت طوقه یک تاج.

C

cervical line

خط اطراف طوق دندان ، جایی که سیمانه و مینای دندان با هم برخورد دارند.

cervical third

سومین دندان نزدیک به طوق

cervix

۱. طوق
۲. یک بخش تنگ شده از یک قسمت یا عضو

chairside temporary

ترمیم موقت به یکی از دو روش در کلینیک دندانپزشکی ساخته می شود.
۱. قالبگیری که قبل از عمل انجام می شود ، و بعد از آماده شدن دندان ها، آن را با کامپوزیت خود درمانگر پر می کنند و بر روی آماده سازی های برای بهبود قرار می دهند.
۲. یک پوسته خلاء تشکیل شده بر روی یک مدل مطالعه ساخته می شود و پس از آماده شدن دندان ها، آن را با کامپوزیت با نور کم پر می کنید و قبل از آماده سازی بر روی آماده سازی‌ها قبل از درمان قرار می دهند.

chamfer

۱. یک طرح خط تراش برای آماده‌سازی دندان که در آن، بخشی لثه‌ای با سطح اگزیال زاویه‌ای ملایم و باز دارد. (بین ۹۰ تا ۱۸۰)
۲. یک شیار با خط گود کوچک
۳. سطحی که با تراشیدن زاویه تقاطع دو روی یک تکه از ماده (مثل سنگ، فلز، چوب) ایجاد می‌شود. یک لبه پخ شده (beveled)

C

chamfer angle

زاویه بین یک سطح چمفر شده با یکی از سطوح اصلی که چمفر از روی آن بریده شده است.

chamfer preparation

آماده سازی که از حاشیه به داخل دیوار محوری گرد شده است.

characterization

تغییر دادن با استفاده از نشانه‌ها و علامتگذاری‌ها، تو رفتگی‌ها و سایر روش‌های مشابه توصیفی، بر روی یک دندان یا پروتز و در نتیجه بهبود ظاهر طبیعی

characterize

متمایز کردن ، حالت ویژه دادن ، مشخص کردن ،کیفیت دادن ، تک کردن یا افتراق دادن یک چیز.

Characterized denture base

یک دنچر بیس با رنگ آمیزی که رنگ‌ها و سایه‌های بافت‌های طبیعی دهان را شبیه سازی می‌کند.

C

check line

۱. ترک مینای دندان ، که معمولاً به صورت عمودی در دندان طبیعی قرار دارد.
۲. ترک در ترمیم پرسلن ناشی از فشارهای داخلی.

chemical disinfectant

یک ماده شیمیایی برای ضد عفونی سطح استفاده می شود.

chroma

۱. خلوص یک رنگ، یا فاصله آن از سفید یا خاکستری
۲. شدت یک هیو (hue) مشخص، میزان اشباح یک هیو
۳. کروما بیانگر میزان قدرت یا اشباح هیو (رنگ) می‌باشد.

chroma dentin

پرسلن نیمه مات که برای پوشش دادن انتقال از پرسلن با بدنه شفاف به یک پرسلن مات یا شفاف استفاده می شود.

chrome cobalt

یک آلیاژ غیر قیمتی از کروم و کبالت با استحکام و پولیش بسیار بالا با قابلیت ریخته گری و آسیاب شدن و برای چارچوب های تاج و پل ، پایه ایمپلنت و پروتزهای جزئی استفاده می شود.

chuck

وسیله ای برای نگه داشتن ابزاری در ماشین تراش یا هندپیس.

cingulum

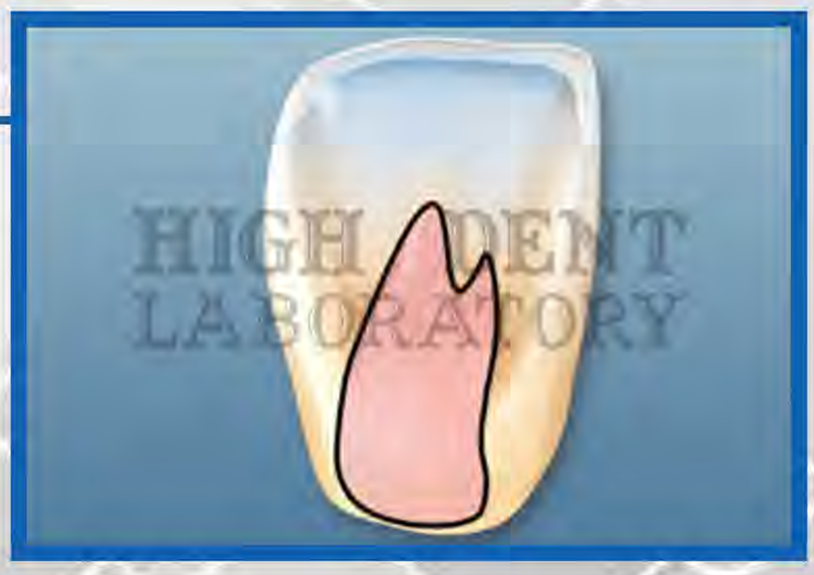

۱. یک ریج یا باند آناتومیک احاطه کننده.
۲. لوب لیگونال خیلی از دندان‌های قدام؛ یک برجستگی محدب در یک سوم سرویکال تاج کلینیکی در سمت لینگوال

cingulum rest

بخشی از پروتز پارسیل که با سینگولوم آماده سازی شده یا طبیعی دندان تماس می یابد .
این بخش از دندان cingulum rest seat نامیده می شود.

circumferential clasp

یک نگه دارنده که دندان را بیش از ۱۸۰ (بیش از نصف محیط دندان) در بر می گیرد و شامل زوایای مقابل می شود و عموما در تمامی طول خود با دندان در تماس بوده و حداقل یک انتها (terminal) در ناحیه اندرکات قرار دارد.

clasp

بخشی از مجموعه کلاسپ (clasp assembly)که قسمتی از سطح دندان را در بر گرفته و وارد اندرکات برای تامین گیر می شود و یا در بالای حداکثر برجستگی دندان جهت ایفای نقش تقابل (reciprocation) باقی می ماند . عموما جهت تامین گیر و ثبات پروتز پارسیل استفاده می شود .

C

clasp arm

قسمتی از بست که بخشی از دندان را احاطه کرده و احتباس یا برگشت را فراهم می کند.

clasp assembly

بخشی از یک پروتز پارسیل که به عنوان نگهدارنده مستقیم و/ یا ثبات دهنده پروتز از طریق احاطه کردن دندان اباتمنت و یا تماس با آن عمل می‌کند. اجزای آن شامل کلاسپ، کلاسپ تقابل (reciprocal)، رست سینگولوم، انسیزال یا اکلوزال و اتصال دهنده فرعی می‌باشد.

Class I articulator

مفصلی که فقط امکان حرکت عمودی دندان ها را فراهم می کند. انسداد محور تنها موقعیتی است که می توان ثبت کرد.

Class I occlusion

انسداد نرمال ، همانطور که با استفاده از تقاطع صحیح از دندانهای آسیاب نشان داده شده است. نیش پایین به طور معمول در حدود ۱/۲ دندان جلوتر از نیش بالایی قرار دارد ، و نیش های بالایی اندک جلوتر از نیشهای پایین قرار دارند.

Class I partial denture

پروتز جزئی با اکستنشن عقبی از هرٍ دو طرف (پسوندهای دو طرفه). مناطق خاص اضافی آنچه را اصطلاحاً کلاس I نامیده می شوند، ایجاد می کنند.

C

Class II articulator

مفصل سازنده ای که امکان حرکت عمودی و افقی دندان ها را فراهم می کند ، اما هیچگونه تنظیم برای مفاصل گیجگاهی ایجاد نمی کند.

Class II occlusion

انسداد مجدد ، در جایی که قوس فک پایین از یک یا هر دو طرف به قوس فک بالا فاصله دارد. نیش پایین ممکن است همراستا با نیش فوقانی باشد، و افزایش فشار بیش از حدروی نیشها وجود دارد.

Class II partial denture

یک پروتز جزئی با یک اکستنشن عقبی یک طرفه (اکستنشن یک طرفه). مناطق خاص اضافی آنچه را اصلاحا کلاس II می نامند ایجاد می کند.

Class III articulator

آرتیکولاتور که مسیرهای کندیل را با سیله مکانیکی شبیه سازی می کند. مقداری تنظیم برای حرکات جانبی ، برآمدگی و حرکات بنت امکان پذیر است. دو نوع اساسی وجود دارد:

۱. قوسی (کندیل مفصلی) ، جایی که کندیل بخشی از عضو تحتانی مفصل سازنده است.

۲. غیر قوس ، جایی که کندیل بخشی از عضو فوقانی مفصل ساز است.

Class III occlusion

انسداد ارواره پیش امده ، جایی که قوس فک پایین جلوتر از یک یا هر دو طرف فک بالا است. هر چه نیش پایین تر باشد ممکن است یک دندان کامل یا قدامی جلوتر از نیش فوقانی باشد . حتی ممکن است نیش های پایین جلوتر از نیش قدامی فوقانی باشد.

C

Class III partial denture

یک دندان مصنوعی جزئی با یک ریج منفرد. مناطق خاص اضافی آنچه را اصطلاحاً کلاس III می نامند ایجاد می کند.

Class IV articulator

آرتیکولاتور کاملاً قابل تنظیم قادر به شبیه سازی تمام حرکات طبیعی فک پایین است.

Class IV partial denture

دندان مصنوعی جزئی با یک زین دو طرفه منفرد و قدامی. هیچ تغییری در کلاس IV وجود ندارد.

clenching

فشار دادن و محکم بستن فک‌ها و دندان به یکدیگر به صورت متناوب و در ارتباط یا فشار حاد عصبی یا تلاش فیزیکی

clinical

۱. از یا مرتبط با یا هدایت شده در کلینیک ، بالینی
۲. تحلیلی (analytical) یا جدا (detached)

C

clinical crown

بخشی از دندان که از سطح اکلوزال یا لبه انسیزال ، تا لبه آزاد لثه ادامه دارد.

closed horseshoe

یک اتصال دهنده اصلی که از قسمت سخت کام در منطقه rugae عبور می کند مانند یک اتصال دهنده اصلی نعل اسبی با یک نوار کامی اضافی در ناحیه آسیاب است و مرکز کام را در معرض دید قرار می دهد.

closed tray technique

یک قالبگیری که در آن دندانپزشک با استفاده از وسایل انتقال که هنوز به ایمپلنت ها وصل است ، قالب را برداشته و آن را در پشت می گذارد. سپس دندانپزشک پوشش را برداشته و آنها را در ماده قالب گیری ساز وارد می کند.

closest speaking space

فاصله بین دندانهای قدامی بالا و پایین؛ براساس نظریه دکتر d نباید در هنگامی که بیمار به طور ناخودآگاه (unconsciously) حرف S را تکرار می‌کند، بیشتر یا کمتر از ۱-2mm فاصله بین لبه های انسیزال دندان‌ها وجود داشته باشد. دکتر Meyer M.Silverman این فضا speaking centric را نامگذاری نمود مه به عنوان نزدیکترین رابطه سطوح اکلوزال و لبه‌های انسیزال دندان‌های مندیبل نسبت به دندان‌های ماگزیلا در حین عملکرد و صحبت تعریف می‌شود. این عبارت بعداً توسط وی به closest speaking level و در نهایت به closest speaking space تبدیل گردید.

CNC

استفاده از رایانه برای کنترل عددی فرایند تولید (CAM) به کمک رایانه. طراحی به کمک رایانه (CAD) از لحاظ ریاضی به دستورالعملهای عددی مورد نیاز دستگاه برای ایجاد شکل تبدیل می شود.

C

Coble balancer

۱. یک وسیله تراز (balancing) داخل دهانی که برای تعیین رابطه مرکزی و ثبت آن به کار می‌رود.
۲. جهت تنظیم (equilibrate) دنچر کامل به صورت داخل دهانی استفاده می‌شود.

HIGH DENT LABORATORY

cold cure

برای درمان در دمای اتاق و بدون هیچ گونه گرما ، فشار یا نور اضافه شده است.

collar

۱. یک باند در طوق یا باریکترین قسمت دندان.
۲. باند پشتیبان فلزی در پرسلن ذوب شده در چارچوب فلزی.

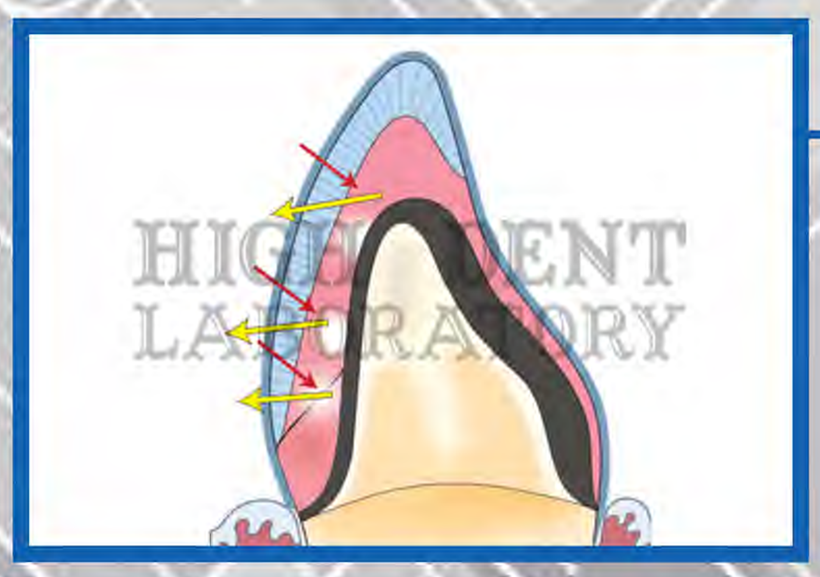

collarless crown

تاج PFM بدون زیر ساخت فلزی قابل مشاهده است.

collarless metal ceramic restoration

یک ترمیم متال سرامیک که بخش فلزی سرویکال آن حذف شده است.
پرسلن در تماس مستقیم با خط خاتمه تراش قرار داده می‌شود.

C

collet

یک آستین مخروطی که برای نگه داشتن ابزار در گیره استفاده می شود.

collision

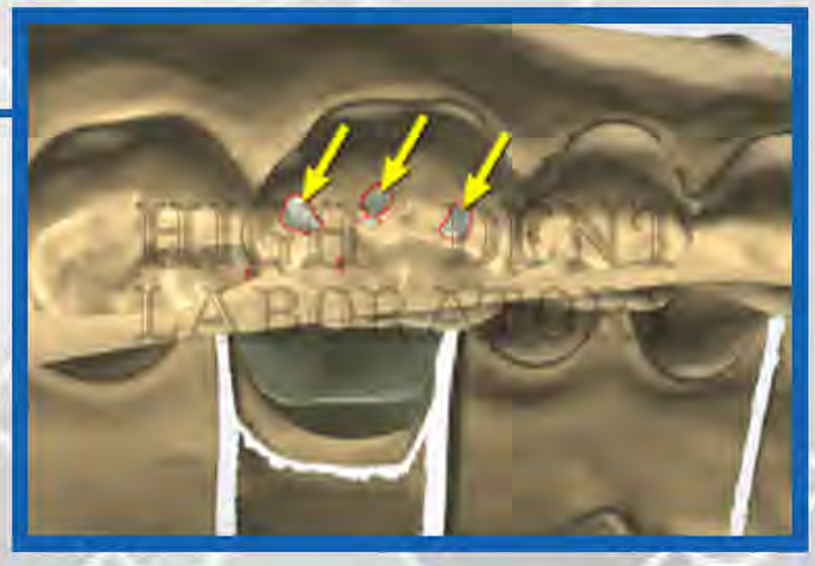

در یک برنامه CAD / CAM ، تماس بین دندانهای مخالف یا مجاور

collision lines

در یک برنامه CAD / CAM ، نمای کلی مناطقی که با دندانهای مخالف یا مجاور درتماس هستند.

color

یک پدیده مربوط به نور یا درک بینایی که شخصی را قادر به تمایز دو جسمی می کند که در غیر این صورت یکسان هستند (otherwise identical)

۲-کیفیت یک شی یا ماده در رابطه با نور بازتاب شده یا عبور یافته از آن

۳- یک پاسخ بینایی به نور که متشکل از سه بعد هیو ، والیو و اشباع می باشد.

color wheel

نمایش گرافیکی از تئوری رنگ که رنگ با زاویه چرخ تغییر می کند.

C

colorist

تکنسینی که از رنگ برای هماهنگی و توصیف ترمیم های دندان استفاده می کند تا طبیعی تر جلوه کند.

combination clasp

یک نگهدارنده محیطی (Circumferential) برای یک پروتز متحرک که یک بازوی متقابل ریختگی و یک بازوی گیر سیم مفتولی دارد.

compass

وسیله ای متشکل از دو پا که به یک لولا متصل می شوند ، یکی از آن ها ثابت می ماند، و دیگری که اغلب مداد دارد ، برای ترسیم دایره یا اندازه گیری مسافت استفاده می شود.

complement

۱. برای کامل یا جامع بودن.
۲. آنچه که مجموعه ای را کامل می کند
۳. هر کدام از دو بخش که یکدیگر را کامل می کنند.

complementary color

رنگ هایی که به طور مستقیم بر روی چرخ رنگ مقابل هم قرار دارند. هنگام مخلوط شدن ، رنگهای مکمل، خاکستری خنثی ایجاد می کنند.

complete crown

یک رستوریشن که کلیه سطوح تاج دندان را می‌پوشاند. (مزیال، دیستال، فاسیال، لینگوال و اکلوزال)

complete denture

یک پروتز دندانی متحرک که کلیه دندان ها و ساختارهای مرتبط فک بالا یا پایین را جایگزین می کند.
همچنین کفته می‌شود complete removable dental prosthesis

complete denture prosthodontics

مجموعه دانش‌ها و مهارت‌های مرتبط با ترمیم قوس بی‌دندانی توسط یک پروتز متحرک

components of occlusion

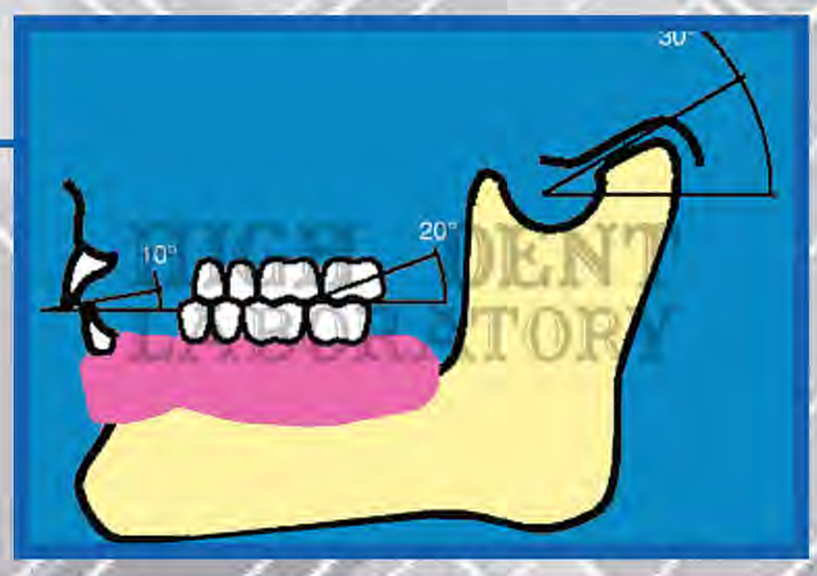

عناصر مختلفی که در اکلوژن دخیل هستند؛ همانند مفاصل گیجگاهی فکی، عضلات مرتبط، دندان‌ها، سطوح تماس یابنده دندان‌ها و بافت‌های اطراف، و/ یا ساختارهای ساپورت کننده دندانی.

composite

رزین ترکیبی که برای ترمیم دندان استفاده می شود و از ذرات سرامیکی معلق در یک رزین آکریلیک استفاده می شود.

C

composite filling

پر کننده دندان ساخته شده از مواد کامپوزیتی

compound

۱. یک بتونه از مادهای خاک رس مانند است که کارایی آن را برای مدت طولانی حفظ می کند.
۲. یک ماده ترموپلاستیک (با گرما نرم می شود) که برای قالبگیری های دندانی و برای اتصال موقت وسایل به یکدیگر استفاده می شود.

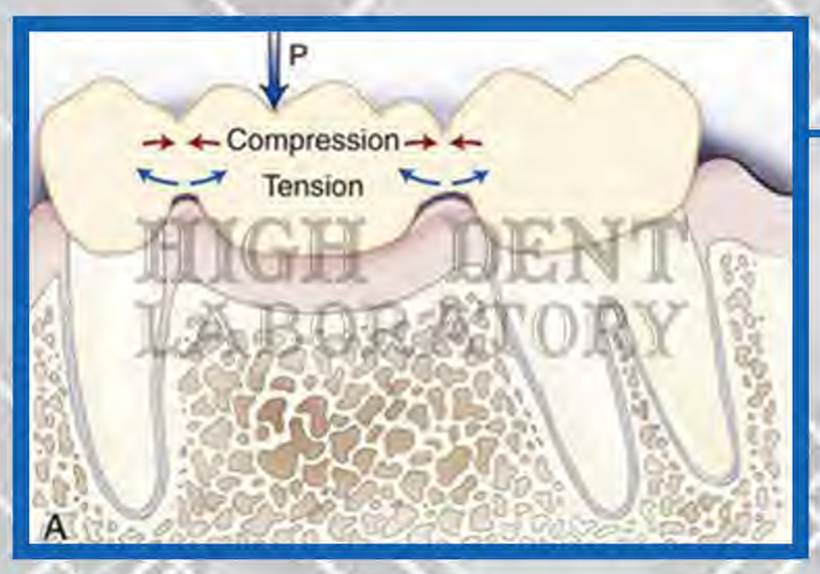

compressive strength

نیروی فشاری که یک ماده می تواند در برابر آن مقاومت کند. مقاومت فشاری با فشرده سازی نمونه ای از مواد تا زمانی که پارگی یا تغییر شکل در درصد مشخصی از ارتفاع اصلی نمونه اندازه گیری می شود.

concave

گود به سمت داخل.

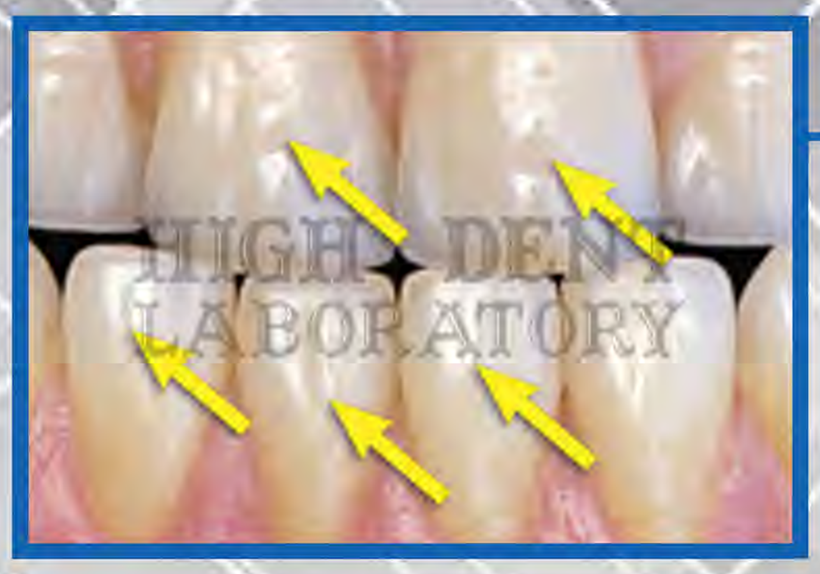

concavity

شکلی توخالی یا گرد به سمت داخل. تقعرها ، تمایل به ایجاد سایه در سطح دندان ها دارند.

C

condensation

۱. فشردن آمالگام دندانی با استفاده از نیرو، جهت خارج کردن جیوه اضافی اطمینان از پیوستگی (continuity) فاز ماتریکس
۲. روند افزایش تراکم پرسلن دندانی توسط خارج کردن آب اضافی با استفاده از لرزش و آبگیری توس کاغذ یا پارچه (blotting)

condense

۱. برای ایجاد تراکم یا فشردگی بیشتر.
۲. برای فشرده سازی ذرات پرسلن در یک ظروف چینی قبل از پخت در کوره.

condylar

مربوط به کندیل.

condylar articulator

نوعی آرتیکولاتور که در آن اجزای مسیر کندیلی، بخشی از عضو تحتانی و اجزای کندیلی (cpndylar replica) بخشی از عضو فوقانی آن می‌باشد. همچنین گفته می‌شود nonarcon articulator.

condylar inclination

جهت مسیر طرفی کندیل

C

condylar path

مسیر طی شده توسط کندیل مندیبل در مفصل گیجگاهی فکی حین حرکات مختلف مندیبل .

condylar subluxation

نوعی جابجایی(dislocation) نا تمام یا ناقص کندیل که خود به خود جا می افتد (self-reducing)

condyle

برآمدگی مفصلی یک استخوان ،برای مثال در مندیبل ، یک بیرون زدگی بیضوی استخوانی که با گلنوئید فوسا مفصل می شود.

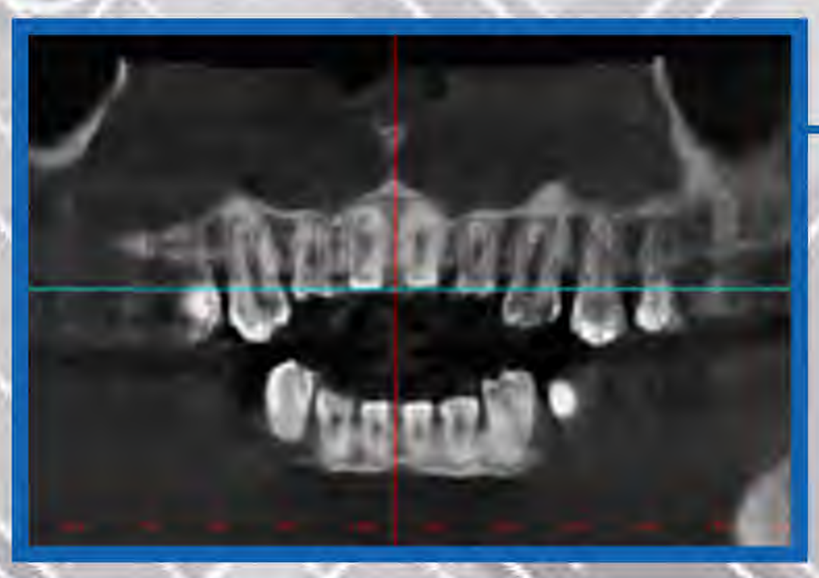

cone beam scan

یک اسکنر اشعه ایکس با استفاده از پرتوهای واگرا به منظور چرخش به شکل مخروطی هنگام چرخش ، تصویری سه بعدی را تولید می کند. به طور گسترده در برنامه ریزی ایمپلنت مورد استفاده قرار می گیرد.

conical

مخروطی شکل

C

connective tissue

بافتی با منشا مزودرم و غنی از زواید به هم پیچیده (interlacing processes) که سایر بافت ها را ساپورت کرده و یا به یکدیگر متصل می نماید.

connector

در علم پروتز های دندانی ثابت ، به بخشی از پروتز ثابت اطلاق می شود که نگهدارنده (ها) و پونتیک (ها) را به یکدیگر متصل می کند.

contact

محل تلاقی و اتصال سطوح ، تماس یا مماس بودن واضح اجسام .

contact area

۱. منطقه ای که یک سطح، سطح دیگری لمس می کند.
۲. ناحیه ای که سطح تقریبی یک دندان مجاور را لمس می کند

contact scanner

اسکنری که با تماس آرامی روی سطح آن ، یک تصویر سه بعدی از یک جسم محکم را ایجاد می کند. تا زمانی که کل سطح اندازه گیری نشود ، شی یا پراب چرخانده می شود.

C

contact surface

ناحیه‌ای در سطح پروگزیمال یک دندان، که با دندان مجاور تماس دارد.

continuous bar connector

یک بار (میله) فلزی که معمولا بر سطح لینگوال دندان های قدامی مندیبل قرار می گیرد و به ثبات آنها کمک می کند، همچنین به عنوان نگه دارنده غیر مستقیم برای پروتز های پارسیل انتهای آزاد نیز عمل می کند.

contour

یک نمای خارجی ، پیرامون ،خصوصا از یک طرح منحنی یا نامنظم ، خطی که این محیط را نشان می دهد . فرم یا ساختار کلی یک چیز

contouring

۱. عمل شکل دادن به ترمیم برای تناسب با خطوط دندانپزشکی اطراف.
۲. معمولاً برای توصیف روند شکل گیری ترمیم های پرسلن کوره ای استفاده می شود.

contra-angle handpiece

ابزار دستی که در آن میله ابزار برش به طور موازی با چنگک نیست. معمولاً مجموعه ای از چرخ دنده ها را برای قرار دادن ابزار برش در زاویه قابل دسترسی تر برای جسم در حال برش درگیر می کند.

C

contraction

در فیزیولوژی ماهیچه، ایجاد کشش در یک ماهیچه در پاسخ به یک محرک

contraindication

عاملی که باعث می شود یک درمان به صلاح نباشد.

contralateral

در حال وقوع یا عمل کردن در ارتباط با اجزای مشابه در یک سمت مقابل

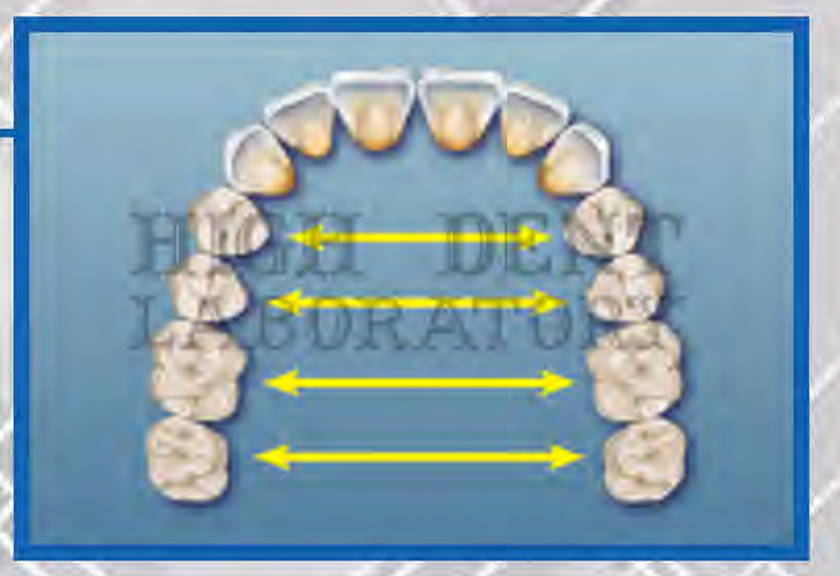

contrast

تفاوت چشمگیر بین نور و تاریکی یا بین دو رنگ یا شکل.

convergence angle

۱. تقارب (تیپر) یک آماده‌سازی برای روکش
۲. زاویه تشکیل شده (برحسب درجه) بین دیواره‌های اگزیال مقابل هنگامی که یک یا چند دندان برای قرارگیری پروتز ثابت آماده‌سازی می‌شوند. این عبارت total occlusal convergence به خوبی توصیف می‌گردد

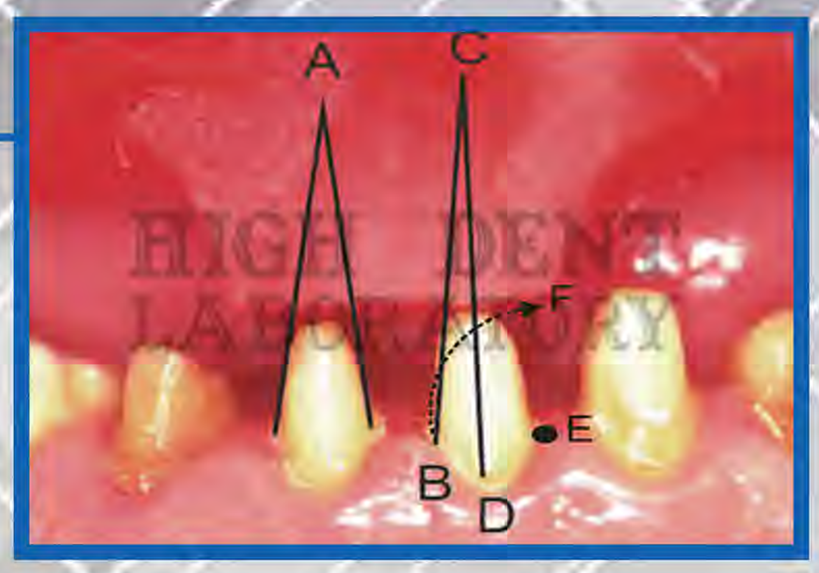

C

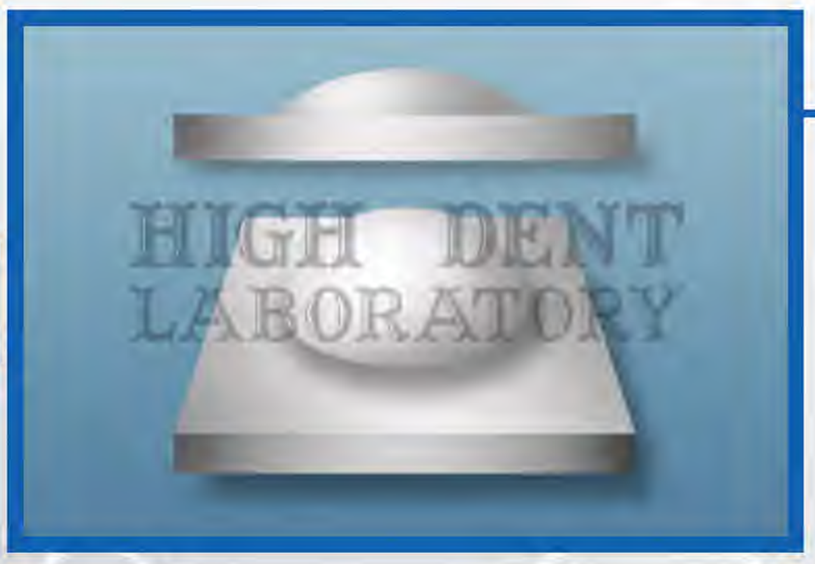

convex

قوس دار به سمت بیرون

convexity

منحنی یا گرد به بیرون مانند سطح یک کره. محدب، متمرکز کردن نوری بازتابی از دندان که بر شکل ظاهری آن تأثیر می گذارد.

cope

پوشاندن ، پوشانیدن (همانند پوشش توسط کوپینگ).

coping

یک پوشش یا تاج نازک.

coping impression

نوعی قالب گیری که معمولاً یک قوس دندانی را در بر می‌گیرد و از کوپینگ‌های فلزی یا رزینی بر روی دندان‌های تراش خورده استفاده می‌کند. کوپینگ‌ها پیش از ریختن کست اصلی، دوباره در جای خود قرار می‌گیرند.

C

coping pick-up impression

نوعی قالب گیری که معمولاً یک قوس دندانی را در بر می‌گیرد و از کوپینگ‌های فلزی یا رزینی بر روی دندان‌های تراش خورده استفاده می‌کند. کوپینگ‌ها پیش از ریختن کست اصلی، دوباره در جای خود قرار می‌گیرند.

copy milling

آسیاب کردن ماکت یک شی.

coronal

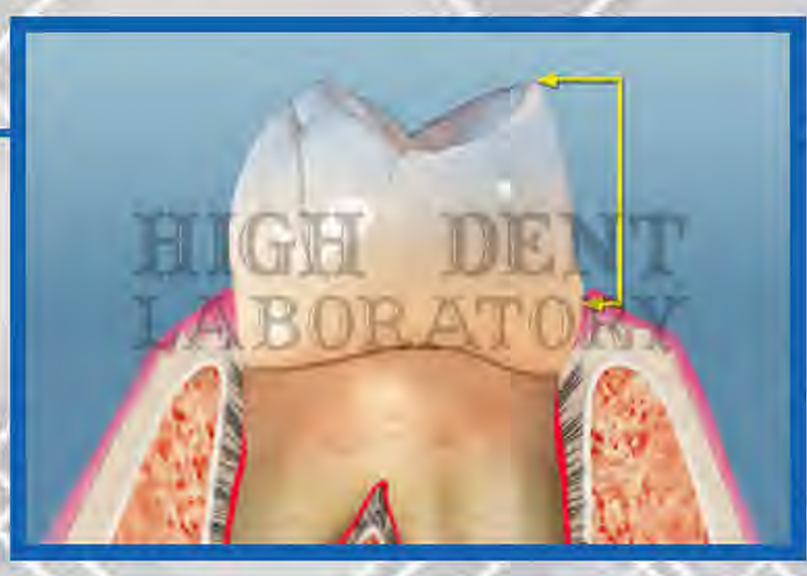

۱. از یا مربوط به سر تاج
۲. مربوط به هر صفحه یا مقطع طولی که از میان یک جسم به صورت عمود بر صفحه میانی عبور می کند .
۳. متعلق به تاج یک دندان

coronoid process

برجستگی نازک مثلثی شکل که از سطح قدامی فوقانی راموس خرج می شود

corpus

۱. بدن اصلی یک استخوان.
۲. بدنه فک پایین.

C

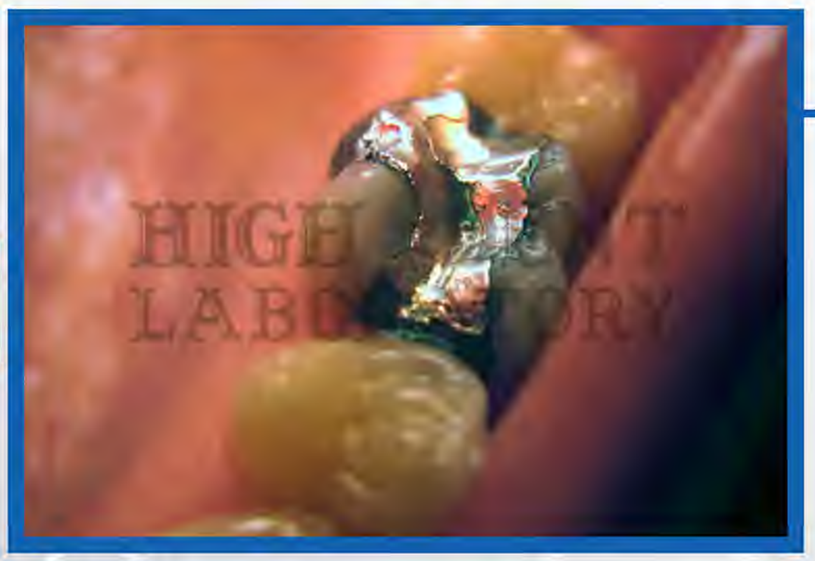

corrode

۱. تخریب یک فلز در اثر واکنش الکتروشیمیایی با محیط اطراف خود
۲. خورده شدن به صورت تدریجی، همانند جویدن
۳. ساییده شدن تدریجی، معمولا به وسیله واکنش شیمیایی

corrosion

تمایل به ایجاد خوردگی؛ داشتن توانایی ایجاد خوردگی

cortical bone

پایه محیطی بافت استخوانی متراکم

cortical plate

پوسته سخت و بیرونی فرآیند آلوئولار.

cosmetic

زیبا کردن یا مرتب کردن برای بهبود ظاهر.

C

cosmetic dentistry

عمل دندانپزشکی برای بهبود ظاهر.

cover screw

پوششی که روی ایمپلنت اندوستی در مرحله اول جراحی و برای محافظت از نخ های داخلی آن قرار می گیرد . در طی عمل جراحی مرحله دوم، با پایه درمانگر جایگزین خواهد شد.

craze

۱. ایجاد ترک های ریز در سطح یا لعاب ، ایجاد یک شبکه از ترک های ریز
۲. یک ترک در سطح یا پوشش (همانند لعاب یا مینا)

crest

یک لبه یا برجستگی بر روی یک بخش از یک جسم ، در دندانپزشکی کرونالی ترین بخش زائده آلوئل

crest of the ridge

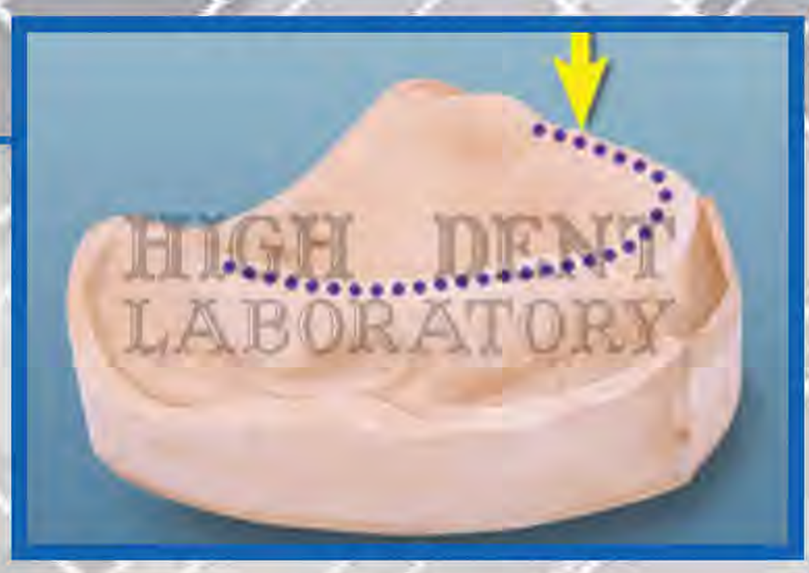

بالاترین سطح ممتد ریج باقیمانده (که ضرورتا در مرکز ریج قرار ندارد).

C

cross section

۱. بخشی که با بریدن یک جسم در یک زاویه درست نسبت به محور آن و معمولاً از وسط آن شکل می گیرد.
۲. نمایش گرافیکی از چنین برش.

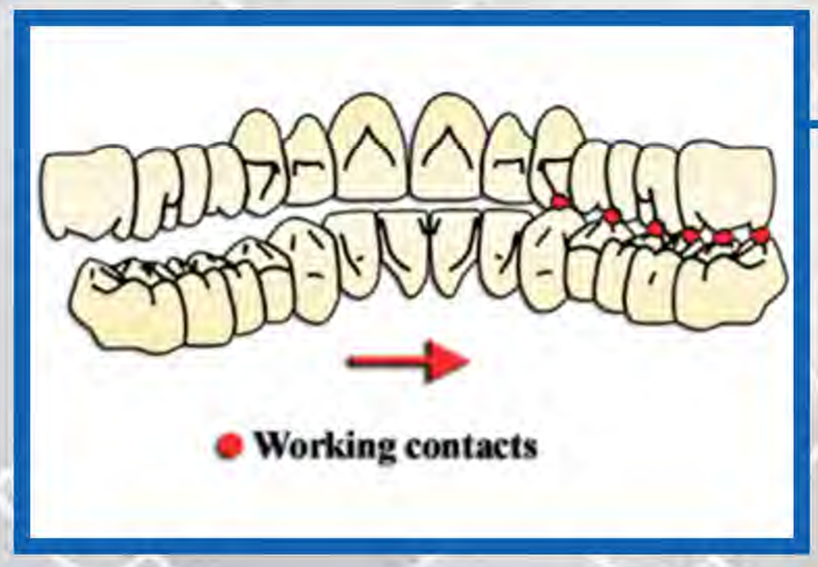

cross tooth balanced articulation

تماس هماهنگ کاسپ‌های باکال و لینگوال مقابل در سمت کارگر

crossbite

انسداد غیر طبیعی یک یا چند دندان به دندان یا دندانهای مقابل ، ناشی از وضعیت غیر طبیعی دندان یا فک. در معمولی ترین کراس بیت ها ،شکافهای پایینی باکال به شکافهای بالایی هستند ، و شکافهای فوقانی باکال در حفره ها پاییتی بسته می شود.

crown

۱. بالاترین یا بلند ترین بخش جمجمه ، سر یا دندان ،قله، بخشی از دندان که در سمت اکلوزال تقاطع مینا و عاج (dentinoenamel) یا جایگزین مصنوعی آن قرار دارد.
۲. یک جایگزین مصنوعی که ساختار از دست رفته دندان را با در بر گرفتن تمام یا بخشی از ساختار باقیمانده ، توسط ماده ای همانند فلز ریختگی ، پرسلن یا ترکیبی از مواد همانند فلز و پرسلن جایگزین می کند.

crown and bridge

حوزه فناوری دندان شامل ترمیم های ثابت است.

crown and bridge department

۱. به طور کلی ، بخش آزمایشگاه دندانپزشکی که باعث ایجاد تاج ، پل و سایر ترمیم های ثابت می شود.
۲. به طور خاص تر ، دپارتمانی که چهارچوب های فلزی و تمام ترمیم های فلزی را ساخته است.

crown flask

یک محفظه چند تکه جعبه مانند با یک مولد چند تکه (sectional) که از گچ استون یا پلاستر تشکیل شده و برای آماده سازی دنچرها یا سایر رستوریشن‌های رزینی به کار می‌رود.

crown fracture

شکاف میکروسکوپی یا ماکروسکوپی در بخش کرونال یک دندان

crown preparation

آماده سازی دندان برای تاج کامل یا ۴/۳ تاج.

crown-implant ratio

رابطه فیزیکی بین بخشی از رستوریشن ساپورت شونده با ایمپلنت که در استخوان آلوئول است، در مقایسه با بخشی که در استخوان آلوئول نیست، و معمولا با بررسی رادیوگرافی مشخص می‌شود.

C

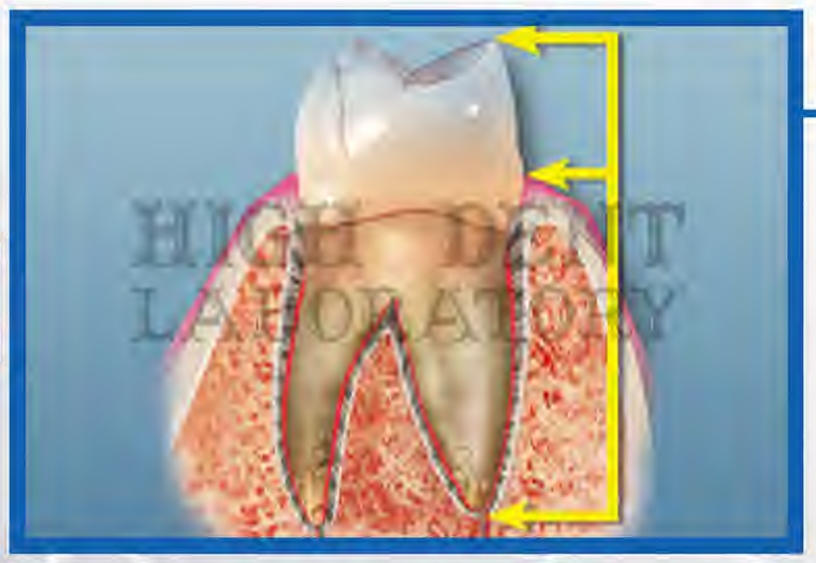

crown-root ratio

رابطه فیزیکی بین بخشی از دندان که در استخوان آلوئول است ، در مقایسه با بخشی که در استخوان آلوئول نیست ، بر اساس رادیوگرافی

crucible

یک مخزن یا لوله ساخته شده از هر ماده نسوز (معمولا پرسلن)که برای ذوب کردن یا سوزاندن (calcining) هر ماده ای که نیازمند درجه حرارت بالا است ، استفاده می گردد.

crucible former

پایه ای از اسپروفورمر در حین سیلندر گذاری الگوی مومی ، به آن متصل می گردد . یک پایه محدب لاستیکی ، پلاستیکی و یا فلزی که یکک فرو رفتگی مقعر یا (crucible) را در اینوستمنت نسوز (refractory) ایجاد می کند.

CT Scan

مجموعه ای از چندین عکس با اشعه ایکس موازی که می توانند با هم به عنوان نمایشی سه بعدی از یک شی مشاهده شوند.

CT scanner

اسکنر که از اشعه X برای ایجاد نمای سه بعدی از داخل یک شی استفاده می کند. این دستگاه "برش" های مقطعی را ایجاد می کند زیرا در امتداد جسم حرکت می کند و آنها را در یک تصویر سه بعدی با هم ترکیب میکند.

C

cure

باعث سخت شدن یا فرم گرفتن یک ماده شدن

curing light

یک دستگاه پخش کننده نور برای درمان رزین های تصفیه شده با نور.

curing unit

وسیله ای که در آن ترمیم های دندان به منظور ارتقاء تصفیه رزین ها با گرما ، نور و / یا فشار قرار می گیرد.

curve

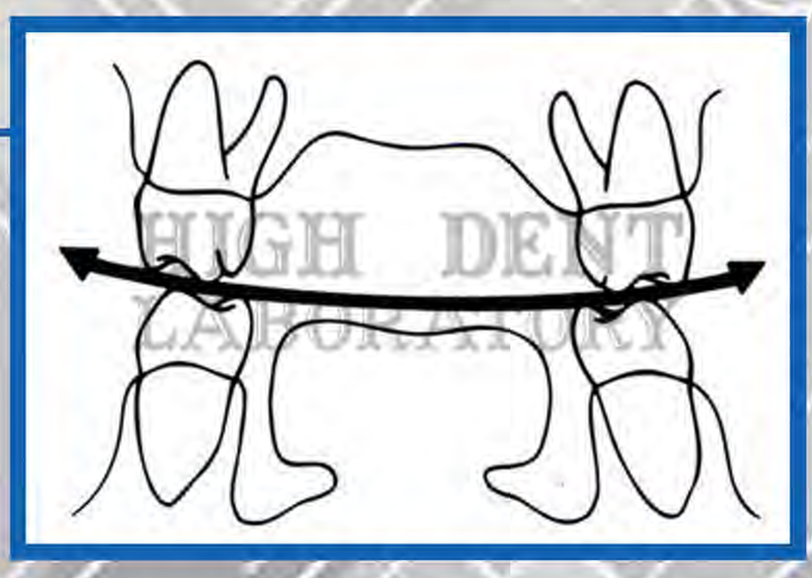

پیچیدن، تغییر یا انحراف از یک خط یا صفحه مستقیم بدون زاویه گرفتن یا لبه‌های تیز؛ یک انحراف غیرزاویه‌ای (non-angular) از یک خط یا صفحه مستقیم.

curve of Monson

منحنی ایده آل از انسداد که در آن هر لبه شکاف و برش لبه ای از سطح یک کره تخیلی به قطر ۸ اینچ را لمس می کند. پیشنهادی توسط دکتر جورج اس. مونسون در سال ۱۹۲۰

C

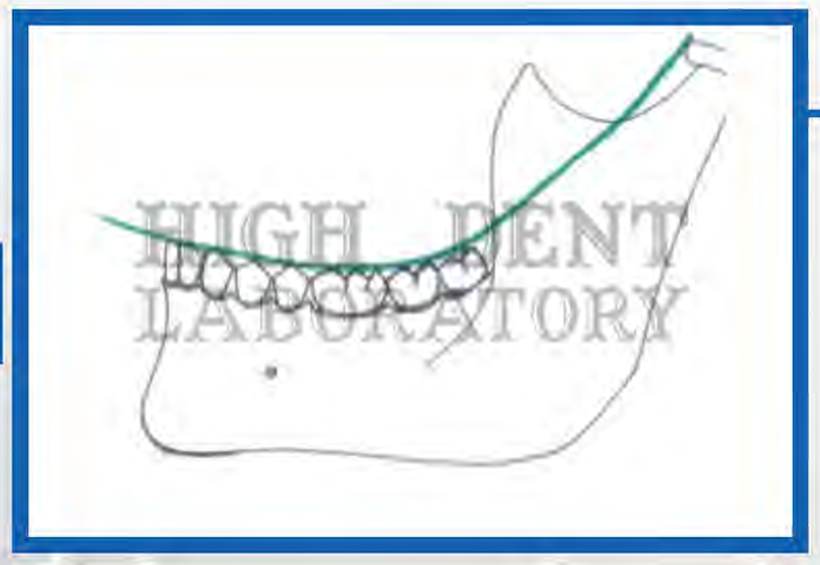

curve of occlusion

منحنی میانگین شکل گرفته توسط لبه های انسیزال و سطوح اکلوزال دندانهای قدامی و خلفی در هر فک

curve of Spee

منحنی جلو به عقب ، همانطور که بر روی صفحه میانه نمایش داده شده است ، از نوک شکاف دندان سگی فک پایین ،زیر نوک های دندان های خلفی ، از طریق مرز قدامی راموس تا قسمت قدامی کندیل. که به نام فردیناند گراف فون اسپه ، آناتومیست آلمانی نامگذاری شده است.

curve of the arch

یک خط خمیده خیالی که زیر سطح صورت کلیه دندانها در فک قرار دارد. با پیچش فک اشتباه گرفته نشود.

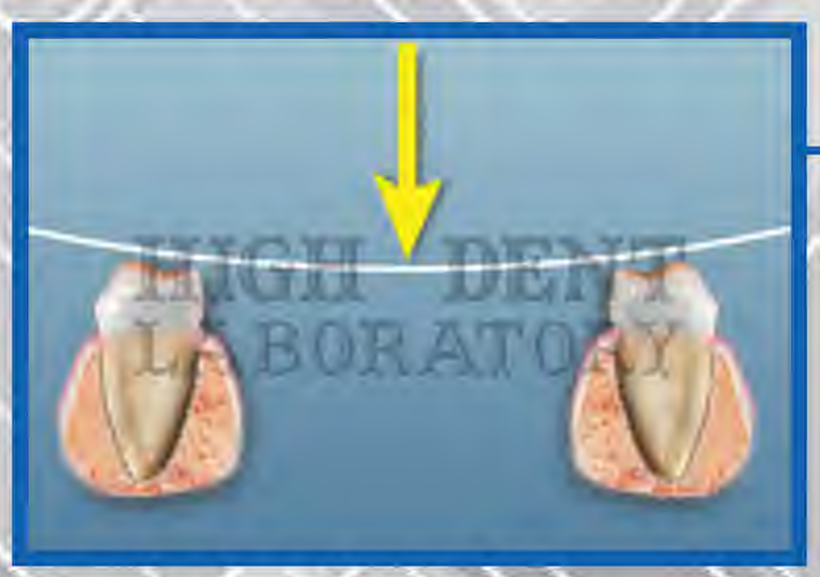

curve of Wilson

منحنی، که از جلو مشاهدهمی شود ،که در تماس با نوکهای بوکال و زبانی دندانهای آسیاب می باشد ، به دلیل تمایل زبانی محورهای طولانی مولرهای فک پایین در وسط پایین تر است. به نام دکتر جورج اچ. ویلسون که اولین بار منحنی را در سال ۱۹۱۱ توصیف کرد، نامگذاری شد.

cusp

برآمدگی مخروطی شکل تاج یک دندان که سطح اکلوزال را ایجاد می کند .

C

cusp of Carabelli

برآمدگی برجسته شده بر بالای mesio-lingual از یک دندان آسیاب فوقانی ، که اغلب در آسیاب اول فوقانی دیده می شود.

cusp ridge

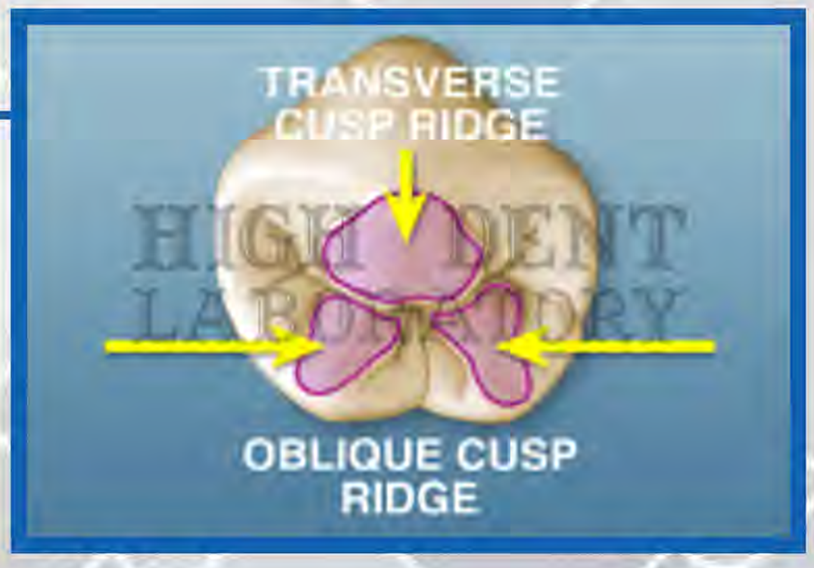

قسمت بالایی از سطح اکلوزالی دندان خلفی که از یک نوک شکاف به سمت شیار دیسکشنال مرکزی حرکت می کند. نوک های شفاف یا عمود بر شیار برش مرکزی (عرضی) یا با زاویه (مورب) اجرا می شوند.

cusp slope

ضلع های مزیال و دیستال ، که با زاویه تا ۴۵ درجه شیب دارد.

cusp tip

بالاترین نقطه از یک نوک تیز.

cusp-fossa articulation scheme

نوعی قرارگیری اکلوزال که در آن کاسپ‌های سنتریک فک بالا و پایین در موقعیت حداکثر تماس بین کاسپی، در فوساهای مقابل قرار می‌گیرند.

C

cusp-marginal ridge articulation scheme

نوعی قرارگیری اکلوزال که در آن کاسپ باکال پرمولر دوم مندیبل و کاسپ‌های مزیوباکال مولرهای مندیبل در موقعیت حداکثر تماس بین کاسپی، در امبراژورهای اکلوزال مقابل خود قرار می‌گیرند.

cusp-ridge relator

وسیله ای برای انتقال موقعیت خاص تاج الراس تحتانی به صفحه راه اندازی اکلوزال.

cusp-to-fossa relationship

رابطه دندانهای خلفی که نوک تیز یکی از دندانها درحفره دندان مقابل قرار میگیرد.

cuspid

دندانی که یک کاسپ منفرد دارد ، برای تکه تکه کردن مواد غذایی استفاده می شود. دیستال ترین دندانهای جلویی در هر فک. دندان سوم از خط میانی.

cuspid eminence

برآمدگی در فرآیند آلوئولار که در آن ریشه یک دندان نیش را پوشانده است. دندان نیش از تمام ریشه برجسته ها، برجسته تر است .

C

cuspid guidance

جداسازی دندانهای خلفی در چرخش جانبی به دلیل تماس بین دندان نیش متقابل.

cuspid line

یک خط عمودی که دندانپزشک در حاشیه اکلوزال می کشد تا موقعیت دندان نیش را در مجموعه مشخص کند.

cuspid rise

جداسازی دندانهای خلفی در چرخش جانبی به دلیل تماس بین دندان نیش متقابل.

custom abutment

پایه ایمپلنت که با استفاده از CAD / CAM یا cast-to technique قابل تنظیم است. یک پایه موم یا کامپوننت پلاستیکی اصلاح شده برای پشتیبانی از ترمیم آینده اصلاح شده است ، سپس در فلز ریخته می شود.

custom impression tray

یک تری قالب‌گیری اختصاصی که از کست به‌دست آمده از قالب اولیه ساخته می‌شود و برای تهیه قالب نهایی استفاده می‌گردد.

C

custom tray

یک تری قالب گیری اختصاصی که از کست به دست آمده از قالب اولیه ساخته می‌شود و برای تهیه قالب نهایی استفاده می‌گردد.

cutback coping

یک پوشش با سطحی که مقدار یکنواختی از سطح تاج را کاهش می دهد.

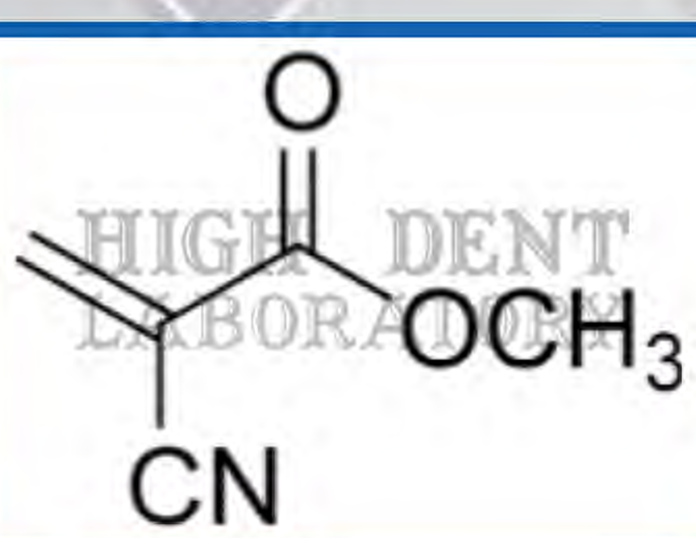

cyanoacrylate

نوعی چسب یک قسمتی (singel component) که با رطوبت فعال می گردد و ترموپلاستیک می باشد .مشخصه های این چسب پلیمریزاسیون سریع و قدرت باند عالی آن می باشد.

cylinder

۱. یک قطعه پلاستیک استوانه ای ، طلا یا کامپوننت تیتانیوم که سطح آپیکال یک ترمیم متحرک را تشکیل می دهد ، که برای اتصال یک میله به محل کار استفاده می شود.
۲. یک کاشت دندان.

D

dam

سدی برای جلوگیری از جاری شدن مایعات یا مواد جامد شل.

dappen dish

یک ظرف کوچک با یک یا چند انتهای گود برای مخلوط کردن. یک بشقاب سنتی شیشه ای شفاف -۸ یا ۱۰ طرفه است که یک گودی بزرگتر در یک انتها و یک گودی کوچکتر دیگری در طرف دیگر. ظروف مدرن باز می تواند سرامیکی ، پلاستیکی یا ضد زنگ باشد و ممکن است شامل روکش باشد.

daylight

نور طبیعی خورشید ظهر با داشتن دمای رنگ ۵۵۰۰ درجه کلوین. نور روز مرجع ایده آل برای تطبیق رنگ ها است زیرا خالص ترین و سفیدترین نور است. چراغ های تصحیح شده رنگ سعی دارند رنگ نور طبیعی روز را شبیه سازی کنند.

Davis crown

نوعی رستوریشن دندانی که توسط یک کور در ریشه دندان ساپورت شده و یک tube tooth پرسلنی در تماس مستقیم با سطح ریشه دندان بر روی آن سمان می شود.

DDS

مدرک دندانپزشکی توسط برخی از دانشکده های دندانپزشکی اعطا می‌شود. در ایالات متحده آمریکا ، DMD در مقابل DDS یک انتخاب است و تفاوت معنی داری در آموزش یا مراقبت از بیمار وجود ندارد.

D

debubblizer

یک ماده شیمیایی که با قلم مو یا اسپری برای پایین آوردن کشش سطح برروی سطحی پاشیده شده و اجازه می دهد تاجریان ریختن سنگ یا مواد راحت تر باشد.

decalcification

از بین رفتن کلسیم از بافتهای کلسیفیه ، که در دندانها توسط مناطقی از سطح سفید شناخته می شوند و کدورت سطح شکاف مشاهده می شود. که ناشی از اسید حاصل از ایجاد پلاک ، می تواند در مناطقی که تمیز کردن آن سخت نیست ، مانند اطراف بریسها یا تاج یا بین دندان ایجاد شود. به راحتی می تواند در تشخیص کالبد شکافی ، با ظاهری مشابه اما سطحی سخت تر اشتباه گرفته شود.

decay

تخریب تدریجی استخوان یا دندان ناشی از پوسیدگی.

deciduous

موقت. چیزی که در مرحله خاصی از رشد ریخته می شود.

deciduous teeth

۲۰ دندان که در دوران شیرخوارگی شکل می گیرند و هنگام درآمدن دندان دائمی از بین می روند.

D

deep bite

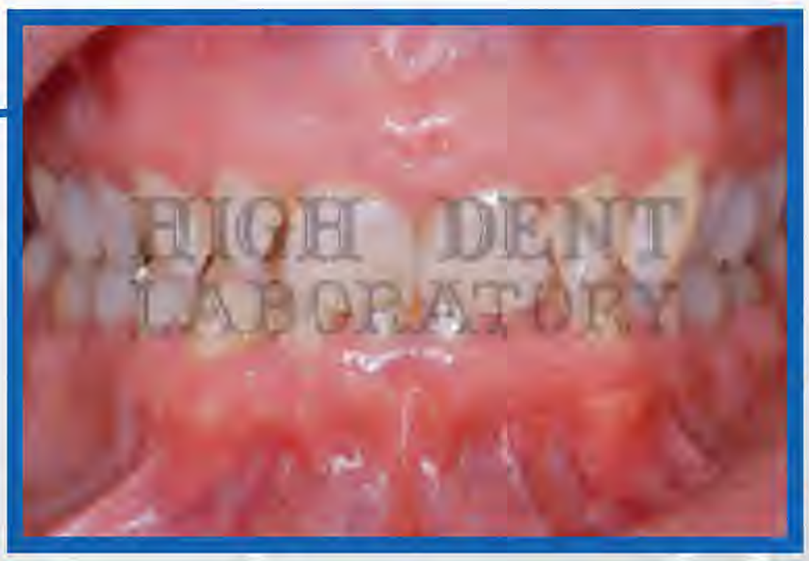

۱. میزان پوشش عمودی دندان‌های مقابل هم؛ میزانی که لبه انسیزورهای بالا روی انسیزورهای پایین رو می‌شاند. تحت عنوان رابطه عمودی کاسپ‌ها مقابل هم نیز تعریف می‌شود.
۲. رابطه عمودی لبه انسیزال سنترال‌های ماگزیلا نسبت به انسیزورهای مندیبل وقتی که دندان‌ها در حداکثر رابطه بین کاسپی هستند

defective occlusal contact

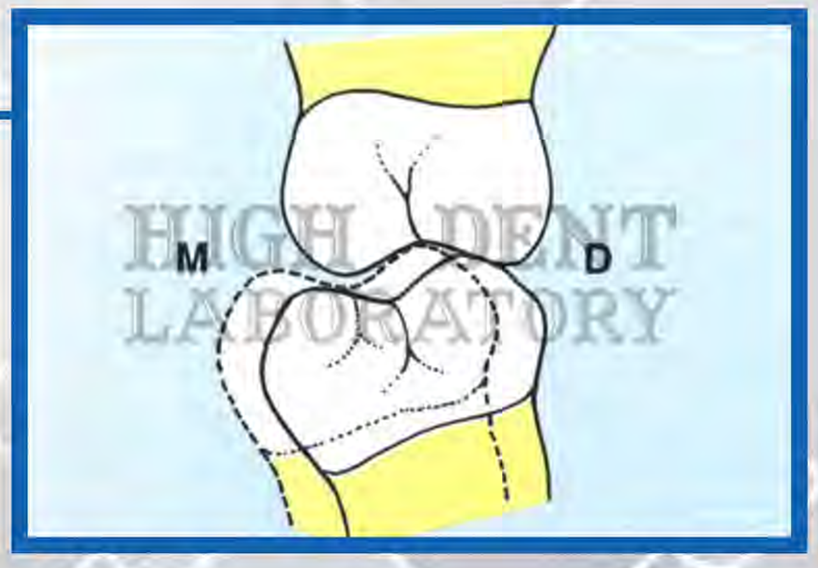

تماسی که می‌تواند مندیبل را از مسیر اصلی حرکت عملکردی خود به یک مسیر متفاوت منحرف کند یا می‌تواند برای رابطه یک دنچر بیس با بافت‌های ساپورت کننده آن مزاحم و مشکل‌آفرین (disturbing) باشد.

definitive cast

یک کپی ازسطوح دندان ها نواحی ریج باقیمانده ویاسایر بخش های قوس دندانی ویاساختارهای صورت که برای ساخت یک رستوریشن یا پروتز دندانی به کار می رود.همچنین final cast گفته می شود.

deflection

۱. یک پیچش به یک سمت
۲. یک جابجایی ممتد غیر مرکزی مسیر انسیزال خط وسط مندیبل که نشانگر محدودیت در حرکت می‌باشد.

deflective occlusal contact

تماسی که یک دندان را جابه‌جا می‌کند، مندیبل را از مسیر مورد نظر خود منحرف می‌کند یا یک دنچر متحرک را از جایگاه نشست خود جابه‌جا می‌نماید.

D

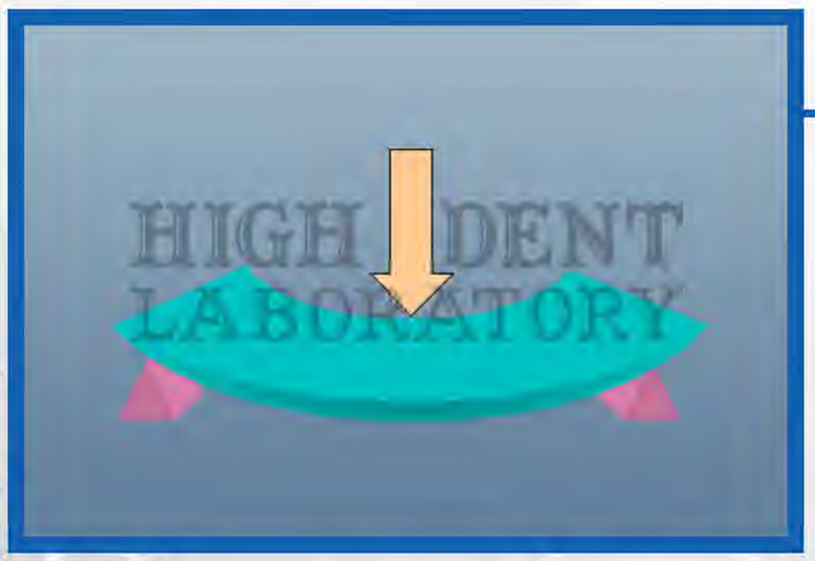

deformation

تغییر فرم یا شکل یک جسم

degas

۱. خارج کردن گاز از یک جسم یا ماده
۲. واژه‌ای که معمولاً برای اولین چرخه حرارت‌دهی (چرخه اکسیداسیون) در ساخت رستوریشن‌ها متال سرامیک به کار می‌رود و ناخالصی‌های سطحی را از جزء فلزی خارج ساخته و اکسیدهای سطحی را پیش از قرار دادن پرسلن اپک فراهم می‌نماید.

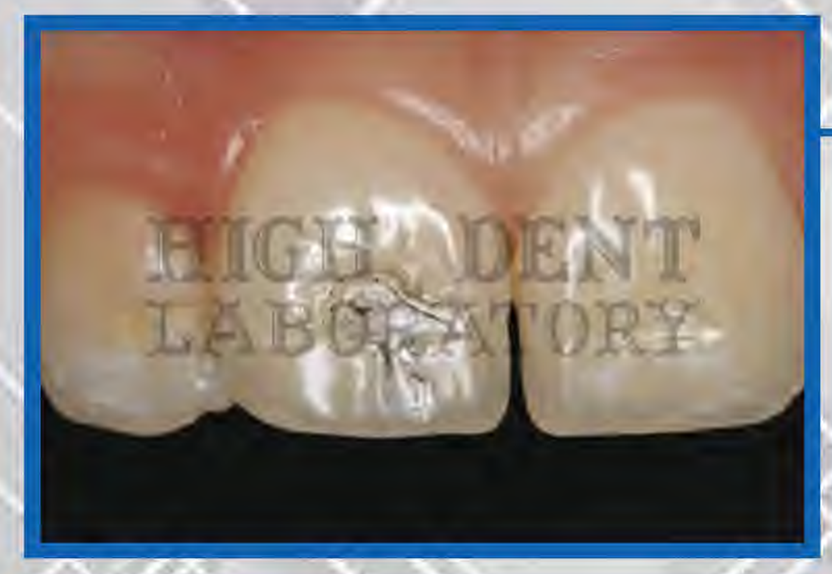

delimitation

عمل تعیین مرزها یا حدود.

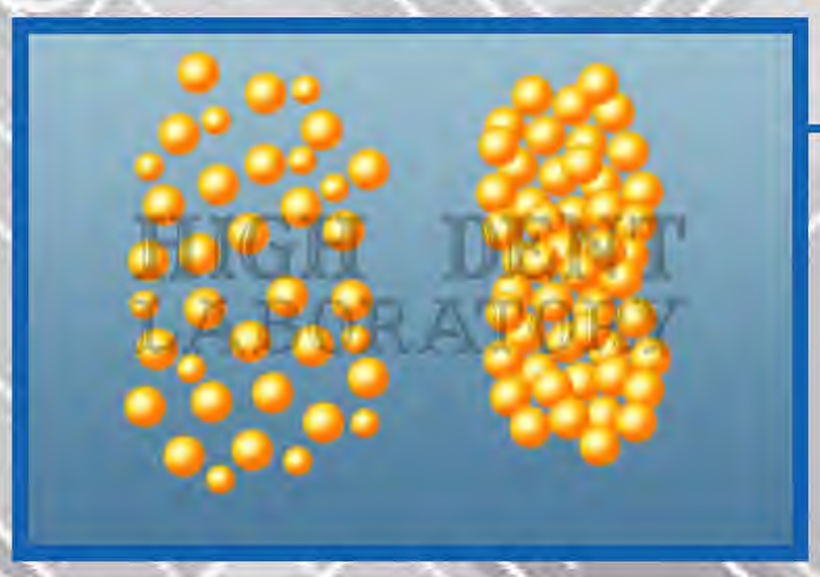

density

۱. فشردگی ذرات در یک ماده.
۲. کدورت یک رنگ.

dental

مربوط به دندان ها ، دندانی

D

dental alveolus

سوکت در فرایند آلوئولار که دندان در آن قرار میگیرد.

dental anatomy

۱. ویژگی های دندان ها.
۲. بررسی ویژگی ها و نشانه های دندان.

dental arch

ساختار ترکیبی دندان ها واستخوان آلوئول

dental assistant

دستیار دندانپزشک که مراقبت از بیمار را بهتر انجام می دهد و به عنوان دستهای اضافی برای دندانپزشک عمل می کند.

dental casting investment

ماده‌ای که به طور عمده از یک آلوتروپ سیلیکا و یک عامل باندینگ تشکیل شده است. ماده باندینگ می‌تواند گچ (برای دماهای ریختگی پایین تر) و یا فسفات‌های سیلیکا (برای دماهای ریختگی بالاتر) باشد.

D

dental clinic

مطب که در آن یک دندانپزشک دارای مجوز، کار دندانپزشکی را انجام می دهد.

dental esthetics

کاربرد اصول زیبایی در دندان‌های طبیعی یا مصنوعی و رستوریشن‌ها

dental hygienist

یک متخصص دندانپزشکی دارای مجوز که دندان ها را معاینه و تمیز می کند. وظایف بهداشتی از نظر صلاحیت متفاوت است و به طور معمول تحت نظارت دندانپزشک فعالیت می کنند. وظایف اغلب شامل تمیز کردن ، صیقل دادن ، قالبگیری ، اشعه X و دستورالعمل به بیمار است.

dental implant

دستگاهی که برای پشتیبانی از ترمیم دندان در فک پایین یا فک بالا تعبیه شده است.

dental implant abutment

بخشی از ایمپلنت دندانی که عملکرد ساپورت و/ یا گیر هر نوع پروتز ثابت یا متحرک را انجام دهد. معمولا اباتمنت‌های ایمپلنت، مخصوصاً آنهایی که با ایمپلنت‌های اندوستئال استفاده می‌شوند، تغییر داده می‌شوند تا طرح اباتمنت موقتی، به نام اباتمنت اینتریم (موقت) نامیده می گردد؛ اما اباتمنتی که برای ساپورت پروتز نهایی استفاده می‌شود، اباتمنت نهایی (definitive) نام دارد. معمولا اباتمنت‌های ایمپلنت براساس طرح ظاهری خود (مثلا استوانه‌ای یا barrel)، ماده سازنده (سرامیک، تیتانیوم، زیرکونیوم سرامیک) یا فاکتورهای خاص طراحی خود (interal hex lock, external hex lock یا spline) توصیف می‌گردند.

dental implant analog

یک کپی از کل ایمپلنت دندانی که به قصد قرار دادن در بدن انسان استفاده نمی‌شود.

D

dental implant attachment

۱. اتصال بیومکانیکی / مکانیکی بین ایمپلنت دندانی و بافت‌هایی که به آن متصل است.
۲. slang برای بیان طریق گیر اباتمنت به ایمپلنت

dental laboratory

مکانی که ترمیم دندان و وسایل ترمیم به سفارش دندانپزشک در آنجا ساخته می شود.

dental technician

یک فرد آموزش دیده که ترمیم و وسایل ترمیم دندان را ساخته و تعمیر می کند.

dental technology

هنر ، مطالعه و ساخت ترمیم های دندانپزشکی.

D

dentin

عاج:یک ماده آهکی مشابه استخوان ولی سخت تر وفشرده تر از آن که توده اصلی دندان را تشکیل می دهد.همچنین نوشته می شود dentine

dentin/enamel blend

انتقال تدریجی بدنه چینی به پرسلن مینا در ترمیم سرامیکی.

dentinal tubules

لوله ها یا کانال های نازک ، موج دار ، شاخه دار در عاج که به صورت شعاعی به بیرون از پالپ گسترش می یابد.

dentist

یک پزشک دارای مجوز که از دندانها و بافتهای اطراف آن مراقبت میکند.

dentistry

عمل مراقبت از سلامتی و بیمار و دندانهای او.

D

dentition

دندان در قوس دندانی

dento-enamel junction

مرز بین عاج و مینای دندان.

dentrifice

خمیر ساینده ای که برای تمیز کردن دندان ها استفاده می شود.

dentulous

۱. دارای دندان های طبیعی
۲. شرایطی که در آن دندان های طبیعی در دهان حضور دارند

deuture

یک جانشین مصنوعی برای دندان های طبیعی و بافت های مجاور

D

denture base

بخشی از دنچر که بر روی ساختارهای زیر بنایی تکیه می کند و دندان ها به آن متصل هستند.

denture base saddle

۱. بخشی از یک دنچر که بر روی مخاط دهانی قرار می‌گیرد و دندان‌ها به آن متصل هستند.
۲. بخشی از یک دنچر کامل یا پارسیل که بر روی بازال سیت تکیه می‌کند و دندان‌ها به آن متصل هستند.

denture border

۱. لبه دنچر بیس در محل اتصال سطح پالیش شده با سطح قالب گیری دنچر
۲. لبه محیطی یک دنچر بیس در محدوده فاسیال ، لینگوال و نواحی خلفی

denture characterization

تغییر فرم و رنگ دنچر بیس و دندان‌ها جهت ایجاد ظاهری طبیعی‌تر و زنده‌تر

denture department

بخش آزمایشگاه دندانپزشکی که پروتزها را می سازد.

D

denture flange

بخشی از دنچر بیس که از انتهای سرویکال دندان‌ها تا لبه دنچر گسترش می‌یابد.

denture flask

کیس فلزی در دو نیمه ، برای ریختن یک پروتز مومی استفاده می شود.

denture packing

عمل فشردن ماده دنچر بیس به درون یک مولد (mold) در یک فلاسک نسوز.

denture processing

۱. فرایندهایی که طی آن مواد دنچر بیس پلیمریزه می‌شوند تا به فرم یک دنچر تبدیل شوند.
۲. تبدیل الگوی مومی یک دنچر یا بخشی از یک دنچر به رزین یا ماده‌ای دیگر

denture retention

۱. در دنچر، مقاومت در حرکت یک دنچر به دور از پایه بافتی آن، خصوصا در جهت عمودی
۲. کیفیتی از یک دنچر که آن را متصل به پایه بافتی (tissue foundation) و / یا دندان‌های اباتمنت نگه می‌دارد.

HIGH DENT
LABORATORY

D

denture space

۱. بخشی از حفره دهان که توسط دنچر ماگزیلا و یا مندیبل اشغال می‌شود.
۲. فضای مابین و اطراف ریج‌های باقیمانده که برای دنچرها در دسترس می‌باشد.
۳. فضای اشغال شده توسط دنچرها که قبلاً در آن ناحیه دندان‌ها، استخوان آلوئولار و بافت‌های سخت و نرم احاطه کننده وجود داشته‌اند.

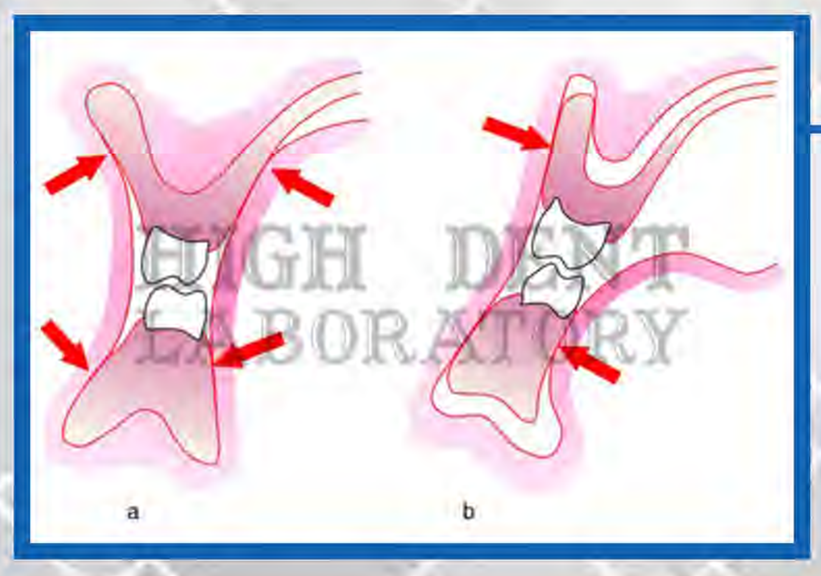

denture stability

۱. ثبات دنچر، مقاومت یک دنچر به حرکت بر روی زیر بنای بافتی خود، خصوصا در برابر نیروهای طرفی (افقی). [مقاومت دنچر در برابر جابجایی عمودی، retention یا گیر دنچر نامیده می‌شود]
۲. کیفیتی از دنچر که آن اجازه حفظ وضعیت متعادل در ارتباط با زیربنای بافتی و/ یا دندان‌های اباتمنت را می‌دهد.

denture tooth

دندان مصنوعی از پیش ساخته ، معمولاً پلاستیک یا سرامیک ، که در یک دندان مصنوعی قرار می گیرد.

denture wax

موم همه کاره برای تنظیم و اندازه گیری دندان مصنوعی استفاده می شود.

depression

سطح مقعر

D

design

۱. ترسیم یا بازنمایی چیزی که ایجاد می شود.
۲. ایجاد برنامه هایی که نشان می دهد چگونه چیزی ساخته می شود.

design center

امکاناتی که طرح های ترمیم دیجیتال را برای مشتریان ایجاد می کند. آزمایشگاه های دندانپزشکی یا دندانپزشکان اسکن ها یا مدل ها را به مرکز طراحی می فرستند ، که CAD را انجام می دهد و طرح های نهایی را به مشتری باز می گرداند یا آنها را برای ساخت به یک مرکز CAM می‌فرستد.

designer

۱. کسی که طراحی می کند.
۲. شخصی که ترمیم دیجیتال را روی رایانه طراحی می کند.

developmental groove

۱. تقعر جزئی که لوبها را روی دندان قدامی تقسیم می کند و به موازات محور بلند اجرا می شود.
۲. گاهی اوقات برای توصیف شیارهای برش دهنده روی دندانهای خلفی استفاده می شود.

devest

بازیافت یک ریختگی یاپروتز از یک ماده اینوستمنت

D

diagnostic cast

یک باساز ی در اندازه واقعی از بخش یابخش هایی از حفرهای دهان و/یا ساختار های صورت به منظور مطالعه وطرح درمان

diagnostic model

مدلی از دهان بیمار که وضعیت دندان ها را قبل از درمان نشان می دهد.

diagnostic waxing

واکس آپ کانتورهای مورد نظر رستوریشن بر روی کست‌های دندانی به منظور ارزیابی و طرح درمان

diagnostic waxup

یک مدل مطالعاتی ساخته شده از موم برای نشان دادن نتیجه درمان پیشنهادی.

diameter

طول یک قطعه خط از دو نقطه مخالف روی سطح یک جسم و عبور از مرکز آن ، دو برابر شعاع است.

D

diamond

کربن خالص در حالت تبلور. سخت ترین ماده موجود در طبیعت است. از ذرات الماس در ساخت ابزارهای ساینده و ترکیبات پولیش استفاده می‌شود.

diamond disc

دیسک برش با ذرات الماس ساینده. دیسک های الماس معمولاً از یک دیسک فولادی بسیار نازک تشکیل شده از یک یا هر دو طرف با ذرات الماس ریز است.

diamond point

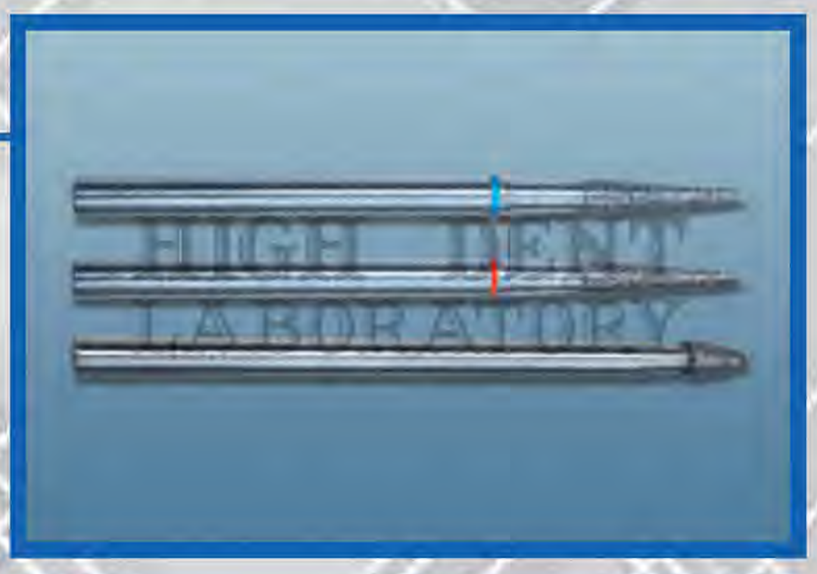

یک ابزار سنگ زنی کوچک با الماس یا روکش الماس که معمولاً در یک دستگیره نصب می شود. گرچه این ابزار غالباً استوانه ای یا مخروطی است، این ابزار در طیف گسترده ای از اشکال کاربرد دارد.

diastema

یک فضا بین دو دندان مجاور در یک قوس دندانی

diatoric

یک ماجرا که در دندان‌های دنچر ایجاد می‌شود تا به عنوان عاملی برای گیر مکانیکی دندان‌ها در بیس دنچری با ماهیت شیمیایی غیرمشابه با آن عمل می‌کند.

D

DICOM

تصویربرداری دیجیتال و ارتباطات در پزشکی (DICOM) هم یک قالب پرونده و پروتکل ارتباطات برای ذخیره و انتقال تصاویر پزشکی و اطلاعات بیمار در یک پرونده واحد است. پرونده های DICOM به طور معمول دارای پسوند .DCM یا .DCM۳۰ هستند.

die

باسازی مثبت از فرم آماده سازی شده دندان در هر نوع ماده مناسب

die hardener

سفت کننده ای که بر روی یک قالب سنگی نصب شده است برای منعقد کردن منافذ در سنگ ، سخت کردن سطح و محافظت از حاشیه.

die interface

محل اتصال سطوح یک تاج و قالب

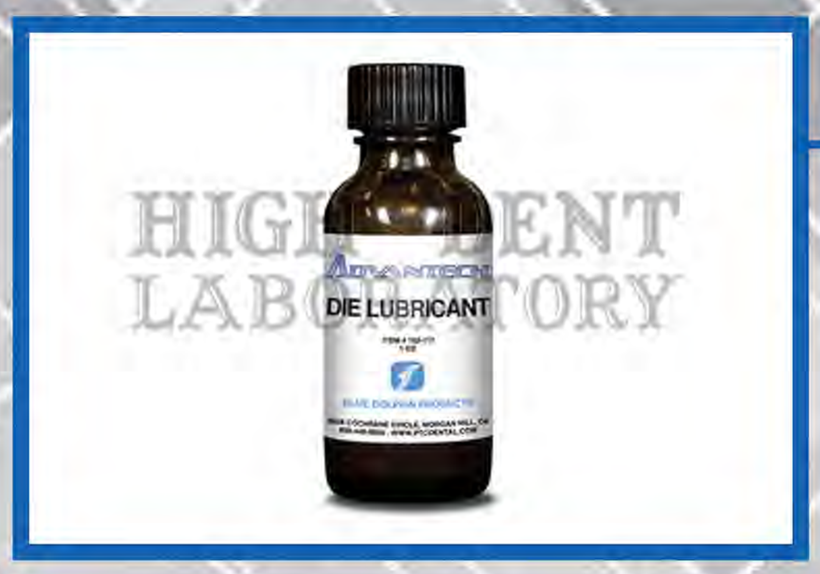

die lube

روان کننده ای برای جلوگیری از چسباندن الگوهای موم به یک قالب. بعد از هر مهر و موم یا فاصله دهی اعمال می شود.

die prep

اصطلاحی برای توصیف نظم و انضباط مدلهای ریخته شده برای ساخت یک مرمت ، شامل مارک مارژین ، اضافه شدن درزگیرها ، سخت کننده ها و اسپیسرهای قالب.

D

die scan

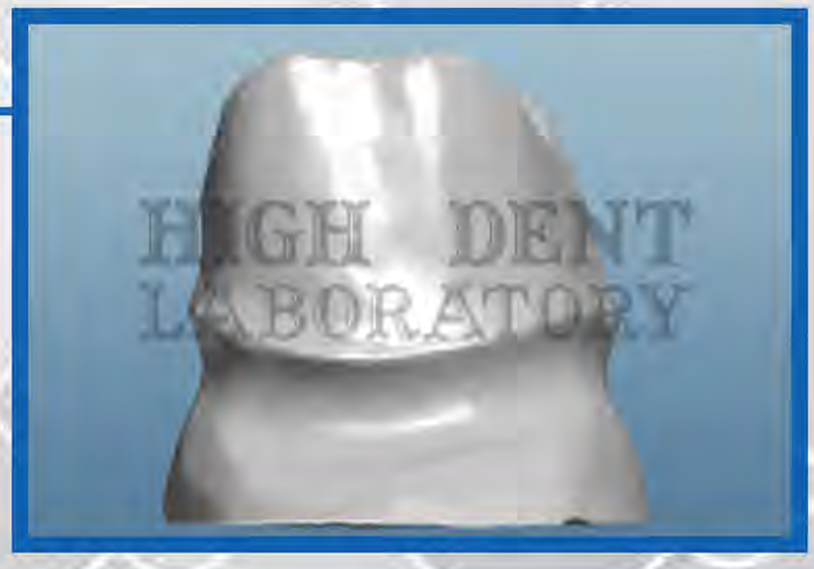

۱. یک اسکن به نمایندگی از یک قالب شخصی.
۲. عمل اسکن یک قالب شخصی.

die sealer

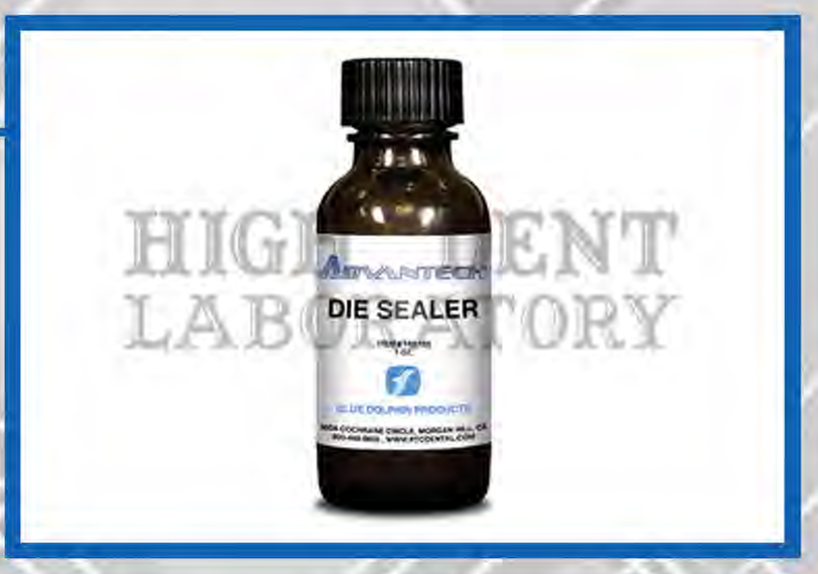

یک درزگیر بکار رفته بر روی یک قالب سنگی برای آب بندی منافذ موجود در سنگ، سخت شدن سطح و محافظت از حاشیه.

die section

بخش متحرک از یک مدل. این بخش ممکن است شامل یک دندان منفرد، چندین دندان یا یک ناحیه بی دندان باشد.

die spacer

ماده ای که به منظور تامین فضا برای ماده چسباننده در ریختگی نهایی، بر روی دای آغشته می شود .

D

die stone

سنگی بادوام و محکم که به دلیل استحکام در مدلهای دندانهای آماده استفاده می شود.

digital

۱. مربوط به اطلاعاتی است که به عنوان مجموعه ای از اعداد ذخیره می‌شود.
۲. استفاده یا مربوط به فناوری رایانه.

digital impression

اسکن دیجیتالی از دهان که می تواند در آن ترمیم دیجیتال طراحی شود، جایگزین نیاز به برجسته سازی فیزیکی می شود.

digital model

بازنمایی دیجیتالی دهان یا دندانهای تولید شده توسط اسکنر

digital restoration

ترمیم دندان که کاملاً یا جزئی از رایانه ساخته می شود ، معمولاً اسکن، آسیاب یا چاپ شده است.

D

dipping pot

دستگاهی که برای ذوب و نگهداری موم در دمای دقیق استفاده می شود.
قالبها به موم مذاب آغشته می شوند تا یک پوشش مومی نازک ایجاد شود.

dipping wax

مومی که معمولاً به صورت شمش یا تراشه تهیه می شود ، مناسب برای آب شدن در ظرف است.

direct composite restoration

ترمیم ساخته شده از مواد کامپوزیتی که توسط دندانپزشک به طور مستقیم در دهان ساخته می شود.

direct inlay

لایه ای که مستقیماً در دندان و بدون استفاده از قالبگیری ساخته می‌شود.

direct lift technique

یک روش ساخت مارجین‌های پرسنلی لبیال که در آن پرسلن مستقیماً بر روی دای فشرده می‌شود.

D

direct retainer

بخشی از یک پروتز پارسیل متحرک که نقش گیر و جلو گیری از جداشدن را ایفا نموده واز مجموعه کلاسپ یا اتچمنت دقیق ‹precision› تشکیل شده است.

direct retention

گیر پروتز پارسیل متحرک با استفاده از کلاسپ یا اتچمنت که در برابر جدا شدن از دندان‌های اباتمنت مقاومت می‌کند.

Director of Training and Education

آن شخصی که آزمایشگاه تعیین کرده است مسئولیت نظارت بر آموزش همه تکنسین های دندانپزشکی و مدیران آزمایشگاه را بر عهده دارد.

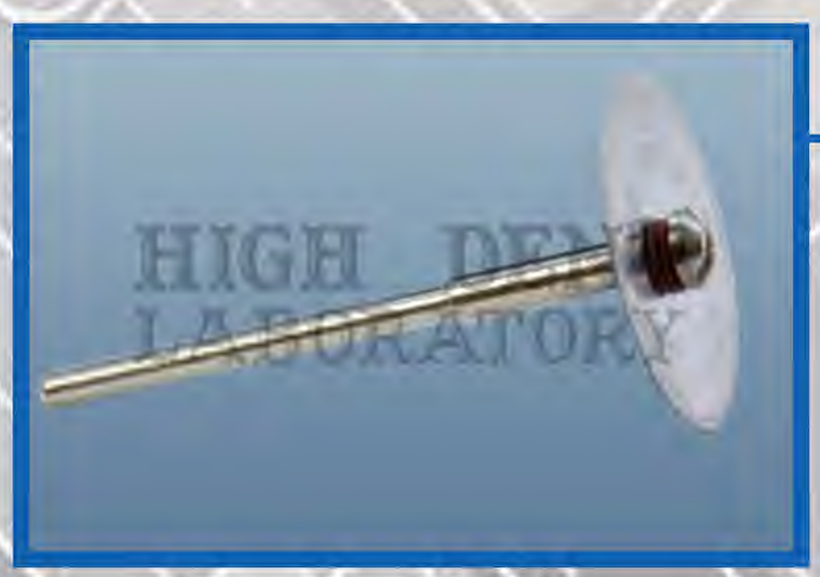

disc

۱. یک جسم نازک و استوانه ای.
۲. چرخ نازک با لبه یا سطح ساینده استفاده شده برای برش یا صاف کردن.

disclude

۱. برای بیرون آمدن از انسداد.
۲. به دلیل انسداد دندانهای دیگر ، خارج شدن از فشار در حین بدلیل حرکت فک پایین انسداد سایر دندان‌ها.

D

disclusion

۱. حالت نبودن دندان در انسداد .
۲. حرکت فک پایین جایی که برخی دندان ها فک ها را از هم جدا می‌کنند، باعث می شود دندانهای دیگر از انسداد خارج شوند.

disinfect

پاکسازی با کشتن میکروارگانیسم های مضر روی یک سطح.

disinfection

روند کشتن میکروارگانیسم ها روی سطح.

dissect

تقسیم به چند قسمت

dissectional

آن چیزی که یک شیء را به چند قسمت تقسیم می کند.

D

dissectional groove

شیاری که دندان خلفی را به دو قسمت مجزا تقسیم می کند. شیار جداکننده از طریق جدول اکلوزال شکسته می شود ، در حالی که شیارهای ثانویه این کار را نمی کنند.

distal

دور دورترنسبت به نقطه مرجع دورتر نسبت به صفحه ساژینال میانی صورت با پیروی از انحنای قوس دندانی

distal extension partial denture

دندان مصنوعی جزئی که قسمت دندانی آن بعد از آخرین پایه قرار دارد.

distal fossa

گودی کم عمقی که در قسمت دیستال سطح اکلوزال دندان خلفی دیده می شود، هم مرز با ریج کاسپ ، مارجینال ریج و محیط اکلوزال است.

distal surface

سطح دندان رو به دور از خط میانی ، زیر منحنی قوس دندان است.

D

disto-occlusion

شرایطی که فک پایین نسبت به فک بالا از وضعیت طبیعی خود عقب تر است.

distoversion

انحراف به سمت دیستال

divergence

دور شدن از یکدیگر در حالی که یک صفحه از یک نقطه مشترک گسترده می شود

dividers

وسیله ای مکانیکی با دو پایه مجهز به یک سر ، که برای اندازه گیری مساوی طول بر روی یک مدل یا پروتز استفاده می شود.

DLP printing

روشی برای چاپ سه بعدی که در آن یک فوتوپلیمر مایع با باعث طرح یک تصویر از روی سکو از پایین می شود. همانطور که هر لایه بعمل می‌آید ، پلت فرم برای لایه بعدی بالا می رود ، تا زمانی که کل تصویر بعمل آید. مایع جمع شده و تخلیه می شود، و ماده غیرقابل استفاده از سطح خارج می شود.

D

DMD

مدرک دندانپزشکی توسط برخی از دانشکده های دندانپزشکی اعطا می‌شود. در ایالات متحده آمریکا ، DMD در مقابل DDS یک انتخاب است و تفاوت چشمگیری در آموزش یا مراقبت از بیمار وجود ندارد.

Dolder bar

نوار استوانه ای ریخته گری یا آسیاب شده که از طریق کلیپ های تعبیه شده در آکریلیک ، دندان مصنوعی متحرک را حفظ می کند.

dominant color

رنگی که به نظر می رسد بیشترین تأثیر را در رنگ کلی دندان دارد، روکش یا بریج.

dowel

یک پست که معمولا از فلز ساخته می شود و درون کانال آماده سازی شده ریشه دندان منطبق شده و جای می‌گیرد. هنگامی که با یک روکش یا کور مصنوعی همرا باشد گیر و مقاومت را برای ترمیم فراهم می‌کند.

dowel and core

پست فلزی که درون یک کانال ریشه آماده قرار گرفته و تاج دندان را به شکل ایده آل خود برای حفظ ترمیم حفظ می کند.

dowel pin

۱. معمولاً یک گیره گرد در سوراخ یک قطعه قابل حمل برای جلوگیری از حرکت یا لغزش قطعه دیگر.
۲. یک پین فلزی که در یک مدل برای اطمینان از قسمتهای متحرک در موقعیت ثابت استفاده می شود.

D

draw

میزان تیپر یا تقارب دیواره‌های آماده شده برای ترمیم

drill

۱. تمرینی که با انجام آموخته می شود.
۲. تسلط بر یک فعالیت با تمرین و تکرار.
۳. ایجاد سوراخ در یک شی.

drill compensation

از ویژگی های نرم افزار CAD که سطح یک طراحی را تنظیم می کند تا قطر مته برای فرز قابل استفاده باشد. یک اثر معمولی خروج مواد اضافی در اطراف یک لبه داخلی تیز است.

dross

۱. لایه جامدی که بر روی یک فلز گداخته یا ذوب شده تشکیل می‌شود و معمولاً از اکسیدهای فلزات مختلف و گاهی ناخالصی‌ها و مواد زاید ایجاد می‌شود.
۲.ماده زاید، پس مانده

D

dry milling

فرایند آسیاب کردن که در آن قطعه ای بدون خنک کننده / روان کننده مایع آسیاب می شود و گرد و غبار با یک خلاء از بین می رود.

ductility

توانایی یک ماده در برابر تغییر شکل دائمی بدون پارگی به هنگام نیروی کششی: توانایی یک ماده در کشیده شدن پلاستیکی تحت کشش. یک ماده در صورت عدم توانایی قابل قبول در تغییر شکل دائمی پلاستیک پیش از پارگی تحت نیروی کششی ماده شکننده محسوب می‌شود.

dummy

دندان جایگزین شده یا پونتیک در یک پروتز پارسیل ثابت

duplicate cast

تولید مجدد یک مدل دیگر ، معمولاً از مدل اصلی. در مواردی که نسخه دیگری از یک مدل اصلی نیاز به تغییر یا پردازش داشته باشد که می تواند به مدل اصلی آسیب برساند، مورد استفاده قرار می گیرد.

ECB

یک عمل زیبایی بر پایه کنترل ، لبه مومی که برای ایجاد چندین پارامتر زیبایی شناختی و عملکردی بر فک فوقانی مورد استفاده قرار می گیرد. این لبه ای است که دندان های مصنوعی فوقانی روی آن قرار می گیرد.

ECB rim factor

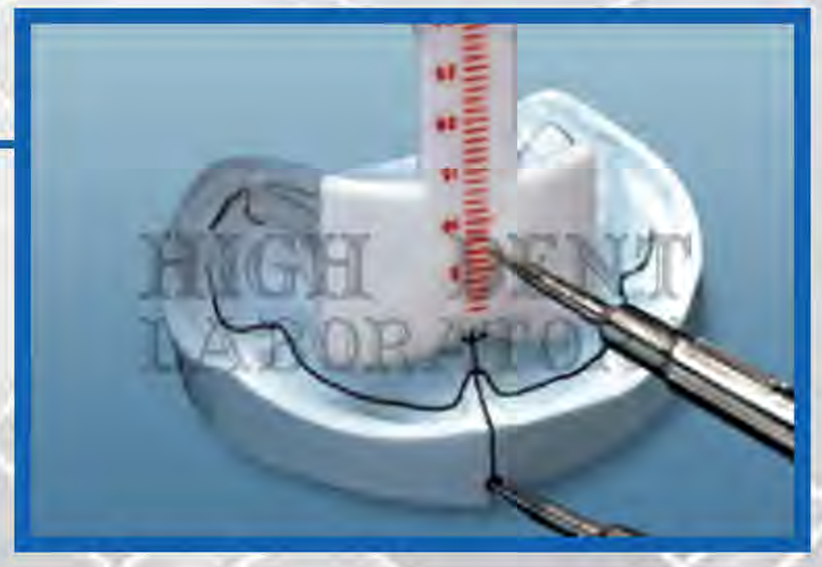

فاکتور عددی که برای محاسبه طول لبه ECB بر اساس قرائت پاپیلامتر و سن ظاهری بیمار استفاده می شود.

eccentric

۱. نداشتن مرکز مشابه
۲. انحراف از یک مسیر دوار
۳. قرار گرفته در هرجایی به غیراز مرکز هندسی
۴. هر موقعیت کندییل به غیر ازموقعیت طبیعی آن.

eccentric bite record

ثبت نیش در هر موقعیتی غیر از رابطه محور

edentulous

بدون دندان ، فاقد دندان

E

edentulous ridge

قسمت بالا آمده از ریج آلوئولار بعد از کشیدن دندان ها.

elastic

مستعد به کشیده شدن ، فشرده شدن یا تغییر شکل دادن و سپس متمایل به بازگشت به شکل اصلی و اولیه

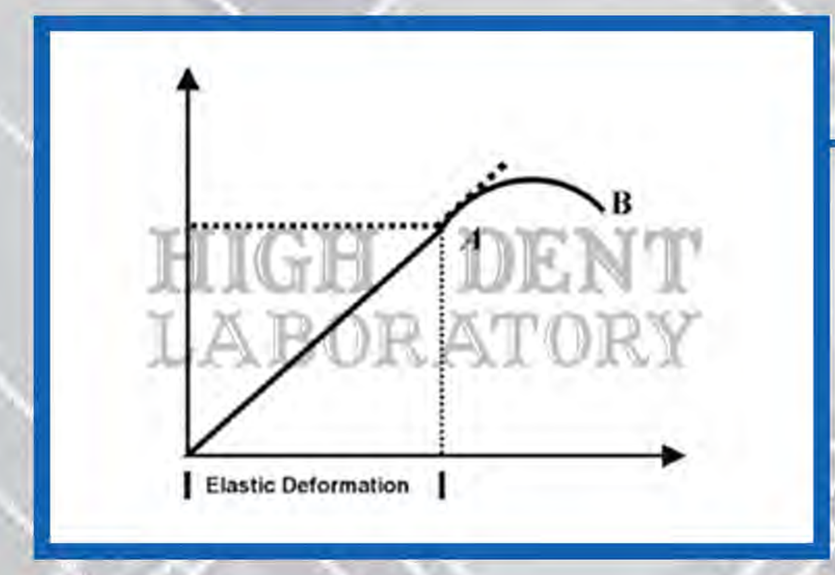

elasticity

کیفیتی که یک ماده یا ساختار اجازه میدهد تا پس از برداشتن یک نیروی خارجی ،به شکل اولیه خود باز گردد.

elastomer

پلیمری که دمای glass transition آن زیر دمای سرویس آن می‌باشد. این مواد با stiffness پایین و elastic strain بسیار بالا شناخته می‌شود.

elastomeric

چیزی که پس از تغییر شکل، مجددا می تواند به شکل اصلی برگردد.

elastomeric impression material

یک گروه از پلیمر های شیمیایی قابل ارتجاع که به طریق فیزیکی و یا شیمیایی کراس لینک شده اند. به طور کلی می‌توانند به راحتی کشیده شوند و پس از آزاد شدن استرس های وارده به سرعت ابعاد اصلی و اولیه خود را به دست آورند.

E

electric waxer

ابزار موم کاری با گرم کن برقی در نوک خود.

electroplating

استفاده از یک جریان الکتریکی برای انتقال مواد از محلول (الکترولیت) روی یک سطح.

electropolishing

استفاده از جریان الکتریکی برای صیقل دادن فلز با انتقال مقدار کمی مواد از سطح به محلول (الکترولیت).

elongate

برای طولانی تر شدن

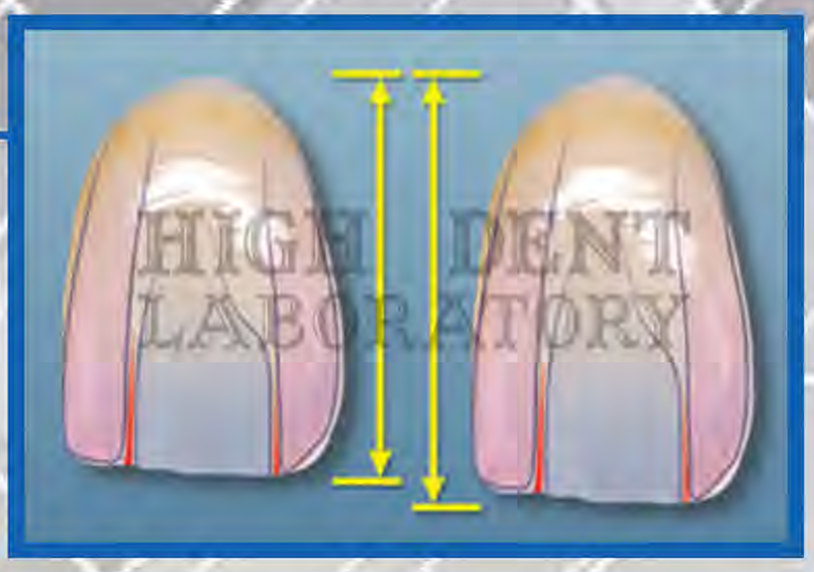

embrasure

۱. فضایی که ما بین دو سطح دور شونده از هم شکل می‌گیرد
۲. در دندانپزشکی ، فضایی که به وسیله‌ی سطوح دو دندان مجاور تعریف می‌شود .در ارتباط با هر ناحیه تماس پروگزیمال، چهار امبراژور وجود دارد که عبارتند از : اکلوزال یا انسیزال، مزیال، دیستال و جینجیوال (لثه‌ای)

E

embrasure clasp

قلابی که در جایی استفاده می شود که فضای قابل توجهی وجود نداشته باشد:
۱. قلاب محیطی که از منافذ عبور می کند ، با یک تکیه گاه اکلوزال و بازوهای محیطی.
۲. یک جفت مجاور از چنین قلابی.

emergence angle

زاویه کانتور تبدیلی ایمپلنت دندانی که با رابطه سطح اباتمنت با محور طولی تنه ایمپلنت مشخص می شود.

emergence profile

کانتور یک دندان یا رستوریشن همانند یک روکش بر روی دندان طبیعی یا ایمپلنت در ارتباط با بافت‌های اطراف

eminence

یک برجستگی یا زائده ، مخصوصا آنهایی که بر روی سطح استخوان هستند.

E

enamel

در دندانپزشکی، لایه سخت، نازک، شفاف ماده کلسیفیه شده که عاج قسمت تاج دندان را پوشانده و از آن حفاظت می‌کند

enamel crack

یک ترک کوچک و عمودی در مینای دندان که به دلیل استرس یا ضربه ایجاد می شود.

enamel porcelain

پرسلن شفاف دندانی برای شبیه سازی مینای دندان طبیعی استفاده می‌شود.

enamel prisms

بلورهای میکروسکوپی آهکی از عاج که مینای دندان را تشکیل می شود.

endo

پیشوند به معنای داخل یا درون.

endodontic endosteal implant

ایمپلنتی که دیگر محبوب نیست و به منظور تثبیت دندان از طریق کانال ریشه به استخوان پریاپیال گسترش می یابد.

E

endogenous infection

عفونت ناشی از ارگانیسم موجود در بدن است.

endosseous implant

ایمپلنت دندانی که در استخوان آلوئولار یا بازال تعبیه شده و فقط از یک غشا عبور می کند.

endosteal

در حال رخ دادن یا در داخل استخوان قرار دارد.

endosteal implant

ایمپلنت دندانی که در استخوان آلوئولار یا بازال تعبیه شده و فقط از یک غشا عبور می کند.

engaging

اتصال یا پایه ایمپلنت که از چرخش جلوگیری می کند. مناسب برای ترمیم های تک و یا چند واحدی است.

envelope of function

فضای سه بعدی در داخل محدوده حرکت که شامل حرکات مندیبل حین عملکرد جویدن یا صحبت کردن می‌شود.

envelope of motion

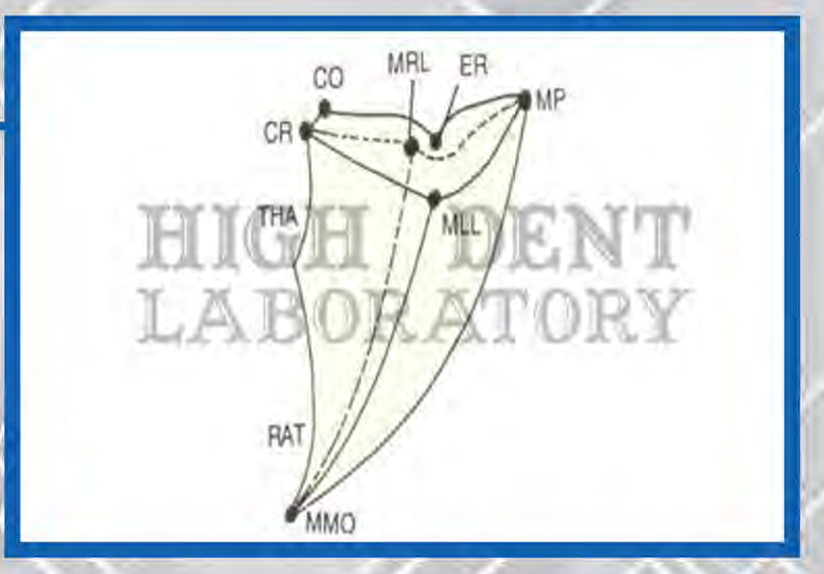

فضای سه بعدی که با حرکات مرزی مندیبل در حدی که کشیده نشود و فشاری به آن وارد نشود محدود می‌گردد.

epithelial attachment

اتصال لثه به سطح دندان در قسمت پایه شکاف لثه.

epithelial cuff

عبارتی که برای توصیف رابطه بین مخاط و ایمپلنت دندانی به کار می‌رود. استفاده از این عبارت نشان دهنده وجود چسبندگی نزدیک، نه ضرورتاً بیوشیمیایی ، بین مخاط و ایمپلنت می‌باشد.

E

epithelium

بافت مخاطی که به عنوان یک پوشش برای سطوح داخل دهانی عمل میکند و تا crevice لثه‌ای گسترش یافته و در پایه crevice به دندان می‌چسبد.

eposteal implant

ایمپلنتی که باتکیه بر استخوان ، ساپورت اصلی خود را دریافت می کند. یک فرم اولیه ایمپلنت که مورد توجه اکثر دندانپزشکان نیست ، اما هنوز هم در جایی مورد استفاده قرار می گیرد که جذب پیشرفته استخوان ممکن است از استفاده از ایمپلنت های اندوست جلوگیری کند

equilibrate

آوردن یا قرار دادن در موازنه و تعادل

equilibration

۱- عمل یا اعمال قرار دادن یک جسم در وضعیت تعادل
۲- وضعیت یا شرایط بودن در تعادل.

esthetic

۱. مربوط به مطالعه زیبایی و حس زیبایی
۲. مربوط به احساس . فرم تغییر یافته.

esthetic composition

آرایش قرار گرفتن دندانها نسبت به یکدیگر وفک.

esthetic control base

لبه مومی که برای ایجاد چندین پارامتر زیبایی شناختی و عملکردی فک فوقانی و همچنین حاشیه ای که دندان های فوقانی روی آن قرار دارد استفاده می شود.

esthetic reshaping

تغییر فیزیکی سطوح دندان‌ها جهت بهبود وضع ظاهری

esthetics

شاخه‌ای از فلسفه که با زیبایی سر وکار دارد

excursion

۱. یک حرکت خارج و عقب از یک موقعیت میانگین یا یک محور میانی، فاصله پیموده شده
۲. در دندانپزشکی، حرکت مندیبل هنگامی که از حداکثر تماس بین کاسپی به خارج حرکت می‌کند .

expansion prosthesis

یک پروتز ماگزیلوفاسیال که برای باز کردن سگمنت طرفی ماگزیلا و شکاف های یک طرفه یا دو طرفه کام نرم و سخت وزائده آلوئولار استفاده می‌شود.

extension outline

۱. حدود خارجی سطح کل نشستگاه دنچر بیس
۲. حدود خارجی سطح یک کست یا غشای مخاطی که کل سطحی را در بر می‌گیرد که قرارا است توسط یک دنچر پوشیده شود.

external hex

ایمپلنت دندان که دارای یک جزء احتمالی خارجی و به طور معمول شش ضلعی برای اطمینان از موقعیت abutment است.

external oblique ridge

یک ریج ظریف بر روی سطح باکال تنه مندیبل که از بوردر قدامی راموس به سمت پایین و جلو تا ناحیه فورامن منتال ادامه می یابد و در طی این مسیر به تدریج از برجستگی آن کاسته می شود . اندازه و جهت این ریج در طول زندگی تغییرات خیلی کمی دارد .

extracoronal

خارج یا بیرون از بخش تاجی یک دندان طبیعی ، خارج تاجی

extracoronal attachment

هر نوع اتچمنت پیش ساخته برای تامین ساپورت و گیر یک پروتز متحرک. بخش نری و مادگی در خارج از کانتور طبیعی دندان اباتمنت قرار می‌گیرند

extracoronal retainer

بخشی از یک پروتز پابت که اباتمنت را به سایر اجزای پروتزی متصل می‌کند که تمام یا بخشی از تاج آماده‌سازی شده را در بر می‌گیرد.

extrinsic coloring

رنگ شدگی از بیرون ، رنگ زدن به سطح خارجی یک پروتز

extrude

بیرون دادن

extrusion

حرکت دندان ها به دور از پلن طبیعی اکلوزال که می تواند با حرکت مشابه بافت های ساپورت کننده آن‌ها همراهی شود .

E

eye tooth

دندانی که یک کاسپ تک دارد ، برای جویدن مواد غذایی استفاده می شود.
دیستال ترین دندانهای قدام در هر فک. دندان سوم از خط میانی.

facebow

یک وسیله پرگار مانند که برای ثبت رابطه فضایی میان قوس فک بالا و یک یا چند نقطه مرجع اناتومیک و سپس انتقال آن به یک آرتیکولاتور استفاده می شود.

F

facet

یک سطح کوچک صاف بر روی هر جسم سخت

facial

سطح یک دندان یا ساختار دهانی دیگر که به سمت صورت می باشد

facial profile

فرم خارجی صورت از یک نمای طرفی

facial surface

سطح دندان نزدیک به صورت است. معمولاً برای ارجاع به سطح لبی دندان قدامی یا سطح باکال یک دندان خلفی استفاده می شود.

facing

یک پوسته از هر ماده ترمیمی که بر روی یک دندان طبیعی یا پروتز به عنوان یک رستوریشن استفاده می شود تا نمای یک دندان طبیعی را شبیه سازی کند .

F

feather preparation

آماده سازی که در آن دیواره محوری با زاویه تقریبی ۱۸۰ درجه با سطح آماده نشده برخورد می کند. به طور معمول مورد استفاده قرار می گیرد که در این مرمت ، تمام حاشیه های فلزی وجود دارد که به لبه چاقو اجازه می دهد خط پایانی را ببرد.

feldspathic

مرتبط با فلدسپار یا دارای فلدسپار ، مخصوصا در ارتباط با گلیز پرسلن از این واژه استفاده می شود .

feldspathic porcelain

نوعی پرسلن که از مواد معدنی طبیعی گروه فلدسپار ساخته شده است. این ماده از ترکیبات اکسیژن با فلزات سبک‌تر و غیرفلزات ساخته شده و معمولا شامل یک کاتریکس بدون شکل (غیرکریستالی) با یک یا چند فاز کریستالی می‌باشد (مانند لوسیت $4SIO_2, AL_2O_3, K_2O$)

female characteristics

خصوصیات و ویژگی جسمی که عموماً با ظاهری زنانه همراه است (ظریف ، گرد ، نرم و غیره). در مورد جنسیت زن ، دندانها و آرایش آنها باید از این خصوصیات طبیعی و پذیرفته شده پیروی کند. این ارزش زیبایی شناختی زیادی دارد وقتی که ما مفاهیم خطوط لبخند و باکال کریدور را با این نوع آرایش دندان زنانه ترکیب می کنیم.)

female esthetic composition

آرایش دندانهای قدامی که ظاهری نرمتر و لطیف تر به بیمار می بخشد .در این خصوص ترکیب زیبایی زنانه استاندارد وجود دارد.

ferrule

۱. یک نوار یا حلقه فلزی که جهت تطابق با ریشه یا تاج یک دندان استفاده می شود.
۲. هر لوله یا غلاف کوتاه که برای ساخت یک مفصل محکم به کار می رود.

fibrous

حاوی فیبر یا تشکیل شده از فیبر

fibrous integration

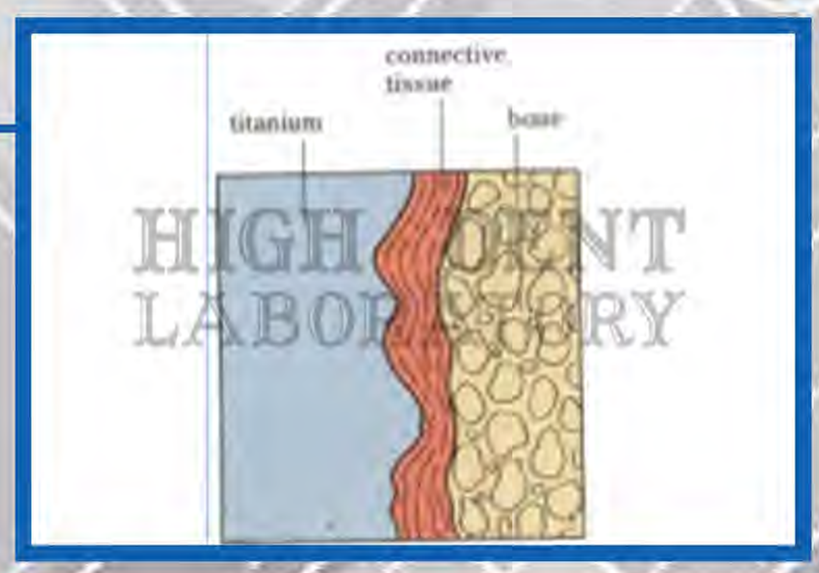

حضور یک لایه تداخل گر از بافت همبند فیبروز بین یک ایمپلنت دندانی و استخوان اطراف، که نشان دهنده شکست استئواینتگریشن می باشد.

final flask closure

آخرین بستن فلاسک (مفل) دندانپزشکی پیش از پلیمریزاسیون و پس از packing امتحانی مولد با یک ماده ترمیمی

fineness

عیار، نسبت طلای خالص در یک آلیاژ طلا

F

finishing

مرحله آخر در روند ساخت ترمیم. ممکن است شامل براق کردن باشد یا نباشد .

fire

برای پخت یا به عمل آوردن تاج چینی و پل در کوره.

firing tray

وسیله ای غیر قابل اشتعال کوچک که برای ساپورت تاج ها و پل ها در هنگام در آتش قرار گرفتن استفاده می شود ، گاهی اوقات گیره های متحرک را برای تنظیم در ترمیم شامل می شود.

first stage surgery

اولین مرحله جراحی برای کاشت دندان. برای ایمپلنت های زیر فشار شامل باز شدن مخاط ، برداشت استخوان و ثبت نیش می باشد. برای کاشت اندوست، این شامل باز شدن مخاط ، آماده سازی یک محل در استخوان برای دریافت ایمپلنت و قرار دادن بدنه ایمپلنت است. یک پیچ پوششی روی ایمپلنت قرار می گیرد و مخاط سپس روی بدنه ایمپلنت بخیه می‌شود.

fixed bridge

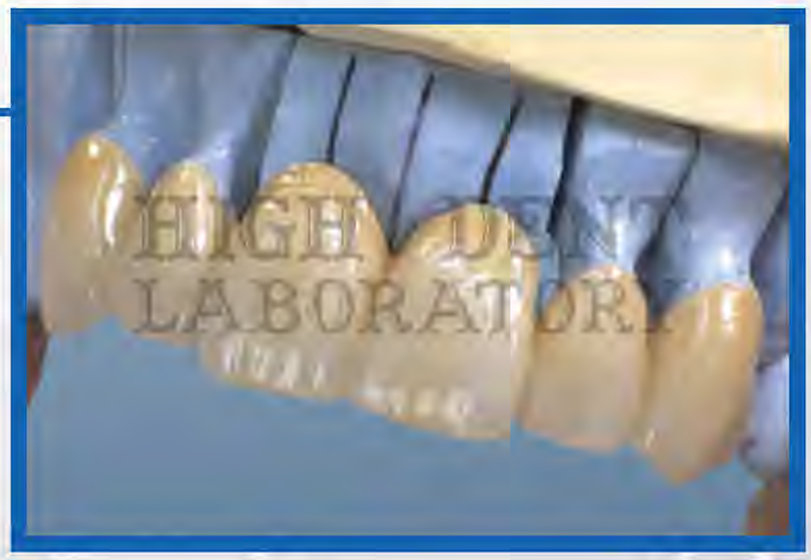

رایج ترین اصطلاح ترمیم است که دو یا چند دندان را به هم وصل می کند و محل به طور دائم سیمان می شود.

F

fixed department

آن بخش در آزمایشگاه که ترمیم های ثابت مانند تاج و پل را می سازد.

fixed partial denture

اصطلاح کمتر رایج برای ترمیم چند واحدی که بطور دائم در محل (یک پل) سیمان می شود.

fixed prosthesis

ترمیم دائمی است که یا توسط سیمان یا وسیله اتصال به دهان ثابت می‌شود.

fixed prosthodontics

شاخه ای از پروتز که با جایگزینی یا ترمیم دندان ها با نوعی جانشین های مصنوعی سر وکار دارد که به آسانی از دهان خارج نمی شود .

fixed restoration

ترمیم دندانی که بطور دائم وصل می شود ، مانند روکش یا بریج.

F

flange

یک لبه یا حاشیه که برای قدرت بخشیدن ، هدایت کردن یا اتصال یک شئ دیگر به کار می رود.

flash

۱. پلاستیک یا فلز بیش از حد در اطراف قطعات قالب.
۲. آکریلیک که هنگام پردازش به شکاف ریز بین نیمه جداگانه فلاسک فشار می آورد.
۳. فلزی که منجر به ترک های کوچک می شود که ممکن است در مواد ریخته گری رخ دهد.

flask

فلاسک کردن یا احاطه نمودن ، اینوست کردن

flasking

۱. عمل اینوست کردن در یک فلاسک
۲. عمل اینوست نمودن کست و یا کپی مومی از فرم دلخواه در یک فلاسک جهت آماده سازی مولد نمودن ماده ترمیمی در محصول مورد نظر

flat to front

اصل زیبایی شناسی توصیف کننده ثناهای مرکزی که به طور مسطح در قسمت جلوی دهان قرار دارند.

F

fluorescent light

۱. نوری که توسط فلورسانس تولید می شود ، تبدیل اشعه غیر قابل مشاهده به اشعه قابل مشاهده است.
۲. نوری که با شارژ الکتریکی یک لوله پر از گاز جیوه تولید می شود.

flux

۱. در سرامیک ها به ماده ای گفته میشود که دمای ذوب پرسلن را کاهش می دهد.
۲. هر ماده ای که به سطوح آغشته می شود تا هنگام انواع لحیم کردن محیط را تمیز و عاری ازاکسیدها نموده و یکی شدن را بهبود بخشد.

foil

یک صفحه بسیار نازک و انعطاف پذیر از فلز، معمولاً با ضخامت‌های متفاوت

foramen

محل باز کوچک در یک استخوان.

fossa

یک حفره ، شیار یا فرو رفتگی آناتومیک

F

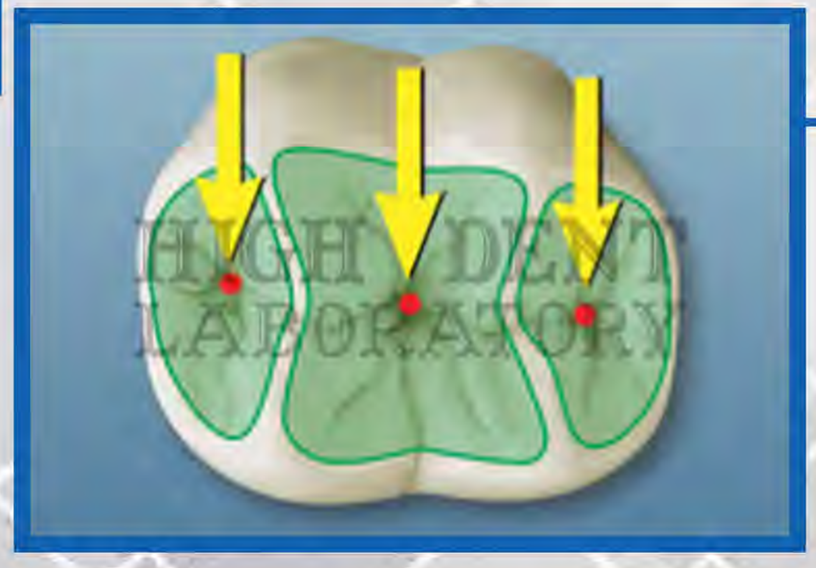

fossa pit

عمیق ترین نقطه از حفره اکلوزال ، معمولاً نزدیک مرکز آن است.

foveae

گودال کوچک یا گودی در استخوان یا اندام. چاله

foveae palatinae

دو حفره یا فرو رفتگی کوچک در بخش خلفی مخاط کامی که هر کدام در یک طرف خط وسط قرار دارند و در محل اتصال کام نرم و سخت و یا مجاورت آن واقع می باشد

FPD

یک پروتز جزئی ثابت (یک پل).

fracture

روند و یا عمل شکستن ، وضعیت شکسته بودن

F

frame implant

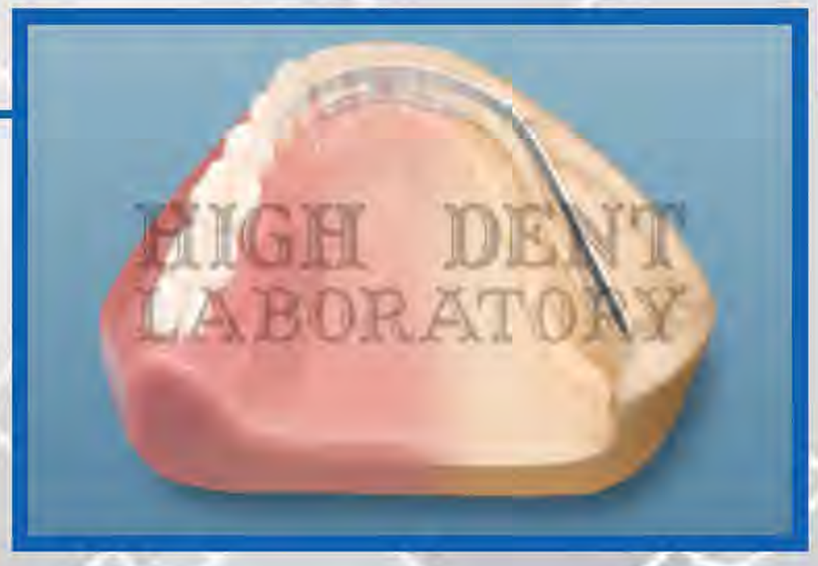

ایمپلنت متصل به رامی و قسمت قدامی فک پایین توسط یک میله اتصال supragingival برای ساپورت اوردنور پایین. هنگامی استفاده می شود که فک پایین برای ساپورت خیلی نازک باشد از ایمپلنت اندوست یا تحت فشار استفاده می شود. همچنین برای تقویت فک پایین در سمفیز فک پایین مورد استفاده قرار می گیرد.

frame work

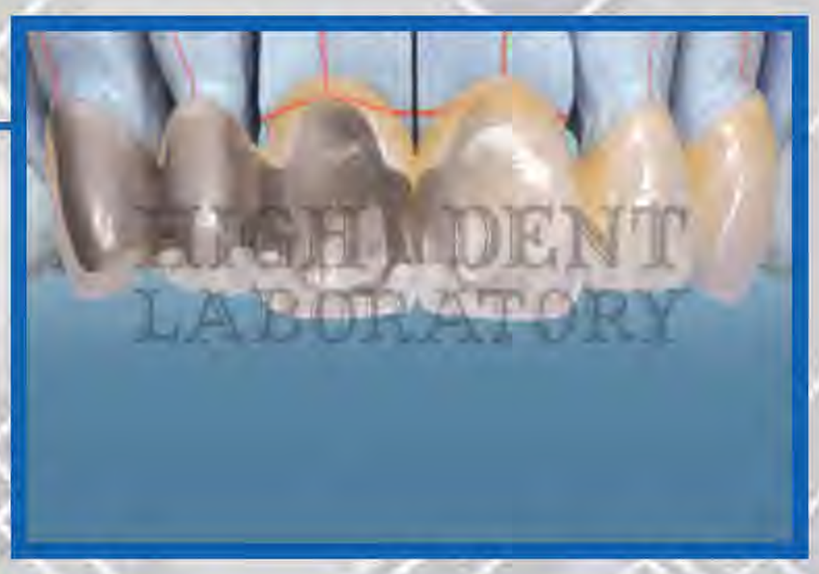

۱. یک اسکلت بندی یا فریم ساختاری داخلی و یا احاطه شونده که برای ساپورت یک شئ یا اشیای دیگر استفاده شود .
۲. بخش اسکلتی پروتز (معمولا فلزی و گاهی سرامیکی) می باشد.

free gingiva

بخشی از لثه که دندان را احاطه نموده و مستقیما به سطح دندان متصل نمی باشد .

free standing implant

ایمپلنت که به هیچ ایمپلنت دیگری با نوار یا چارچوب وصل نشده است.

frenum

یک پین اتصال دهنده از غشا که نقش ساپورت یا نگهداری یک بخش را انجام می‌دهد.

F

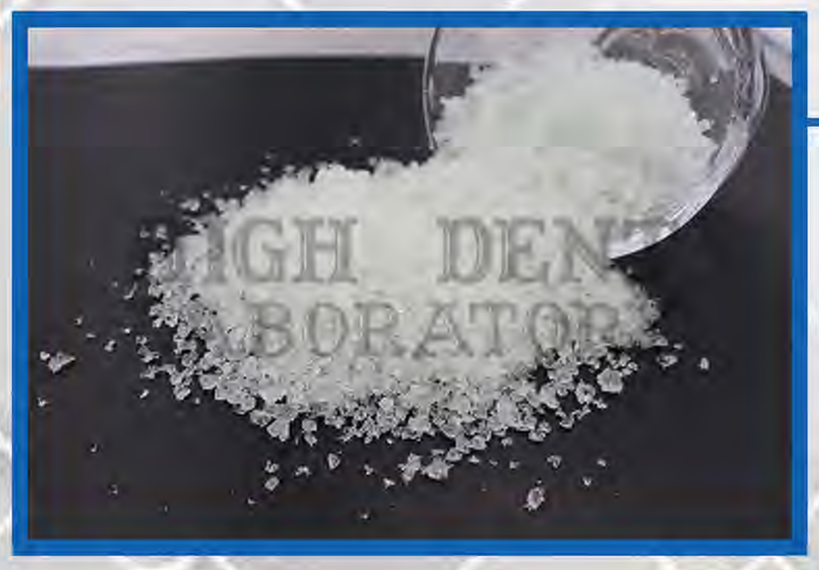

frit

ماده کلسیفیه شده یا نیمه مذاب که شیشه از آن ساخته می شود
یک توده پرسلن مذاب که با گداختن مواد تشکیل دهنده اصلی آن و غوطه ور سازی ناگهانی آن در آب در زمانی که داغ است ، به دست می آید.فریت سائیده می شود تا پودر پرسلن به دست آید .

fulcrum

۱. محوری که یک اهرم روی آن چرخانده می شود.
۲. نقطه ای که در آن دست کار کن در برابر دست غیر کار کن یا در مقابل خود جسم می چرخد.

full arch

مربوط به تمام دندانها در فک و یا فک پایین است.

full arch impression

قالب کل فک دندانی.

full arch model

مدلی از کل فک دندانی.

full crown

تاجی که هر پنج سطح یک دندان را در بر می گیرد.

full denture

پروتز متحرک که جایگزین تمام دندانهای طبیعی و بافت های اطراف آن می شود.

full gold crown

یک تاج کامل که کاملاً از یک آلیاژ طلا ساخته شده است.

full palatal plate

یک اتصال دهنده اصلی که کل صفحه سخت را در بر می گیرد و به صورت اختیاری شامل یک صفحه زبانی برای حفظ غیر مستقیم است.

full porcelain restoration

ترمیمی که کاملاً از مواد سرامیکی ساخته شده است.

F

full ridge lap

شرایطی که پونتیک از نظر زبانی فراتر از تاج الراس گسترش می یابد.

fully adjustable articulator

آرتیکولاتوری که اجازه بازسازی حرکات سه بعدی ثبت شده مندیبل را می دهد .
و به آن آرتیکولاتور کلاس Vاهم می گویند.

fully sintered zirconia

زیرکونیایی که به حداکثر قدرت ، سختی و شفاف رسیده است.

function

۱. کار کردن یا انجام دادن.
۲. عملکرد فکها و دندانهای بالا و پایین نسبت به یکدیگر.
۳. جهت حرکت مجاز توسط یک پیوست برای توزیع نیرو.

functional cusp

نیشهایی که با دندان های مقابل در محور انسداد، مسدود می شوند. در انسداد نرمال ، نیشهای زبانی دندانهای خلفی فوقانی و نیشهای باکال دندان‌های خلفی تحتانی.

functional model

مدل مثبت دهان بیمار که بعد از تهیه دندان توسط پزشک تهیه می شود. مدلی که ترمیم در آن قرار گرفته شده است.

F

fundamental

۱. بخش اساسی چیزی؛ پایه.
۲. آنچه را باید قبل از فهمیدن هر چیزی باید درک کنید.
۳. نیروی اصلی یا مولد نیرویی است که دیگر نیروها از آن مشتق می شوند.

furnace

دستگاهی که گرما را تولید می کند، برای حذف موم یا پخت پرسلن یا مواد مشابه استفاده می شود.

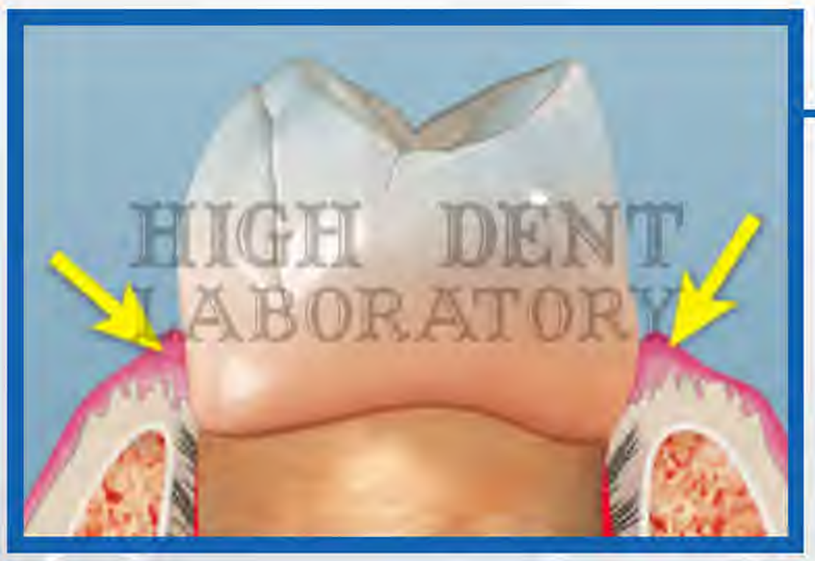

gingiva

لثه، بافت فیبروز پوشاننده، که توسط اپی تلیوم پوشانده شده و دندان را احاطه می‌کند و به غشای پریودنتال دندان و بافت های مخاطی دهان متصل است.

G

gingival

۱. مربوط به لثه.
۲. ناحیه ای از دندان که نزدیک به لثه است.

gingival attachment

اتصال لثه به دندان ها

gingival bulge

ناحیه محدب درست بالای خط گردنه که باعث می شود مواد غذایی به دور از لثه منحرف شوند.

gingival collar

اتصال لثه در اطراف دندان.

gingival crest

حداکثر میزان گردنه لثه.

gingival crevice

یک فرو رفتگی کم عمق بین لبه لثه و مینا یا سمنتوم.

gingival depression

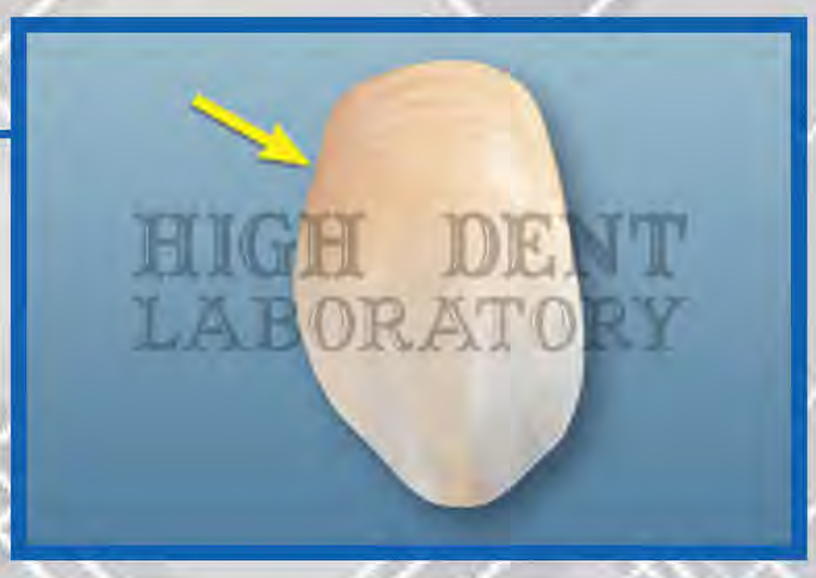

یک فرورفنگی جزئی در لثه نیش ، دیستال تا محور طولانی.

gingival embrasure

فضای بین دندان های مجاور در ناحیه سرویکال تماس بین دندانی

gingival line

خط اطراف دندان به اندازه لثه است.

gingival margin

مرز یا مرز بین دندان و ترمیم در ناحیه لثه.

G

gingival porcelain

یک مخلوط پرسلن که برای بخش سرویکال یک رستوریشن سرامیکی استفاده می‌شود.

gingival sulcus

فضای V شکل بین لثه و سطح دندان.

gingival third

یک سوم از طول تاج دندان که نزدیک به لثه است.

gingivitis

التهاب لثه به دلیل عفونت. شایع ترین بیماری پریودنتال و یک بیماری غیر مخرب اما اگر درمان نشود، می تواند منجر به پریودنتیت شود.

glaze

۱. پوشاندن با یک لایه صاف و براق
۲. دستیابی به یک سطح صاف و بازتابنده.
۳. پخت نهایی پرسلن که طی آن سطح شیشه‌ای پر شده (vitrify) و ماده به میزان بالایی براق می‌شود.
۴. یک ونیر سرامیکی بر روی پرسلن دندانی پس از پخت آن که ایجاد یک سطح غیر متخلخل و براق یا نیمه براق می‌کند.

glenoid fossa

تقعر ایجاد شده در استخوان تمپورال توسط قوس زایگوما که کندیل مندیبل در آن قرار می گیرد.

glossa

زبان ، اندام عضلانی متصل به کف دهان است و از آن برای خوردن ، مزه و گفتار استفاده می شود.

gold

یک فلز زرد سنگین که به دلیل خاصیت قابل پولیش بودن ، مقاومت در برابر لکه و ویژگی های سایش شبیه به دندانهای طبیعی ، در ترمیم های دندان مورد استفاده قرار می گیرد.

golden proportion

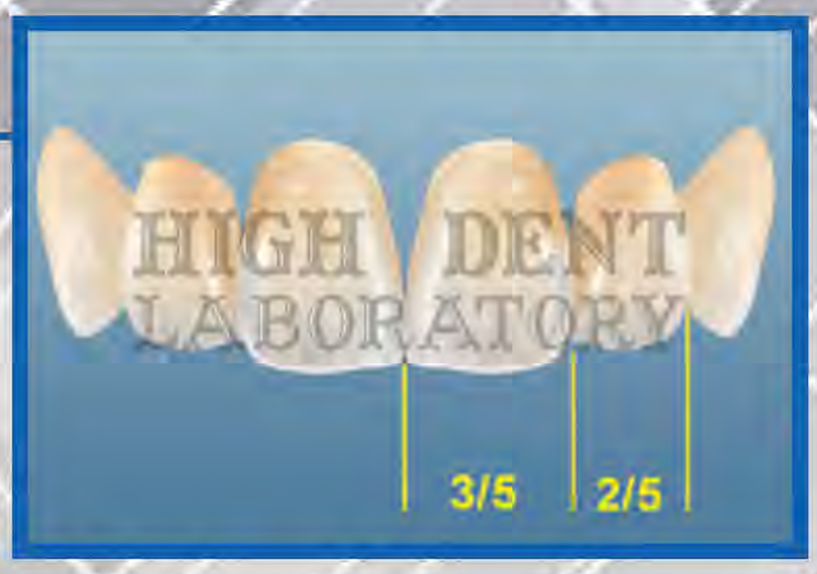

نسبت بین عبارات ریاضی پشت سر هم با یک توالی وابسته به ریاضیات .ادعا شده که نسبت طلایی در دندان های طبیعی وجود دارد و نسبت بین عرض انسیزور ها و کانین هاست در زمانی که از مقابل دیده شوند .

gothic arch tracing

الگویی که در صفحه افقی دستگاه ردیابی یاتاقان مرکزی ایجاد شده است.

G

groove

یک کانال یا فرو رفتگی بلند و باریک ،همانند شیار های موجود بین کاسپ های دندان ها و یا شیار هایی که برای افزایش گیر بر روی سطح دندان ها هنگام آماده سازی برای قرار دادن روکش تعبیه می‌شود.

group function

تماس های متعدد بین دندان های فک بالا و پایین در حرکات طرفی در سمت کارگر که این تماس های همزمان دندان های متعدد به عنوان یک گروه در جهت پخش نیروهای اکلوزال عمل می‌کند.

guide pin

پینی که در قسمت فوقانی آرتیکاتور جای می گیرد و بر روی لبه انکیشن قرار می گیرد و بعد عمودی مدل ها را حفظ می کند.

guided surgery

روشی که در آن از تصویربرداری سه بعدی از فک دندان برای برنامه ریزی ایمپلنت استفاده شده و با یک الگوی جراحی ترکیب می شود تا راهنمایی کند که ایمپلنت کجا قرار گیرد.

gum contour

فرم ساختارهای ساپورت کننده دندان‌ها یا فلنج‌های دنچر در اطراف دندان‌ها

gums

پوشش فیبروزه و مخاطی زائده آلوئلار یا ریج آلوئلار

gypsum

۱. فرم هیدراته طبیعی سولفونات کلسیم
۲. گچ دی هیدراته

gypsum-bonded investment

هر اینوستمنت ریخته‌گری که حاوی گچ به عنوان ماده چسباننده (binder) همچنین کریستوبالیت یا کوارتز به عنوان ماده نسوز (refractory) باشد.

habitual occlusion

تماس کاسپی کامل دندان های روبه روی هم مستقل از موقعیت کندیل

H

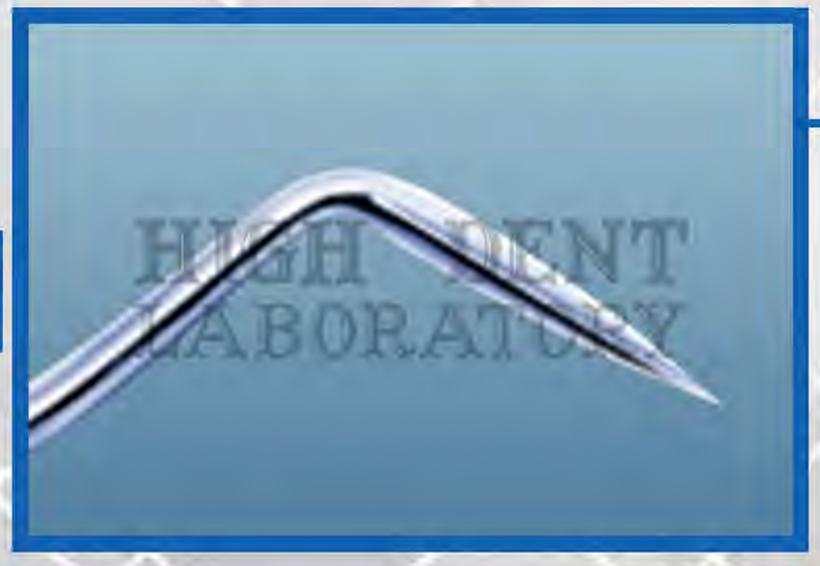

half Hollenback carver

کارور Hollenback با اندازه کوچکتر.

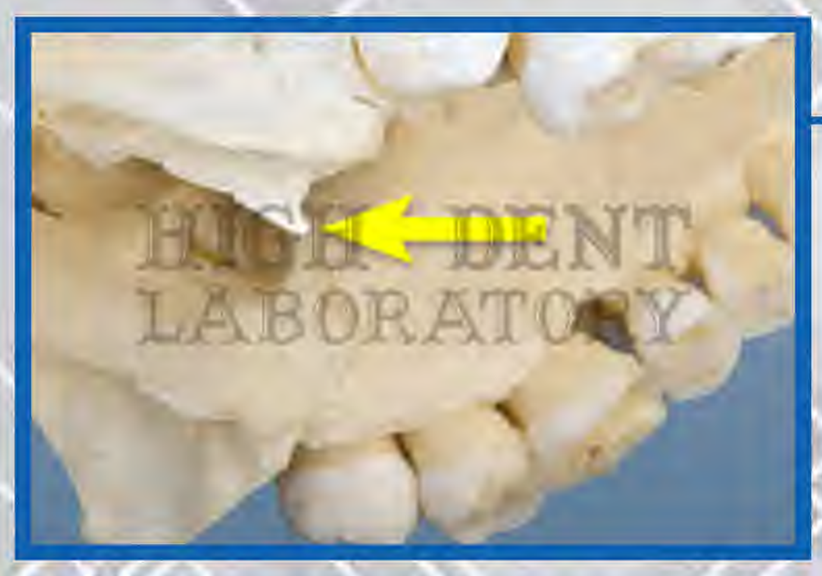

hamular process

تصویری در لبه جلویی تحتانی استخوان اسفنوئیدی از هر طرف ، خلفی به غده فک بالا.

hamular notch

چاک یا شکافی که در محل اتصال فک بالا و روند عضلانی استخوان اسفنوئید ، درست فراتر از انتهای دیستال فرآیند آلوئولار شکل گرفته است.

handpiece

ابزاری که برای نگه داشتن و چرخش نقاط ساینده در هنگام کانتورینگ استفاده می شود.

hard palate

قسمت سخت تر و قدامی کام.

healing abutment

اباتمنت های ایمپلنتی که در یک دوره زمانی محدود برای کمک به بهبودی یا اصلاح بافت های مجاور استفاده می شود.

H

heat cure

سخت کردن رزین آکریلیک با استفاده از حرارت

height of contour

۱. خطی که دور تا دور دندان را در بر می گیرد و نشان دهنده بزرگترین محیط آن در یک موقعیت انتهایی اگزیال بوده و به وسیله سورویور تعیین می شود.
۲. خط دربرگیرنده یک جسم که نشان دهنده بزرگترین محیط آن در یک صفحه مشخص باشد.

hemostat

دستگاه بستن که برای متوقف کردن جریان خون در حین عمل استفاده می شود. تکنسین ها برای نگهداری وسایل کوچک مانند تاج از آن استفاده می کنند.

hexed implant

ایمپلنت دندان که رابط کاربری خارجش شامل یک شکل شش ضلعی (معمولاً) برای جلوگیری از چرخش شکاف است. دو نوع اصلی وجود دارد:
۱. هگز خارجی ، جایی که قسمت نر در کاشت قرار دارد و قسمت ماده در آن قرار می‌گیرد
۲. هگز داخلی ، جایی که قسمت ماده در کاشت قرار دارد و قسمت نر در آن قرار می‌گیرد.

high lip line

بالاترین ارتفاعی که لبه تحتانی لب بالا می تواند توسط عملکرد عضلانی، به سمت بالا کشیده شود.

high noble alloy

هر آلیاژ ریختگی دندانپزشکی که حاوی حداقل ۶۰٪ وزنی فلز نابل (طلا، پلاتین، پالادیوم، ردیوم، روتنیوم، ایریدیوم و اسمیوم) و ۴۰٪ طلا باشد.

high noble metal alloy

بر اساس طبقه بندی (۱۹۸۴) ADA هر آلیاژ ریختگی دندان پزشکی که حاوی حداقل ٪۶۰ وزنی فلز نابل (طلا، پلاتین، پالادیوم، ردیوم، روتنیوم، ایریدیوم و اسمیوم) و ٪۴۰ طلا باشد

high speed handpiece

یک هندپیس توربین هوا که به طور معمول با سرعت ۲۰۰۰۰۰ دور در دقیقه یا بالاتر کار می کند ، برای سنگ زنی بسیار دقیق استفاده می شود.

Hollenback carver

ابزاری با نوک پیک مانندعمود بر دسته ، که برای حک کردن موم استفاده می شود.

horizontal

۱. موازی با افق.
۲. تراز.

H

horizontal rotational axis

یک محور چرخشی در صفحه افقی ، به طور خاص ، محوری است که به سمت دیستال حرکت می کند.

horseshoe

اتصال دهنده اصلی U شکل که از یک طرف فک به طرف دیگر می پیچد، از ناحیه راوگاعبور می کند اما با طاق کام سخت اتصالی ندارد .

Hounsfield unit

واحدی به نام سر گدفری هونسفیلد ، در مقیاس رادیو اکتیو. در مقیاس Hounsfield هوا به عنوان ۱۰۰۰- HU تعریف شده و آب مقطر ۰ HU است. چربی ، چگال تر از آب ، کمتر از ۰ HU است. بافتهای نرم معمولاً ۰ تا ۳۰۰ HU ، اندازه گیری استخوان ۳۰۰۰-۷۰۰ HU و فلزات را در هزاران اندازه گیری می کنند.

housing

اتصال مادگی در ترمیم متحرک.

H

hue

۱. معمولاً به عنوان رنگ اصلی معرفی می شود.
۲. بعدی از رنگ که بر اساس طول موج مشخص می شود و برای متمایز کردن یک خانواده از رنگ نسبت به سایرین استفاده می شود.

hydrocolloid

۱. آن دسته از مواد که با آب تشکیل یک محلول کلوئیدی داده و در دندانپزشکی به عنوان مواد قالب گیری الاستیک استفاده می شوند.
۲. یک سیستم کلوئیدی که در آن آب به عنوان ماده اولیه تشکیل دهنده محیط حضور دارد.

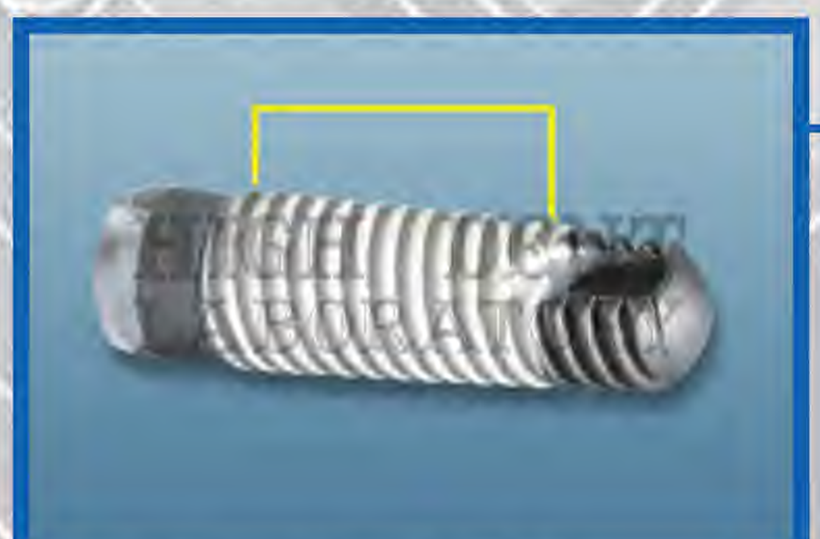

hydroxylapatite

یک ساختار معدنی طبیعی که به ساختار طبیعی استخوان ها و دندان ها شباهت دارد. به عنوان روکش روی ایمپلنت های دندانی برای ترویج استخوان سازی استفاده می شود.

hygienic

۱. تمریناتی که منجر به سلامتی از جمله پاکیزگی می شود.
۲. بودن در وضعیتی که موجب سلامتی شما می شود.

hygienic pontic

پونتیکی که به خاطر شکل گنبدی یا فشنگی خود در ناحیه سرویکال و نپوشاندن ریج بی دندانی ، راحت تر تمیز می شود.

hygroscopic expansion

انبساط در اثر جذب رطوبت

hyoid

مانند نامه U یا حروف یونانی υ ، upsilon شکل داده شده است.

hyoid bone

استخوان کوچک و U شکل زیر فک پایین که پایه زبان به آن وصل می‌شود.

hypercalcification

به طور معمول مناطقی از مینای دندان با افزایش سطح کلسیم ایجاد میشود که در اثر ایجاد عفونت بدن مانند عفونت گوش هنگام تشکیل دندان ایجاد می شود. آنها تمایل به شکاف های سخت و سفید دارند و به راحتی می توانند با هیپوکلسیفیکیشن اشتباه گرفته شوند، که از نظر ظاهری مشابه است اما با یک سطح نرمتر.

hypocalcification

از بین رفتن کلسیم از بافتهای کلسیفیکه، که در دندان‌ها توسط مناطقی از سطح سفید و کدورت سطح شکاف مشاهده می‌شود. ناشی از اسید حاصل از ایجاد پلاک، می‌تواند در مناطقی که تمیز کردن آن سخت است، مانند اطراف بریس ها یا تاج یا بین دندان ایجاد شود. به راحتی می‌توان آن را با hypercalcification اشتباه گرفت ، که از نظر ظاهری مشابه است، اما با یک سطح سخت تر.

HIGH DENT
LABORATORY

hysteresis

تاخیر یا عقب ماندگی در تاثیر تغییر یک سیستم. در دندانپزشکی اثر سرد کردن و دوباره گرم کردن اینوستمنت ریختگی میتواند باعث ایجاد خطا در ریختگی شود؛ چرا ک ماده نسوز (refractory) و binder به حالت اصلی و اولیه خود بر نمیگردد

I-bar clasp

۱. بخشی از مجموعه کلاسپ که قسمتی از سطح دندان را در بر گرفته و وارد آندرکات برای تامین گیر می شود.
۲. عموماً جهت تامین گیر و ثبات پروتز پارسیل استفاده می شود.

imbrication lines

خطوطی در عاج دندان که در اثر تغییرات در مینرالیزاسیون در حین تشکیل آن ایجاد می شود.

immediate denture

هر پروتز دندانی متحرک که برای قرارگیری بلافاصله پس از کشیدن دندان طبیعی ساخته می شود.

immediate loading

روشی که در طی عمل جراحی مرحله اول ، پایه ایمپلنت و پروتز روی ایمپلنت قرار می گیرد.

impinge

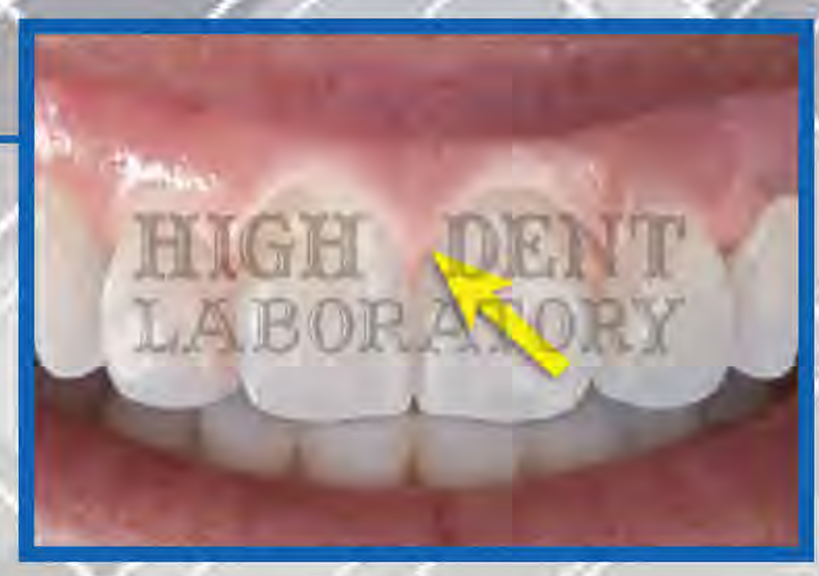

جدا کردن بافت نرم از موقعیت طبیعی آن با فشار، باعث اختلالات پریودنتال می شود.

implant

هر شیء یا ماده همانند پیوند آلوپلاست یا بافت دیگری که تماماً و یا بخشی از آن برای مقاصد درمانی ،تشخیصی یا آزمایشگاهی در بدن قرار گرفته یا پیوند زده می شود.

implant abutment

بخشی از ایمپلنت دندانی که ترمیم به آن متصل شده است ، اغلب یک جزء واسطه بین بدنه ایمپلنت و ترمیم است.

implant analog

وسیله ای ساخته شده که در کست جاسازی شده است و در ساخت پروتزهای آزمایشگاهی برای تکثیر شکل و موقعیت ایمپلنت استفاده می‌شود.

implant body

بخشی از ایمپلنت دندان که در تماس مستقیم با استخوان قرار دارد و در واقع تثبیت به استخوان را فراهم می کند.

implant cervix

بخشی از یک کاشت دندانی که بدن ایمپلنت را به پایه متصل می کند.

implant fixture

بدن ایمپلنت ، بخشی از ایمپلنت دندان است که در تماس مستقیم با استخوان قرار دارد و در واقع تثبیت به استخوان را فراهم می کند.

implant interface

محل برخورد سطح یک ایمپلنت دندانی و بافت های میزبان در اطراف آن.

implant model

مدلی که روی آن یک ایمپلنت دندان ساخته می شود.

implant platform

بخشی از ایمپلنت که پایه روی آن تکیه کرده است.

implant prosthodontics

شاخه ای از پروتز که درباره جایگزین کردن دندان های از دست رفته و یا ساختار های مرتبط توسط رستوریشن های متصل به ایمپلنت می باشد.

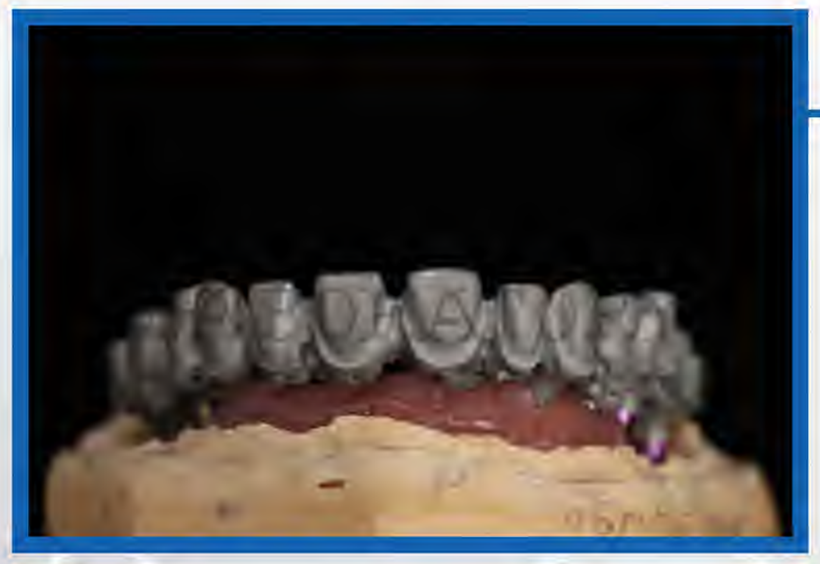

implant substructure

فریم‌ورک فلزی یک ایمپلنت دندانی آپوستئال که در زیر بافت نرم مدفون شده است، در تماس با استخوان بوده و توسط پیچ‌های آندوستئال ثابت شده است. بافت‌های پریوستئال، فریم‌ورک را متصل به استخوان نگه می‌دارند. فریم‌ورک معمولا از طریق اباتمنت‌ها و سایر اجزای سوپراستراکچر، پروتز را ساپورت می‌کند.

implant surgery

شاخه‌ای از دندان پزشکی ایمپلنت که درباره‌ی انتخاب، برنامه‌ریزی، قراردهی بدنه‌ی ایمپلنت و اباتمنت می‌باشد.

implantology

مطالعه یا دانش قراردهی و بازسازی توسط ایمپلنت های دندانی

impression

۱. قالب گرفته شده از دندان ها و ساختارهای مجاور برای استفاده در دندانپزشکی.
۲. یک کپی یا برداشت منفی از سطح یک شیء به صورت معکوس.

impression coping

قطعه ای از یک سیستم ایمپلنت دندانی که در مرحله قالب گیری موقعیت ایمپلنت را نسبت به ساختارهای اطراف ثبت می کند.

impression material

هر ماده یا ترکیبی از مواد که برای قالب گیری استفاده می شود.

impression scan

استفاده از یک اسکنر برای ایجاد یک تصویر دیجیتالی یک قالبگیری.
قالبگیری منفی ریاضی می تواند به عنوان مدل دیجیتال استفاده شود.

impression surface

بخشی از سطح دنچر که کانتور خود را از طریق قالب گیری پیدا کرده است.

impression tray

۱. تری قالب گیری
۲. ابزاری که برای حمل ، محدود کردن و کنترل ماده قالب گیری در حین قالب گیری استفاده می شود.

incandescent light

۱. نوری که توسط لامپ های افروخته تولید می شود ، انتشار نور از بدنه گرم است.
۲. نوری که با جریان الکتریسیته از طریق یک رشته در داخل لامپ شیشه ای تولید می شود.

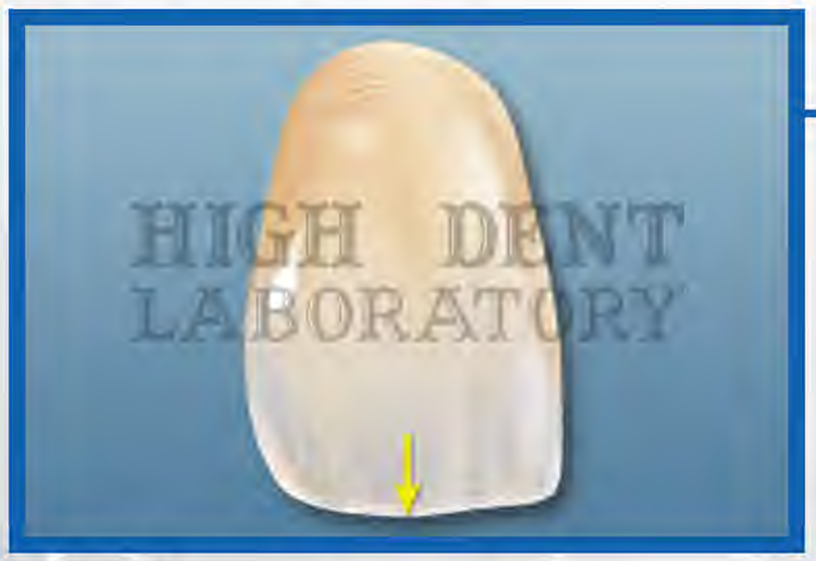

incisal

مربوط به لبه برنده دندان جلویی است.

incisal edge

لبه باریک گزنده دندان جلویی.

incisal embrasure

یک دهانه V شکل بین سطوح پروگزیمال خمیده دندانهای قدامی مجاور ، برش دهنده تماس پروگزیمال.

incisal guide pin

آن بخش از آرتیکولاتور که معمولا به صورت یک میله سخت ،به یک بخش متصل است و با میزک راهنمای قدامی بخش دیگر تماس دارد.

incisal guide table

۱. میزک راهنمای قدامی
۲. بخشی از آرتیکولاتور که پین راهنمای قدامی روی آن قرار می گیرد تا ارتفاع عمودی اکلوژن را حفظ کند و بر حرکات آرتیکولاتور تاثیر بگذارد.
۳. این میزک بر درجه جدا شدن کست‌ها در تمام روابط تاثیر می گذارد.

incisal papilla

برجستگی بافت نرم که سوراخ incisive یا کانال ناروپالاتین را می پوشاند.

incisal porcelain

یک مخلوط از پودر پرسلن که برای بخش آنسیزال یک رستوریشن سرامیکی استفاده می‌شود.

incisal surface

سطح نیش دندان قدامی.

incisal table

میزک راهنمای قدامی است که این میزک بر درجه جدا شدن کست ها در تمام روابط تاثیر می گذارد.

incisal third

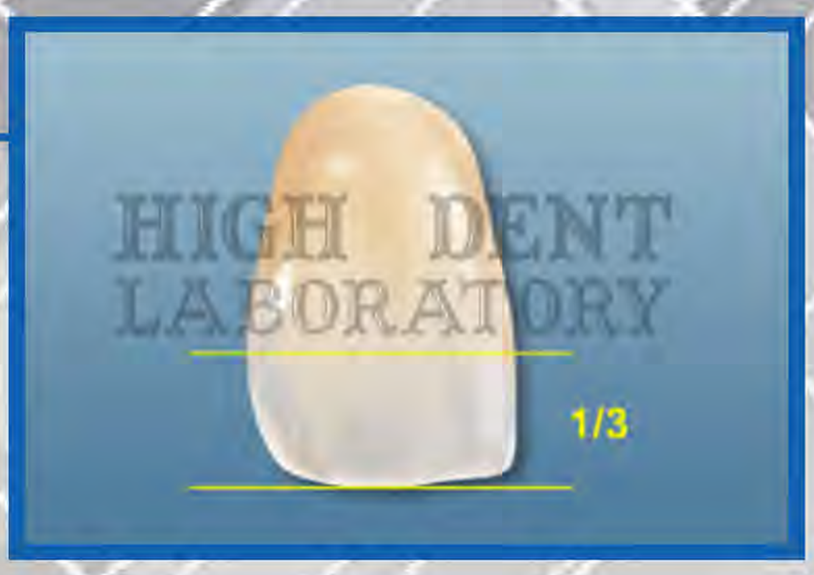

یک سوم طول دندان قدامی از لبه برشی.

incise

بریدن

incisive foramen

یک حفره که در خط وسط، در قدام کام سخت واقع شده است و عروق و اعصاب نازوپالاتین را حمل می‌کند. به آن سوراخ نازوپالاتین نیز می‌گویند.

incisive papilla

برجستگی بافت نرم که سوراخ incisive یا کانال ناروپالاتین را می پوشاند.

incisogingival

۱. امتداد از لبه برش به لثه.
۲. فاصله از لبه برنده تا لثه.

inciso-gingival rotational axis

یک محور چرخشی در صفحه عمودی دندان قدامی ، به طور خاص ، محوری که از برش به لثه جریان دارد.

incisor

دندانی با لبه برنده باریک ، که در قسمت جلوی هر فک دندان قرار دارد.
یکی از چهار دندان نزدیک به خط میانی هر فک.

inclined plane

۱. یک سطح هموار (سطح صاف) در یک زاویه مورب تنظیم شده است.
۲. هر یک از سطوح هموار شیب دار که آناتومی اولیه یک دندان خلفی را تشکیل می دهد.
۳. هر یک از ۴ سطح هموار شیب دار که یک لبه تیز تشکیل می دهند.

index

یک هسته یا مولد که برای ثبت یا نگه‌داری موقعیت نسبی یک یا چند دندان نسبت به یکدیگر، نسبت به یک کست یا یک ساختار دیگر استفاده می‌گردد.

indirect inlay

لایه ای که از روی فلز ، پرسلن یا کامپوزیت و از سیمان یا چسب به دندان روی یک مدل در آزمایشگاه ساخته می شود.

indirect retainer

بخشی از یک پروتز پارسیل متحرک که به نگهدارنده های مستقیم در جلوگیری از جابه جایی انتهای دیستال دنچر بیس از طریق عملکرد اهرمی در سمت مقابل خط تکیه گاه در هنگام جابه جایی دور از نسج دنچر بیس در هنگام چرخش خالص به دور این خط ، کمک می کند.

individualize

ایجاد فاصله یا تفاوت برای اینکه دندان ها طبیعی به نظر برسند.

infrabulge

بخشی از تاج یک دندان که اپیکالی تر از خط سوروی (survey) قرار دارد.

infrabulge clasp

یک کلاسپ گیر پروتز پارسیل متحرک که از ناحیه سرویکال یا اینفرابالج به اندرکات گیر دسترسی می یابد.

infrastructure

یک فریم ورک فلزی یا سرامیکی که یک فریم ورک ثانویه یا پروتز روی آن قرار می گیرد.

ingot

بک توده از فلز که در یک شکل و اندازه مناسب برای نگهداری ریخته می‌شود و می تواند برای ریخته گری های بعدی دوباره ذوب شود.

injection molding

تطابق یک ماده پلاستیک با فرم منفی یک مولد بسته از طریق راندن ماده از طریق راه های مناسب به درون مولد.

inlay

۱. یک رستوریشن ثابت داخل تاجی
۲. یک رستوریشن دندانی که در خارج از دهان ساخته می شود تا به شکل حفره آماده شده در بیاید و سپس به دندان چسبانده شود.

inlay preparation

آماده سازی برش داده شده به سطح اکلوزال ، اما هیچ نوک تیزی را پوشش نمی دهد.

inlay wax

یک ترکیب متشکل از موم های مختلف با خصوصیات مطلوب جهت ساختن الگوهای مومی که تبدیل به ریختگی های فلزی می گردند.

inlay/onlay

ترمیم ثابت که به طور معمول ترکیبی از این لایه را با یک آماده سازی لایه بر روی یک یا چند نیش ترکیب می کند.

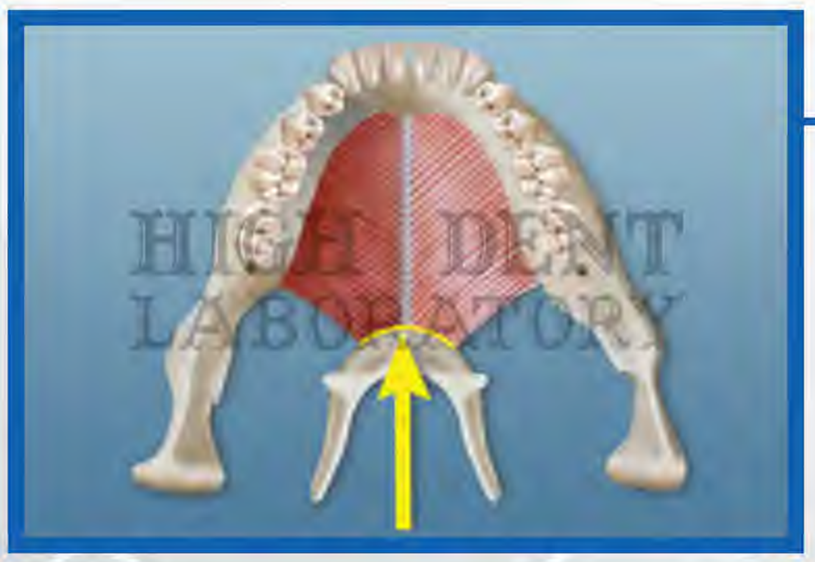

insertion

۱. در جایی که عضله به استخوان یا بافت همبند دیگری که حرکت می کند متصل می شود. این جایگذاری معمولاً انتهای باریک تر و پایدار است.
۲. قرار دادن پروتز دندان در دهان.

instrument

ابزار یا وسیله ای است که برای انجام یک کار طراحی شده است.

intensity

اشباع یک رنگ.

intercuspation

انسداد دندانهای مقابل

interdental

بین سطوح پروگزیمال دندان ها (مابین دندان ها) در قوس مشابه

interdental papilla

برجستگی لثه که فضای مثلثی شکل بین سطوح پروگزیمال دو دندان مجاور را پر می کند.

interdigitate

تماس کاسپی کامل دندان های روبه روی هم مستقل از موقعیت کندیل که maximal intercuspation نیز گفته می شود.

interference

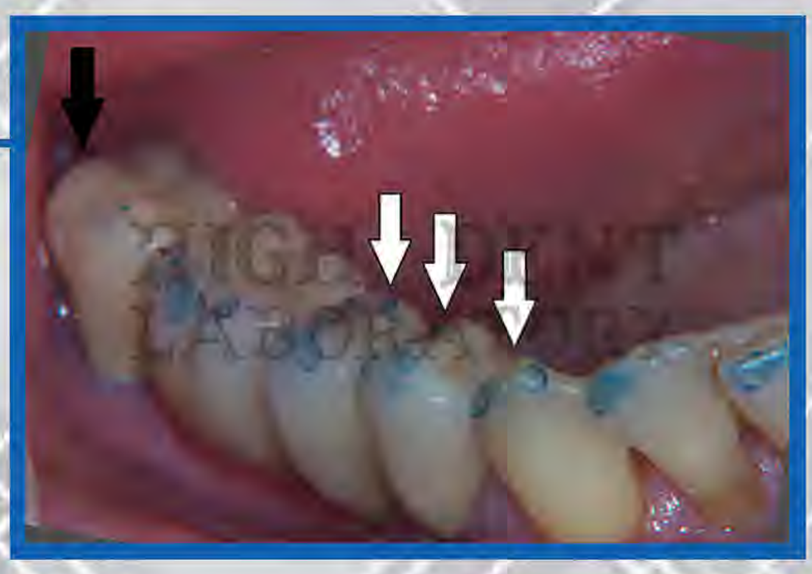

در دندانپزشکی هر تماس دندانی که با حرکت هارمونیزه یا متوازن مندیبل تداخل دارد یا مانع انجام آن می شود.

intermediate abutment

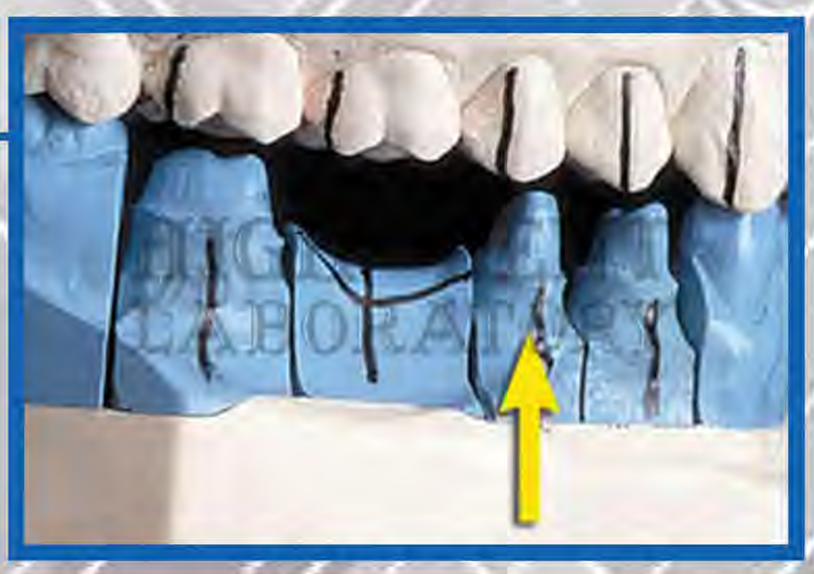

قطع اتصال بین ترمینال ها در یک پل ثابت سه یا بیشتر abutments.

internal hex

ایمپلنت دندان که دارای یک جزء احتباس داخلی و معمولاً شش ضلعی برای اطمینان از موقعیت abutment است.

internal oblique ridge

خط الراس بر روی سطح زبانی فک پایین که با زاویه ای از سطح ریشه های آخرین مولر تا کف دهان امتداد می یابد و به عنوان منشاء عضله میلوئوئید عمل می کند.

interocclusal distance

فاصله بین سطوح جونده دندانی ماگزیلا و مندیبل وقتی که مندیبل در یک موقعیت خاص قرار گرفته است.

interocclusal record

ثبت رابطه موقعیتی دندان‌های مقابل یا قوس‌ها؛ یک رکورد از رابطه‌ی مکانی دندان‌ها یا قوس‌ها نسبت به هم.

interproximal

بین سطح پروگزیمال (مجاور) دو دندان قرار دارد.

interproximal contact

منطقه ای از یک دندان که در ارتباط نزدیک یا تماس با دندان مجاور در همان قوس است.

interproximal embrasure

فضایی به شکل V شکل ایجاد شده توسط سطوح پروگزیمال خمیده دندانهای مجاور. ۴ منفذ اینترپروگزیمال محل برخورد با پروگزیمال را احاطه کرده اند . برای دندانهای قدامی: درگیری لثه ، برش ، لابیال و زبانی. برای دندانهای خلفی: لثه ، اکلوزال ، باکال و حفره زبانی.

interproximal space

فضای بین دندان های مجاور در یک قوس فکی تقسیم می شود به فضای امبراژور که به ناحیه اکلوزالی نقطه تماس گفته می شود و فضای septal که به ناحیه جینجیوالی نقطه تماس گفته می شود.

interproximal stain

یک لکه نارنجی یا قهوه ای برای شبیه سازی لکه های طبیعی بین دندان ها استفاده می شود.

intracoronal

۱. داخل محدوده کاسپ ها و کانتور اگزیالی (پروگزیمالی) نرمال یک دندان
۲. داخل کانتورهای نرمال تاج کلینیکی یک دندان

intracoronal attachment

پیوست دقیق موجود در تاج دندان.

intramucosal insert

یک اینسرت فلزی به شکل قارچ که به سطح بافت یک دندان مصنوعی متحرک متصل شده است که در مقابل محل گیرنده جراحی آماده شده در مخاط برای نگهداریش قرار می گیرد.

intraoral

داخل دهانی

intraoral scan

اسکن دیجیتال که داخل دهان گرفته شده است.

intraoral scanner

اسکنر دیجیتالی است که در داخل دهان استفاده می شود.

invest

احاطه شدن توسط ماده اینوستمنت

investing

فرآیند پوشاندن و احاطه کردن تمام یا قسمتی از یک شی مثل یک دنچر ،دندان،الگوی مومی،روکش و ...با یک ماده مناسب اینوستمنت قبل از پرداخت، لحیم کردن یا انجام عمل ریختگی آن.

investment

ماده ای که به طور عمده از یک آلوتروپ سیلیکا و یک عامل باندینگ تشکیل شده است. ماده باندینگ می تواند گچ(برای دماهای ریختگی پایین تر) و یا فسفات های سیلیکا(برای دماهای ریختگی بالاتر) باشد.

irreversible hydrocolloid

۱. یک هیدروکلوئید تشکیل شده از آلژنیک اسید که حالت فیزیکی آن در اثر یک واکنش غیرقابل برگشت سیمیایی تغییر می کند و کلسیم آلژینات غیر قابل حل را تشکیل می دهد.
۲. نام های دیگر آن عبارتند از Alginate , Dental alginate

ISO numbering system

یک سیستم شماره گذاری دندان که در آن میانه مرکزی هر ربع شماره ۱ و آسیاب سوم عدد ۸ است. ربع ها از ۱ تا ۴ شماره گذاری می شوند: فوقانی راست، بالا سمت چپ، چپ پایین و راست پایین. دندان‌ها با شماره ربع و به دنبال آن شماره دندان مشخص می‌شوند. در این سیستم، قسمت مرکزی راست بالا دندان ۱-۱ خواهد بود، و یا گاهاً به ۱۱ خلاصه می شود، در حالی که آسیاب سوم پایین سمت چپ ۸-۳ یا ۳۸ خواهد بود.

jacket crown

یک نوع پروتز ثابت سرامیکی که تاج کلینیکی را بدون ساپورت فریم فلزی جایگزین می کند.

jaw

ساختمان استخوانی در بر گیرنده دندان ها در مندیبل و ماگزیلا

J

jaw relationship

موقعیت نسبی فک پایین به فک بالا ، که معمولاً مربوط به موقعیت های محور ، جانبی راست ، جانبی چپ ، بیرون زدگی ، عقب افتادگی یا عمودی فک می باشد.

jig

یک وسیله که به طور مکانیکی رابطه موقعیتی بین یک جسم و یک ابزار یا بین اجزای مختلف حین سرهم کردن یا تغییر آنها را حفظ می‌کند.

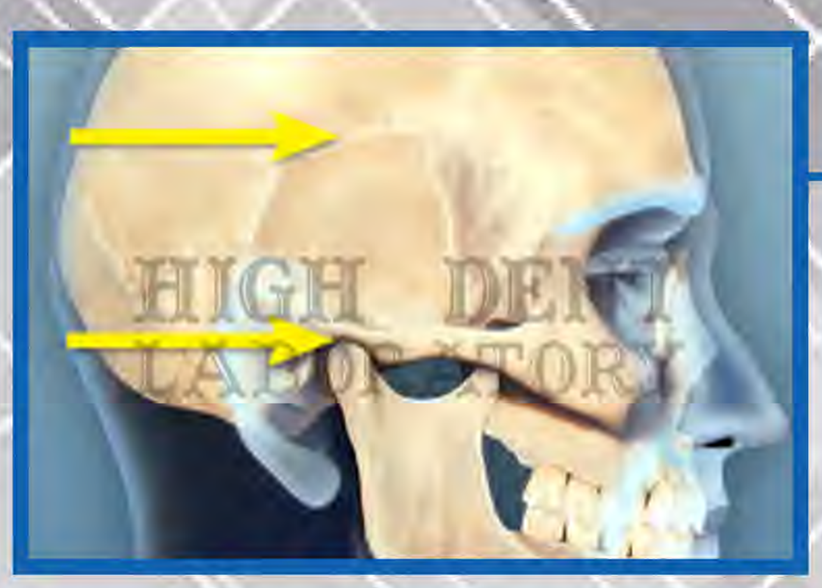

joint

محل پیوستن دو یا چند استخوان.

Kennedy bar

یک میله فلزی که معمولاً بر سطح لینگوال دندان های قدامی مندیبل قرار می گیرد و به ثبات آن ها کمک می کند، همچنین به عنوان نگهدارنده غیرمستقیم برای پروتزهای پارسیل انتهای آزاد نیز عمل می کند.

Kennedy classification

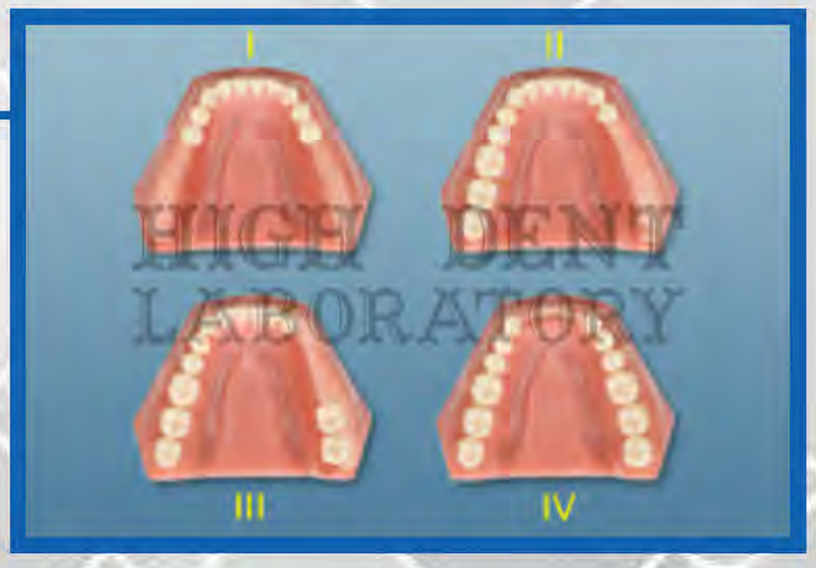

یک طبقه بندی برای قوس های نیمه بی دندان در ۴ گروه

K

labial

۱. قسمتی از لب یا مرتبط بودن با لب
۲. به طرف لب

labial depression

فرورفنگی در سطح لبهای برخی از دندانهای قدامی بین لوبهای مزیال و دیستال.

labial embrasure

دهانه V شکل بین سطوح پروگزیمال خمیده دندانهای قدامی مجاور ، لبی برای تماس پروگزیمال.

labial flange

قسمتی از فلنج دنچر که در وستیبول لبیال دهان قرار می‌گیرد.

labial frenum

یک چین مخاطی که مخاط لب را به مخاط آلوئول در خط میانی فک فوقانی یا تحتانی وصل می کند.

labial mucosa

غشای مخاطی داخل لب است.

labial parameter

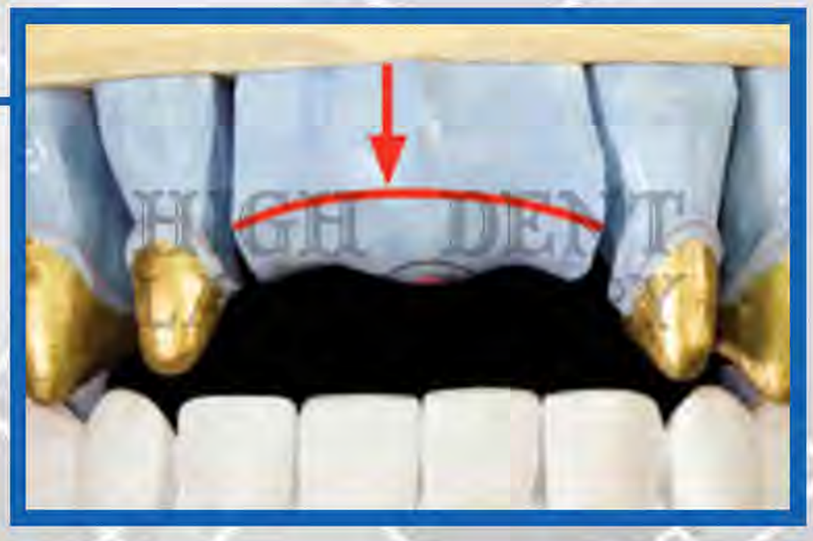

خطی که حداکثر میزان سطح لب را ترمیم قدامی نشانه گذاری می کند.

labial sulcus

گودی بین لب و روند آلوئول هر یک فک ، هم مرز با دیواره باکال است و در چین غشایی لب تقسیم می شود.

labial surface

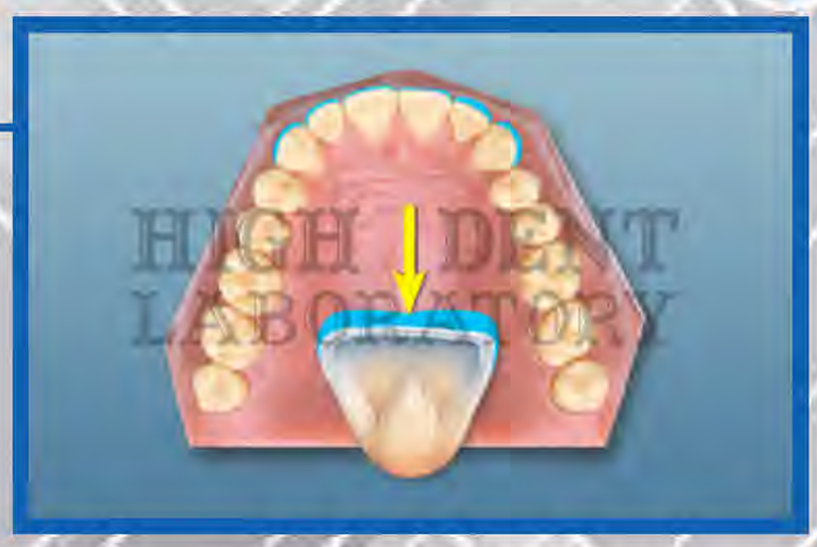

سطح دندان جلویی که با لب ها روبرو است.

labial vestibule

قسمتی از حفره دهان در قدام فرنوم های باکال که از یک طرف با دندان ها ،لثه و ریج فکی (در دهان بی دندان،ریج باقی مانده) و از طرف دیگر با لب ها محدود شده است.

L

labiolingual

۱. گسترده از لب به زبان.
۲. فاصله از لبی به زبانی.

labio-lingual rotational axis

یک محور چرخشی در صفحه افقی ، به طور خاص ، محوری است که از لبی به زبانی کشیده می شود.

labioversion

موقعیت دندان لبی شده تا منحنی طبیعی فک.

L

labium

لب یا یک ساختار لب مانند.

lamina dura

یک لایه از استخوان فشرده که دیواره داخلی ساکت دندانی را شکل می‌دهد.

laminate

۱. یک شی ساخته شده از مواد لایه لایه که به هم وصل شده اند.
۲. روکش دندان.

lapping tool

ابزاری که برای خارج کردن سطح ناهموار از ریخته گری استفاده می شود.

laser scanner

اسکنر که با استفاده از لیزر برای تولید یک تصویر سه بعدی از یک جسم با اندازه گیری مدت زمان لازم برای بازتاب سطح پرتاب لیزر از آن استفاده می کند. کل چرخش با چرخاندن یا جسم یا پرتو اسکن می شود تا زمانی که کل سطح اندازه گیری شود.

laser welding

متصل کردن اجزای فلزی به یکدیگر با استفاده از گرمای تولید شده با اشعه لیزر

lateral

۱. موقعیت های چپ یا راست از پلن مید ساژیتال
۲. موقعیت دورتر از محور میانی یا خط وسط بدن یا یک ساختار را مشخص می کند.

lateral excursion

یک حرکت جانبی از فک پایین.

lateral incisor

دندان انسیزور دوم

L

lateral movement

حرکت مندیبل به سمت چپ یا راست محور ساژیتال میانی

lateral position

موقعیتی از فک پایین در سمت چپ یا راست از مرکز است.

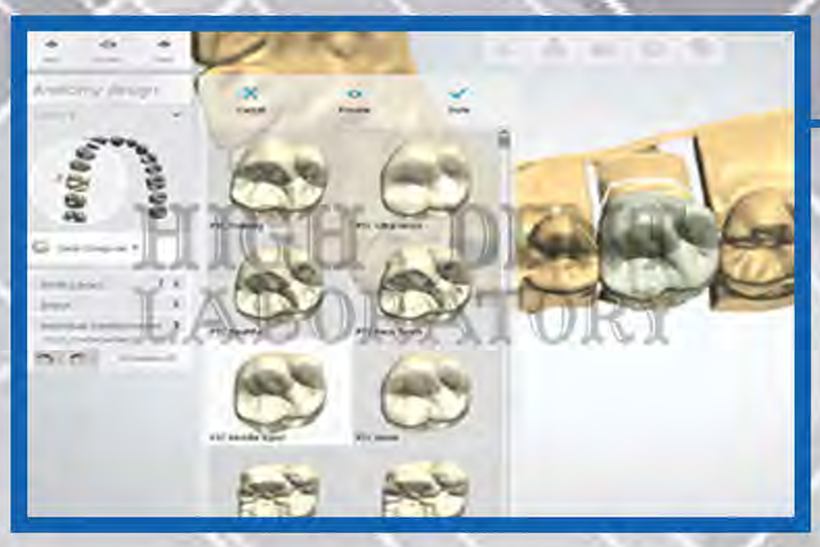

library tooth

در CAD ، یک مدل دیجیتالی از دندان است که به عنوان نقطه شروع برای طراحی استفاده می شود.

light cure

سخت کردن رزین با قرار دادن در معرض نور.

line angle

۱. خط الراس تشکیل شده توسط تقاطع دو سطح صاف.
۲. محل اتصال سطح لب با سطح پروگزیمال

lines of imbrication

خطوط موازی نیمه دایره‌ای کوچک در ناحیه یک سوم جینجیوالی که با چیدمان بلورهای مینایی تشکیل شده است.

lingua

زبان ، اندام عضلانی متصل به کف دهان است و از آن برای خوردن ، مزه کردن و گفتار استفاده می شود.

lingual

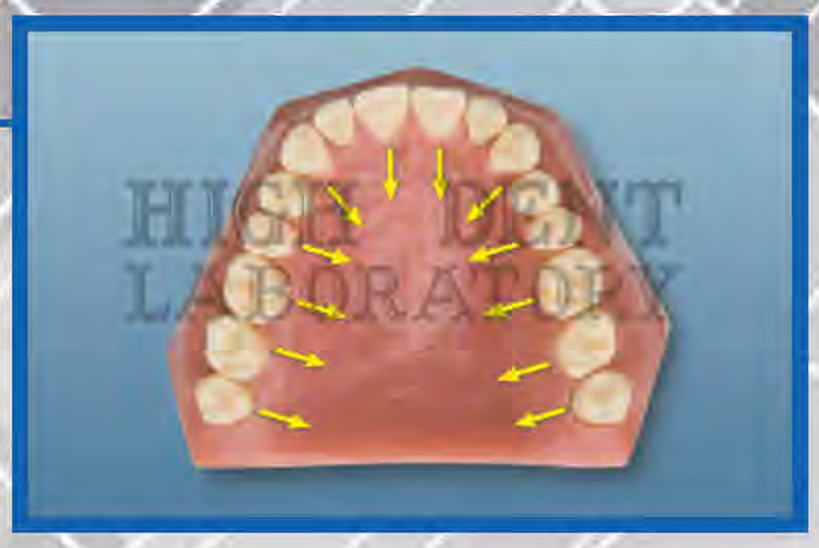

به طرف زبان ، مجاور زبان

L

lingual band

یک آرماتور فلزی که در ناحیه زبان و روی یک ترمیم چینی به فلزی پایه گذاری شده است.

lingual bar

نوار زبانی به الراس آلوئولار که به عنوان اصلی ترین اتصال دهنده طرف راست و چپ یک دندان مصنوعی جزئی خدمت می کند.

lingual collar

یک آرماتور فلزی که در ناحیه زبان و روی یک ترمیم چینی به فلزی پایه گذاری شده است.

lingual concavity

حفره زبانی.

lingual dissectional groove

شیار جداکننده بر روی یک دندان آسیاب یا پایین پایین که از شیار دیسکشنال مرکزی به سمت زبانی حرکت می کند ، حلقه های زبانه را جدا کرده و به سطح زبانی ادامه می دهد.

lingual embrasure

دهانه V شکل بین سطوح پروگزیمال منحنی دندانهای مجاور ، تماس زبانی به پروگزیمال.

lingual flange

قسمتی از فلنج دنچر فک پایین که در سالکوس آلوئول لینگوال قرار می‌گیرد.

lingual fossa

گودی در سطح زبانی دندان قدامی که با لبه برشی ، سینگولوم و پشته های حاشیه هم مرز است. گاهی اوقات به آن به عنوان گودی زبانی مرجع داده می شود.

lingual frenum

چین مخاطی که قسمت زیرین زبان را به مخاط آلوئول فک پایین وصل می کند.

lingual plate

۱. اتصال دهنده اصلی روی یک دندان مصنوعی جزئی متحرک پایین که یک نوار زبانی را می پوشاند تا در اطراف سینگولای دندانهای قدامی را بپوشاند.
۲. آن قسمت از اتصال دهنده اصلی که نا قسمت سینگولای دندانهای قدامی گسترش یافته و پوشانده می شود.

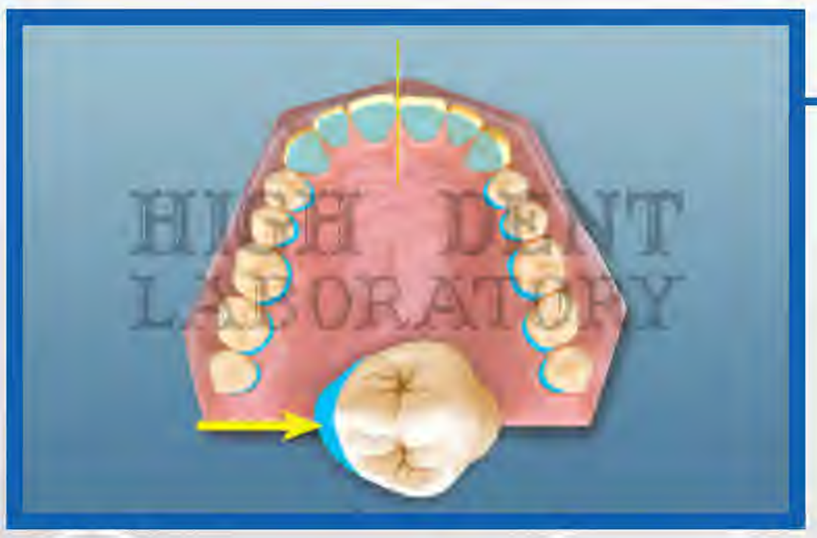

lingual surface

سطح دندانی که رو به زبان است.

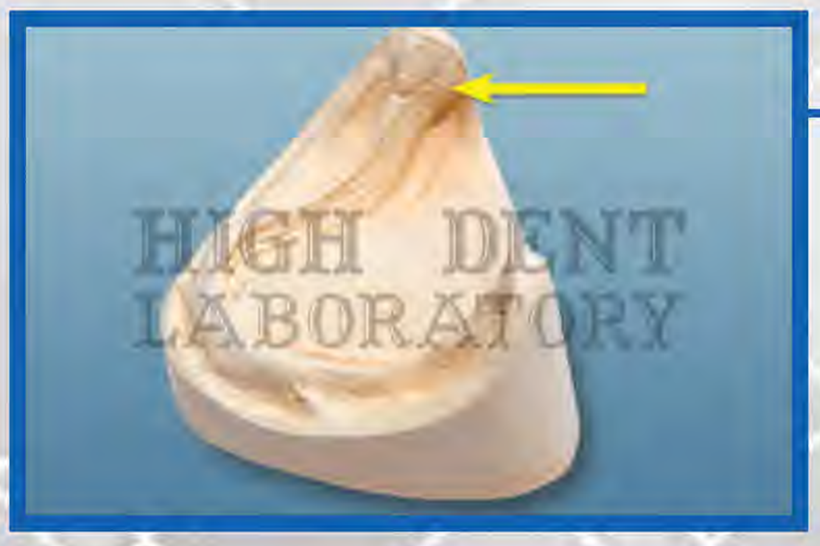

lingual tuberosity

برآمدگی در انتهای دیستال برآمدگی میلوئید.

L

lingualized occlusion

اولین بار توسط S.howard payne در سال ۱۹۴۱ تعریف شد. در این نوع اکولوژن کاسپ‌های لینگوال فک بالا با سطح اکلوزال دندان‌های مندیبل در موقعیت‌های کارگر و بالانس مندیبل تماس دارد.

linguoversion

موقعیت لینگوالی یا پالاتالی یک دندان نسبت به حالت نرمال شکل قوس

lip line

۱. پایین ترین موقعیت مرز تحتانی لب بالا در حالت استراحت
۲. پایین ترین موقعیت مرز فوقانی لب پایین حین لبخند یا یک واکنش ارادی

lip support

شرایطی که دندانهای فوقانی لب فوقانی را به سمت بالا و جلو نگه می دارند.

liquid medium

مایعی بر پایه گلیسیرین که برای حمل پرسلن یا لکه ها استفاده می شود

lithium disilicate

سرامیک شیشه ای با استحکام بالا ، بسیار شفاف که می توان آنرا فشار داد یا آسیاب کرد.

lobe

یک بخش مدور و منحنی شکل ، به ویژه در یک عضو یا بخشی از بدن

long axis

یک خط فرضی که از مرکز بدن به صورت طولی می گذرد.

L

long clinical crown

دندان با تاج بالینی طولانی تر از حد معمول ، معمولاً به دلیل نشست لثه.

lost wax casting

ریختگی فلز درون یک مولد که توسط احاطه کردن الگوی مومی توسط مواد مقاوم به حرارت و سپس حذف موم توسط حرارت ایجاد شده است.

L

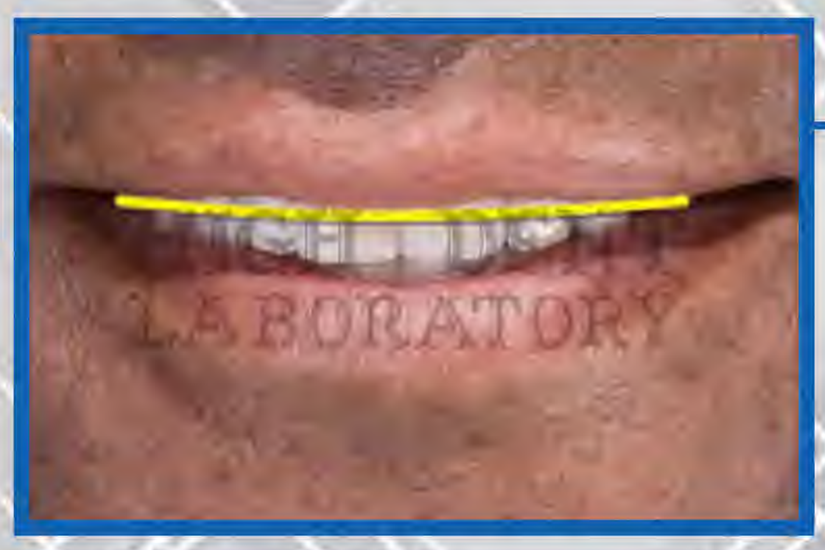

low lip line

سطح مرز ورمیلیون لب فوقانی وقتی کاملاً آرام باشد.

low speed handpiece

یک هندپیس برقی یا دارای نیروی هوا که به طور معمول با سرعت ۶۰،۰۰۰ دور در دقیقه یا پایین تر کار می کند ، برای برش ، سنگ زنی و پولیش عمومی استفاده می شود.

lute

۱. بستن ،متصل کردن یا سیل کردن(آب بندی کردن)
۲. یک ماده ، مثل سمان یا خاک رس جهت قرار دادن در محل اتصال (درز) یا پوشاندن یک سطح متخلخل که آن را غیرقابل نفوذ به آب یا گاز می‌کند.

major connector

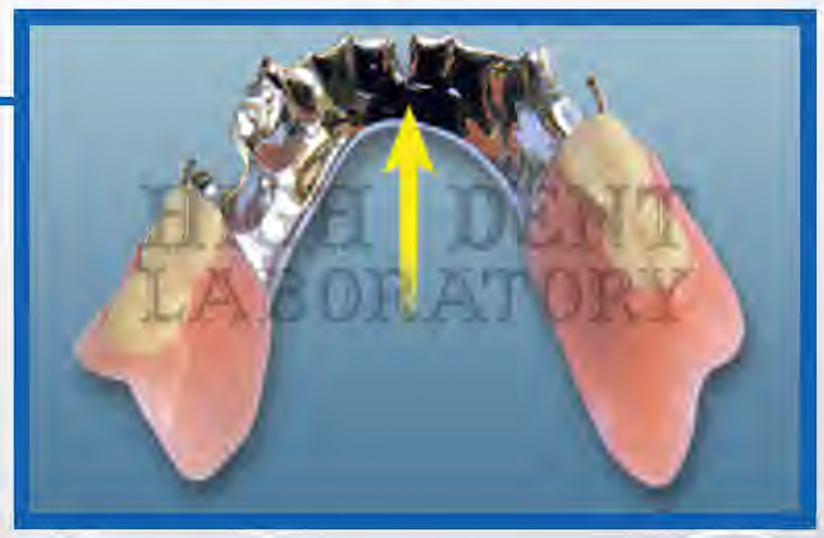

یک قسمت از پروتز پارسیل متحرک که اجزای یک سمت را به سمت مقابل وصل می کند.

male characteristics

خصوصیات و ویژگیهای جسمی خاصی که عموماً با ظاهری مردانه همراه است (جسورانه ، ناهموار ، مربع ، نیرومند و ...). در مورد جنس مذکر ، دندانها و ترتیب آنها باید از این خصوصیات طبیعی و پذیرفته شده پیروی کند. این ارزش زیبایی شناسی زیادی دارد وقتی ما مفاهیم خطوط لبخند و راهروهای باکال را با این نوع آرایش دندان مردانه در می آوریم.

male esthetic composition

آرایش دندانهای قدامی که ظاهری قوی تر و تهاجمی به بیمار می بخشد. ترکیب زیبایی شناختی استاندارد این است:

۱. مرکزها به سمت جلوی دهان صاف می شوند ، یک کمی از طرف دیگر در صفحه گود شده و عمودی در نمای نیمرخ.

۲. لترال های موجود در منحنی فک ، فرورفته از مرکز ، ماسال ها به داخل چرخش می یابند، ۱ تا ۲ میلی متر کوتاه تر از مرکزها.

۳. نیشهای موجود در منحنی فک ، ۱ تا ۳ میلی متر کوتاهتر از میانه ها ، در لثه از ۱ تا ۲ میلی متر با حفره هایی که کمی به بیرون چرخانده شده اند و در قسمت های دیستال در می چرخند.

malocclusion

۱. هرگونه انحرافی از تماس قابل قبول فیزیولوژیک بین دندان های مقابل در قوس

۲. هرگونه انحرافی از اکلوژن نرمال

mamelon

توبرکل هایی که گاهی اوقات روی لبه انسیزال دندان های انسیزور یافت می شود.

M

manager

کسی که مسئولیت کنترل یا هدایت یک سازمان را بر عهده دارد.

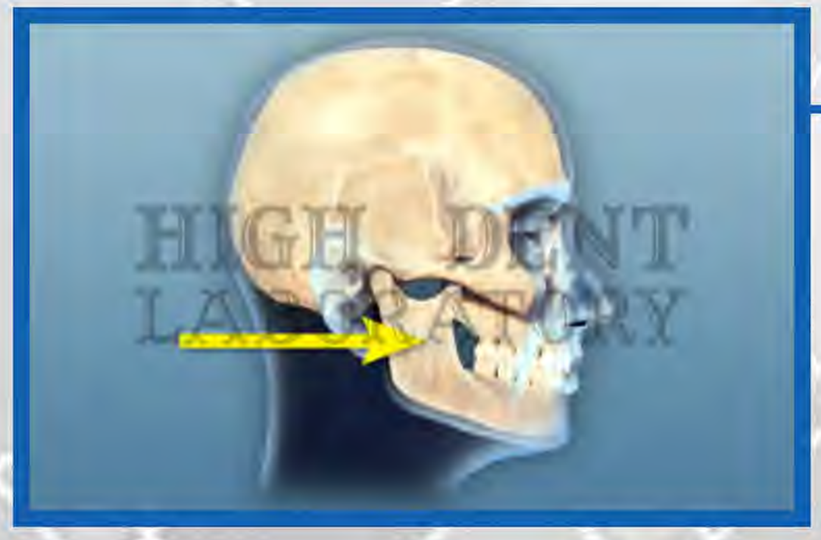

mandible

استخوان فک پایین

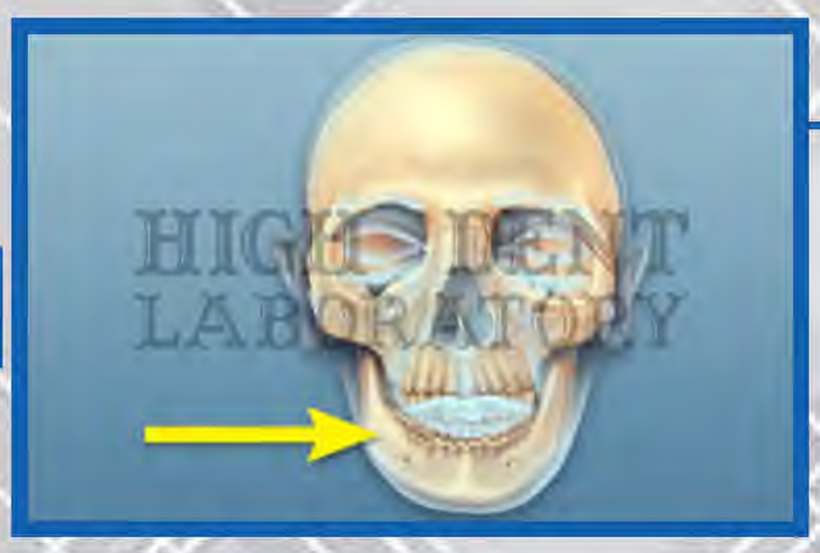

mandibular

قسمتی از مندیبل، متعلق به مندیبل

mandibular condyle

زائده مفصلی مندیبل ، (سر مندیبل) هم گفته می شود.

mandibular fossa

گودی سوکت مانند گرد در استخوان تمپورال که کندیل فک بالا را دریافت می کند.

M

mandibular movement

هرگونه حرکت فک پایین

mandibular symphysis

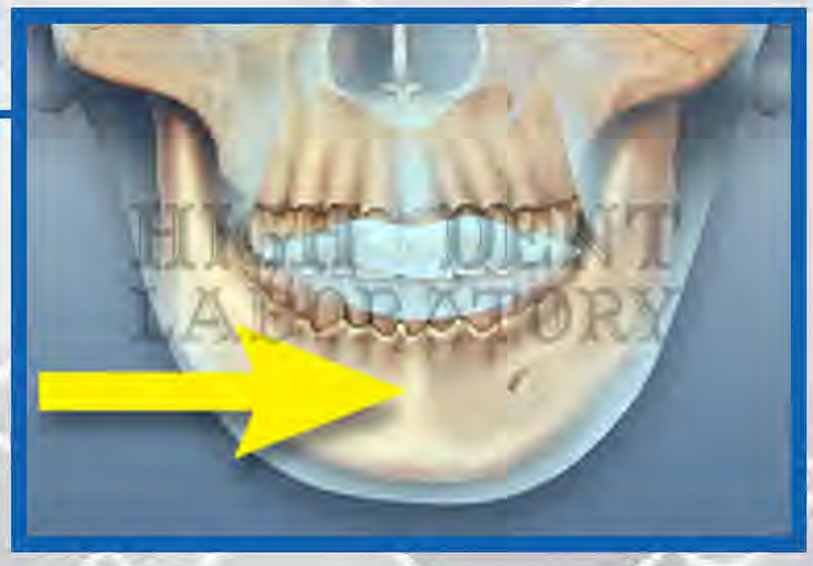

۱. یک محور ، میله یا ابزاری که در یک سوراخ قرار می گیرد تا آن را در حین ماشین شدن ساپورت کند.
۲. یک بار فلزی که به عنوان یک هسته عمل می کند و ماده دور آن ممکن است ریخته شود، فشرده شود، کوبیده شود و شکل داده شود.
۳. یک میله استوانه ای که روی آن یک ابزاری بسته می شود.

mandrel

میله ای که در یک تراش یا هندپیس جای می گیرد و یک سنگ یا دیسک را در خود نگه می دارد.

M

margin

۱. یک مرز یا محیط.
۲. مرز بین دندان و ترمیم.
۳. لبه بیرونی ترمیم.
۴. مرز آماده سازی پزشک.

margin release

ماده ای که برای جلوگیری از چسباندن پرسلن در آتش نرفته به قالب از آن استفاده کرد.

marginal

مربوط به حاشیه یا مرز یک جسم.

marginal ridge

بالا رفتن مینای دندان که حاشیه مزیال یا دیستال سطح زبانی دندان قدامی یا سطح انسداد دندان خلفی را تشکیل می دهد.

M

Maryland bridge

یک پل چینی به فلز چوبی که به مینای دندان وصل شده است. رایج ترین پیکربندی ، یک پونتیک PFM منفرد بین دو abutment اچ است.

master cast

مدل اصلی که ترمیم آن ساخته شده است ، تکرار سطوح دندان ، نواحی برآمده مانده و سایر قسمت های فک دندانی است.

master model

مدل اصلی که ترمیم آن ساخته شده است ، تکرار سطوح دندان ، نواحی برآمده مانده و سایر قسمت های فک دندان است.

master porcelain control palette

یک سینی سرامیکی که انواع مختلفی از پرسلن ها و لکه ها را در خود جای داده است. گودی در پالت یک طرح مداوم برای موادی فراهم می کند که به کارآمدتر شدن روند ساختن کمک می کند.

mastication

جویدن

matrix

۱. یک کلید یا فهرست.
۲. شاخص ساخته شده برای ثبت موقعیت دندان یا دندانها با ثبت سطوح دندانها در گچ نرم یا مواد قالبگیری.
۳. آن قسمت از پایه دندانی که نمایانگر بافت طبیعی مجاور دندانها است.
-۴ قسمت مادگی یک پیوست.

maxilla

هر یک از دو نیم فکِ فوقانی ، که در خط بخیه وجود دارد ، حاوی دندانهای فوقانی است. معمولاً برای نشان دادن کل فک فوقانی (فک بالا) سوءاستفاده می شود.

maxillary

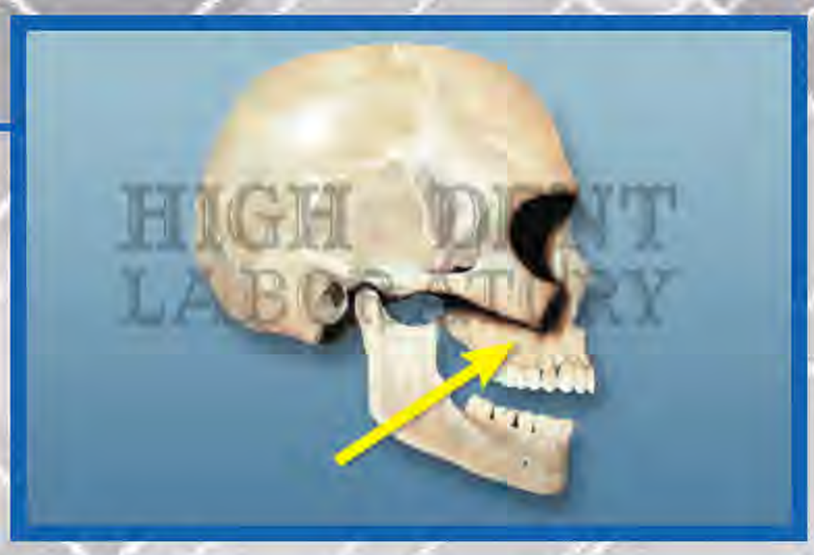

۱. مربوط به فک بالا.
۲. بالایی.

M

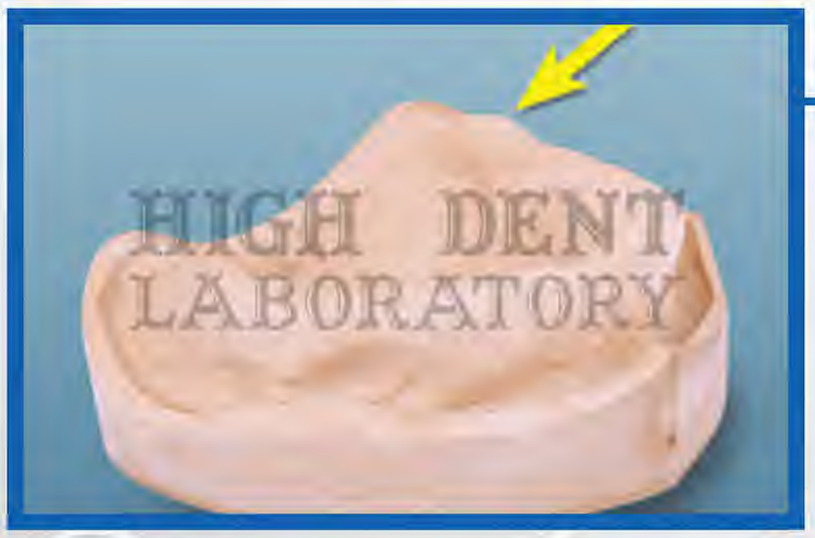

maxillary tuberosity

برآمدگی در دیستال ترین جنبه از روند آلوئولار ماگزیلا با خم شدن مرز خلفی آن به سمت بالا

maximal intercuspal position

حداکثر انسداد دندانهای مخالف ، صرف نظر از موقعیت کندیل.

maximal intercuspation

حداکثر انسداد دندانهای مخالف ، صرف نظر از موقعیت کندیل.

M

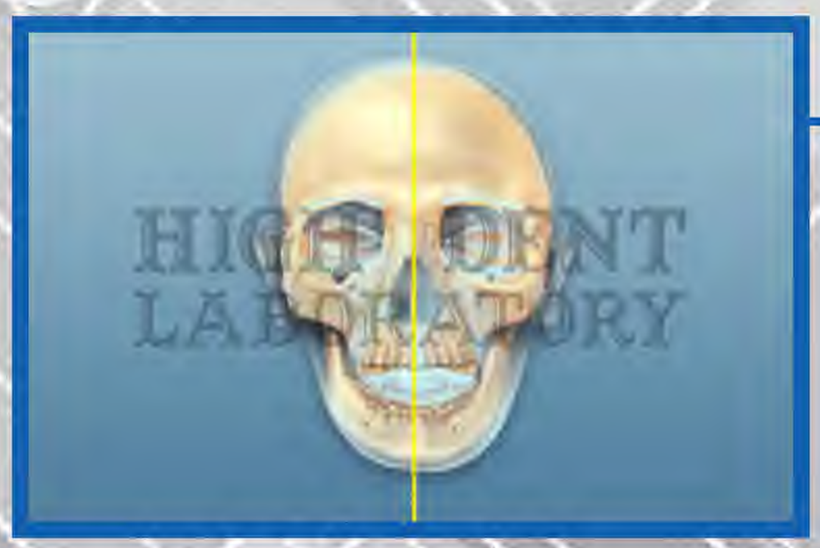

median line

۱. یک خط یا صفحه خیالی که به طور عمودی از وسط بدن امتداد می یابد.
۲. خط وسط فک دندانی.

median palatine suture

محل اتصال دو فک بالا که در امتداد خط میانی کام سخت حرکت می کنند.

median plane

یک صفحه عمودی خیالی که بدن را از جلو به عقب در خط میانه جدا می کند.

megapascal

واحد اندازه گیری فشار برابر با ۱۰۰۰،۰۰۰ پاسکال (Pa) ، یا ۱۰۰۰،۰۰۰ نیوتن در هر متر مربع یا تقریباً ۱۴۵ psi (پوند در هر اینچ مربع). برای اندازه گیری استحکام مواد دندانپزشکی استفاده می شود.

membrane

یک لایه نازک و انعطاف پذیر که یک سطح را پوشانده و یا دو قسمت را از هم جدا می کند و به عنوان مانع انتخابی برای مایعات یا گازها عمل می کند.

mentalis

عضله ای که پوست چانه را به روند آلوئولار در هر دو طرف خط میانی وصل می کند. هنگام انعطاف پذیری ، چانه را چروکیده و بالا می برد و باعث بالا آمدن و بیرون زدگی لب پایین می شود.

mesh

نمایش تصویری از داده های اسکن خام که دارای ظاهری مانند مش و بدون بافت سطحی است.

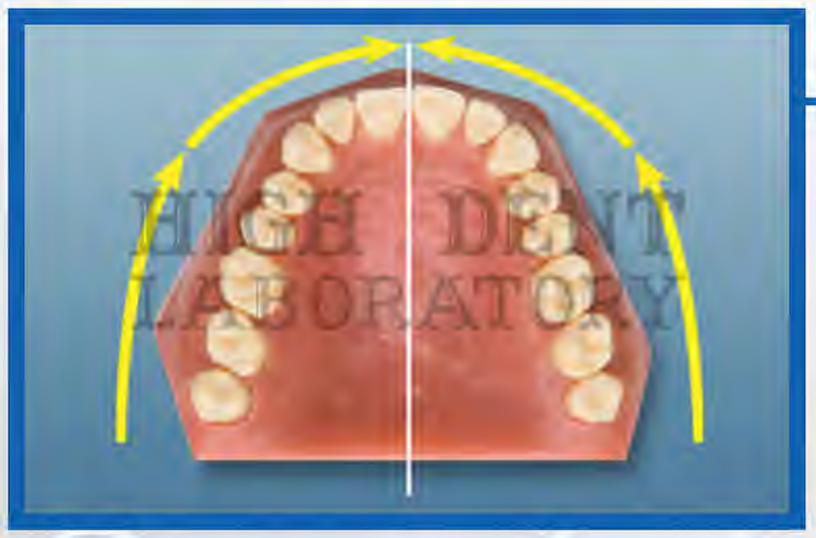

mesial

به سمت خط میانه ، زیر منحنی فک .

mesial fossa

گودی کم عمق در قسمت یک سوم مزیال سطح اکلوزال یک دندان خلفی، هم مرز با ریج کاسپ ها، مارجینال ریج مزیال و محیط انسداد اکلوزالی یافت می شود.

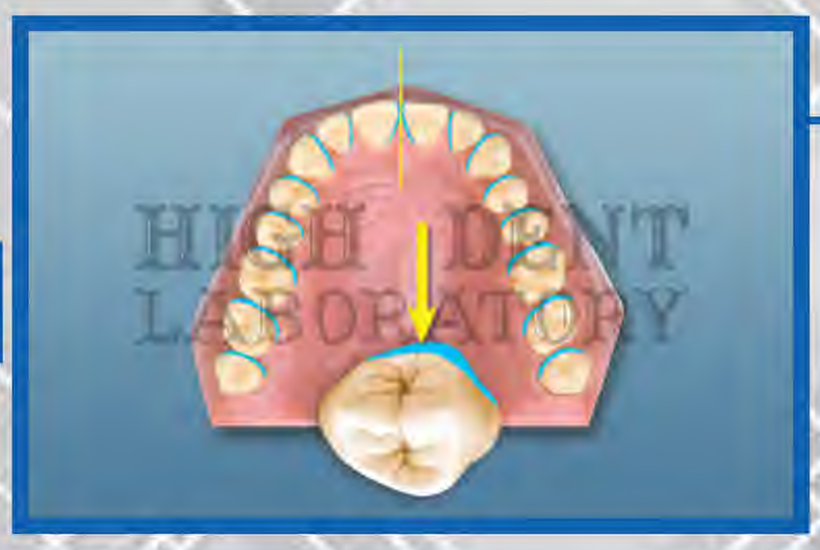

mesial surface

سطح دندان رو به خط میانی ، زیر منحنی فک دندانی است.

mesial triangle

مثلثی که بین لوب مزیال و میانه فضای بین دندانی تشکیل شده است.

mesiodistal

۱. گسترش از مزیال به دیستال.
۲. فاصله از مزیال تا دیستال.

M

mesio-distal rotational axis

یک محور چرخشی در صفحه افقی ، به طور خاص ، محوری است که از مزیال به سمت دیستال حرکت می کند.

mesio-occlusion

شرایطی که فک پایین نسبت به فک بالا از وضعیت طبیعی خود جلوتر باشد.

mesioversion

موقعیت دندان که نسبت به حالت طبیعی در حالت مزیال قرار می گیرد.

M

metal

عنصری که از آب سنگین تر است و هنگام حل شدن بار مثبت دارد. طلا ، پلاتین ، نقره ، پالادیوم ، آلومینیوم ، نیکل ، مس ، کروم و تیتانیوم نمونه هایی از فلزاتی هستند که معمولاً در ترمیم های دندان مورد استفاده قرار می گیرند.

metal base

قسمت فلزی بیس دنچر که قسمتی از کل سطح بازال دنچر را فرم می‌دهد. به عنوان یک پایه برای اتصال قسمت رزینی بیس دنچر و دندان‌ها عمل می‌کند.

metal ceramic restoration

یک پروتز ثابت دندانی یا متکی بر ایپلمنت که یک زیرساخت فلزی دارد و روی آن یک پوشش سرامیک قرار گرفته است (باند شده به فلز).

metal collar

یک نوار باریک از فلز شدیدا پالیش شده که مجاور مارژین فاسیالی یا باکالی روی یک رستوریشن متال-سرامیک قرار گرفته است.

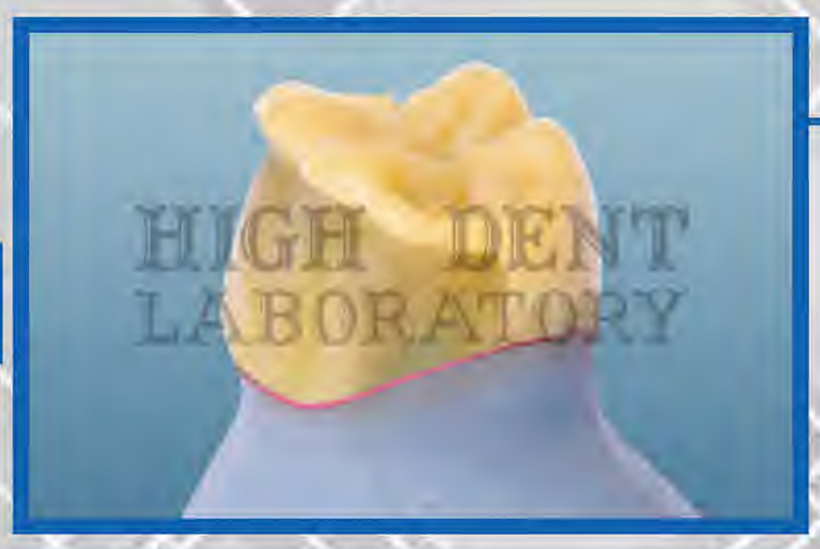

metal occlusal

تاج PFM با فلز روی سطح اکلوزال و پرسلن روی باکال ، که گاهی اوقات با موارد زیر انتخاب می شود:

۱. سطح اکلوزال برای ظروف چینی بسیار نازک است.

۲ ، نیاز به ساخته شدن سطح اکلوزال از مواد ساینده کمتر مانند طلا وجود دارد.

۳. در صورت عدم انسداد ، چینی در معرض خطر شکستگی قرار می گیرد.

metamerism

جلوه بصری که در آن یک رنگ در زیر نورهای مختلف متفاوت به نظر می‌رسد. روکش های سرامیکی و بریج ها ممکن است سایه ای متفاوت تحت منبع نوری به غیر از روشی که با آنها تولید شده اند ، به نظر برسند.

micro crack

در پرسلن، یکی از چندین عیوب سطحی که به تجمع استرس کمک می‌کند و باعث کاهش استحکام حداکثری می‌شود.

microgap

شکاف بین دو جسم که تنها در زیر ذره بین قابل مشاهده است.

middle third

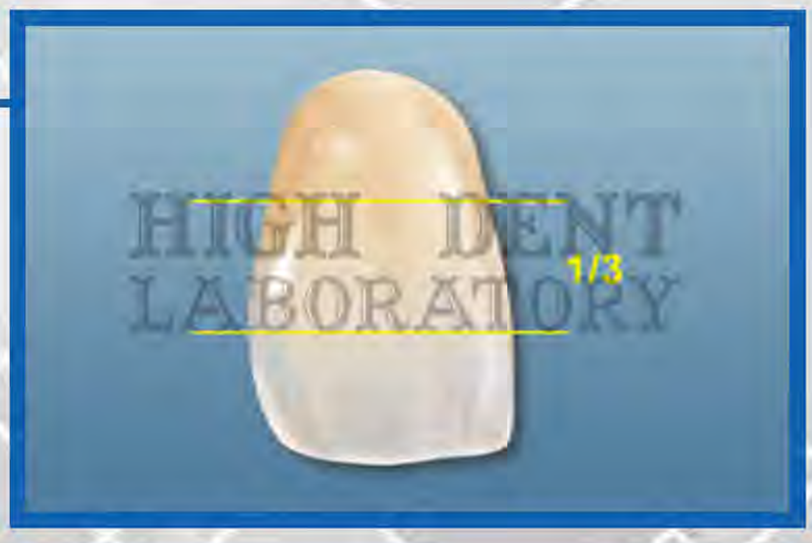

یک سوم میانی از طول تاج دندان

middle-gingival bulge

ناحیه محدب در ناحیه لثه میانی سطح باکال یک دندان خلفی که باعث انحراف مواد غذایی به دور از لثه می شود.

M

midline

۱. یک خط یا صفحه خیالی که به طور عمودی از وسط بدن امتداد می‌یابد.
۲. خط متوسط فک دندان.

mid-sagittal plane

یک صفحه صاف خیالی که بدن را از جلو به عقب در خط میانه جدا می‌کند.

milling

۱. فرایند ماشینکاری قطعات با برش دوار.
۲. فرایند ماشینکاری ترمیم دندان از یک بلوک جامد از مواد.

milling block

بلوک ماده ای که می تواند در دستگاه تراش جای گیرد و از آن می توان ترمیم های دندانی را تراش داد.

milling disc

بلوک استوانه ای از مواد که می تواند در دستگاه فرز جای گیرد و از آن می‌توان ترمیم دندان را تراش داد.

milling instrument

وسیله ای شبیه به نقشه بردار ، که برای فرزکاری و حفاری دقیق مورد استفاده قرار می گیرد. استفاده می تواند از موازی سازی ساده سطوح تا ساخت کامل ترمیم متفاوت باشد.

milling machine

ماشینی که در آن کار در حمل کننده ایمن شده و توسط کاتر های چرخان شکل می گیرد.

milling paste

ساینده به صورت خمیری برای صاف کردن دندانهای مصنوعی بعد از تنظیم انسداد استفاده می شود. خمیر بر روی سطح اکلوزال اعمال می‌شود و پروتزها برای رفع نقاط بالا و صاف کردن دندان ها به کار می افتند.

minimally invasive dentistry

تمرین انجام حداقل دندانپزشکی مورد نیاز برای بازگرداندن دندان‌ها به وضعیت عادی آنها است. روش‌های حداقل تهاجمی نیز نسبت به روش‌های معمولی قابل برگشت هستند. این تکنیک ها می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱. درمانهای فلوراید و درزگیرها برای به حداقل رساندن نیاز به پر کردن
۲. یک آتل گزش برای جلوگیری از آسیب بیشتر دندان‌ها
۳. یک ایمپلنت بجای یک بریج ۳ واحدی

minor connector

آن قسمت از یک پروتز پارسیل متحرک است که اجزای مختلف را به کانکتور اصلی وصل می کند.

model

تولید مثل مثبت دندان‌ها و بافت‌های اطراف، معمولاً:

۱. در قالب یا سنگ و آکریلیک ریخته می شود.
۲. تصویر دیجیتال ساخته شده توسط اسکن.

model printing

فرآیند تولید مدل ها از یک پرونده دیجیتال.

model scan

استفاده از یک اسکنر برای ایجاد یک نمایش دیجیتالی از یک مدل برای طراحی ترمیم دیجیتال.

model trimmer

وسیله ای با چرخ یا باند ساینده بزرگ جهت کاهش و شکل دادن به مدل های سنگی. یک صاف کننده مرطوب از اسپری آب برای روغن کاری باند ساینده و شستشوی موهای آن استفاده می کند. یک خشک کن خشک از خلاء برای جمع آوری ذرات گرد و غبار از پیرایش استفاده می کند.

modeling compound

۱. بتونه خاک رس مانند که کارایی خود را برای مدت طولانی حفظ می‌کند.
۲. یک ماده ترموپلاستیک (با گرما نرم می شود) که برای قالبگیری‌های دندانی و برای اتصال موقت وسایل به یکدیگر استفاده می شود.

modified ridge lap

پونتیکی که لثه را لمس می کند فقط از نظر لبی یا باکال به تاج الراس در تماس است.

modified T-bar clasp

اصلاح قلاب T-bar که یک بازوی T را از بین می برد ، معمولاً به دلایل زیبایی شناختی.

modifier

پرسلن رنگی که برای تغییر رنگ ، ارزش یا کروم پرسلن دیگر مورد استفاده قرار می گیرد.

modulus of elasticity

نسبت نیروی اعمال شده به تغییر شکل یک بدن الاستیک.

molar

دندانی که عموماً چهار عدد کاسپ دارد یکی از شش دندان دیستال در هر فک.

mold

۱. فرم یا قالبگیری یک شیء که از آن برای تولید مثل تولید می شود.
۲. تعیین مجموعه‌ای از دندان‌های، دندان مصنوعی که با اندازه و شکل مطابقت دارند. قالب‌های قدامی با شکل کلی دندان‌ها، طول و عرض آن‌ها متمایز می‌شوند. قالب‌های خلفی با طول و عرض دندان‌ها متمایز می‌شوند.

mold chart

نمودارهایی که قالبهای دندان مصنوعی موجود از یک تولید کننده خاص را نشان می دهد.

M

mold guide

نمودارهایی که قالبهای دندان مصنوعی موجود از یک تولید کننده خاص را نشان می دهد.

monolithic

ترمیم که از یک ماده واحد ساخته شده است ، بیشتر برای ترمیم عقبی مناسب است که در آن قدرت، موضوع اصلی است و می توان آنها را برای شبیه سازی تغییرات سایه رنگ آمیزی کرد.

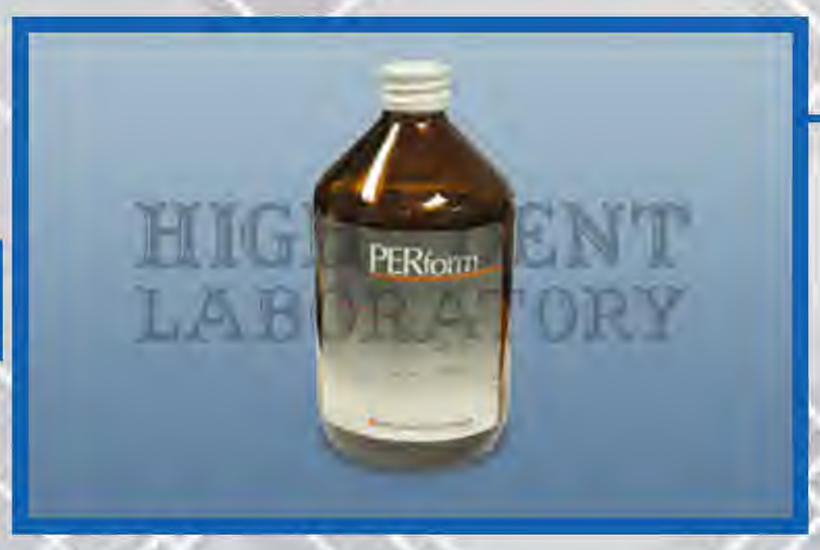

monomer

۱. مولکولی که می تواند با دیگران ترکیب شود (پلیمریزاسیون) برای تشکیل پلیمرها.
۲. مایعی که برای پلیمریزاسیون اکریلیک دندان مصنوعی استفاده می‌شود.

montreal bar

یک میله ایمپلنت با سطح لثه فلزی. بیشتر اوقات برای فک پایین مورد استفاده قرار می گیرد.

morphology

مطالعه فرم و ساختار بدن انسان.

mould

تعیین مجموعه ای از دندان‌های دندان مصنوعی که با اندازه و شکل مطابقت دارند. قالب‌های قدامی با شکل کلی دندان‌ها ، طول و عرض آنها متمایز می‌شود. قالب‌های خلفی با طول و عرض دندان‌ها متمایز می‌شود.

mount

برای وصل کردن مدلهای مخالف با یکدیگر بر روی آرتیکولاتور.

mounting

یک روش لابراتورای اتصال یک کست به آرتیکولاتور

mounting plate

صفحه پلاستیکی فلزی یا پلاستیکی برای فرار دادن یک مدل در آرتیکولاتور. برای ترمیم های دیجیتال ، صفحه نصب گاهی اوقات به طور مستقیم بر روی مدل چاپ یا تراش داده می شود.

mouth

شکافی در بدن ، محدود به لب و دارای زبان و دندان است که از طریق آن غذا خورده می شود و صداها ساطع می شوند.

M

mouth guard

۱. وسیله ای محافظ برای دهان است که دندان ها را می پوشاند تا از آسیب دیدگی جلوگیری کند.
۲. اصطلاحی که به راحتی برای توصیف طیف وسیعی از وسایل مانند گاردهای شبانه و آتل‌های انسداد استفاده می‌شود.

movable arm clasp

یک یا چند سری قلاب روی یک میله ، که در یک انتهای آن آویزان شده و برای بهبود مسیر دشوار درج استفاده می شود.

M

mucosa

بافت نرم و مرطوب که دهان را ردیف می کند. غدد در امتداد مخاط مخاط ترشح می کنند.

mucosal implant

یک اینسرت فلزی به شکل قارچ که به سطح بافت یک دندان مصنوعی متحرک متصل شده است که در مقابل محل گیرنده آماده شده جراحی برای حفظ مخاط ثابت می شود.

mucous membrane

یک بافت ترشح مخاط که برخی از بافتهای نرم دهان را در بر می گیرد.

mucus

مربوط به مخاط.

multilayer bridge

بریجی که در لایه هایی از مواد مختلف طراحی و پردازش می شود. به عنوان مثال ، یک لایه آناتومیک سرامیک فشرده شده بر روی یک چارچوب زیرکونیای تراش داده شده.

multilayer crown

روکشی که در لایه هایی از مواد مختلف طراحی و پردازش می شود. به عنوان مثال ، یک لایه آناتومیک سرامیک فشرده شده بر روی یک چارچوب زیرکونیای تراش داده شده .

multi-point alignment

روشی که در آن اپراتور یک یا چند نقطه را در هر یک از جفت اسکن ها مشخص می کند. نرم افزار CAD از این نقاط به عنوان موقعیت شروع برای تراز اسکن استفاده می کند.

Munsell color system

سیستم رنگی که در فناوری دندانپزشکی به کار رفته است ، با رنگ های قرمز ، زرد و آبی به عنوان رنگ های اصلی است. توسط آلفرد H. مونسل در سال ۱۹۰۵ مطرح شده است.

M

muscle

بافت بدن متشکل از سلولهای بلند است که می توانند منقبض یا ریلکس شود تا حرکت بوجود آید.

muscle attachment

بخشی از بدن که عضله به آن متصل می شود.

muscular

مربوط به عضلات یا انجام شونده با عضلات.

M

mutually protected occlusion

یک شمای اکلوزال که در آن دندان‌های خلفی از تماس بیش از حد دندان‌های قدامی در انسداد مرکزی جلوگیری می کنند و دندان‌های قدامی دندان‌های خلفی را در چرخش فک پایین جدا می‌کنند.

mylohyoid muscle

کف دهان. عضله از هر دو طرف فک پایین در پشته های mylohyoid تشکیل می شود ، یک شکاف تشکیل می دهد که غده زیر زبانی و زبان را در خود نگه می دارد. انتهای دیگر عضله وارد استخوان هایوئید در زیر زبان می شود.

mylohyoid ridge

خط الراس بر روی سطح زبانی فک پایین که با زاویه ای از سطح ریشه های آخرین مولر تا کف دهان امتداد می یابد و به عنوان منشاء عضله میلوئوئید عمل می کند.

M

NADL

انجمن ملی آزمایشگاه های دندانپزشکی ، سازمان برتر صنعت آزمایشگاه های دندانپزشکی در ایالات متحده است.

National Association of Dental Laboratories

سازمان برتر صنعت آزمایشگاه های دندانپزشکی در ایالات متحده است.

National Board for Certification

شورای ملی صدور گواهینامه در فناوری دندانپزشکی ، مرجع صدور گواهینامه اولیه برای تکنسین های دندانپزشکی در ایالات متحده است.

N

natural dentition

دندانهای طبیعی

natural glaze

ایجاد یک سطح گلیز شده با بلوری شدن (شیشه‌ای شدن) خود ماده بدون کاربرد فلاکس یا گلاس اضافه.

NBC

شورای ملی صدور گواهینامه در فناوری دندانپزشکی، مرجع صدور گواهینامه اولیه برای تکنسین های دندانپزشکی در ایالات متحده است.

neutral zone

۱. فضای احاطه شده توسط گونه ها ، لب ها و زبان.
۲. موقعیتی که نیروهای بین گونه ها ، لب ها و زبان در حالت تعادل قرار دارند.

neutro-occlusion

انسداد نرمال ، همانطور که با استفاده از تراکمی صحیح از دندانهای آسیاب نشان داده شده است. نیش پایین به طور معمول در حدود ۱/۲ دندان در جلوی نیش بالایی قرار دارد ، و لبه های بالایی اندک جلوتر از لبه های پایین قرار دارند.

nickel chromium alloy

یک آلیاژ با چگالی پایین و دانه‌های درشت و ساختار دندریتیک جهت کارهای ریختگی در دندانپزشکی، تشکیل شده از ۳۰ درصد کروم و ۷۰ درصد نیکل و مقار جزئی از عناصر دیگر مثل Mo, Mn, Si, C و Al. اثر کروم افزایش مقاومت به خوردگی از طریق بالا بردن passivity است و افزایش مقدار نیکل منجر به کاهش استحکام، سختی، ضریب الاستیسیته، دمای ذوب و افزایش ductility می‌شود.

no ridge lap

پونتیکی که از بالای الگوی آلوئولار نمی چرخد ، بلکه فقط آن را در راس باکال یا لابی لمس می کند.

noble alloy

همانطور که توسط شورای امور بین المللی ADA تعریف شده است ، آلیاژ متشکل از حداقل ۲۵٪ فلز نجیب (طلا به علاوه عناصر گروه پلاتین: پلاتین ، پالادیوم ، اسمیوم ، ایریدیوم ، روتنیم و ردیوم).

noble metal

فلزی که در برابر اکسیداسیون و خوردگی بسیار مقاوم است. همانطور که توسط شورای امور بین المللی ADA تعریف شده است ، طلا به علاوه عناصر گروه پلاتین: پلاتین ، پالادیوم ، اسمیوم ، ایریدیوم ، روتنیم و ردیوم.

noble metal alloy

یک تقسیم بندی توسط انجمن دندانپزشکی آمریکا (ADA 1984) که در آن آلیاژ ریختگی محتوی حداقل ۲۵ درصد وزنی طلا، پلاتین یا پالادیوم می‌باشد.

N

non-functional cusp

کاسپ هایی که در اکلوژن مرکزی جفت نمی شوند

non-hexed implant

ایمپلنت دندانی که رابط کاربری پایه آن به شکل شش ضلعی برای جلوگیری از چرخش پایه وجود ندارد.

non-noble

فلزی که خاصیت یک فلز نجیب مانند نقره یا قلع را نداشته باشد، که انتظار می رود در دهان اکسیده شود.

non-precious

فلزی کم ارزش که معمولاً مقاومت کمی در برابر کدر شدن و خوردگی دارد.

non-rigid connector

نوعی اتصال دهنده که اجازه مختصری حرکت محدود را به اجزای یک پروتز ثابت می‌دهد.

non-working side

آن سمت از مندیبل که در حرکات طرفی به سمت خط میانی حرکت می‌کند به کندیل آن سمت نیز nonworking side condyle می‌گویند.

objective

۱. یک هدف
۲. براساس آنچه درمورد یک شیء شناخته شده است ، نه آنچه که بیننده (ذهنی) را غافلگیر می کند.

N

oblique

دویدن در یک زاویه ، شیب. نه عمود و نه موازی.

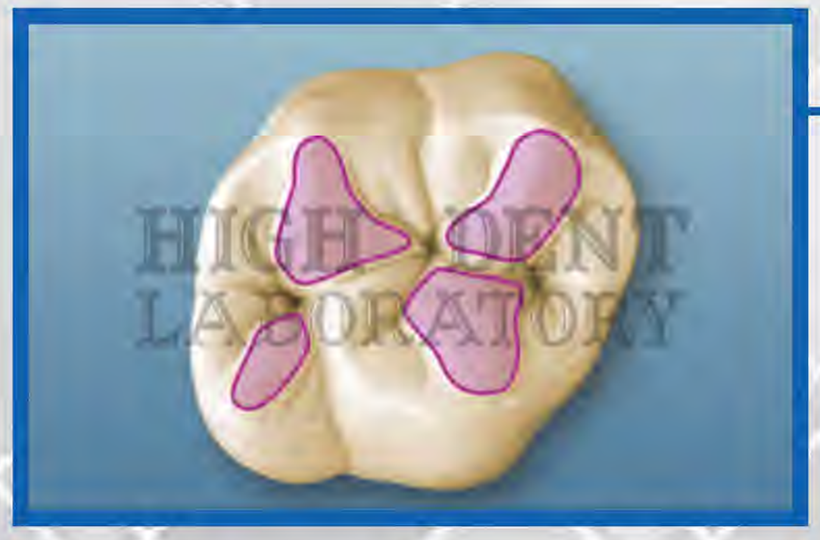

oblique cusp ridge

یک خط الراس بر روی سطح اکلوزالی دندان خلفی که با زاویه ای به شیار جداکننده مرکزی می رود.

oblique ridge

۱. خط الراس که با زاویه ای اجرا می شود.
۲. خط الراس که با زاویه‌ای از نوک کاسپ دیستوباکال یک مولر فوقانی، به طرف شیار دیسکشنال مرکزی و تا شیب دیستال از شانه mesio-lingual بالا می رود.
۳. یک خط الراس ماسوره.
۴. خط الراس که با زاویه ای در امتداد استخوان حرکت می کند.

O

obturator

یک ساختار ارگانیک یا دستگاه پروتز است که یک دهانه را بسته یا مسدود می کند.

occlude

برای جمع شدن یا نزدیک شدن هنگامی که دندانی دندان متضاد را لمس می کند.

occlusal

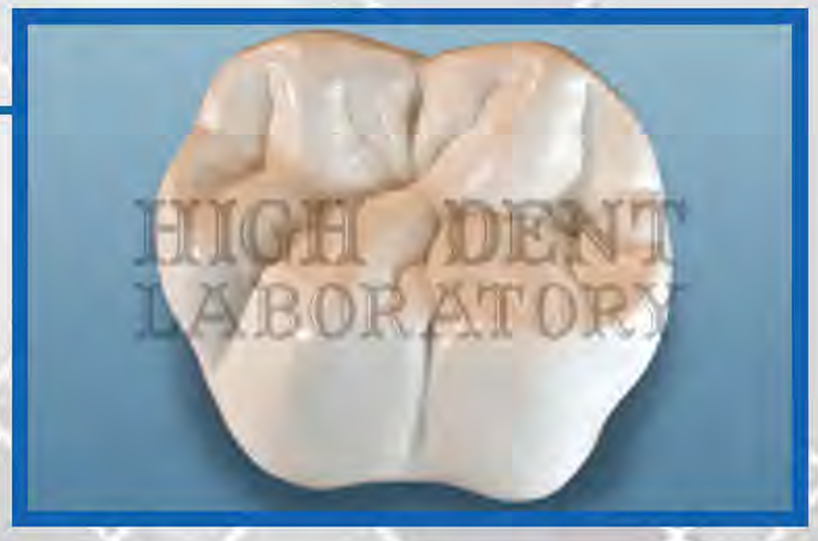

مربوط به اکلوژن

occlusal anatomy

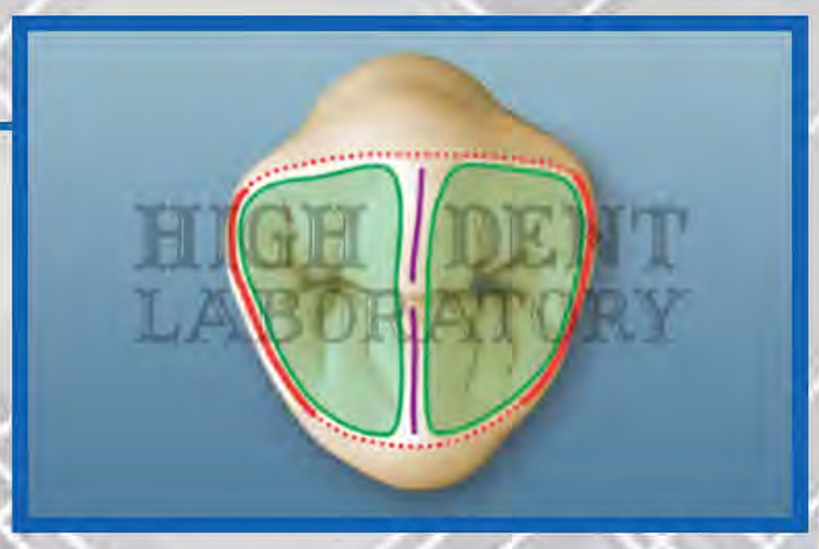

ویژگی های جسمی سطوح دندانهای خلفی.

occlusal contact

تماس بین دندانهای مخالف.

occlusal embrasure

یک دهانه V شکل بین سطوح پروگزیمال خمیده دندانهای خلفی مجاور، اکلوزال به تماس پروگزیمال.

O

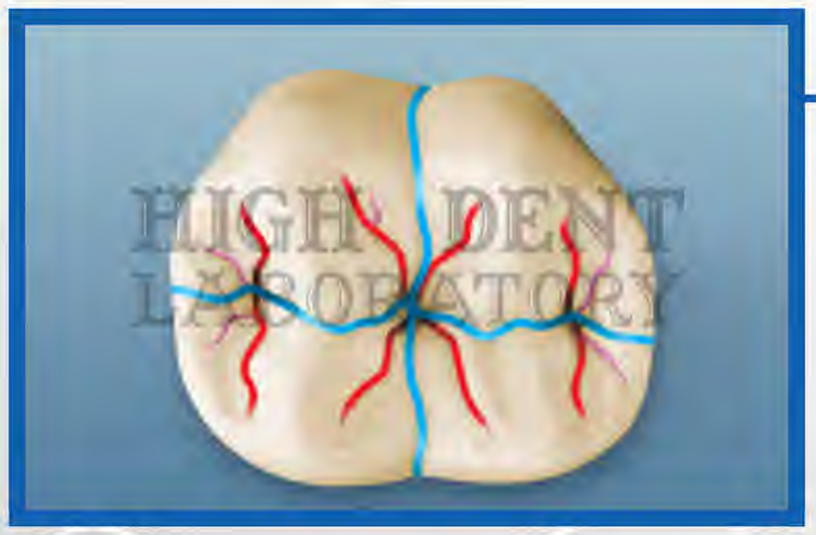

occlusal groove

شیار روی سطح انسداد دندان خلفی. دندانهای خلفی به طور کلی سه نوع شیار دارند: شیارهای شکافی یا اولیه ، شیارهای ثانویه و شیارهای کمکی.

occlusal harmony

یک شمای اکلوزالی که در آن هیچگونه مداخله زودرس وجود ندارد.

occlusal interference

تماس زودرس با دندان مخالف.

O

occlusal island

ناحیه ای روی سطح اکلوزالی از پوششی که ماده هسته در آن انسداد قرار می گیرد. این کار در درجه اول انجام می شود که فضای کافی برای مواد روکش وجود ندارد.

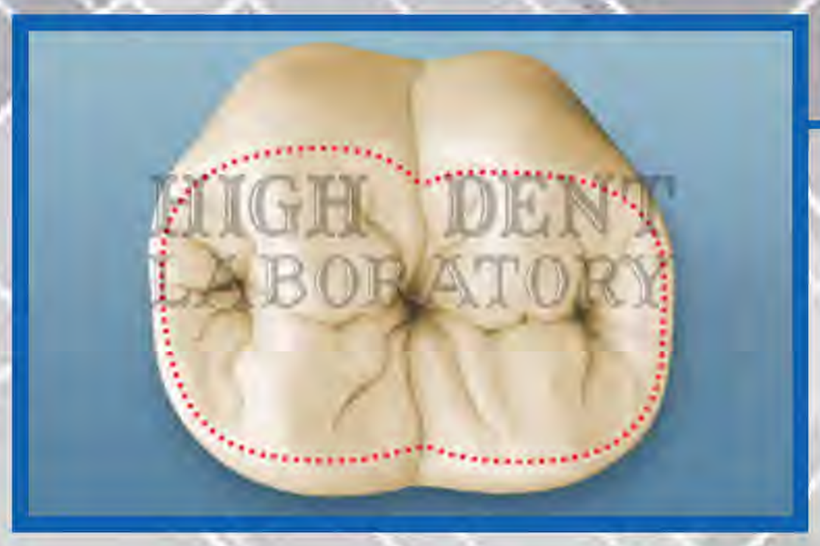

occlusal perimeter

محیط سطح اکلوزال. لبه تیز جایی که سطح مزیال ، دیستال ، باکال و لینگوالی یک دندان با سطح اکلوزال برخورد می کند.

occlusal pit

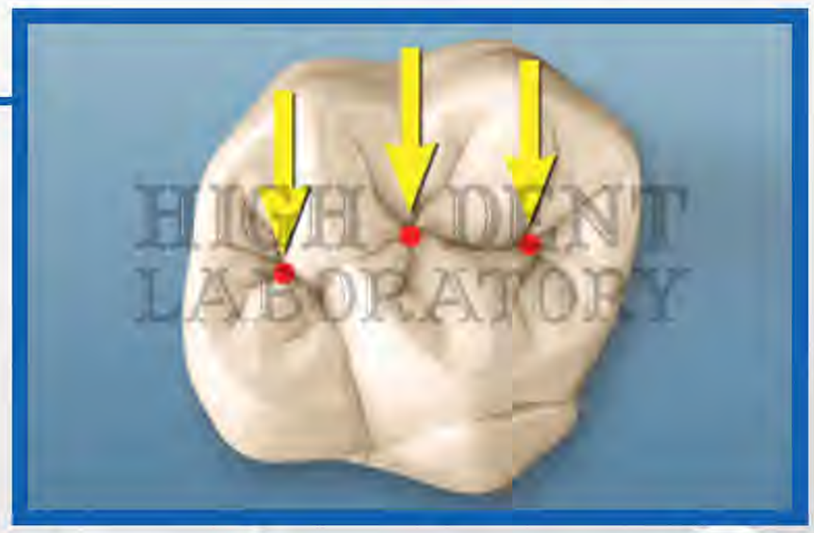

عمیق ترین نقطه از ناحیه فوسای اکلوزال ، معمولاً نزدیک مرکز آن .

occlusal plane

۱. یک صفحه خمیده خیالی که توسط لبه های برش دندانهای قدامی و سطوح انسداد دندانهای خلفی ایجاد شده است. این انحنای طبیعی دندانها را دنبال می کند و در زیر انحنای اسپیر ، انحناء بالاتری دارد و در صورت خم شدن بیشتر به سمت خارج ، به دنبال منحنی ویلسون است.
۲. صفحه مسطح یا خمیده ای که برای تنظیم دندان های مصنوعی استفاده می شود.

occlusal ridge

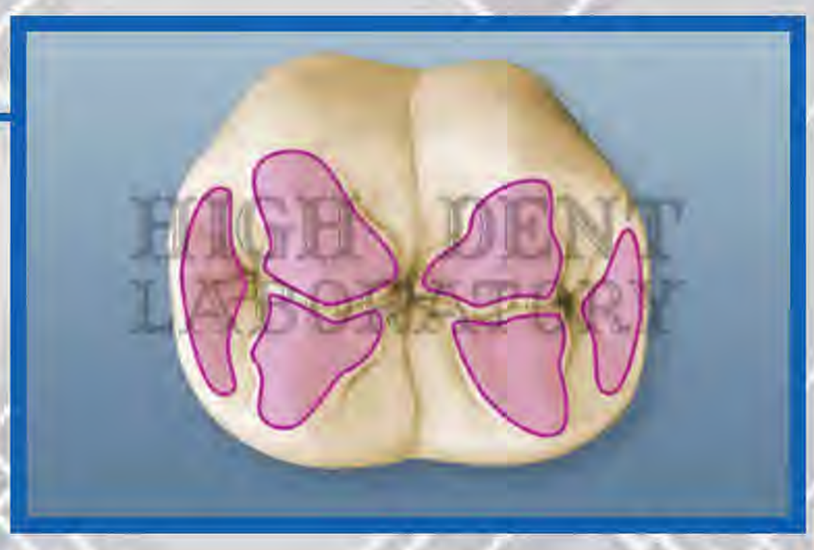

یک خط الراس روی سطح اکلوزال.

occlusal rim

دستگاه مومیایی که توسط پزشک برای ثبت رابطه فکهای بیمار استفاده می شود.

occlusal stop

نقطه‌ای که دندانهای مخالف در انسداد مرکزی قرار دارند.

O

occlusal surface

سطح دندان خلفی که با دندانهای مخالف در تماس است.

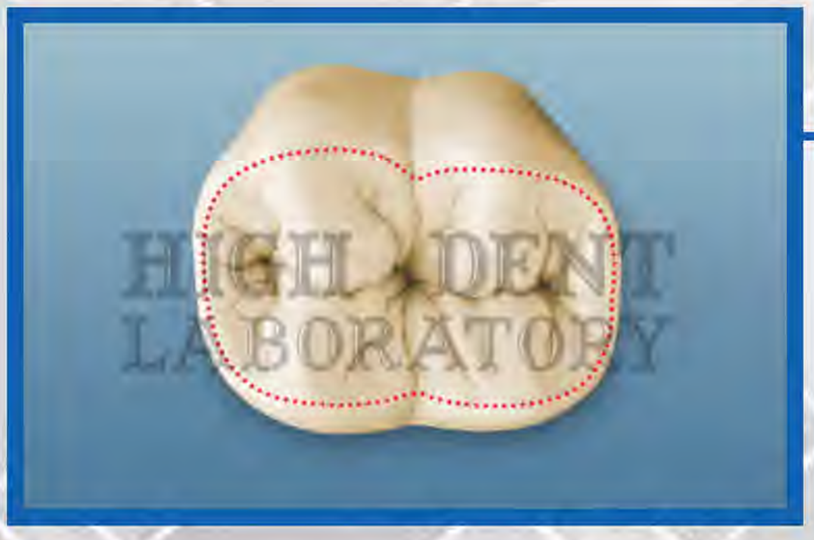

occlusal table

سطح دندان خلفی که با دندانهای مخالف در تماس است.

occlusal third

یک سوم دندان خلفی نزدیک به سطح اکلوزال.

O

occlusion

۱. بسته شدن بین دندانهای فک مخالف.
۲. رابطه بین دندانهای مقابل در هنگام تماس.

occlusion record

ثبت رابطه سطوح جفت شونده مقابل در هر رابطه ماگزیلا و مندیبل.

occlusion rim

سطوح جفت شونده که از بیس دنچرهای موقت یا نهایی به منظور ثبت رابطه فک بالا و پایین و چیدن دندان‌ها ساخته می‌شوند؛ همچنین record rim هم نامیده می‌شود.

occlusogingival

۱. گسترش از اکلوزال تا لثه.
۲. فاصله از اکلوزال تا لثه.

occluso-gingival rotational axis

یک محور چرخشی در صفحه عمودی دندان خلفی ، به طور خاص، محوری که از اکلوزال تا لثه در امتداد دارد.

O

one-piece implant

یک کاشت دندان غیر hexed که در آن بدنه و پایه ایمپلنت به عنوان یک قطعه ساخته می شود.

onlay

ترمیم ثابت بر روی سطح اکلوزالی است که یک یا چند کاسپ را می‌پوشاند.

onlay preparation

تراش دندان داده شده در سطح اکلوزالی که یک یا چند کاسپ را می‌پوشاند.

opacious dentin

چینی نیمه مات که برای پنهان کردن تغییر از دنتین پرسلن شفاف به یک پرسلن مات یا شفاف استفاده می شود.

opacity

۱. کیفیت یک بدنه که آن را در برابر اشعه های نوری غیرقابل نفوذ می‌کند.
۲. ظرفیت نسبی بدنه برای جلوگیری از نور.

O

opaque

۱. مسدود کردن عبور نور.
۲. کوتاه برای پرسلن مات.

opaque dentin

پرسلن تغییر یافته که مقدار اپسیتی آن زیاد شده است. برای جاهایی بکار می‌رود که ترانسلوسنسی کمتر مورد نیاز است، مثل لبه‌ی لثه‌ای پونتیک یا ماملون‌های انسیزال، تا خصوصیات آناتومیک دندان طبیعی مجاور را تقلید کند.

opaque modifier

پرسلن دندان رنگ شده که به گونه ای فرمول بندی شده که به طور انتخابی با پرسلن اپک مخلوط شود تا میزان اشباع رنگ دانه مورد نظر را افزایش دهد.

opaque porcelain

پرسلنی که برای پنهان کردن رنگ زیر ساخت استفاده می شود و سایه اصلی آن را به دندان می دهد. پرسلن مات نیز پیوندی بین فریم و دنتین پرسلن را فراهم می کند.

open tray technique

تکنیک قالب گیری برای ایمپلنت،پیچ ایمپرشن ها قبل از برداشتن قالب گیری از دهان باز می شود، قبل از ریختن قالب آنالوگ ها به ایمپرشن ها متصل می شوند

O

operative model

الگوی مثبت دهان بیمار که پس از تهیه دندان توسط پزشک تهیه شده است. مدلی که ترمیم در آن ساخته شده است.

opposing arch

فک دندانی که با دیگری متقابل است. فک فوقانی با قسمت پایین مخالف است و برعکس. معمولاً برای مراجعه به فک روبروی ترمیم استفاده می‌شود.

opposing dentition

دندانهایی که در فکهای دندانی مخالف (بالا و پایین) با یکدیگر متقابل هستند.

opposing model

مدل نمایانگر فک مخالف.

oral

مربوط به دهان.

O

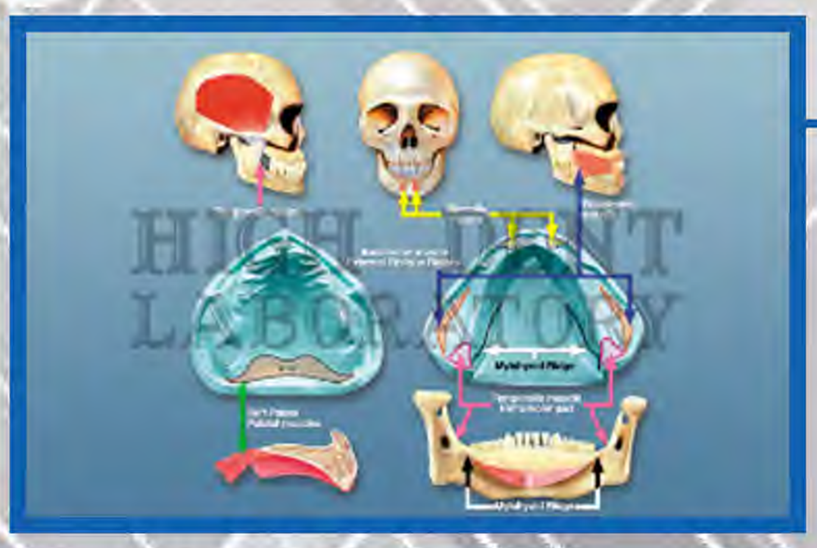

oral anatomy

۱. ویژگی های دهان.
۲. بررسی ویژگی ها و نشانه های دهان.

oral cavity

داخل دهان.

oral implant

دستگاهی که برای ساپورت ترمیم دندان در فک پایین یا فک بالا تعبیه شده است.

oral mucosa

غشای مخاطی حفره دهان را ردیف می کند.

orbicularis oris

باند عضلات اطراف دهان. قسمت عضلانی لب ها.

O

origin

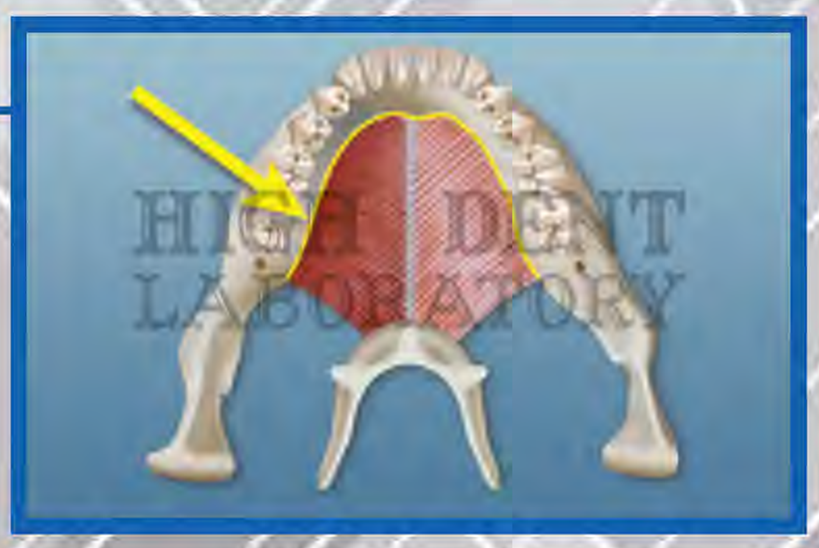

جایی که عضله در انتها به استخوانی متصل می شود که هنگام انقباض عضله بیشتر ثابت می شود.

o-ring

حلقه پلاستیکی یا لاستیکی که در یک ضمیمه به عنوان واشر یا عنصر نگهدارنده مورد استفاده قرار می گیرد.

oris

کوتاه برای حفره اوریس ، دهان.

orthodontia

عمل اصلاح موقعیت های نامنظم دندان ها.

orthodontic

در رابطه با ارتودنسی ، عمل اصلاح موقعیت های نامنظم دندان ها.

O

orthodontic appliance

وسیله ای که به منظور حرکت دندان ها به دهان تعبیه شده است.

orthodontics

۱. عمل اصلاح موقعیت های نامنظم دندان ها.
۲. دستگاه هایی که برای حرکت دندان ها استفاده می شوند.

orthogonal

۱. در زاویه های درست.
۲. در یک برنامه CAD ، عمود بر یک سطح.

osseointegration

تماس مستقیم بین بافت استخوانی (استخوان) و ماده ای بی اثر که امکان انتقال بار از بدنه ایمپلنت به استخوان را فراهم می کند.

osseous

استخوانی ، یا از استخوان تشکیل شده است.

O

osseous integration

تماس مستقیم بین بافت استخوانی (استخوان) و ماده ای بی اثر که امکان انتقال بار از بدنه ایمپلنت به استخوان را فراهم می کند.

osseous tissue

ماده معدنی حاوی کلسیم که قسمت سفت استخوان را تشکیل می دهد.

ossification

روند طبیعی تشکیل استخوان.

osteoinduction

استفاده از مواد شیمیایی برای القای تشکیل استخوان.

osteointegration

تماس مستقیم بین بافت استخوانی (استخوان) و ماده ای بی اثر که امکان انتقال بار از بدن کاشت به استخوان را فراهم می کند.

O

osteotomy

برش جراحی یا از بین بردن استخوان.

ovate pontic

پانتیک با یک راس محدب و تخم مرغی.

overbite

همپوشانی عمودی دندانهای بالا و پایین.

overbuilt porcelain

ترمیم چینی که بزرگتر از حد لازم ساخته شده است. هنگامی که یک بریج ساخته شده کانتور زیاد داده می شود، سطح زنده پرسلن ریخته می شود و دندان های حاصل از آن سرزندگی خود را از دست می دهند.

overcontour

کانتور بیش از حد لازم ، بنابراین ویژگی های آناتومیکی دندان را از بین می برید.

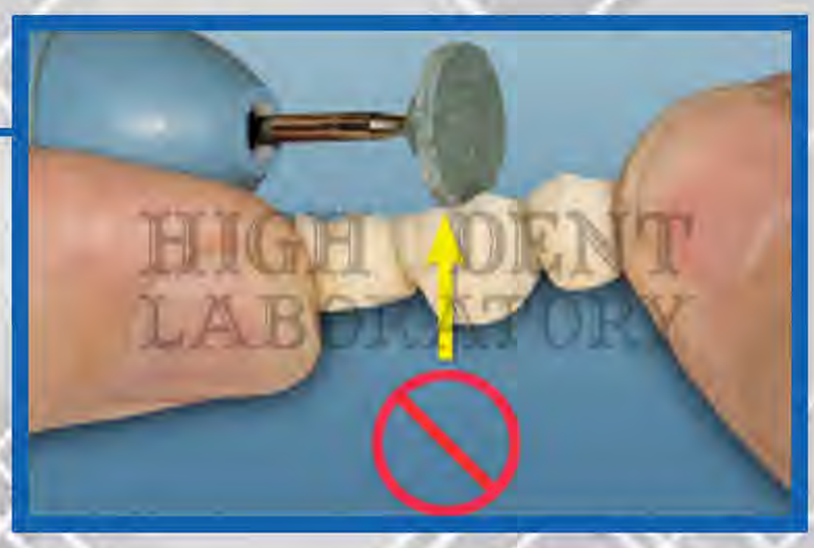

O

overdenture

دندان مصنوعی که از یک یا چند ریشه دندان یا ایمپلنت به عنوان بخشی از ساپورت استفاده می کند.

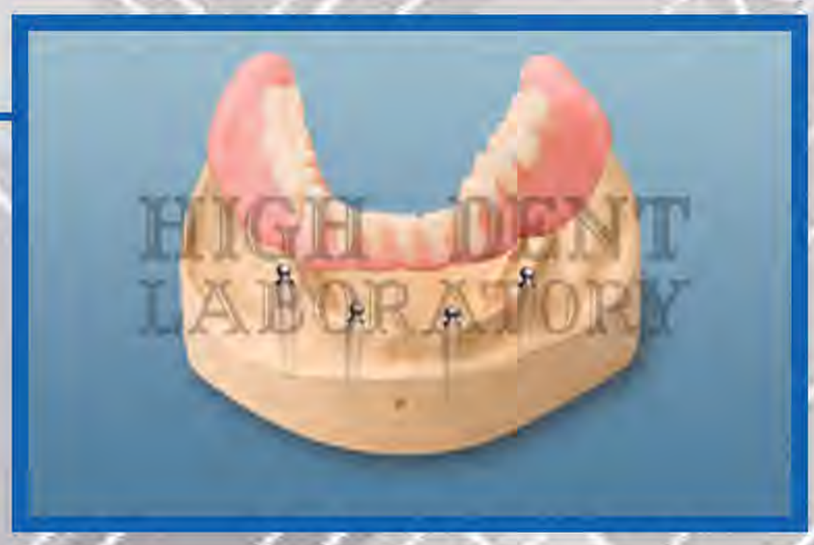

overjet

همپوشانی افقی دندانهای بالا و پایین.

overpress

۱. برای افزودن یک لایه سرامیکی فشرده شده بر روی پوشش.
۲. بخشی از ترمیم که با فشار دادن ایجاد می شود.

ovoid

داشتن شکل کلی تخم مرغ (تخمک).

oxidation

۱. عمل ترکیب با اکسیژن.
۲. تشکیل اکسیدها روی سطح یک ماده.
۳. تشکیل اکسیدها بر روی زیر سازه فلزی برای تهیه آن برای دریافت پرسلن.

O

oxide

یک ترکیب شیمیایی اکسیژن با یک عنصر دیگر.

pack

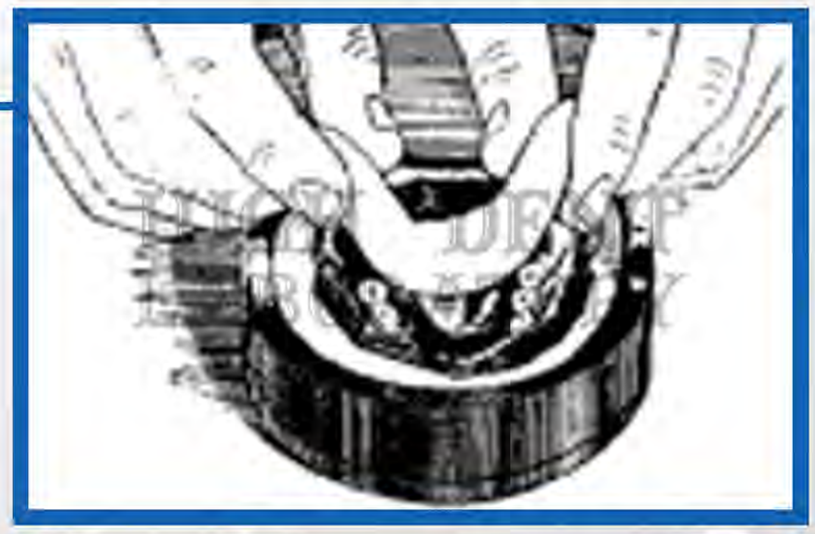

قرار دادن خمیر آکریلیک در یک فلاسک دندانی در حین پردازش.

packing cord

یک رشته ، غالباً با ماده ای برای انقباض بافت های نرم آغشته شده است، که در اطراف یک آماده سازی قرار می گیرد تا مجبور شود لثه را به عقب بکشاند و در حین قالبگیری ، حاشیه ها را بیرون بکشد.

palatal

۱. مربوط به کام.
۲. در گفتار ، صدایی که با قرار دادن زبان روی یا در نزدیکی کام سخت ایجاد می شود.

palatal bar

۱. یک اتصال دهنده اصلی که از کام سخت عبور می‌کند تا طرف راست و چپ یک دندان مصنوعی جزئی را در ناحیه خلفی متصل کند. این بندرت به ندرت به تنهایی مورد استفاده قرار می‌گیرد، مناسب برای فلنج‌های پشتی کوتاه دندان یا همراه با اتصال دهنده اصلی دیگر.
۲. در ارتودنسی، به وسیله‌ای با نوار یا سیم که دندان‌های متصل به آن را در طرف های مخالف کام، که اغلب به عنوان بسط دهنده دهانی استفاده می‌شود، می گویند.

palatal expansion

افزایش عرض کام سخت توسط گسترش مصنوعی فک بالا .

P

palatal muscles

قسمت عضلانی کام نرم.

palatal plate

یک اتصال دهنده اصلی که بخش قابل توجهی از کام سخت را در بر می‌گیرد.

palatal seal

یک خط الراس در قسمت بافت در امتداد مرز خلفی پروتز فوقانی که برای ایجاد یک مهر و موم محکم هوا با کام نرم برای ایجاد پروتز در محل استفاده می شود.

P

palatal strap

اتصال دهنده اصلی روی یک دندان مصنوعی جزئی فوقانی است که از ناحیه شکم کام در ناحیه دندان پرمولر و مولر عبور می کند.

palate

سقف دهان.

palette

۱. مجموعه ای از رنگ ها برای انتخاب شدن.
۲. یک سینی سرامیکی که در آن حاوی انواع پرسلن های دندانی یا لکه هایی برای استفاده تکنسین است.

Palmer numbering system

یک سیستم شماره گذاری دندان که در آن مرکز های هر چهار ربع شماره ۱ است و دندان ها به طور متوالی تا آسیاب سوم به شماره ۸ شماره گذاری می شوند. دندان ها با استفاده از نام و ربع و شماره دندان مانند "بالا سمت راست ۱" نامگذاری می شوند.

papilla

یک تصویر کوچک و گرد از بافت نرم روی یک سطح.

papillameter

دستگاهی که برای اندازه گیری طول لب فوقانی بیمار نسبت به پاپیلای حاد استفاده می شود.

parallel

خطوط در همان صفحه یا سطحی که بدون برخورد می تواند به طور نامحدود گسترش یابد.

P

parameter

یک اندازه گیری یا حد. به عنوان مثال ، پارامتر لبی می تواند جایی را برای قرار دادن سطح لبی پونتیک معین کند.

parasagittal plane

یک صفحه ساژیتال که روی خط میانه نیست.

partial denture

ترمیمی که جایگزین برخی از دندان های یک فک ، اما نه همه آنها می‌شود ، معمولاً از ترکیبی از فلز ، پرسلن یا پلاستیک ساخته می شود. ممکن است متحرک یا دائمی باشد.

P

partial denture rest

یک زائده سخت در پروتز ثابت یا متحرک که از حرکت پروتز به سمت بافت جلوگیری می‌کند و نیروهای فانکشنال را به دندان یا ایمپلنت دندانی منتقل می‌کند.

partial ridge lap

تماس بین پونتیک و خط الراس آلوئولار که به زبانی جلوی خط الراس گسترش نمی یابد.

passivate

۱. غیر فعال کردن یا کم کردن فعالیت
۲. حفاظت در برابر آلودگی با پوشاندن یا آماده سازی سطحی

HIGH DENT LABORATORY

passive fit

شرایطی که ترمیم وارد شده بدون فشار روی دندانهای پشتی یا ایمپلنت نشسته است.

path of insertion

جهت مشخصی که باید پروتز در محل کار گذاشته شود.

pathogenic occlusion

یک رابطه اکلوزالی که قادر به تولید بیماری است.

patrix

قسمت نری یک پیوست.

P

peg lateral

تغییر شکل رایج در لبه های نیش فوقانی که باعث کوچک شدن آن می‌شود.

pericervical saucerization

جذب استخوان دایره ای در اطراف گردن ایمپلنت های اندوست

peri-implantitis

یک اصطلاح بحث برانگیز به معنای التهاب بافت های اطراف ایمپلنت دندان است. این اصطلاح در بین برخی از دندانپزشکان ناخوشایند است زیرا آنها می گویند که این امر التهاب لانه گزینی است.

P

perikyma

چاله های کوچک روی سطح دندان اطراف بلورهای مینای دندان قرار دارد. Perikymata به عنوان یک سری از خطوط رشد افزایشی در دندان‌های جوان ظاهر می شود ، که به راحتی در دندان کانین قابل مشاهده است و به دلیل فرسودگی سطح مینا به مرور زمان کمتر مورد توجه قرار می گیرد.

periodontal

مربوط به بافتهای اطراف دندان است.

periodontal disease

هرگونه بیماری در بافتهای اطراف دندان از جمله لثه و پریودنتیت است.

periodontal ligament

غشای نازک و فیبری اطراف ریشه دندان و به طور مداوم با اتصال لثه.

periodontal probe

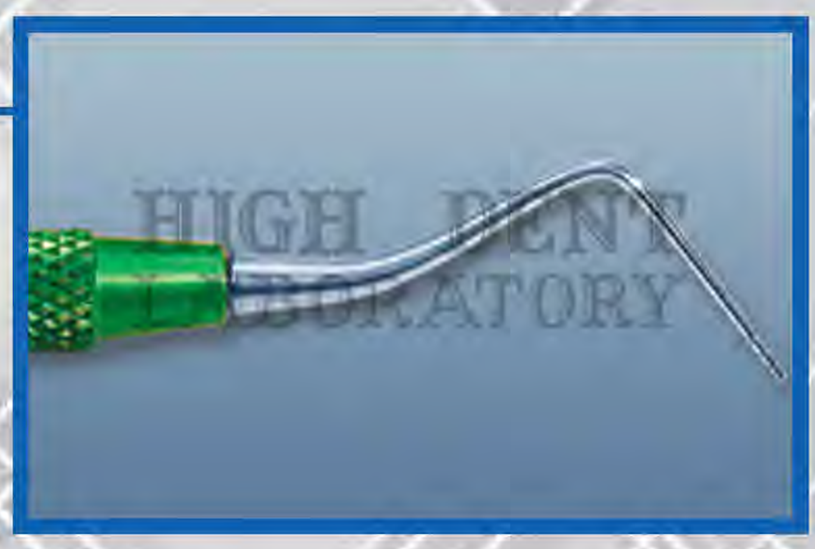

یک پراب نقطه ای که در دهان برای اندازه گیری عمق سولکوس لثه و لثه آزاد استفاده می شود. همچنین می توان آزمایش جداسازی لثه از از دندانهای متقابل روی یک پل را انجام داد.

periodontally contoured

برای پر کردن بافت و استخوان اطراف شکل می گیرد.

periodontitis

بیماری پریودنتال لثه و آلوئول ، که اغلب ناشی از عفونت لثه یا رباط پریودنتال است. می تواند منجر به از بین رفتن استخوان آلوئولار و شل شدن دندان ها شود.

periosteum

غشای بافت پیوندی که یک استخوان را پوشانده است.

peripheral

۱. در مناطق بیرونی یک شی یا منطقه.
۲. مربوط به یک حاشیه (یک مرز گرد).

peripheral border

۱. یک مرز گرد.
۲. حد ترمیم در حاشیه آن. به طور معمول میزان پایه پروتز دندان.

P

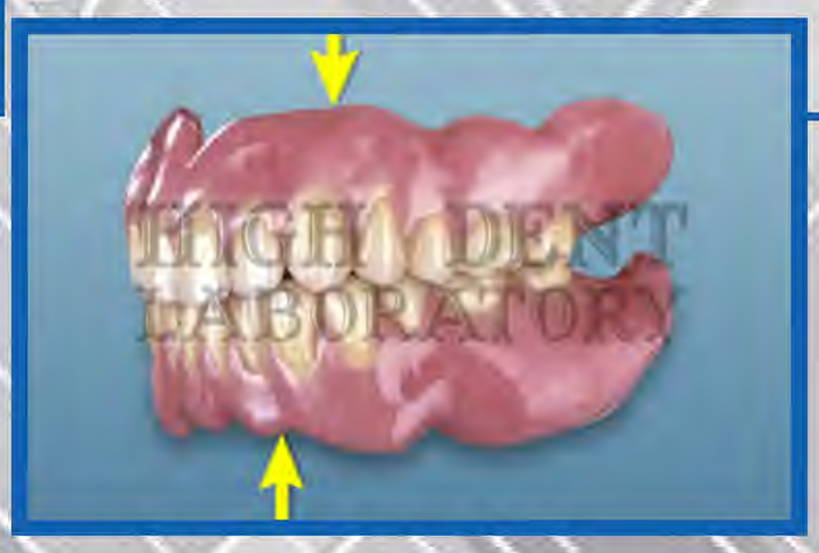

peripheral roll

کانتور پایه پروتز در حاشیه آن.

peripheral seal

تماس محوطه دندان مصنوعی با بافتهای نرم کام برای جلوگیری از عبور هوا.

periphery

۱. یک مرز گرد.
۲. مرز یک دندان مصنوعی به عنوان حد صورت ، زبانی و خلفی آن.

permanent dentition

دندان هایی که از حدود ۵ یا ۷ سالگی تا آخرین سالگی (دندان های عقل) بیرون می زنند ، در اوایل بزرگسالی ظاهر می شوند ، به طور طبیعی بقیه عمر بزرگسالان باقی می مانند.

permanent teeth

دندان هایی که از حدود ۵ یا ۷ سالگی تا آخرین سالگی (دندان های عقل) در می آیند، در اوایل بزرگسالی ظاهر می شوند ، به طور طبیعی تا آخر عمر بزرگسالان باقی می مانند.

perpendicular

در زاویه های قائمه (۹۰ درجه).

PFM

ترمیم پرسلنی که روی فریم متال پخت داده شده است

P

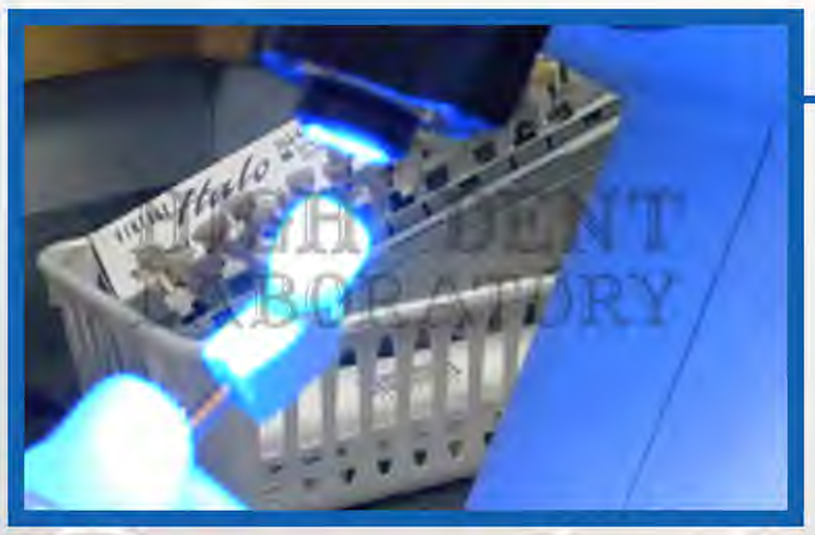

photopolymer

پلیمری است که توسط نور مرئی به عمل می آید.

physiology

بررسی عملکرد و فرآیندهای بدن و قسمتهای آن.

pickling

خارج کردن اکسیدها از یک فلز با قرار دادن آنها در یک اسید گرم شده یا گرم نشده یا ماده اختصاصی دیگر.

P

pier abutment

پایه ای بین پایه ها در یک پل ثابت با سه پایه یا بیشتر.

pigment

ذرات نامحلول ته نشین شده که در هنگام پراکنده شدن در یک محیط مایع ، رنگ آن را تغییر می دهند.

pin

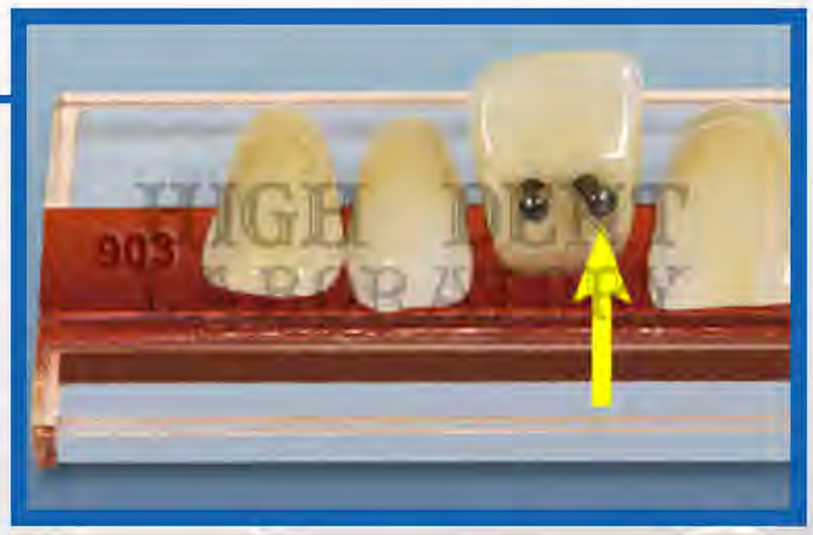

۱. یک قطعه کوچک استوانه ای از فلز که به عنوان بست می باشد استفاده می شود.
۲. قطعه کوچک از مواد آسیاب نشده که ترمیم را به دیسک فرز نگه می‌دارد.
۳. یک اتصال دهنده فلزی کوچک روی دندان مصنوعی که برای لنگر انداختن آن در آکریلیک استفاده می شود.

pit

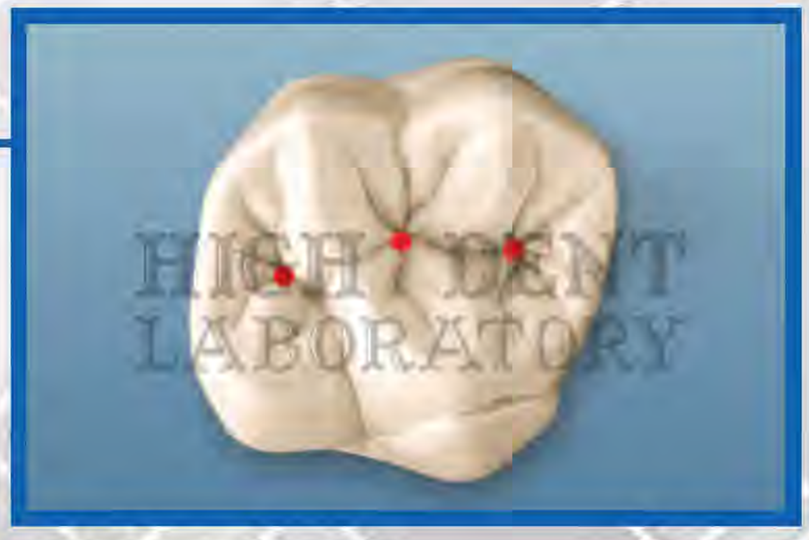

۱. سوراخ در سطح.
۲. یک گودال گود ، عمیق ترین قسمت یک گودال.

plane

یک سطح صاف یا سطح.

plane of occlusion

یک صفحه خمیده خیالی که توسط لبه های برشی دندانهای قدامی و سطوح انسداد دندانهای خلفی تشکیل شده است. این انحنای طبیعی دندانها را دنبال می کند و در زیر انحنای اسپیر ، انحناء بالاتری دارد و در صورت خم شدن بیشتر به سمت خارج ، به دنبال منحنی ویلسون است.

plaque

تجمع باکتری هایی که بر روی دندان ها ایجاد می شوند ، به خصوص در نواحی لثه و اینترپروکسیمال.

P

plaster

یک خمیر نیمه سخت ، سفید و سریع تنظیم شونده از آب و گچ پودر شده (سولفات کلسیم) که در زمان خشک شدن سخت می شود.

plaster of paris

یک خمیر نیمه سخت ، سفید و سریع تنظیم شونده از آب و گچ پودر شده (سولفات کلسیم) که در زمان خشک شدن سخت می شود.

plastic

یک ماده مصنوعی است که از پلیمریزاسیون ترکیبات آلی ساخته شده است که می تواند در حالی که نرم است به شکل آن شکل داده شود و سپس به شکل سفت و سخت یا کمی الاستیک تنظیم شود.

P

platform switching

به منظور جابجایی میکروگپ در بین پایه و قطع فاصله از تماس با استخوان ، از پایه کوچکتر از ایمپلنت استفاده می شود و به طور بالقوه باعث کاهش از دست دادن استخوان ناشی از جمع شدن باکتری ها در میکروگپ می‌شود.

plunger cusp

نیشی که با خط الراس حاشیه ای متقابل بسته شده است و تمایل دارد که غذا را به حفره بیاورد.

PMMA

ترموپلاستیک قوی و شفاف که به عنوان جایگزینی برای شیشه مورد استفاده قرار می گیرد. قابل رنگ آمیزی است و برای بلوک های میلینگ) درترمیم موقت و اوردنچر ایمپلنت می توان از آن استفاده کرد.

point angle

نقطه همگرایی سه یا چند صفحه.

point contact

۱. تماس های پروگزیمال که به اندازه کافی گسترده نیستند ، در یک نقطه بهم می رسند و اجازه می دهند تا مواد غذایی در حفره ها قرار بگیرد.

polish

برای صاف یا براق بودن.

polishing agent

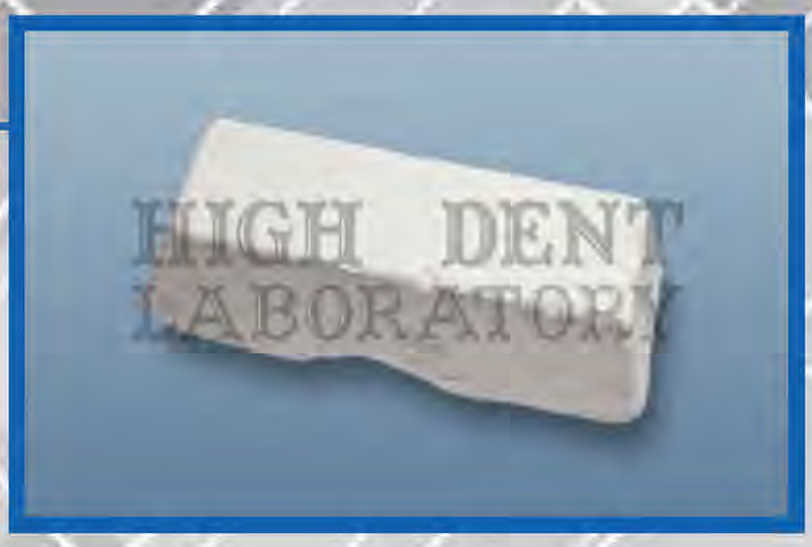

یک ماده ریز ریز برای کمک به تولید سطح براق توسط اصطکاک استفاده می شود.

P

polyether

یک ماده پلیمری الاستیک قالبگیری که به دلیل دقت بالا ، پایداری زیاد ، خیس بودن (جاری شدن در محیط مرطوب) ، استحکام بالا و زمان کار کوتاه شناخته شده است.

polymer

یک ترکیب طبیعی یا مصنوعی متشکل از مولکول های زنجیره ای بزرگ است که از گروه های مولکول های کوچکتر (مونومرها) تشکیل شده است.

polymerization

۱. فرایند پیوند دادن مولکولهای ساده (مونومرها) برای تشکیل یک مولکول پیچیده تر (پلیمر) با خواص متفاوت.
۲. به عمل آوردن آکریلیک یا کامپوزیت های دندانی ، که اغلب در اثر گرما ، نور و فشار انجام می شود.

P

polymerize

ترکیب شیمیایی مولکول ها در زنجیره های بزرگتر. برای به عمل آوردن رزین.

polysulfide

۱. سولفید حاوی دو یا چند اتم گوگرد در هر مولکول.
۲. ماده قالبگیری الاستومری با پایه پلی سولفید و یک فعال کننده گوگرد سرب که لاستیک را در پلیمریزاسیون فرم می دهد. مزایای استفاده از مواد قالبگیری پلی سولفید کم هزینه ، عمر طولانی و استحکام بالا ، انعطاف پذیری و دقت زیاد است. معایب آن پایداری ابعادی (نیاز به تری های اختصاصی)، بو و بد بودن مدت زمان طولانی درست کردن آن است.

polyvinylsiloxane

یک ماده قالبگیری سیلیکونی در دو ویسکوزیته ، یک ماده بدنه سبک که در اطراف مواد آماده سازی دندان و مناطق با جزئیات بالا سرنگ می شود و یک ماده بدنه سنگین برای پر کردن تری قالب‌گیری وجود دارد. به دلیل پایداری خوب و زمان کار بسیار محبوب است.

pontic

۱. داشتن یک شکل نقطه ای.
۲. قسمتی از یک بریج ثابت که بین محل پایه ها معلق است و جایگزین یک دندان از بین رفته را می شود.

pontic section

بخش متحرک یک مدل در منطقه پونتیک.

porcelain

یک ماده سرامیکی نیمه شفاف که برای ترمیم دندان استفاده می شود.

porcelain butt margin

پرسلن گذاری برای ناحیه روی پله مارجین . . اغلب برای جلوگیری از حاشیه فلز قابل رویت ، روی تاج PFM استفاده می شود.

porcelain furnace

کوره ای که برای پخت پرسلن استفاده می شود.

porcelain fused to metal restoration

ترمیم متشکل از یک پوسته سرامیکی است که توسط یک زیرسازی فلزی تقویت شده است.

porcelain jacket crown

تاجی که کاملاً از یک ماده سرامیکی ساخته شده است.

porcelain laminate veneer

یک رستوریشن سرامیکی نازک باند شونده که سطح فاسیال و قسمتی از سطح پروگزیمال دندان‌هایی را که نیاز به رستوریشن زیبایی دارند بازسازی می‌کند.

porcelain separator

یک ماده که برای جلوگیری از چسبیدن پرسلن در پخت داده نشده به دای، از ان استفاده کرد.

porcelain wax technique

کاربرد مخلوطی از پرسلن بادی و موم (با نسبت وزنی تقریبا ۱:۶) روی دای برای دستیابی به حداکثر تطایق پرسلن در مارژین لبیال رستوریشن متال- سرامیک

porosity

حفره ها یا منافذ درون یک ماده.

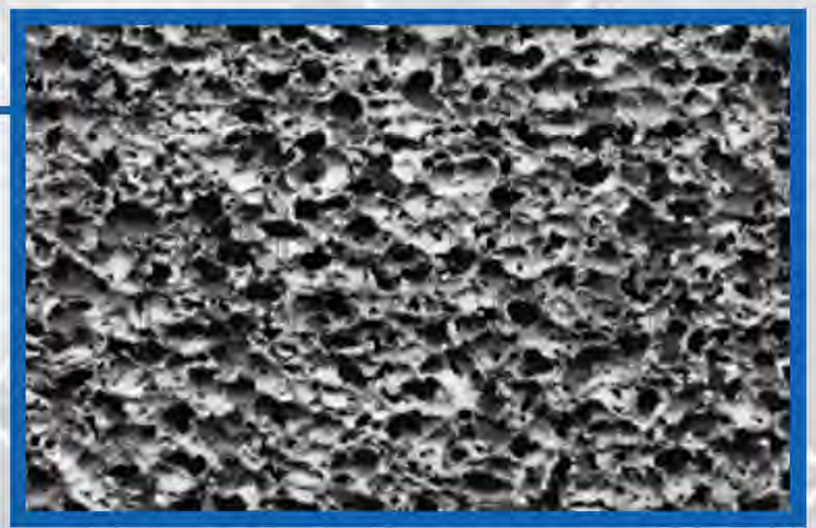

post and core crown

روکش ثابت که دندان خلفی را پوشش می دهد.

post ceramic solder

۱. لحیم کردن برای اتصال رستوریشن‌های متال-سرامیک پس از شکل دهی نهایی و گلیزپوشش سرامیکی؛ همچنین برای اتصال طلای ریختگی نوع III و IV به واحد های متال-سرامیک نیز به کار می‌رود.
۲. آلیاژی که برای لحیم کاری بعد از سرامیک‌گذاری فرمول بندی شده است.

post crown

ترمیمی که در آن تاج و پست به عنوان یک واحد ریخته گری می شود.

P

post dam

یک خط الراس در قسمت بافت در امتداد مرز خلفی پروتز فوقانی که برای ایجاد یک آب بندی محکم هوا با کام نرم برای ایجاد پروتز در محل استفاده می شود.

post dam line

مرز خلفی پروتز فوقانی. خطی که آب بندی خلفی را تشکیل می دهد.

posterior

۱. مربوط به پشت.
۲. پشت دهان.

P

posterior bridge

ترمیم ثابت که دو یا چند دندان خلفی را به هم وصل می کند.

posterior crown

دندانهای پشت دهان. دندان دو پایه و آسیابهای هر فک.

posterior teeth

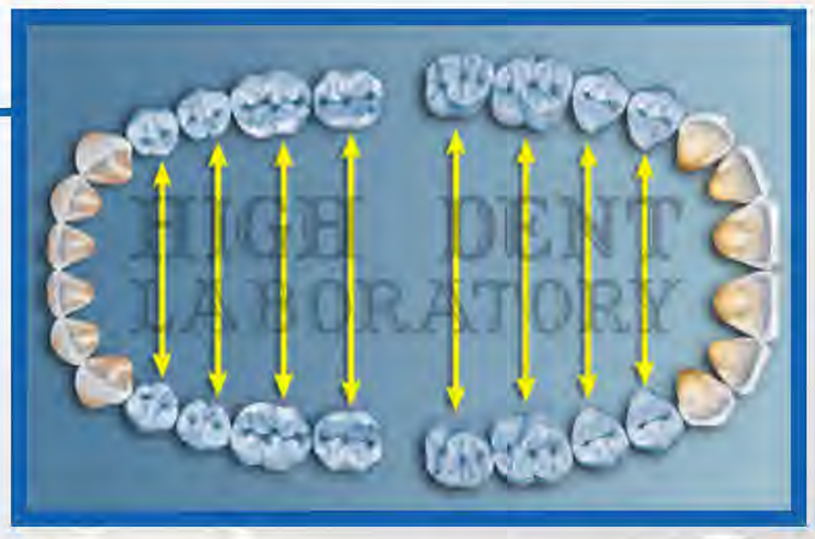

دندانهای پشت دهان. دندان های پرمولر و مولر هر فک

posterior tooth

یکی از ۱۰ دندان به سمت پشت دهان یا در فک و صورت است. دندانی که دارای سطح اکلوزال است. bicuspid / premolar یا molar.

post-palatal seal

یک خط الراس در قسمت بافت در امتداد مرز خلفی پروتز فوقانی که برای ایجاد یک مهر و موم محکم هوا با کام نرم برای ایجاد پروتز در محل استفاده می شود.

pre ceramic solder

۱. یک روش لحیم کاری که اجزای فریم ورک یک پروتز متال-سرامیک را قبل از کاربرد پوشش سرامیک به هم متصل می‌کند.
۲. آلیاژی که برای لحیم کاری قبل از سرامیک‌گذاری فرمول‌بندی شده است.

precious

۱. فلزی با ارزش بالا.
۲. فلزی نجیب ، متشکل از طلا ، نقره و عناصر گروه پلاتین (پلاتین، پالادیوم، اسمیوم، ایریدیوم، روتنیم و ردیوم).

P

precious metal

فلزی که عناصر اصلی تشکیل دهنده آن گروه پلاتین، طلا و نقره‌اند

precious metal alloy

آلیاژی که غالباً تشکیل شده است از عناصر فلزی با ارزش مثل طلا، شش فلز عضو گروه پلاتین (پلاتین، اسمیوم، ایریدیوم، پالادیوم، روتنیوم و رادیوم) و همچنین نقره.

precision attachment

وسیله ای مکانیکی که برای اتصال ترمیم های ثابت و / یا متحرک ، متشکل از اجزای نر و ماده نزدیک ، استفاده می شود. گرچه طرح ها تا حد زیادی متفاوت هستند ، اما ماتریس معمولاً از فلز ساخته شده و در ابوتمنت دندان ادغام شده است. مؤلفه نر یا پاتریکس معمولاً در پروتزهای متحرک با پونیک یکپارچه می گردد.

P

prefabricated cylinder

پایه ایمپلنت مومی یا پلاستیکی از پیش ساخته که می تواند برای ساپورت ترمیم آینده تنظیم شود ، سپس در فلز، ریخته گری می شود.

preliminary cast

مدلی از دهان بیمار که وضعیت دندان ها را قبل از درمان نشان می دهد.

preliminary model

مدلی از دهان بیمار که وضعیت دندان ها را قبل از درمان نشان می دهد.

premolar

یکی از دندانهای خلفی در هر فک که در جلوی آسیابها و پشت دندان کانین قرار دارد. دندان چهارم یا پنجم از خط میانی.

preoperative model

مدلی از دهان بیمار که وضعیت دندان قبل از شروع درمان را نشان می‌دهد.

preparation

۱. عمل آماده سازی دندان برای ترمیم.
۲. بخشی از دندان که برای ترمیم آماده شده است.

preparation scan

اسکن CAD / CAM از دندانهای آماده ، با یا بدون دندانهای مجاور و بافتهای اطراف.

P

prepared tooth

دندانی که برای پذیرش ترمیم اصلاح شده است.

prescription

پیام کتبی از دندانپزشک که به طور خاص به آزمایشگاه می گوید چه روش هایی را باید انجام دهد.

pre-sintered zirconia

زیرکونیا که پخت داده شده است تا به حالت جامد در آید ، اما کاملاً سنتز نشده است. زیرکونیا غالباً در حالت از پیش ساخته شده میلینگ می شود، سپس برای رسیدن به قدرت نهایی خود ، سنگ زنی می شود.

P

press furnace

کوره ای برای پرس کردن ترمیم های سرامیکی قابل پرس.

pressed ceramic

ماده سرامیکی است که با استفاده از روش موم از دست رفته با پرس کردن به قالب در دمای بالا تشکیل می شود.

pressure relief

تغییر دادن سطوح دنچر به منظور کاستن از نیروهای وارده به بافت‌های زیرین

preview scan

اسکن CAD / CAM با وضوح پایین برای ارزیابی قبل از اسکن نهایی استفاده می شود.

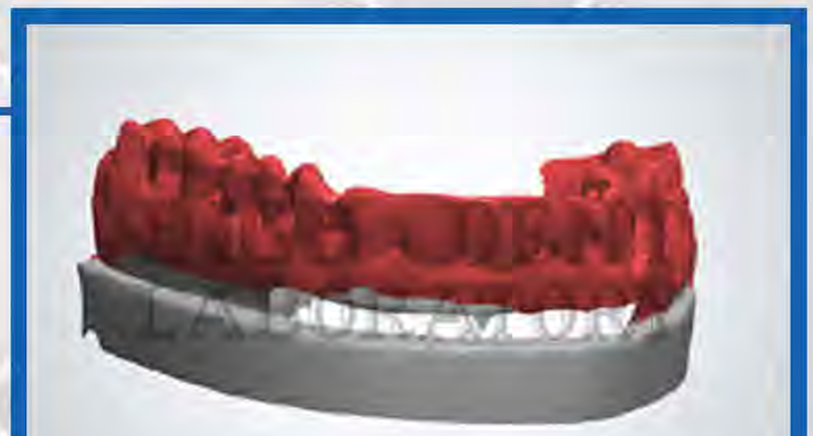

primary anatomy

ویژگی های اصلی جسمی دندان. روی دندان خلفی ، همه ویژگیها به جز شیارهای ثانویه و کمکی است.

primary color

یک رنگ اساسی از سیستم رنگ Munsell. قرمز، آبی یا زرد. رنگهایی که رنگ‌های دیگران از آن ها گرفته شده اند.

primary dentition

۲۰ دندان اول که در می آیند و به طور معمول دندان های دائمی جایگزین آنها می شوند.

P

primary groove

شیاری که دندان خلفی را به دو قسمت مجزا تقسیم می کند. یک شیار اولیه از سطح اکلوزال شکسته می شود.

primary model

یک مدل اولیه.

primary plane

۱. بر روی دندان قدامی ، صفحه صاف در داخل لوبهای مزیال و دیستال که همتراز با محور طولانی است.
۲. روی دندان خلفی ، صفحه های مسطح که سطوح اصلی اککلوزال، باکال و زبانی را تشکیل می دهند. این صفحه ها در دندانهای اولیه Ness نشان داده شده اند.

P

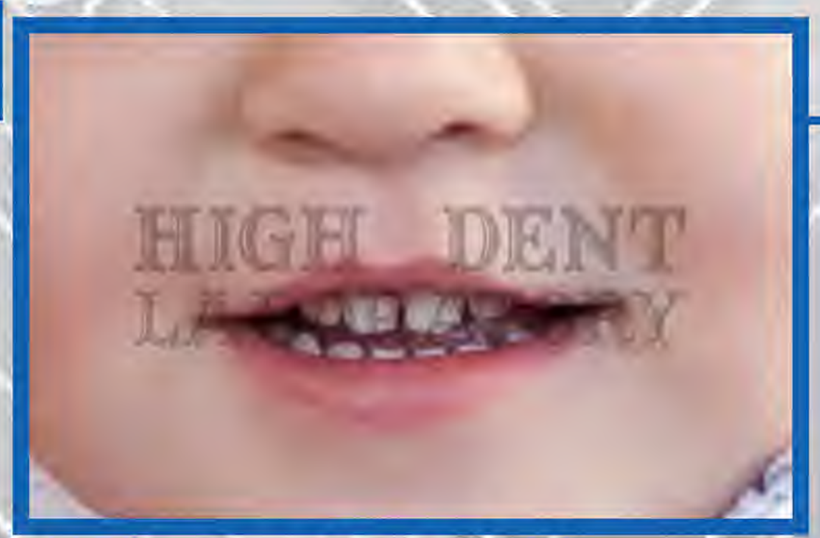

primary teeth

۲۰ دندان اول که در می آیند و به طور معمول دندان های دائمی جایگزین آنها می شوند.

printing

فرآیند ساخت دیجیتال ، جایی که مواد توسط دستگاه با افزایشهای بسیار دقیق اضافه می شوند تا زمانی که شکل جسم کامل شود. مواد چاپی سه بعدی معمولی شامل موم ، رزین و فلزات جوش داده شده با لیزر هستند.

process

۱. یک سری مراحل که از آنها نتیجه ای حاصل می شود.
۲. روشی که در ساخت یک شی انجام می شود ، مانند تبدیل الگوی موم به ترمیم فلز یا پرسلن نهایی.
۳. برای پوشش و بستن یک پروتز.
-۴ یک تصویر طبیعی یا برآمدگی روی استخوان.

processing

۱. عمل جایگزینی الگوی موم با ماده سخت نهایی.
۲. عمل ریختن و بستن یک پروتز دندان.

profile

۱. نمای جانبی یک شی.
۲. مقطع عمودی یا طرح کلی.

prognathic

یک موقعیت رو به جلو از فک پایین ، نسبت به فک بالا است.

proprioception

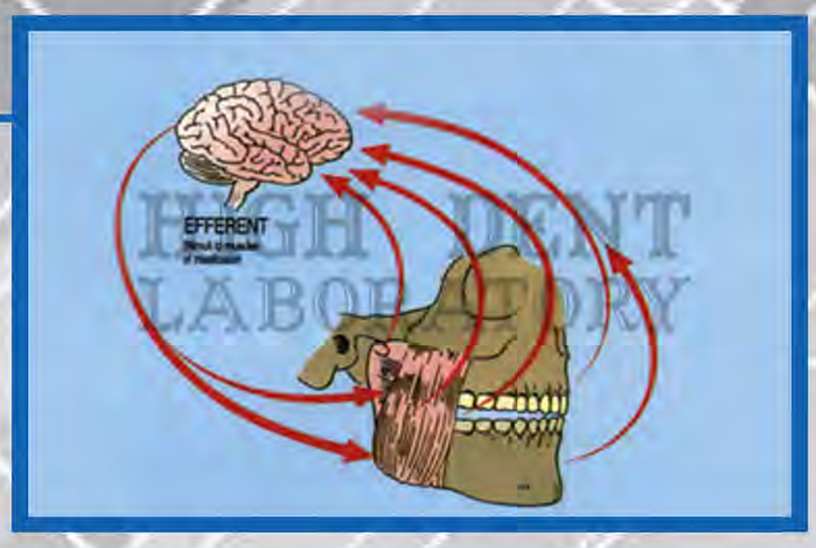

تحریک اعصاب حسی که به مغز اطلاعاتی درباره حرکت و موقعیت بدن می دهد.

P

prosthesis

۱. وسیله ای مصنوعی که به بدن اضافه می شود.
۲. وسیله ای ساخته شده که عملکرد و ظاهر دندانهای طبیعی را بازیابی می کند.

prosthetic

۱. وسیله ای مصنوعی که به بدن اضافه می شود.
۲. وسیله ای ساخته شده که عملکرد و ظاهر دندانهای طبیعی را بازیابی می کند.
۳. مربوط به پروتز.

prosthetic dentist

دندانپزشکی که دندانهای از دست رفته و ساختارهای مرتبط را ترمیم می‌کند.

P

prosthetic dentistry

شاخه ای از دندانپزشکی که به ترمیم دندانهای از دست رفته و ساختارهای مربوطه می پردازد.

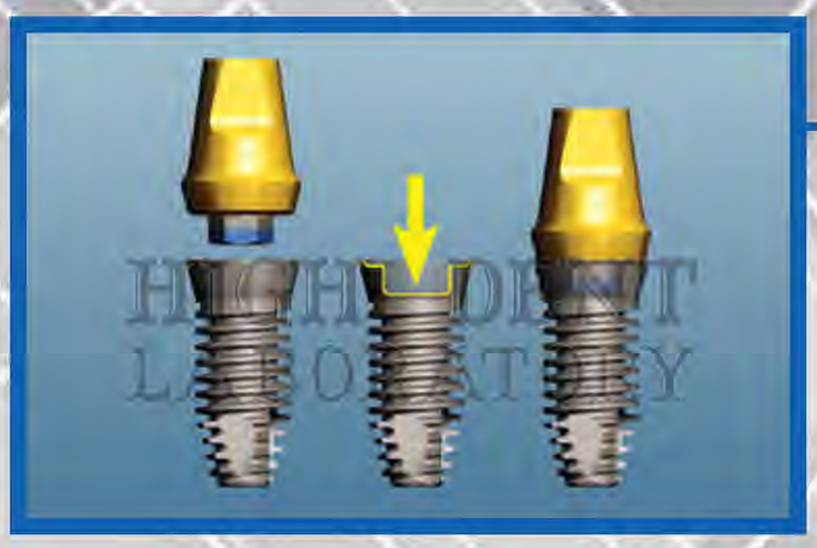

prosthetic platform

بخشی از ایمپلنت که پروتز بر روی آن تکیه دارد.

prosthetic screw

پیچ پیچیده ای که برای اتصال پروتز به ایمپلنت دندان استفاده می شود.

prosthetics

۱. وسایل مصنوعی که به بدن اضافه می شوند.
۲. شاخه دندانپزشکی که به ترمیم دندانهای از دست رفته و ساختارهای مرتبط می پردازد.

prosthodontics

شاخه دندانپزشکی که به ترمیم دندانهای از دست رفته و ساختارهای مربوطه می پردازد.

prosthodontist

یک متخصص با مدرک پیشرفته پروتز دندان.

protrude

فشار دادن به جلو برای گسترش در خارج از یک نقطه معمول.

P

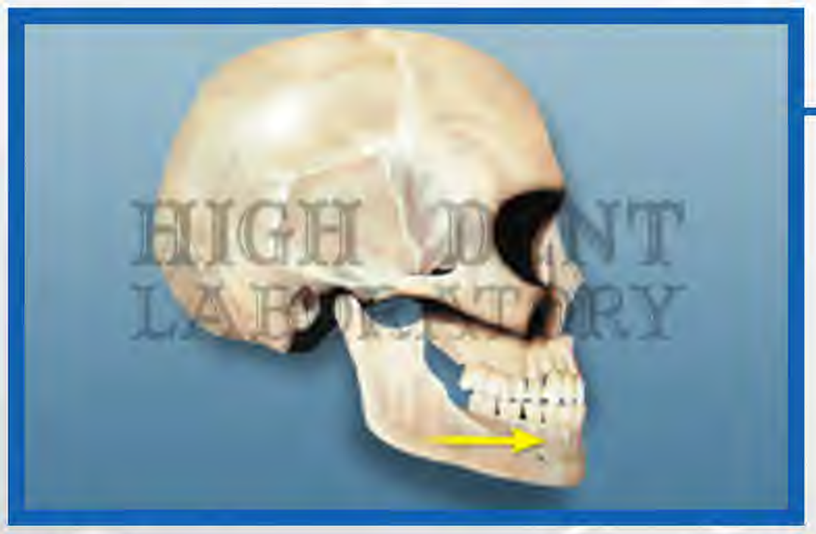

protrusion

۱. حرکت رو به جلو از فک پایین. یک حرکت پیشرو
۲. موقعیت رو به جلو از فک پایین. یک موقعیت برجسته

protrusive

بیرون زده

protrusive movement

حرکت رو به جلوی فک پایین.

P

protrusive position

موقعیتی از فک پایین که جلوتر از رابطه محوری است.

proximal

اشاره به نزدیک بودن یا نزدیکی دو جسم یا سطح دارد.

proximal contact

ناحیه یک دندان که یک دندان دیگر روی سطح پروگزیمال را لمس می کند.

proximal surface

سطح دندانی که روبروی یک دندان مجاور است. سطح مزیال یا دیستال یک دندان در موقعیت معمولی.

puck

بلوک استوانه ای از مواد که می تواند در دستگاه فرز اطمینان حاصل شود و از آن می توان ترمیم دندان را تراش داد.

P

pulp

بافت نرم و فیبری در هسته مرکزی دندان ، متشکل از عصب و رگ های خونی.

pulp canal

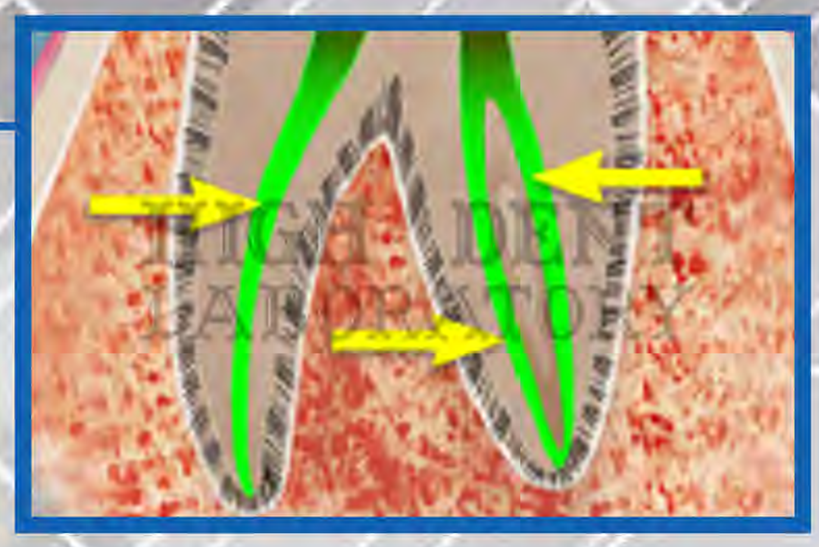

بخشی از حفره پالپ که درون ریشه قرار دارد.

pulp cavity

ناحیه توخالی مرکزی دندان که حاوی پالپ است. کل فضای اشغال شده با پالپ.

pulp chamber

بخشی از حفره پالپ واقع در تاج دندان است

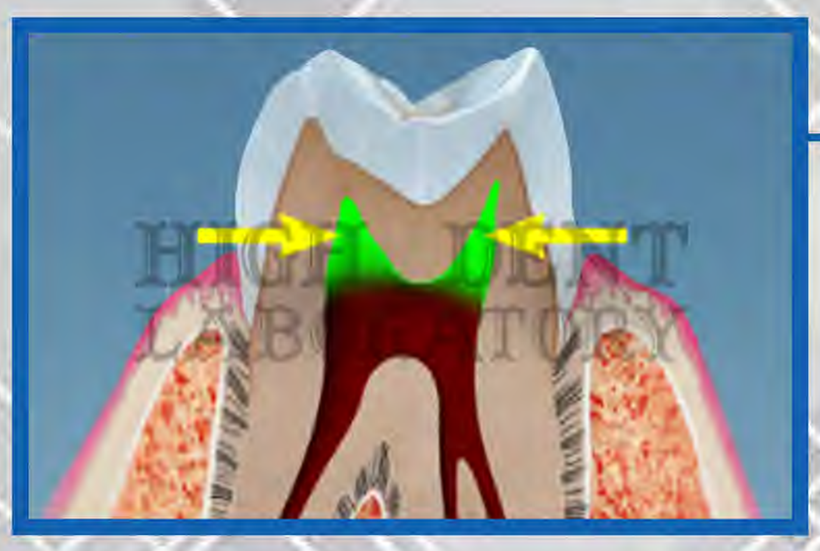

pulp horn

گسترش اتاقک پالپ به طور مستقیم زیر شکاف یا یک لوب رشدی.

P

pumice

شیشه آتشفشانی که برای صیقل دادن به پروتزها استفاده می شود.

quadrant

یکی از چهار بخش فک های دندانی ، تقسیم شده در خط میانی. چهار ربع (به ترتیبی که در آن در نمودار رفته اند) بالا راست ، بالا چپ ، چپ پایین و راست پایین است.

quadrant impression

قالبگیری که از یک ربع دهان گرفته شده است. به راحتی از آن برای توصیف هرگونه قالبگیری که فک کامل را شامل نشود، استفاده می شود.

quadrant model

مدلی که نمایانگر یک ربع دهان است. آزادانه برای توصیف هر مدلی که فک کامل را شامل نشود ، استفاده می شود.

quality

۱. شخصیت طبیعی یک شی.
۲. یک ویژگی یا ویژگی خاص.
۳. درجه تعالی در مقایسه با یک استاندارد.

quality control

۱. سیستمی برای اطمینان از حفظ استانداردها.
۲. تأیید استانداردها از طریق بازرسی.

Q

quality restoration

ترمیمی که مطابق با استاندارد مورد توافق باشد ، عملکرد و ظاهر دندانهای طبیعی را بازیابی می کند.

Q

radiograph

تصویری که با استفاده از تابش غیر از نور مرئی به جای نور مرئی ، روی سطح حساس تولید می شود. تصویر اشعه ایکس یا اشعه گاما.

radiopaque

۱. مهار عبور انرژی تابشی.
۲. اشیائی که در رادیوگرافی قابل مشاهده هستند.

radius

۱. فاصله از مرکز یک دایره یا کره تا محیط آن یا سطح بیرونی آن. نصف قطر آن است.
۲. فاصله از محور یک ابزار چرخشی تا سطح آن.

rag wheel

چرخ پولیشی که از دیسک های پارچه ای یا چیت ساخته شده است یا به هم بسته یا دوخته شده ند.

ramus

قسمت خلفی بالا رونده فک پایین.

R

ramus endosteal implant

یک ایمپلنت تیغه ای شکل که در قسمت جلویی راموس تعبیه شده است.

ramus frame implant

ایمپلنت متصل به رامی و قسمت جلویی فک پایین با یک میله اتصال supragingival برای پشتیبانی از اوردنچر پایین. هنگامی که فک پایین برای ساپورت نازک باشد ایمپلنت اندوست یا زیر فشار استفاده می شود. همچنین برای تقویت فک پایین ضعیف در سمفیز فک پایین مورد استفاده قرار می گیرد.

rebase

تعویض کل پایه پروتز.

reciprocal arm

بازوی سفت و محکم از یک قلاب که دستگاه را تثبیت کرده و با هرگونه فشار وارد شده توسط بازوی محکم مخالف باشد.

reciprocal clasp

بازوی سفت و محکم از یک قلاب که دستگاه را تثبیت کرده و با هرگونه فشار وارد شده توسط بازوی محکم مخالف باشد.

record base

۱. قسمت تقویت شده از یک دندان مصنوعی که به شکل خط الراس مانده بیمار ساخته شده است و برای ساپورت از دندان های مصنوعی استفاده می شود.
-۲ یک پایه ترکیبی از موم و پایه دندان مصنوعی برای ثبت نیش و ثبت خط لب و پر بودن برای ترتیب نهایی دندانهای مصنوعی استفاده می شود.

record rim

دستگاه مومی که توسط پزشک برای ثبت رابطه فکهای بیمار استفاده می شود.

reducing flame

۱. شعله گازی با سوخت اکسیژن با مقدار کمی گاز سوختی.
۲. قسمت آبی یا مخروط داخلی شعله تولید شده توسط خط لوله یا مشعل Bunsen؛ بخش نا متاسب برای اکسیداسیون فلز.

reflectance

مقدار نور منعکس شده توسط یک سطح متناسب با مقدار نوری که توسط سطح جذب می شود.

reflection

۱. عمل بازتاب.
۲. چیزی که منعکس شود.

refraction

روند چرخش یا خمش پرتوی نور هنگام عبور از زاویه ای از یک محیط به محیط دیگر با چگالی متفاوت.

refractory cast

کستی که از مواد مقاوم به دمای بالا بدون تخریب شدن ساخته شده است. همچنین investment cast هم گفته می‌شود.

refractory die

ماده‌ی ساخت دای که قادر به مقاومت در برابر درجه حرارت بالا حین مراحل پخت و ریختگی می‌باشد. دای یک قسمت از مولد است. رستوریشن مستقیما روی دای مقاوم ریخته و پخته می‌شود.

refractory investment

ماده ای که برای پیوستن یا احاطه کردن یک الگوی یا ترمیم دندان برای ریخته گری ، پرس یا لحیم کاری استفاده می شود.

refractory model

مدل ساخته شده از ماده ای که قادر به مقاومت در برابر درجه حرارت بالا است ، در درجه اول برای ساخت پرسلن استفاده می شود.

R

relief

کاهش یا حذف فشار یا نیروی نامطلوب زیر بیس دنچر در ناحیه‌ای خاص، ایجاد فضا در تری قالب‌گیری برای ماده قالب‌گیری

reline

جایگزینی سطح بافت یک دندان مصنوعی متحرک برای بهبود فیت شدن آن.

remount

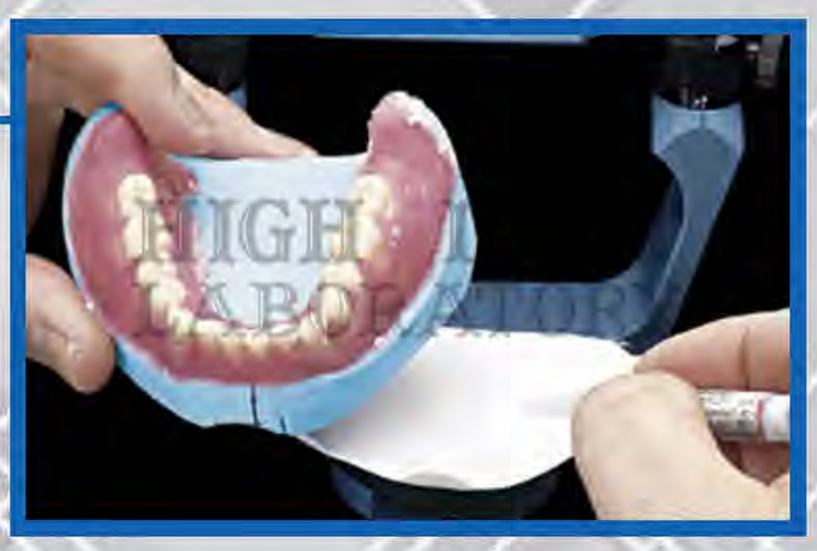

تعویض مدل های موجود در آرتیکولاتور بویژه در دندان مصنوعی به منظور ایجاد تنظیمات نهایی.

removable denture

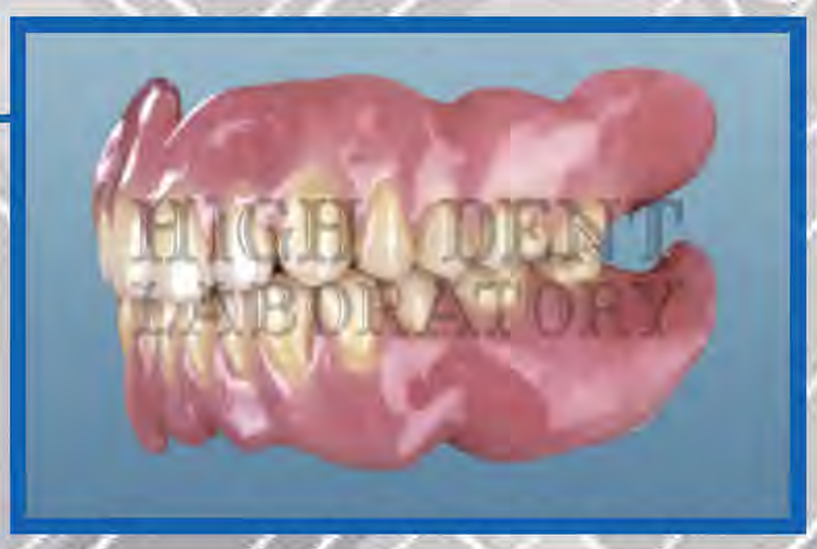

وسیله ای ساخته شده که جایگزین گروهی از دندانهای طبیعی و بافت‌های اطراف می شود و ممکن است توسط بیمار برداشته شود.

removable department

آن بخش آزمایشگاه دندانپزشکی است که ترمیم های متحرک مانند دندان مصنوعی را می سازد.

R

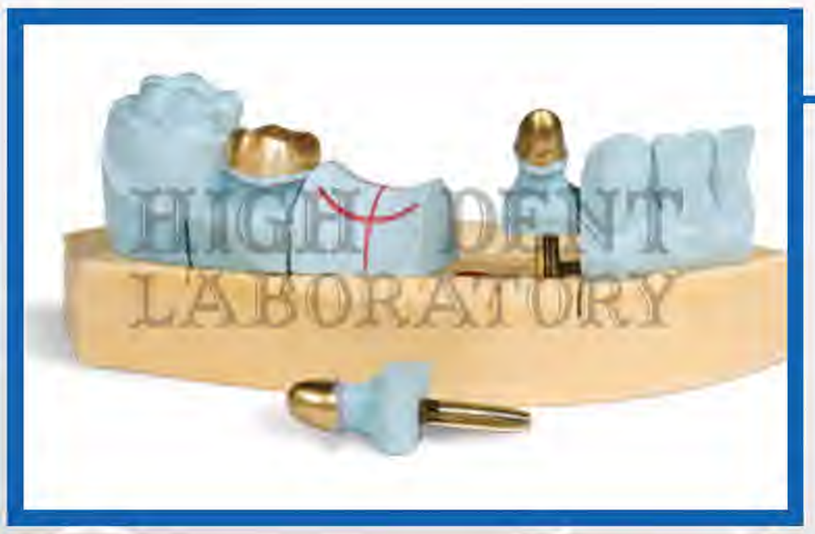

removable die system

یک سیستم کست نهایی سگمنت شده که اجازه برداشتن و گذاشتن دقیق دای‌های دندان‌های آماده شده را می‌دهد.

removable partial denture

ترمیم متحرک که جایگزین برخی از دندان های یک فک می شود.

removable prosthesis

وسیله ای ساخته شده که جایگزین یک یا چند دندان است و ممکن است توسط بیمار برداشته شود.

removable restoration

وسیله ای ساخته شده که جایگزین یک یا چند دندان است و ممکن است توسط بیمار برداشته شود.

R

replica

۱. دوباره تولید کردن یا مشابه‌سازی از نمونه اصلی
۲. یک کپی یا دوپلیکیت مثلا دوپلیکیت سطح یکی از اجزای ایمپلنت که برای ساخت رستوریشن به کار می‌رود.

residual dentition

دندان های باقی مانده در دهان ، بعد از برداشتن برخی از دندان‌ها.

residual ridge

قسمت بالا آمده از روند آلوئولار بعد از از بین رفتن دندان ها.

resin

۱. ماده آلی جامد یا نیمه جامد که در لاک‌ها، چسب ها و پلاستیک‌ها استفاده می شود.
۲. ماده مصنوعی است که با پلیمریزاسیون بعمل می آید.

resin bonded prosthesis

یک پروتز دندانی ثابت که به ساختمان دندان، به طور عمده مینا، که توسط اسید جهت گیر مکانیکی آماده شده است، با سمان رزینی اتصال می‌یابد. طرح‌های اولیه شامل صفحات لینگوالی سوراخ شده بود (Rochette Bridge) که رزین از سوراخ‌ها رد شده و یک قفل مکانیکی ایجاد می‌شد؛ بعدها استفاده از اسیداچ جهت صفحات فلزی (بریج مریلند) نیاز به سوراخ کردن را برطرف کرد

resin crown

یک رستوریشن رزینی که تاج کلینیکی را بدون زیرساخت فلزی بازسازی می‌کند.

R

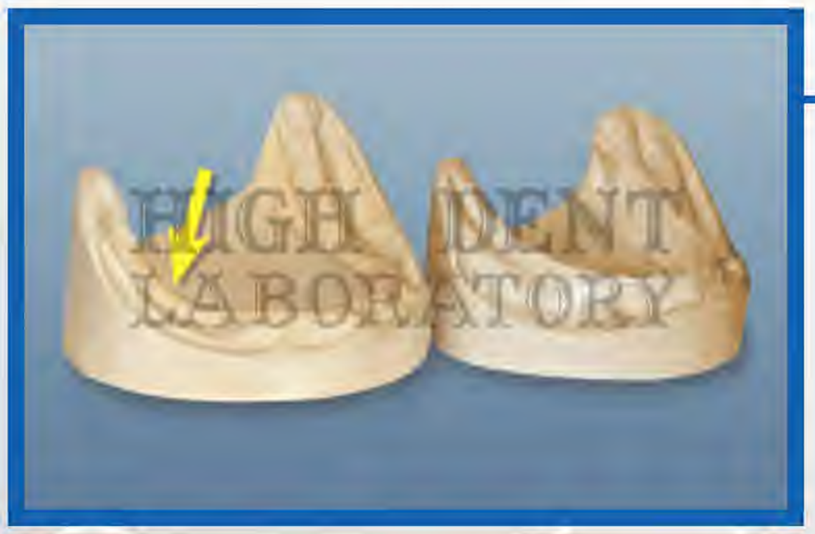

resorb

برای حل کردن چیزی و شبیه سازی آن مانند بافت استخوان، برای تحمل جذب.

resorption

فرآیند جذب مجدد بافتهای سخت یا نرم توسط بدن.

responsibility

۱. اشیاء یا موقعیت هایی که شخص کنترل آنها را حفظ می کند.
۲. در قبال یک عمل یا شرایط پاسخگو باشید.
۳. تمایل و توانایی در قبال مسئولیت پذیری کامل برای یک عمل یا شرایط.

R

restoration

دستگاهی ساخته شده که عملکرد و ظاهر دندانهای طبیعی را بازیابی می‌کند.

restorative dentist

دندانپزشکی که دندانهای از دست رفته و ساختارهای مرتبط را ترمیم می‌کند.

retainer

۱. وسیله ای است که به حفظ یک پروتز جزئی در دهان کمک می کند.
۲. وسیله ای اکریلیک یا الاستیک برای نگه داشتن دندان ها در موقعیت فعلی خود استفاده می شود. به طور معمول در پایان درمان ارتودنسی برای تثبیت دندان در موقعیت جدید تا زمانی که روند آلوئولار تثبیت شود استفاده می شود.

retentive arm

بخشی از قلاب که با درگیر کردن آندرکات ثبات را فراهم می‌آورد.

retentive clasp

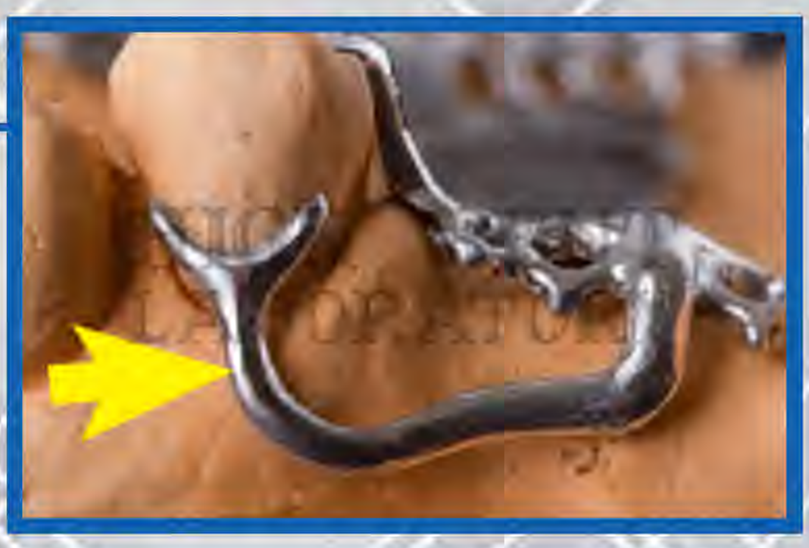

بخشی از قلاب که با درگیر کردن برشهای زیرین نگه داشتن را فراهم می‌آورد.

retraction cord

یک رشته ، غالباً با ماده ای برای انقباض بافت های نرم اشباع شده است ، که در اطراف یک تراش قرار می گیرد تا مجبور شود لثه را به عقب بکشاند و در حین قالبگیری ، مارجین را بیرون بکشد.

retrognathic

وضعیتی که در آن فک پایین نسبت به فک بالا و سایر ساختارهای صورت در موقعیت عقب تر از حالت طبیعی خود قرار دارد.

R

retromolar

پشت آسیاب‌ها.

retromolar pad

ارتفاع گلابی شکل مخاطی که در قسمت پشتی آسیاب سوم تحتانی واقع شده است و بر بافتهای همبند عضله تمپورالیس همپوشانی دارد.

retromolar papilla

بافت کوچک و بزرگ شده در انتهای قدامی رترومولار پد.

retromolar space

فضای پشت آسیابها.

retromylohyoid space

فضای پشت و زیر خط الراس mylohyoid. به طور خاص ، بخشی از سولکوس آلوئولیزولال دیستال به غده زبانی (انتهای خط الراس دیستال mylohyoid).

retrude

۱. به عقب هل دادن.
۲. حرکت دادن فک پایین به عقب.

retrusion

۱. حرکت عقب فک پایین. یک حرکت جبرانی
۲. موقعیت عقب فک پایین. یک موقعیت جبرانی

retrusive

حرکت به عقب

retrusive movement

حرکت فک پایین به سمت عقب.

retrusive position

موقعیتی از فک پایین که نسبت به محور عقب تر است.

R

reverse back-action clasp

قلاب محیطی که از بخش لینگوالی سرچشمه می گیرد و حاوی یک تکیه‌گاه اکلوزال است که دارای یک بازوی نگهدارنده باکال است.

reversible hydrocolloid

یک ماده قالبگیری هیدروکلوئید است که می تواند دوباره با ذوب مجدد مورد استفاده قرار گیرد ، که معمولاً برای تجدید مدل ها از آن استفاده می شود.

rhombus

چهار ضلعی متساوی الاضلاع (هر ۴ طرف دارای طول مساوی).

Richmond crown

تاج پست که با روکش چینی ساخته شده است و دارای روکش طلا است.

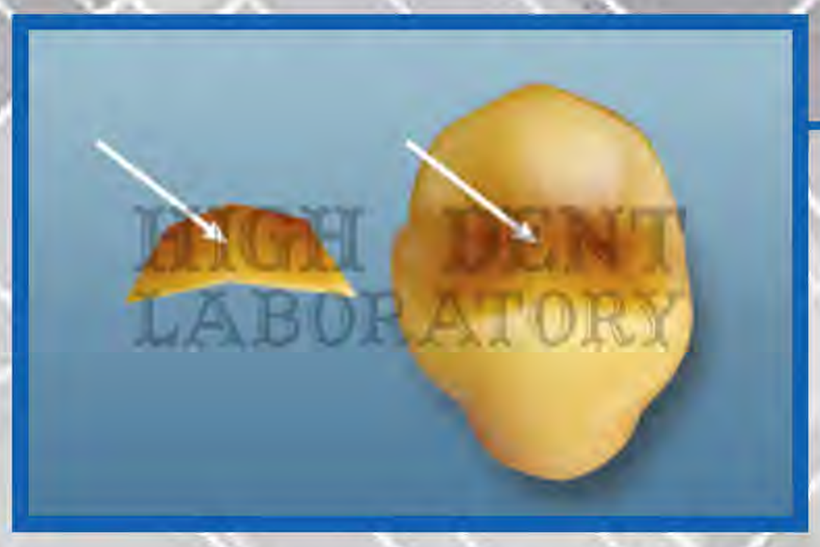

ridge

بلندی بلند و باریک.

ridge crest

بالاترین سطح یک ریج که لزوماً در مرکز ریج قرار ندارد.

ridge lap

۱. میزان تماس بین ترمیم و خط الراس آلوئولار.
۲. مسافت فرا رفتن ترمیم فراتر از تاج الراس است.

ridge lap area

آن قسمت از دندان مصنوعی که به لبه باقیمانده نزدیک یا به آن تکیه دارد.

rigid connector

ارتباط محکم بین اجزای یک پروتز پارسیل.

rim former

بشقاب فلزی دستی که گرم می شود و برای ذوب کردن لبه موم به طور یکنواخت به طول دلخواه استفاده می شود.

R

ring clasp

قلاب محیطی ، گاهی اوقات شامل دو تکیه گاه اکلوزال است که تقریباً کل دندان را محاصره می کند.

ring less investment technique

یک تکنیک اینوستمنت گذاری که از رینگ های سیلندری و متحرک کاغذی یا پلاستکی در آن استفاده می‌شود و اجازه انبساط بدون محدودیت ماده اینوستمنت را در مقایسه با رینگ استیل فراهم می‌آورد.

roach clasp

بستی که از آندرکات به زیر خط سوروی نزدیک می شود. اغلب به معنای قلاب T-bar است.

root

۱. قسمت مدفون یک شی.
۲. بخشی از یک دندان زیر لثه.

root bifurcation

۱. جایی که ریشه دندان به دو شاخه تقسیم می شود.
۲. گاهی اوقات برای توصیف گودی در لثه سوم یک آسیاب که در آن سازندهای ریشه مزیال و دیستال، قبل ازدو تا شدن شروع به واگرا شدن می کنند.

root canal

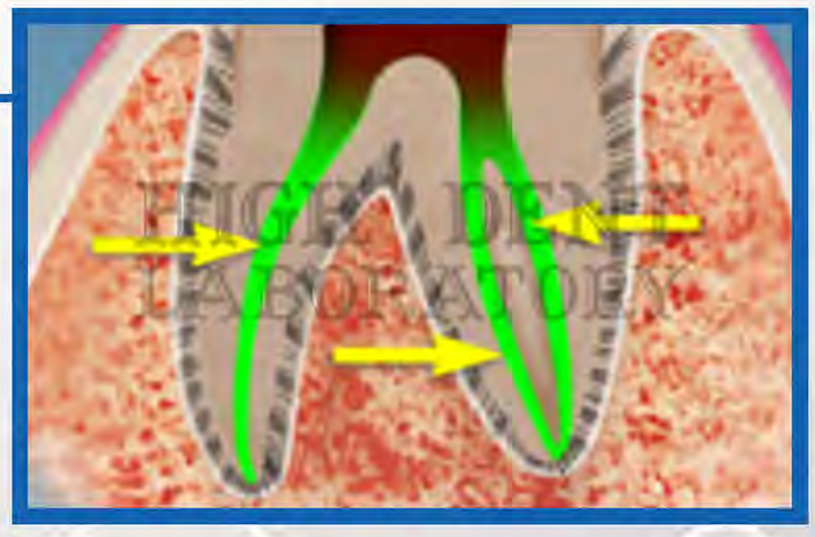

بخشی از حفره پالپ که درون ریشه قرار دارد.

root eminence

برآمدگی در فرآیند آلوئولار که در آن ریشه دندان را پوشانده است.

root form implant

ایمپلنت اندوستالی به طور کلی مانند ریشه دندان شکل می گیرد.

rope wax

یک موم نرم و نیمه چسبنده به شکل طناب گرد یا مربعی تهیه می شود، که برای انسداد یا بستن مناسب است.

rotation

چرخاندن یک شیء حول محور آن.

rotational axis

یک خط مستقیم در حال عبور از یک جسم است ، که حول آن جسم می‌چرخد یا می تواند چرخش کند.

rouge

یک ماده ترکیبی متشکل از اکسید آهن و سایر ترکیبات اتصال دهنده که برای درخشان کردن سطوح پالیش شده، شیشه، فلز و جواهرات بکار می‌رود.

rough contouring

برای فرم آناتومی اولیه ترمیم.

R

rough waxing

استفاده سریع از موم بر روی قالب به طور منظم و فرم تقریبا نهایی. اولین قدم در موم کاری آناتومیک.

rounded shoulder preparation

تراش شولدر با شعاع گرد داخلی.

rubber bowl

کاسهء ساخته شده از لاستیک نرم یا پلاستیک که برای مخلوط کردن گچ، سنگ یا مواد ترمیم استفاده می شود.

rubber dam

یک ورق لاستیکی نازک که برای جدا کردن محل کار دندانپزشک از بزاق بر روی دندان ها کشیده شده است.

ruga

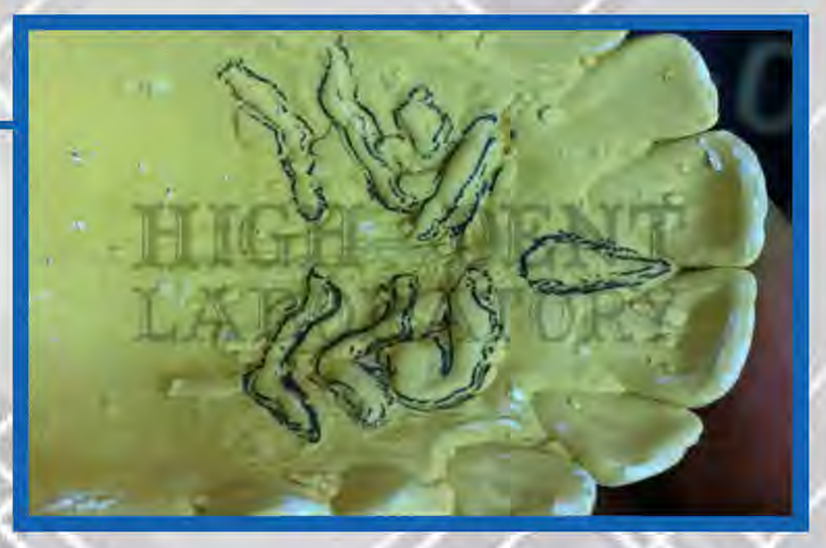

یک چین و چروک آناتومیک؛ یک بافت همبند فیبروزی که در یک سوم قدامی کام سخت دهان قرار گرفته است.

rugae

جمع واژه راگا. پشته های نامنظم غشای مخاطی که قسمت قدامی کام سخت را پوشانده است.

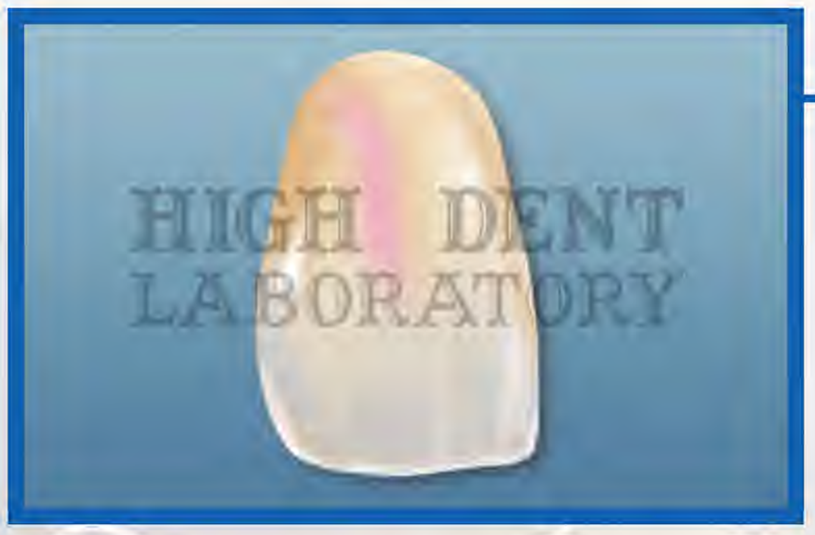

S curve

یک منحنی خمیده بر روی سطح لبیالی دندان های سنترال و لترال به شکل یک "S" باز. منحنی در ناحیه disto-gingival شروع می شود و به درون لوب مرکزی می آید و باعث ایجاد زیبایی بصری دندان در بافت می شود.

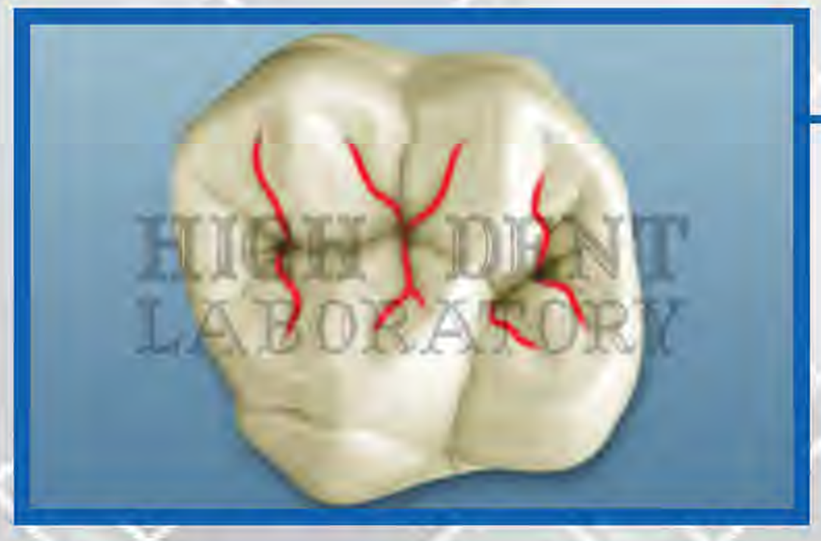

S groove

شیار خمیده ای که یک طرف یک خط الراس اکلوزال را تشکیل می دهد ، به شکل یک "S" باز. شیار ثانویه یا کمکی.

saddle

بخشی از یک دندان مصنوعی جزئی که ریج بدون دندان را دور می زند.

saggar tray

وسیله ای غیر قابل اشتعال کوچک که برای ساپورت از روکش‌ها و بریج‌ها هنگام پخت در کوره استفاده می‌شود ، گاهی اوقات گیره های متحرک را برای حفظ ترمیم به هم پیوند می دهد.

sagittal

مربوط به یا به موازات صفحه میانی بدن است.

S

sagittal plane

یک صفحه عمودی خیالی که بدن را به چپ و راست و به موازات صفحه میانه جدا می کند. بعضی اوقات به معنی صفحه میانی ساژیتال است.

saliva

ترشح شفاف و بی مزه از دهان است که برای مرطوب کردن دهان و شروع روند هضم استفاده می شود.

sandblaster

وسیله ای که در آن از مواد ساینده ای که توسط هوای فشرده شده، برای تمیز کردن اکسیدها و ذرات پرسلن از روی روکش‌ها و بریج‌ها استفاده می‌شود.

sanitary pontic

۱. یک پونتیک بهداشتی.
۲. پونتیکی که ریج بدون دندان را لمس نمی کند.

S

saturation

کروما ، یا شدت یک رنگ.

scan

۱. استفاده از یک اسکنر برای ایجاد یک نمایش دیجیتالی از دندان ها.
۲. نمایش دیجیتالی دندان های تولید شده توسط یک اسکنر.

scan alignment

روند هماهنگی اسکن های گرفته شده از یک شیء مشابه در زمان های مختلف. نرم افزار CAD دو اسکن را با هم مقایسه می کند و از لحاظ ریاضی موقعیت یک اسکن را که از نزدیک با دیگری مطابقت بیشتری دارد پیدا می کند. ممکن است این نرم افزار قبل از وقوع محاسبه توسط یک یا چند نقطه شناخته شده در هر اسکن شناسایی شود.

scan body

وسیله ای که قبل از اسکن به بدنه ایمپلنت متصل می شود ، موقعیت دقیق ایمپلنت در مدل اسکن شده را فراهم می کند.

S

scan file

یک فایل رایانه ای که شامل تمام داده هایی است که هندسه سطح یک جسم اسکن شده را توصیف می کند.

scanner

دستگاهی که شکل یک شی را اندازه گیری کرده و یک نمایش دیجیتالی از آن ایجاد می کند.

scanner platform

مساحت مطرح شده ی اسکنر که بر روی آن مدل ها یا برداشت ها برای اسکن ایمن است. دو نوع متداول وجود دارد:
۱. یک سکوی ثابت که در اطراف آن دوربین حرکت می کند.
۲. یک بازوی چرخان که جسم را جلوی دوربین ثابت حرکت می دهد.

scanning

استفاده از یک اسکنرِ برای ایجاد یک نمایش دیجیتالی از یک شی. دندان‌ها را می توان مستقیماً با اسکنر داخل دهانی اسکن کرد یا بطور غیرمستقیم با اسکن یک مدل یا قالبگیری.

screw endosteal implant

ایمپلنت دندان به شکل پیچ است که در استخوان تعبیه شده است.

second stage surgery

۱. برای ایمپلنت زیر فشار، مجدداً باز کردن بافت و قرارگیری فریم زیر فشار .
۲. برای ایمپلنت اندوست ، باز کردن مجدد بافت ، برداشتن هلینگ کاپ و قرار دادن هلینگ اباتمنت در محل بهبودی یا اباتمنت موقت و ترمیم.

secondary

تکمیلی ، پس از اولین.

HIGH DENT
LABORATORY

secondary anatomy

۱. ویژگی های یک دندان که آناتومی اولیه را تکمیل می کند.
۲. روی دندان خلفی ، شیارهای ثانویه.

secondary color

مخلوطی از قسمتهای مساوی از دو رنگ اصلی. بنفش ، سبز و نارنجی رنگهای ثانویه سیستم رنگ Munsell هستند.

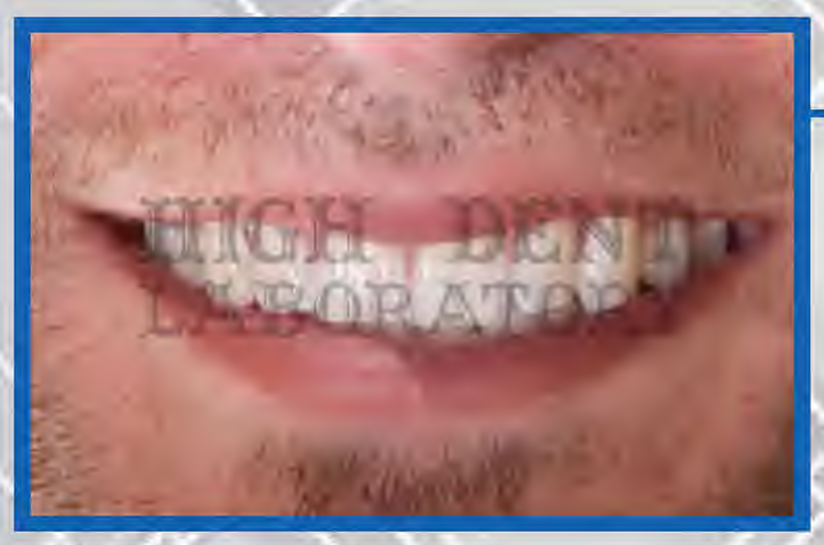

secondary dentition

۱. دندانهای دائمی.
۲. بیرون آمدن دندانهای دائمی.

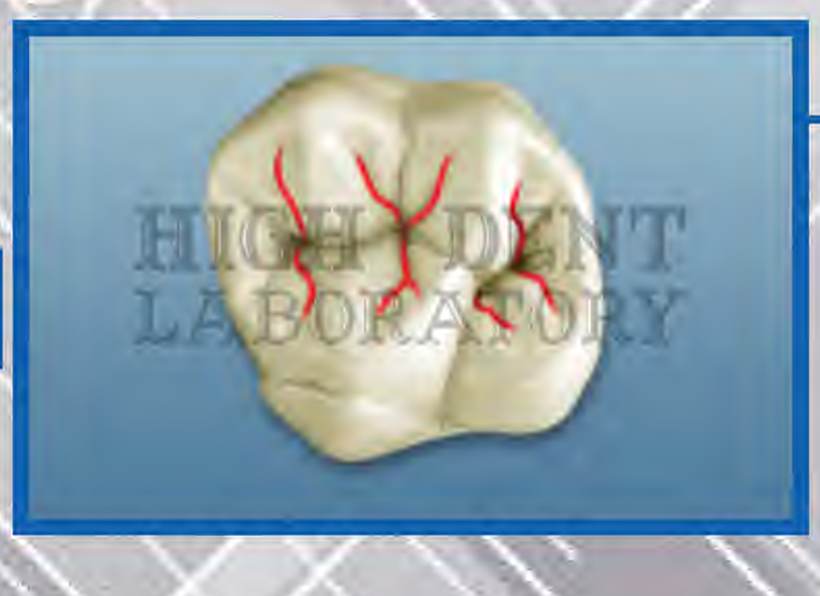

S

secondary groove

شیار خمیده ای که یک طرف یک خط الراس اکلوزال را تشکیل می دهد ، به شکل یک "S" باز. شیار ثانویه از سطح اکلوزال شکسته نمی شود.

sectional impression

قالبگیری که شامل برخی ، اما نه همه دندانهای موجود در فک است.

sectional model

۱. مدلی که شامل برخی از اما نه همه دندان های فک است.
۲. گاهی اوقات برای توصیف یک مدل مقطعی استفاده می شود.

sectioned model

مدلی با بخش های متحرک.

self cure

برای بعمل آوردن در دمای اتاق و بدون هیچ گونه گرما ، فشار یا نور اضافه شده است.

semi-adjustable articulator

آرتیکولاتوری که امکان تنظیم حرکت معمولی فک پایین را می دهد.

semi-precious

آلیاژ حاوی مقداری فلز گرانبها و مقداری فلز غیر قیمتی.

S

separating disc

دیسک که برای جدا کردن اشیاء با برش بین آنها استفاده می شود به طور معمول برای جدا کردن دندانهای تکی روی یک بریج یا از بین بردن خرده های ریخته گری استفاده می شود.

separator

ماده ای که برای جلوگیری از چسبندگی مواد دیگر مانند گچ یا آکریلیک روی یک سطح گچ استفاده می شود.

setting expansion

افزایش در حجم که حین سخت شدن مواد مختلف اتفاق می‌افتد؛ مثلا گچ پاریس، گچ دندانی، گچ دای و اینوستمنت ریختگی

setup

۱. ترتیب دندانهای مصنوعی در موم.
۲. آرایش ترکیبی دندان ها در یک دندان مصنوعی.

setup plate

یک صفحه فلزی یا پلاستیکی مسطح یا خمیده استفاده شده برای شبیه سازی صفحه اکلوزال هنگام تنظیم دندان های مصنوعی.

S

setup wax

یک موم ورقه ای مناسب برای تنظیم دندان های مصنوعی.

shade

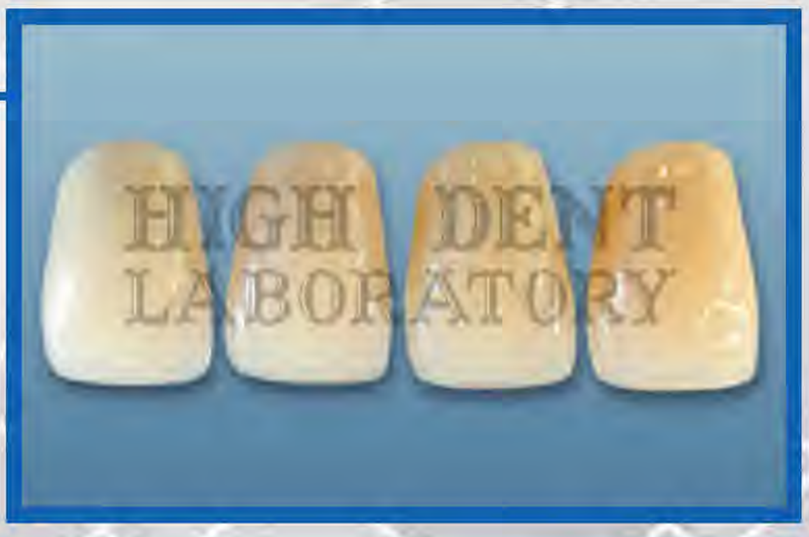

۱. درجه تاریکی در یک رنگ. در سیستم رنگ Munsell با اضافه کردن رنگ سیاه به یک رنگ، سایه ساخته می شود.
۲. به طور معمول برای توصیف رنگ کلی دندان استفاده می شود.

shade adjustment

تصحیح جزئی رنگ یک روکش یا بریج با اضافه کردن لکه ها.

shade guide

مجموعه ای از باریکه های سایه ای، که با رنگ سازماندهی شده اند ، برای مطابقت با رنگ دندان های طبیعی استفاده می شود.

shade selection

روند انتخاب رنگ برای مطابقت با دندانپزشکی موجود.

S

shade tab

دندان مصنوعی ساخته شده از یکی از سایه های ممکن مختلف که برای بیان رنگ دندان های بیمار استفاده می شود.

shank

بخشی مستقیم و باریک از یک شی که توسط آن می توان چیزی را نگه داشت.

sharps

تیغه ها ، سوزن ها ، قطعات شیشه شکسته یا اشیاء تیز دیگری که برای جلوگیری از آسیب دیدگی باید آنها را به روش ایمن دور ریخت.

shearing cusp

یک محفظه بدون بار که به طور طبیعی با سطح اکلوزال مخالف جفت نمی‌شوند. کاسپ های باکال دندانهای فوقانی و کاسپ‌های لینگوالی دندان‌های پایین.

sheet wax

مومی که به صورت ورق می آید ، مناسب برای انطباق با یک سطح، ساختن در لایه ها یا تشکیل باکس یا سد.

S

shell temporary

ترمیم موقت دیواره نازک از یک مدل قبل از عمل ساخته شده است. پس از آماده شدن دندان ها ، از مواد کامپوزیتی پر شده و قبل از بعمل آمدن، بر روی تراش‌ها قرار می گیرد.

shellac base

یک بیس رکوردگیری که از مواد با پایه لاک (shellac based wafer) ساخته شده و به وسیله گرما روی کست تطابق می‌یابد.

shim stock

یک نوار بسیار نازکِ از مواد که می تواند برای بررسی تماس بین سطوح استفاده شود. معمولاً از میلار یا فویل فلزی ساخته می شود ، گاهی از یک طرف با ماده نشانه گذاری، پوشانده می شود.

shoulder finish line

یک طرح خط خاتمه تراش آماده‌سازیِ دندان که در آن زاویه بین کف جینجیوالی و سطح خارجی دندان تقریباً ۹۰ درجه است.

shoulder preparation

آماده سازی که در آن دیواره محوری از حاشیه لثه برداشته می شود و یک طاقچه را در با زاویه حدود ۹۰ درجه عمودی به جا می گذارد.

S

shrink-spot porosity

یک ناحیه تخلخل در فلز ریختگی که در اثر انقباض قسمتی از فلز حین جامد شدن از حالت مذاب بدون جریان یافتن فلز مذاب از نواحی احاطه کننده آن، ایجاد می‌شود.

simultaneous contrast

جلوه بصری که باعث می شود رنگ ها هنگام قرار گرفتن در کنار یکدیگر شدیدتر شوند.

sinter

ترکیب کردن با هم بوسیله گرم کردن و یا فشار بدون ذوب کردن .

S

sintered diamond

فرز ساینده از جنس الماس به این صورت که متشکل از ذرات الماس است و به شکل مورد نظر ساخته می شوند. بنابراین ماندگاری بیشتری دارند.

SLA printing

روشی از چاپ سه بعدی که در آن یک جسم جامد با استفاده از لیزر ماوراء بنفش تولید می شود ، برای ساخت از یک رزین پلیمر مایع استفاده می شود. کار با قرار دادن یک سکوی سوراخ شده درست در زیر سطح رزین آغاز می شود.

smile line

یک خط خمیده که حاوی لبه های برشی سانترال ها و لبه های جانبی و نوک نیش ها را در بر می گیرد.

snore guard

وسیله ای که برای جلوگیری از خروپف با باز نگه داشتن معابر هوا در هنگام خواب استفاده می شود.

socket

دهانه یا حفره ای که در آن چیزی فیت می شود ، مانند یک شاخه دندان.

soft

۱. گرد ، نه ضمخت و خشن؛ بدون لبه های کنگره دار. بسیار لطیف.
۲. قادر به جابجایی با فشار جزئی.

soft esthetic composition

آرایش دندانهای جلویی که ظاهری نرم تر و لطیف تر به بیمار می‌بخشد.

S

soft palate

قسمت نرم ، عضلانی و عقبی کف کام که تا داخل گلو گسترش می یابد.

soft tissue

۱. بافتهایی که سایر ساختارها و اندامهای بدن را به هم متصل می کنند، ساپورت می کنند یا آنها را احاطه می کنند.
۲. تمام بافت های بدن به جز استخوان ها و اندام ها.

soft tissue model

مدلی که در آن نواحی بافت نرم در یک ماده الاستیک شکل می گیرد. ترمیم پس از آن می تواند بر روی مدل تراز شود تا از نزدیک چگونگی مطابقت آن با لثه در دهان تخمین زده شود.

S

soften

۱. نرم تر ، لطیف تر یا کمتر خشن کردن.
۲. لذت بخش تر کردن.
۳. گرد کردن لبه های تیز.

solder

۱. آلیاژ با درجه حرارت کم که به منظور پیوستن اشیاء فلزی دیر گداخت بهم ذوب می شود.
۲. پیوستن اشیاء فلزی با استفاده از لحیم کاری.

solder joint

ارتباط بین دو مؤلفه پروتز که با لحیم کاری به هم وصل می شوند.

soldering antiflux

ماده‌ای مثل اکسید آهن (روژ) که داخل یک حلال مناسب مثل ترپانتین حل شده است و روی سطح فلز قرار می‌گیرد تا جریان یاقتن ماده لحیم مذاب را محدود کند.

soldering flux

ماده‌ای مثل بوراکس ($Na_2B_4O_7$) که روی سطح فلز برای حذف اکسیدها و یا جلوگیری از تشکیل شدن آنها مالیده می‌شود تا جریان یافتن ماده لحیم آسان‌تر شود.

span length

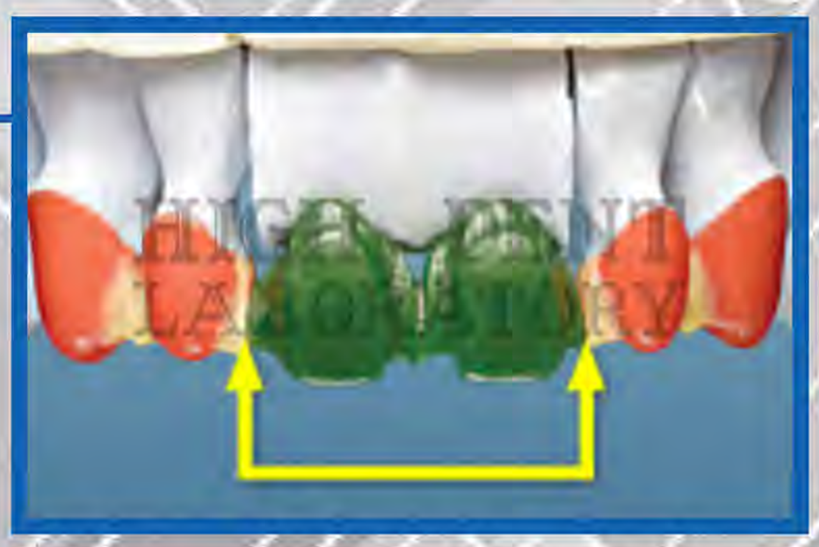

۱. طول پروتز بین دو ساپورت.
۲. طول پروتز بین پایه هایش.

spatula

ابزاری نازک ، صاف و بدون تیزی که برای چیدن ، مخلوط کردن یا پخش کردن استفاده می شود.

S

spatulate

مخلوط کردن با قاشقک.

spectrum

دامنه بزرگی مانند طول موج های نور مرئی.

Speedy disc

یک دیسک ساینده سیاه رایج که توانایی بریدن سریع مواد در هنگامیکه داغ نکرده باشد را دارد. و توانایی خرد کردن مواد طی قطع آنها را دارد.

sphenoid bone

استخوان گوه شکل بالای کام و پشت چشم. کاربرد آن در فناوری دندانپزشکی این است که فرایند همولار آن به سمت پایین و رو به جلو گسترش می یابد تا مرز خلفی شکاف همولار را تشکیل دهد.

sphere of Monson

منحنی ایده آل از اکلوژن که در آن هر لبهکاسپ و لبه های انسیزال از سطح یک کره تخیلی به قطر ۸ اینچ را لمس می کند. پیشنهادی توسط دکتر جورج اس. مونسون در سال ۱۹۲۰.

spline line

در یک برنامه CAD ، یک خط چند بخشی که محیط را مشخص می کند.

split crown

یک تاج ساخته شده در CADprogram که جهت ساخت به دو جزء تقسیم می شود ، پوششی از مواد محکم است که توسط یک لایه از مواد زیبایی پوشانده شده است.

split-cast mounting

یک روش مانت کردن کست‌ها که بیس کست‌های دندانی کاملاً شیاردار شده‌اند تا روی بیس رینگ مخصوص مانت قفل شود. این روش اجازه تایید دقت مانت شدن را می‌دهد و همین‌طور باعث سهولت گذاشتن و برداشتن کست می‌شود.

sprue

پین پلاستیکی یا مومی که الگوی مومی را به اسپروفرمر قبل از اینوست جهت تسهیل در ریخته گری، وصل می کند.

sprue button

ماده باقی‌مانده در محل ذخیره داخل مولد پس از ریختگی.

HIGH DENT LABORATORY

S

sprue former

پایه پلاستیکی مخروطی یا استوانه ای مخروطی یا استوانه ای که در هنگام اینوستینگ ، اسپروها را به طور صحیح در بالای حلقه ریخته گری نگه می‌دارد. این یک قیف تشکیل می دهد تا مواد مذاب در قالب هدایت و ریخته گری انجام شود.

stabilization

نشستن یک دنچر ثابت یا متحرک طوری‌که تحت فشار جابجا نشود.

stable reference

منبع اطلاعاتی که در برابر تغییر مقاوم است.

stain

رنگدانه اکسید فلزی که برای رنگ آمیزی روکش ها و بریج ها استفاده می شود.

stamp cusp

کاسپی که با سطح اکلوزال دندانهای مخالف جفت می شود.

S

standard

۱. یک مدل یا نمونه مشخص.
۲. یک قانون تعیین شده برای اندازه گیری یا ارزیابی یک شی. ممکن است به عنوان یک تست از کیفیت استفاده شود.
۳. سطح یا درجه مشخصی از کیفیت که مناسب برای یک هدف خاص باشد.

steam cleaner

وسیله ای است که بخار فشرده شده را برای تمیز کردن سطوح تولید می‌کند.

sterile

عاری از همه موجودات زنده.

sterilization

روند از بین بردن همه موجودات زنده.

sterilize

از بین بردن همه باکتریها و سایر میکروارگانیسم ها و اسپورهای آنها.

S

sticky wax

موم چسبنده و سفت و سختی که برای اتصال ایمن و موقتی دو جسم به یکدیگر استفاده می شود.

stipple

برای ایجاد تورفتگی دقیقه در بدنه مومی یا پلاستیک برای شبیه سازی بافت طبیعی.

stippling bur

یک فرز دستی با یک سر برش خورده کوچک که برای ایجاد تورفتگی در بدنه پلاستیکی برای شبیه سازی بافت طبیعی استفاده می‌شود.

S

STL file

فرمت فایل رایانه ای برای استریو لیتوگرافی یا زبان استاندارد Tessellation. این یک فضای فیزیکی را از نظر ریاضی به عنوان یک سری مثلثهای کوچک با استفاده از یک سیستم مختصات سه بعدی توصیف می کند و در دندانپزشکی بسیار مورد استفاده قرار می گیرد. این پرونده را می توان در یک دستگاه ایجاد کرد ، در دیگری ویرایش کرد و برای ساخت نهایی حتی به یک دستگاه در آزمایشگاه مختلف به دیگری ارسال کرد.

stock impression tray

یک تری قالبگیری پیش ساخته.

stock tray

یک تری فلزی پیش‌ساخته که در سایزهای مختلف وجود دارد و جهت قالب‌گیری اولیه استفاده می‌شود.

stone

ماده‌ای مبتنی بر گچ که سخت تر و متراکم تر از گچ تنظیم می شود. گچ‌های دندانی به طور معمول با رنگی رنگ می شوند تا آن را از گچ متمایز کند.

straight handpiece

۱. ابزار دستی که در آن طوقه و موتور در یک محور بچرخد.
۲. یک دستگیره با یک طوقه (SHP 3/16).

strain

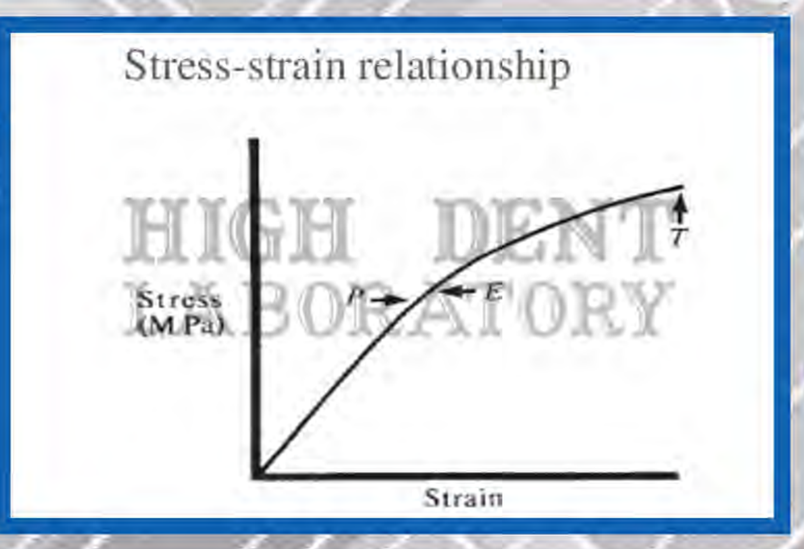

تغییر شکل یک شی با استفاده از یک نیروی خارجی.

stress

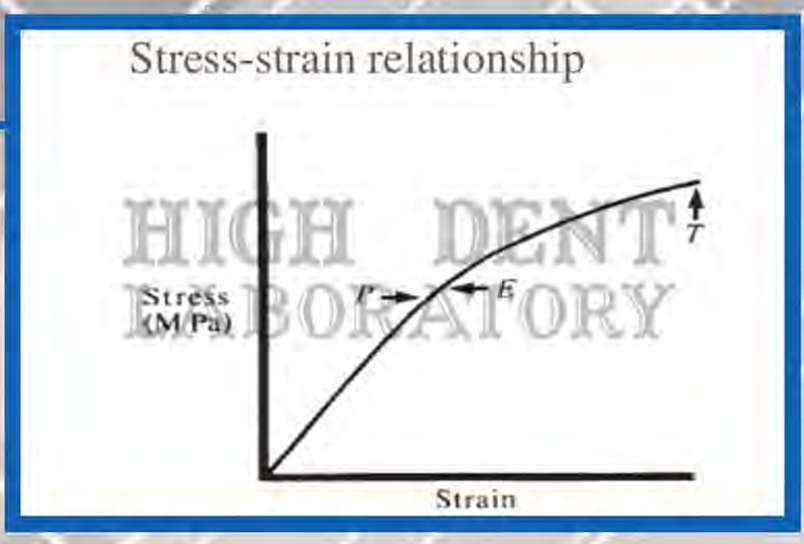

نیرویی اعمال شده که یک شی را تحت فشار فرار می دهد یا یه آن تغییر شکل می دهد.

S

striation

هر یک از سری شیارها و خراش های دقیقا موازی .

strong esthetic composition

آرایش دندان‌های قدامی که ظاهری قوی تر و تهاجمی به بیمار می بخشد.

structured light scanner

اسکنری که از یک منبع نور سفید مانند LED استفاده می‌کند تا با اندازه گیری نور منعکس شده از یک جسم، یک تصویر سه بعدی ایجاد کند. تا زمانی که کل شی مورد بررسی قرار نگرفته، شی یا پروژکتور/ اسکنر می‌چرخد. از آنجا که اسکنر از تمام قسمت دید خود با هر فریم نمونه می‌گیرد، از نظر تئوری می‌تواند سریع تر و دقیق تر از روش های تک پرتو باشد.

study model

مدلی از دهان بیمار که وضعیت دندان ها را قبل از درمان نشان می دهد.

S

subgingival

زیر لثه ها ناحیه دندان زیر خط لثه.

subgingival margin

خط خاتمه تراش یک تراش دندان یا لبه رستوریشن که در اپیکال بافت لثه آزاد قرار گرفته باشد.

sublingual gland

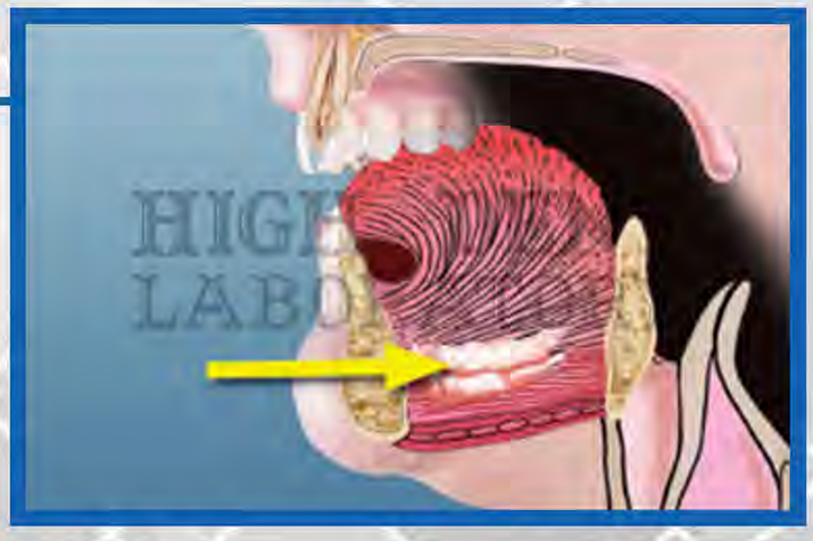

یکی از دو غده کوچک زیر زبان از هر طرف که بزاق ایجاد می کنند.

subluxation

جابجایی جزئی دندان یا مفصل.

submersible endosteal implant

۱. یک کاشت endosteal.
۲. یک ایمپلنت آندوستال با اباتمنت متحرک برای ترمیم شده از حفره دهان.

subperiosteal implant

ایمپلنت که بر روی استخوان تکیه داده شده و توسط پرایستوم پوشانده می شود. یک فرم اولیه ایمپلنت که مورد توجه اکثر دندانپزشکان نیست، اما هنوز هم در جاهایی مورد استفاده قرار می گیرد که جذب پیشرفته استخوان ممکن است از استفاده از ایمپلنت های اندوست جلوگیری کند.

S

subtractive color system

سیستم رنگی که در آن رنگها با مقدار نور منعکس شده از یک سطح توصیف می شوند. هنگامی که رنگهای اولیه در یک سیستم رنگی تفریقی با هم به طور مساوی با هم مخلوط می شوند ، نتیجه سیاه است.

سیستم رنگ Munsell که در سرامیک های دندانپزشکی استفاده می‌شود نمونه ای از یک سیستم رنگی تفریقی است.

subtractive process

فرآیندی که با از بین بردن مواد ، یک شکل حاصل می شود.
۱. در دندانپزشکی معمولی ، فرایندی مانند کنده کاری یا سنگ زنی انجام می شود.
۲. در CAD / CAM ، فرآیندی مانند فرز یا برش لیزر.

suck-back porosity

حباب‌های ایجاد شده در اثر انقباض در یک ریختگی جامد شده در محل مقابل اتصال اسپرو که در اثر انبساط حرارتی و تاخیر موضعی فلز مذاب پس از ریختن به صورت کامل بعد از جامد شدن ایجاد می‌گردد.

suction chamber

ریلیف ایجاد شده در خط وسط ناحیه پالاتال دنچر فک بالا در تلاش برای به‌دست آوردن گیر اضافه از طریف خلاء ایجاد شده در این محفظه.

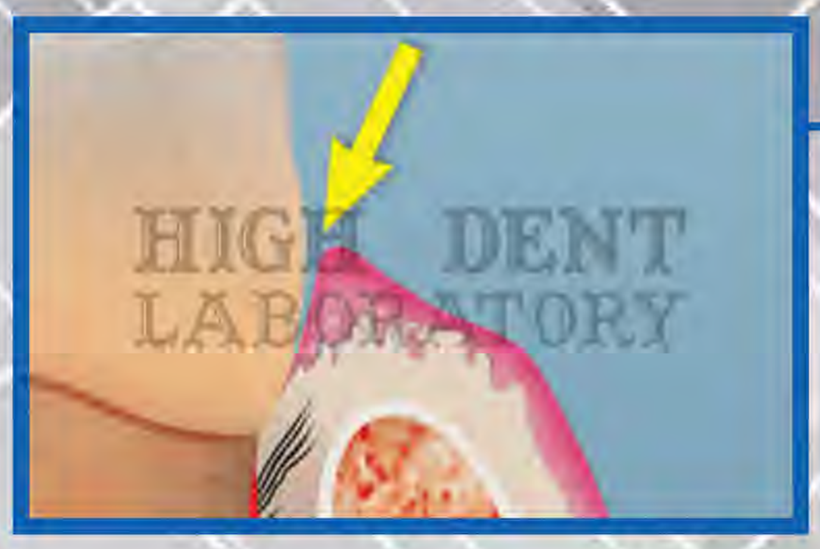

sulcus

گودی طولانی یا خندق.

super structure

قسمت بالایی یک پروتز ثابت یا متحرک که شامل دندان‌های جایگزین و لثه و ساختارهای آلوئولار مربوطه می‌شود.

supervisor

مدیر مسئول یک فعالیت ، مکان یا گروهی از افراد.

supporting cusps

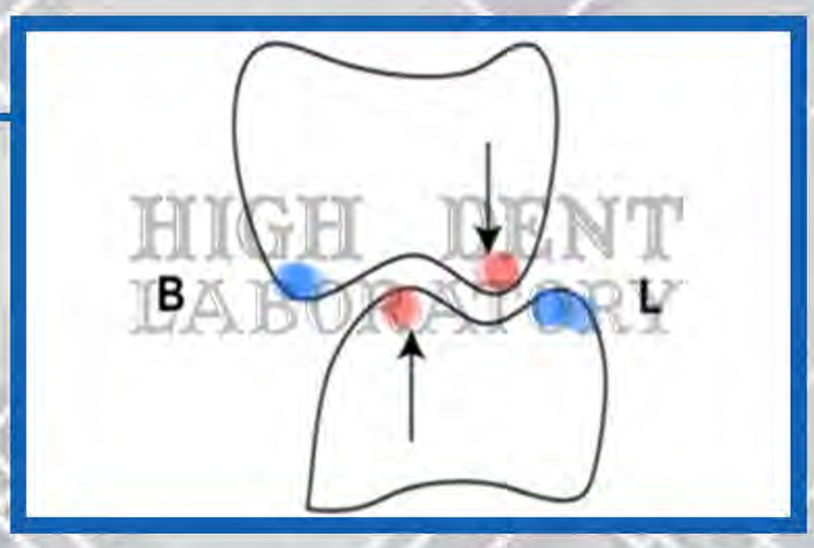

آن کاسپ‌ها یا لبه‌های انسیزال که حداکثر تماس بین کاسپی با دندان‌های مقابل را برقرار می‌کنند. معمولا شامل کاسپ‌های فاسیال دندان‌های خلفی مندیبل، کاسپ‌های پالاتال دندان‌های خلفی بالا و لبه‌های انسیزال دندان‌های قدامی مندیبل می‌شود.

supra gingival

۱. قرار گرفته در بالای لثه
۲. قسمتی از دندان مصنوعی یا روکش که بالاتر از لبه لثه است.

suprabulge

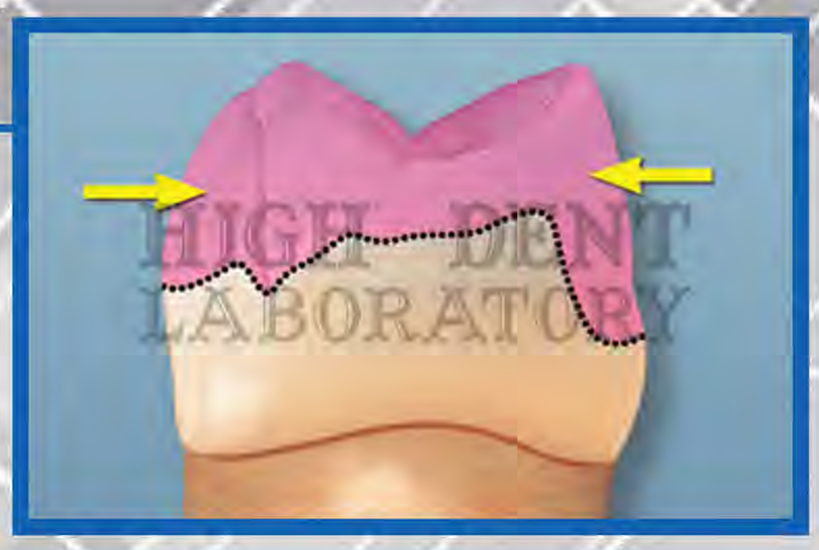

قسمتی از دندان یا روکش که به سمت سطح اکلوزال مثلاً بالای خط حداکثر برجستگی وارد اندرکات می‌شود.

S

suprabulge clasp

قلاب دندان مصنوعی پارسیل که از زیر آندرکات به خط سوروی نزدیک می شود.

supragingival

۱. بالای لثه.
۲. قسمتی از دندان واقع در بالای لثه.

surface

قسمت یا لایه ی خارجی یک شی. بخشی از یک شی که قابل مشاهده و لمس است.

surface scan

یک اسکن که نمایانگر سطح خارجی یک جسم است ، برخلاف اسکن داخلی مانند اسکن پرتو مخروطی.

S

surface tension

پدیده ای که باعث می شود یک مایع به جای اینکه سطح را به یکنواخت بپوشاند ، قطرات را روی سطح تشکیل می دهد. تنش سطح را می توان هنگام کار با مواد دندانپزشکی با لرزش ، پیش از خیس شدن یا سفت شدن سطح برطرف کرد.

surgical template

۱. راهنمایی که برای شکل دادن به فرایند آلوئولار جراحی استفاده می‌شود.
۲. راهنمایی که برای قرار دادن ایمپلنت دندان در یک موقعیت مشخص استفاده می شود.

survey

۱. بررسی شرایط، ارزیابی کردن و تخمین زدن
۲. تعیین شکل و موقعیت یک شیء با اندازه‌گیری‌های خطی و زاویه‌ای
۳. بازرسی کردن و تفتیش کردن و موشکافی کردن
۴. پروسه مشخص کردن و ترسیم کردن شکل و موقعیت دندان‌های پایه و ساختارهای مربوط قبل از طراحی یک پروتز پارسیل

survey line

خطی که با دستگاه سورویر روی کست کشیده می‌شود و نشان دهنده حداکثر برجستگی در مسیر درنظر گرفته شده برای نشست رستوریشن است.

surveyor

دستگاهی که در طول طراحی یک ترمیم برای اندازه گیری موازی بودن دندان ها استفاده می شود.

suture line

۱. خطی در محل اتصال دو استخوان غیر متحرک.
۲. محل اتصال دو فک بالا که در امتداد خط میانی کام سخت حرکت می‌کنند.

symmetrical

۱. از نظر شکل و اندازه در هر دو طرف یک خط وسط مساوی یا متضاد باشد. یک تصویر آینه.
-۲ متعادل بودن در نسبت قطعات به کل.

symmetry

۱. خاصیت ساخته شده از قطعات دقیقاً مربوطه ، روبروی یکدیگر یا اطراف محور.
۲. تعادل یا زیبایی فرم یا نسبت قطعات درون یک کل.

system

ایده های سازمان یافته و مجموعه اصول برای توضیح چیدمان یا کار یک کل سیستماتیک. یک توافق هماهنگ.

systematic

رویه ای در روش. برنامه ای که با دقت و منظم مشخص شده است.

S

mucus

مربوط به مخاط.

multilayer bridge

بریجی که در لایه هایی از مواد مختلف طراحی و پردازش می شود. به عنوان مثال ، یک لایه آناتومیک سرامیک فشرده شده بر روی یک چارچوب زیرکونیای تراش داده شده.

multilayer crown

روکشی که در لایه هایی از مواد مختلف طراحی و پردازش می شود. به عنوان مثال ، یک لایه آناتومیک سرامیک فشرده شده بر روی یک چارچوب زیرکونیای تراش داده شده .

multi-point alignment

روشی که در آن اپراتور یک یا چند نقطه را در هر یک از جفت اسکن ها مشخص می کند. نرم افزار CAD از این نقاط به عنوان موقعیت شروع برای تراز اسکن استفاده می کند.

Munsell color system

سیستم رنگی که در فناوری دندانپزشکی به کار رفته است ، با رنگ های قرمز ، زرد و آبی به عنوان رنگ های اصلی است. توسط آلفرد H. مونسل در سال ۱۹۰۵ مطرح شده است.

M

temporal bone

هر دو جفت استخوان مرکب که بخشی از قسمتها و پایه جمجمه را تشکیل می دهد.

temporalis

یکی از ماهیچه های اصلی پوزه ، اتصال فرایند کرونوییدگی ramus به استخوان تمپورال (شقیقه) است.

temporary bridge

پروتز موقت که دو یا چند دندان را به هم متصل می کند ، برای حفظ زیبایی، طراحی شده است ، جهت پایداری و عملکرد برای مدت زمانی که پروتز دائمی در حال تولید است .

temporary crown

پروتز موقتی که یک دندان را می پوشاند ، برای حفظ زیبایی، طراحی شده است ، جهت پایداری و عملکرد برای مدت زمانی که پروتز دائمی در حال تولید است.

temporary denture

یک پروتز ارزان قیمت برای استفاده بیمار برای مدت زمانی که پروتز دائمی در حال تولید است، یا برای یک دوره بهبود قبل از شروع درمان است.

temporary prosthesis

ترمیم طراحی شده برای حفظ زیبایی ، جهت پایداری و عملکرد برای مدت زمانی که پروتز دائمی در حال تولید است.

temporary restoration

ترمیم طراحی شده برای حفظ زیبایی ، جهت پایداری و عملکرد برای مدت زمانی که پروتز دائمی در حال تولید است.

temporization

روند ایجاد ترمیم موقت.

temporomandibular joint

مفصل لولایی بین شقیقه و فک پایین. کندیل فک پایین در ناحیه فوسای گلنوئید استخوان تمپور قرار می گیرد. معمولاً به آن "TMJ" گفته می شود.

tensile strength

مقاومت ماده در برابر جدا شدن بر اثر فشار.

terminal abutment

پایه انتهایی برای یک بریج ثابت

texture scan

اسکنی که شامل یک نقشه بافت ، یک ثبت عینی از سطح جسم است. برای برداشتن علائم از روی سطح مانند شماره مورد و خطوط حاشیه مفید است.

texturization

عمل به کار بردن یک بافت سطحی روی یک جسم.

thermal expansion

انبساط ناشی از گرما.

thermoplastic

قابلیت نرم شدن در هنگام گرم شدن و دوباره سخت شدن در هنگام خنک شدن.

thimble coping

یک پوشش با ضخامت یکنواخت

threaded post

پست‌هایی که برای بازسازی دندان‌های اندو شده به کار می‌روند و رزوه‌هایی دارند تا به عاج داخل ریشه اتصال یابند.

three dimensional implant

ایمپلنتی که در آن سکوی پروتز بالاتر از سطح استخوان قرار می گیرد.

tint

درجه سبک بودن در یک رنگ. در سیستم رنگ Munsell با اضافه کردن رنگ سفید به یک رنگ ، یک رنگ دیگر ایجاد می شود.

tinted denture base

یک دنچر بیس که از لحاظ رنگ و شکل مشابه بافت‌های طبیعی باشد.

T

tissue

گروهی از سلول‌های مشابه اختصاصی که با هم یک ساختار را با عملکردی خاص تشکیل می دهند.

tissue level implant

ایمپلنتی که در آن سکوی پروتز بالاتر از سطح استخوان قرار می گیرد.

tissue-borne surface

آن قسمت از ترمیم متحرک است که روی بافتهای نرم قرار دارد.

titanium

یک فلز سبک ، بسیار قوی که در کاشت دندان و ترمیم استفاده می شود.

TMJ

۱. مفصل گیجگاهی .
۲. اغلب برای اشاره به وضعیت غیر طبیعی مفصل گیجگاهی استفاده می‌شود.

tongue

اندام ماهیچه ای که به کف دهان وصل شده و برای غذا خوردن ، مزه کردن و گفتار استفاده می شود.

tooth

یکی از بخشهای سخت و شبه استخوانی در دهان که برای گاز گرفتن و جویدن استفاده می شود.

tooth arrangement

آرایش زیبایی دندانها نسبت به یکدیگر و فک دندانی

tooth card

نوار پلاستیکی که دندان های دندان مصنوعی برای حمل و ذخیره آن با موم وصل می شوند.

tooth chart

دیاگرامی که روی آن دندانپزشک وضعیت دندان ها را ثبت می کند. نمودارهای مدرن دندان روی رایانه انجام می شود.

T

tooth color selection

تعیین رنگ و سایر خصوصیات ظاهر یک دندان مصنوعی یا مجموعه‌ای از دندان‌ها برای یک بیمار مشخص

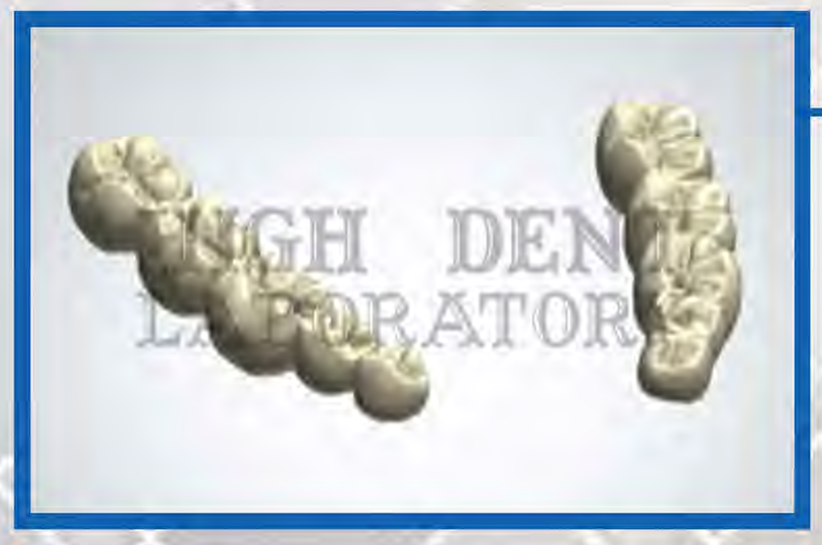

tooth library

۱. در پروتزهای متحرک، مجموعه ای از قالب های پروتز مربوطه
۲. در CAD ، مجموعه ای از دندانهای اسکن شده که به عنوان نقطه شروع برای طراحی استفاده می شود.

tooth numbering system

سیستمی که دندانها را به طور اختصاصی با شماره مشخص می کند تا بتوان آنها را به نمودار تبدیل کرد و ارتباط داد.

torch

دستگاه قابل حمل که شعله ای گرم را ساطع می کند.

torus

۱. شکل نیمه دایره ای.
۲. یک خط الراس گرد.
۳. برآمدگی استخوانی که گاه در طرف زبانی فرایند آلوئولای فک پایین یا در خط میانی کام سخت دیده می شود.

transepithelial abutment

نوعی از اباتمنت استوانه ای است که داخل ایمپلنت پیچ می شود و ممکن است در جراحی مرحله اول یا معمولاً در جراحی مرحله دوم مورد استفاده قرار گیرد. به کانتور بافت ها کمک می کند تا پروتز نهایی را دربرگیرد.)

transfer coping

قطعه ای ساخته شده که به منظور قرار دادن دقیق آنالوگ ایمپلنت در قالب استفاده می شود تا شکل و موقعیت ایمپلنت روی کست کپی شود

transfer pin

قطعه ای ساخته شده که به منظور قرار دادن دقیق آنالوگ ایمپلنت در قالب استفاده می شود تا شکل و موقعیت ایمپلنت روی کست کپی شود

translucent

اجازه انتقال نور پخش شده. ماده ای که نور را منتقل می کند اما آن را پخش می کند تا اشیاء به وضوح دیده نشوند. با توجه به دندان ها ، سبک تر یا واضح تر به نظر رسیدن. برخی از انسیزال ها ترنسلوسنت تر هستند

transosteal

عبور کامل از یک استخوان.

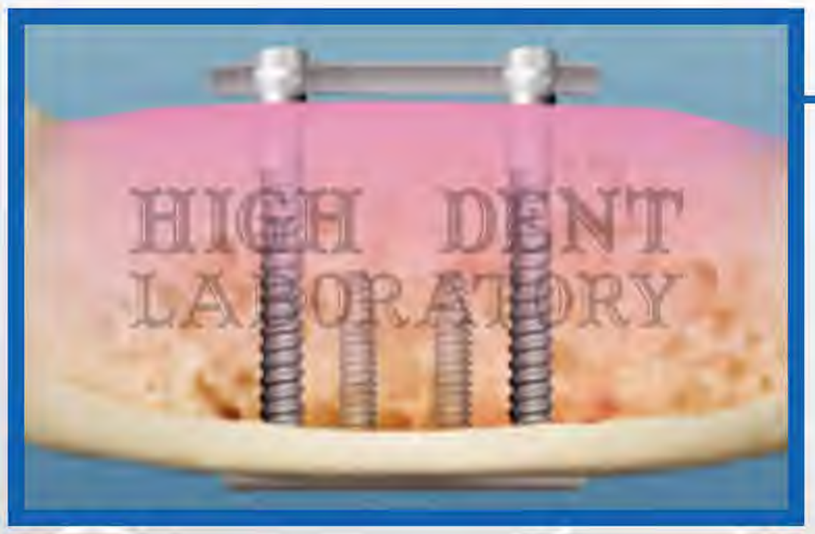

transosteal implant

ایمپلنت دندان ، فقط در فک پایین استفاده می شود ، که از هر دو صفحه غشایی استخوان آلوئول عبور می کند.

transparent

اجازه انتقال شفاف نور.

transverse

در حال عبور از عرض

transverse cusp ridge

خط الراس شیب دار عمود بر شیار برش مرکزی.

transverse horizontal axis

یک خط تخیلی از طریق هر دو مفاصل گیجگاهی که اطراف آن در هنگام باز و بسته شدن فک پایین می چرخد.

transverse ridge

۱. برآمدگی تیز که به طور عرضی از باکال به لینگوال اجرا می شوند.
۲. یک خط الراس لبه تیز عرضی.

trauma

صدمه ای به بافت های بدن. آسیب دندانی که در اثر انسداد نادرست دندانهای متقابل ایجاد می شود.

trial denture

دندان مصنوعی که به صورت موم تکمیل شده است و از نظر فیت شدن و ظاهر در دهان بیمار آزمایش می شود.

triangular ridge

خط الراس که از یک نوک تیز به سمت مرکز سطح اکلوزال ، به سمت پایین شیب دار می شود ، در نوک آن باریک و در پایه آن گسترده تر است.

Tripoli compound

موادی که برای صیقل دادن نهایی پایه دندان مصنوعی استفاده می شود.
گاهی اوقات برای پرداخت اولیه یک تاج طلای کامل استفاده می شود.

tube tooth

دندان سرامیکی با سوراخی که از طریق آن و توسط یک پست فلزی به یک دندان مصنوعی پارسیل وصل شده است.

tubercle

برجستگی کوچک

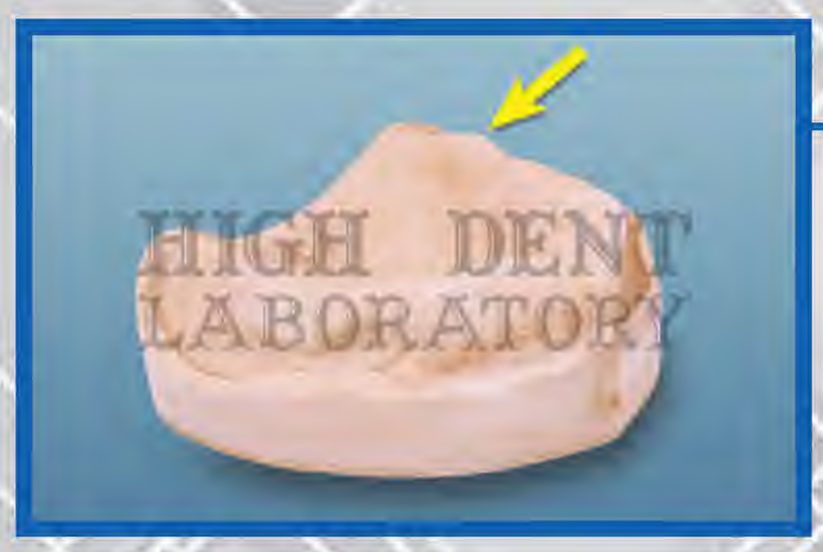

tuberosity

تورم یا برآمدگی گرد ، به ویژه یکی از استخوان ها برای اتصال عضله یا رباط.

turn of the arch

شکل نیش بالایی و قرارگیری آن در فک فوقانی. شش دندان جلویی را دنبال می کنند. در نیش ، فک به شدت به سمت دندانهای عقبی می‌چرخد.

two-piece implant

یک ایمپلنت دندانی و اباتمنت مطابق که با پیچ متصل می شود.

Type I alloy

آلیاژ نرم دندانی مبتنی بر طلای با بازده عملکرد کمتر از ۱۴۰ مگاپاسکال (MPa) ، که عمدتاً برای inlay در نواحی غیر تحت فشار استفاده می‌شود.

Type II alloy

یک آلیاژ نیمه محکم دندانپزشکی مبتنی بر طلا با بازده عملکرد ۲۰۰-۱۴۰ مگاپاسکال (MPa)، که در درجه اول برای inlays و onlays در مناطق تحت فشار استفاده می شود.

Type III alloy

یک آلیاژ سخت دندانی مبتنی بر طلا با بازده عملکرد ۲۰۱ - ۳۴۰ مگاپاسکال (MPa) ، که در درجه اول برای تاج های کامل ، تاج های ۳/۴ و پل ها استفاده می شود.

Type IV alloy

یک آلیاژ فوق العاده سخت دندانی با پایه طلا با بازده عملکرد بیش از ۳۴۰ مگاپاسکال (MPa) ، که در درجه اول برای تاج های کامل ، پل ها و پروتزهای جزئی متحرک استفاده می شود.

T

ultrasonic cleaner

دستگاهی که از امواج مافوق صوت (امواج صوتی که فرکانسشان برای شنیدن انسان خیلی بالاست) استفاده می کند و یک حلال مایع برای تمیز کردن. حلال کشش سطح را کاهش می دهد و اولتراسوند امواج فشرده سازی را درون مایع ایجاد می کند که آلودگی ها را از سطح جسم برطرف می کند.

under cut

گودی در سطح زیر لبه ای که با برش مواد از زیر آن ساخته شده است. undercut در آماده سازی تاج که پر نشده باشد ، امکان قرار گرفتن تاج را غیرممکن می کند.

understructure

قسمت چارچوب چینی به فلز یا تمام ترمیم های سرامیکی.

unilateral

۱. یک طرفه.
۲. پروتزی که فقط یک طرف دهان را درگیر میکند.

unilateral partial denture

یک پروتز جزئی که فقط یک طرف فک را شامل می شود.

unilateral subperiosteal implant

ایمپلنت تحت فشار فقط در یک طرف فک پایین یا فک پایین.

unit

۱. یک مقدار واحد در یک تعداد.
۲. یک تاج یا پونتیک در یک پل.

Universal numbering system

رایج ترین سیستم شماره گذاری دندان در ایالات متحده است. با حساب کردن از راست به چپ ، آسیاب سوم بالا سمت راست دندان شماره ۱ و آسیاب سوم بالا سمت چپ ۱۶ است. شمارش از چپ به راست ، آسیاب سوم پایین سمت چپ ۱۷ و آسیاب سوم پایین سمت راست ۳۲ است.

universal subperiosteal implant

ایمپلنت تحت فشار فک کامل که دندانهای باقی مانده را دور می زند.

unsectioned model

مدلی بدون بخش متحرک.

U

vacuum former

ماشینی که در آن برای نرم کردن یک ورق از مواد نازک از گرما استفاده می شود که با کمک خلاء در یک مدل قرار می گیرد.

vacuum forming

فرآیندی که در آن یک ورق نازک از مواد با حرارت نرم شده و سپس با کمک یک خلاء در یک مدل قرار می گیرد.

vacuum mixer

وسیله ای برای مخلوط کردن سنگ یا مواد ترمیم در زیر خلاء به منظور از بین بردن حباب ها.

vacuum mixing

روش مخلوط کردن مواد مثل پلاستر پاریس یا اینوستمنت ریختگی در فشاری پایین‌تر از اتمسفر.

V

value

روشنی یا تاریکی نسبی یک رنگ. در سیستم رنگ Munsell ، رنگ سفید بالاترین ارزش و رنگ سیاه کمترین ارزش را دارد.

veneer

۱. پوششی نازک.
۲. ترمیم چینی نازک یا ترمیم کامپوزیت روی سطح لب یا باکال دندان.

vent

یک سیم موم کوچک متصل به یک الگوی موم برای اینکه گازهای حصر شده از حفره قالب در هنگام ریخته گری آزاد شوند.

verification jig

یک ایندکس که در دهان پرو می شود تا صحت مدل اصلی را بررسی کند.

vermilion

۱. رنگ قرمز روشن یا قرمز-نارنجی روشن.
۲. یک رنگدانه یا رنگ قرمز مایل به نارنجی.

vermilion border

مرز بین پوست خشک و مایل به قرمز لب بیرونی و بافتهای اطراف آن است. مرز ورملیون بین لب بیرونی و غشای مخاطی مرطوب که خط لب را مشخص می کند ، مرجعی برای قرار گیری دندان های قدامی فوقانی است.

vertical

۱. عمود ، مستقیم و پایین.
۲. عمود بر افق.

vertical dimension

رابطه عمودی فکهای فوقانی و تحتانی در هنگام بستن دندان‌ها.

vertical projection clasp

بست که از زیر خط بررسی به آندرکات نزدیک می شود.

vertical rotational axis

یک محور چرخشی در صفحه عمودی.

vertical transitional line angle

انتقال عمودی از سطح لبی دندان جلو به سطح متقابل.

vestibule

۱. دهانه ای که به فضای دیگری منتهی می شود.
۲. فضای بین بافتهای صورت و روند آلوئولار.

vibrator

یک وسیله مکانیکی با یک سطح ارتعاشی برای کمک به جریان مخلوط درون قالب و ایجاد حرکت رو به بالای حباب های هوا در مخلوط.

vickers hardness

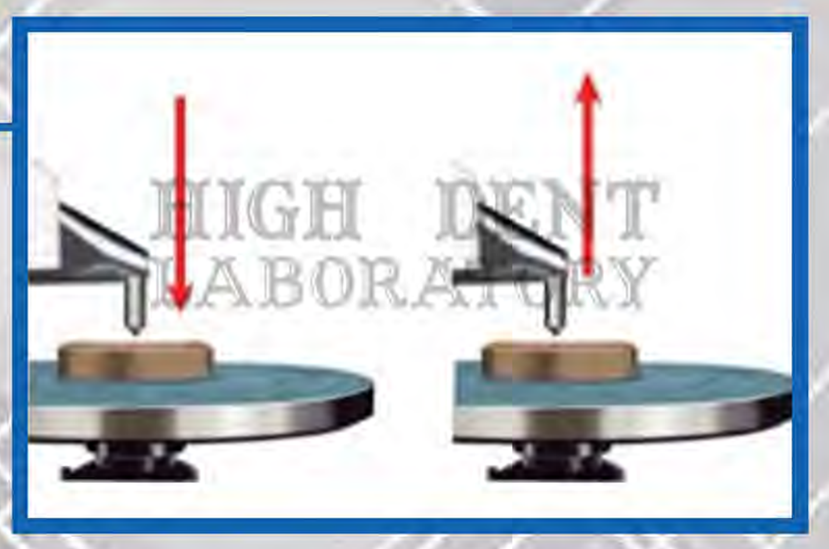

اندازه سختی یک ماده با سطح تو رفته بوسیله یک الماس هرمی مربعی. عدد سختی ویکرز مساحت تورفتگی در میلی متر مربع است که به فشار مورد استفاده تقسیم می شود ، به کیلوگرم.

vigorous

قوی یا نیرومند ، مردانه.

virtual articulator

ابزاری در یک برنامه CAD که حرکات یک مفصل ساز واقعی را شبیه سازی می کند.

void

۱. یک فضای خالی.
۲. نقص در ماده غیر جامد.

warp

برای ایجاد خم در یک شی که قبلاً مستقیم بود.

wax

۱. یک ماده جامد با منشا طبیعی یا معدنی که هنگام گرم شدن ذوب می‌شود.
۲. ایجاد جسم (مانند ترمیم دندان) با موم.

wax carver

یک ابزار تیز که برای حک کردن موم استفاده می شود.

wax elimination

برداشتن موم از قالب.
۱. مرحله ای در فرآیند ریخته گری که قالب ماده در آن گرم می شود و موم را می سوزاند.
۲. مرحله پردازش دندان مصنوعی که در آن فلاسک باز شده و موم جوش می آید.

wax expansion

تکنیک انبساط الگوی مومی جهت جبران انقباض طلا در طی پروسه ریختگی

W

wax milling disc

یک موم استوانه ای خالی که برای تراش تاج موم و اباتمنت ایمپلنت در دستگاه فرز استفاده می شود. سپس الگوهای موم با استفاده از روش موم از دست رفته ماده گذاری و ریخته گری می شوند.

wax pattern

الگویی از موم ساخته شده که به شکل دلخواه برای ریخته گری یا پردازش شکل گرفته است.

wax pot

دستگاهی که برای ذوب و نگهداری موم در دمای دقیق استفاده می شود. فالب ها به موم مذاب آغشته می شوند تا یک پوشش مومی نازک ایجاد شود.

wax rim

وسیله ای مومی برای پیروی از شکل منحنی فک تشکیل شده است، که برای ثبت رکورد و تهیه پایه برای دندان های مصنوعی هنگام تنظیم استفاده می شود.

wax spatula

ابزاری نازک و صاف که برای ذوب موم یا حمل موم مذاب استفاده می شود.

W

waxing

۱. فرایند ایجاد ترمیم در موم برای پردازش بعدی در ماده دیگر.
۲. ایجاد الگوی موم برای ریخته گری تاج از فلز یا سرامیک قابل فشار.
-۳ ایجاد کانتورهای بافتهای نرم طبیعی در موم برای پردازش در آکریلیک.

waxing up

۱. شکل دادن الگوی مومی دنچرهای امتحانی با کاربرد موم
۲. پروسه موم کاری کردن الگوی مومی تا ایجاد شکل دلخواه

waxup

الگوی ساخته شده از موم برای ارزیابی یا برای پردازش مواد ترمیم نهایی.

wear facet

سطح فرسوده ناشی از لمس یک دندان و پوشاندن در برابر دیگری.

weld

اتصال قطعات فلزی با حرارت دادن.

W

wet milling

فرآیند تراش که در آن یک مایع خنک کننده / روان کننده مایع روی قطعه در حال بریده شدن پاشیده می شود.

wire clasp

قلاب ساخته شده از سیم شکل داده شده.

wireframe

نمایش تصویری از داده های خام اسکن که دارای ظاهری مش مانند و بدون بافت سطحی است.

HIGH DENT
LABORATORY

workflow

سلسله فرآیندهای لازم برای تولید ترمیم.

working cusp

کاسپ‌هایی که با دندان های مقابل در محور انسداد، بسته می شوند. در انسداد نرمال، کاسپ های لینگوالی دندانهای خلفی فوقانی و کاسپ‌های باکال دندان‌های خلفی تحتانی.

W

working model

الگوی مثبت دهان بیمار که پس از تراش دندان توسط پزشک تهیه شده است. مدلی که ترمیم در آن ساخته شده است.

working occlusion

تماس اکلوزال دندانهای طرفی که فک پایین به سمت آن حرکت می کند.

working side

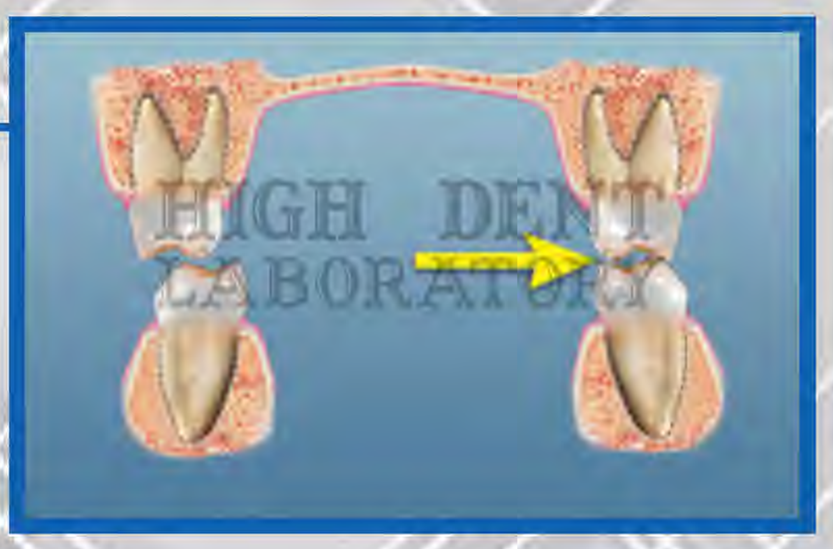

طرفی که فک پایین به سمت آن حرکت می کند.

wrought

به شکلی در آوردن.

wrought wire

سیمی که توسط ابزار به شکلی در آمده است. برای قلاب دندان مصنوعی جزئی و وسایل ارتودنسی استفاده می شود.

W

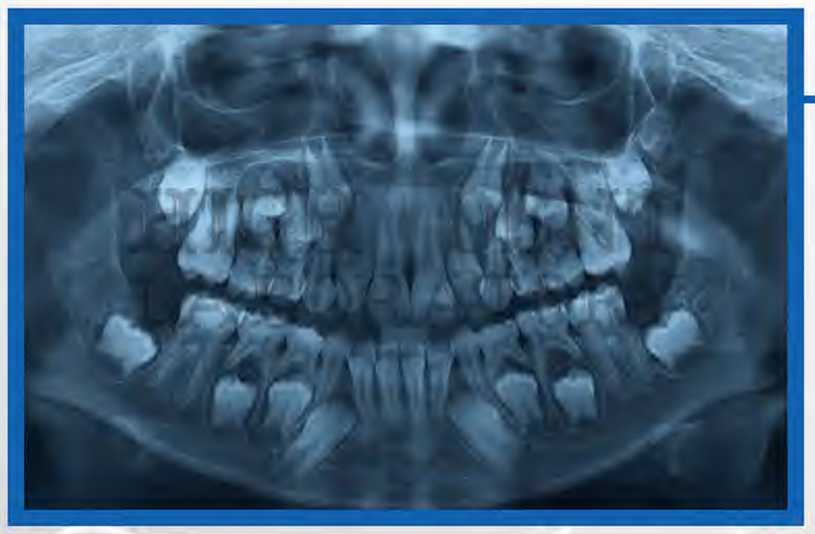

X-ray

۱. اشعه ای از طول موج بسیار کوتاه ، قادر به عبور از بسیاری از مواد مات به نور است.
۲. تصویری از ساختار داخلی یک شیء گرفته شده با اشعه X.

X

HIGH DENT
LABORATORY

yield strength

فشاری که در آن ماده الاستیسیته خود را از دست می دهد و تغییر شکل دائمی می یابد.

zirconia

(ZrO_2) یک اکسید سفید زیرکونیوم است که در مواد دندانپزشکی به دلیل استحکام بالا و مقاومت در برابر شکستگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. زیرکونیا به صورت پودری برای ساختمان های نسوز یا در بلوک های مخصوص تراش یا سرامیک های قابل فشار تولید می شود. این می‌تواند به عنوان یک ترمیم کامل یا به عنوان زیر ساختاری برای سرامیک های مرسوم استفاده شود.

zirconia ceramic post

یک پست سرامیکی برای بازسازی دندان‌های اندو شده، به ویژه وقتی که پست‌های فلزی زیبایی را به خطر می‌اندازد. معمولاً از کامپوزیت یا سرامیک‌های فشرده جهت ساخت کور استفاده می‌شود.

zirconia disc

بلوک استوانه ای اکسید زیرکونیوم برای استفاده در دستگاه فرز. دیسک های زیرکونیا در انواع رنگ ، شفافیت و سختی پخت برای کاربردهای مختلف عرضه می شوند.

zygoma

روند باریک قوس zygomatic.

zygomatic arch

برجستگی قوسی که در آن فرآیند zygomatic استخوان تمپورال با استخوان zygomatic به آن می پیوندد. گاهی اوقات برای ساپورت یک ایمپلنت زیر فشار استفاده می شود.

zygomatic bone

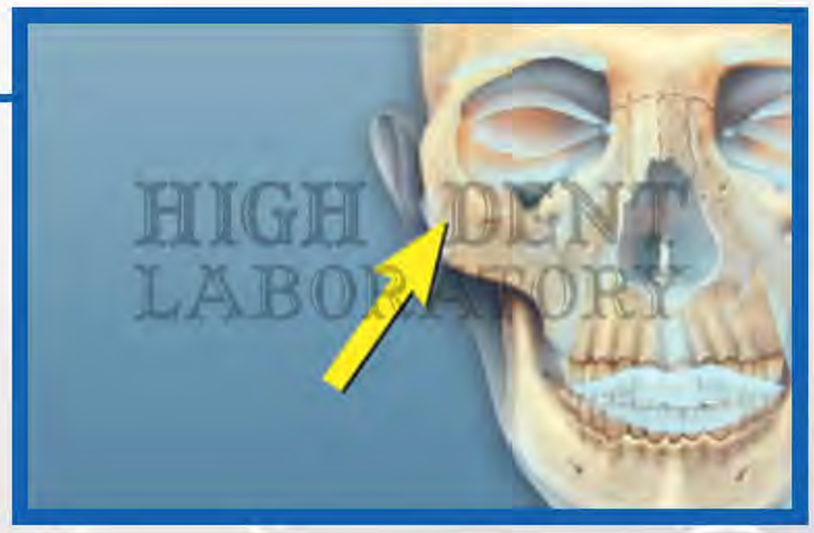

استخوان گونه که بخشی از قوس zygomatic و بخشی از مدار چشم است.

zygomatic process

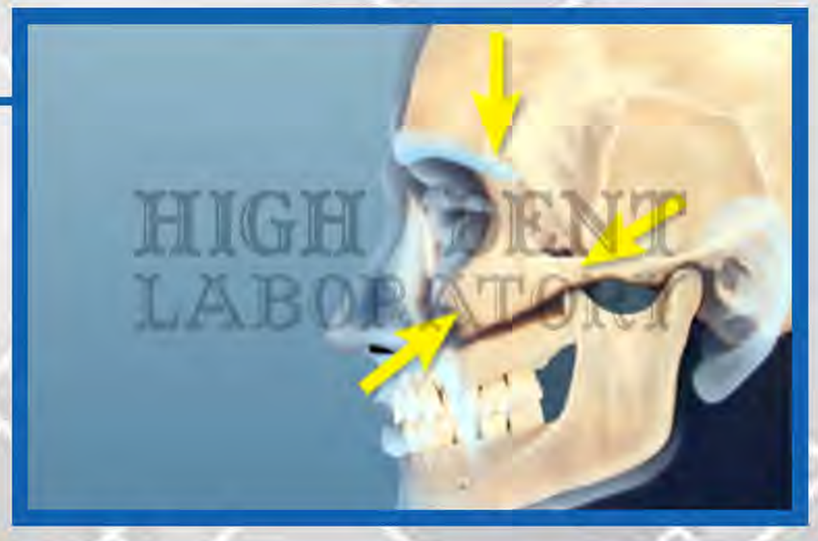

۱. فرآیند استخوان تمپورال که با استخوان زایگوماتیک مفصل می شود تا قوس زایگوماتیک را تشکیل دهد.
۲. برجستگی مثلثی فک بالا که با استخوان زایگوماتیک مفصل می شود.
۳. فرآیند استخوان جلو (پیشانی) که با استخوان زایگوماتیک مفصل می‌شود.

هلیا های دنت

مرکز لابراتوار و آموزش پروتزهای دندانی

یک گام تا حرفه‌ای شدن در دندانسازی

اگر در حال تحقیق برای آموزش به‌صورت عَملی و حرفه‌ای هستید باید بگوییم دقیقا متعلق به اینجائیید

PFM

دوره‌های جامع
پروتزهای ثابت

Implant

دوره‌های جامع
پروتزهای ایمپلنت

Porcelain

دوره‌های تخصصی
پُرسلن گذاری

Laminate

دوره‌های تخصصی
لمنیت

Anatomy

دوره تخصصی
آناتومی دندان

SnapSmile

دوره تخصصی
ساخت اسنپ اسمایل

دوره‌های جـامع و تخـصصی نرم افزاری اگزوکد، طـراحی لبـخند
ارائه خدمات مشاوره و راه اندازی بخش دیجیتال توجیه پذیر و سودآور

exocad DSD Digital Smile Design

پس برای حرفه‌ای شدن و متمایز شدن مسیر خودت را سریع و آسان کن

۰۲۱ - ۲۸۴۲۶۰۵۰

های دنت

مرکز لابراتوار و آموزش پروتزهای دندانی

عضویت در خبرنامه دندانسازی | های دنت

با عضویت در خبرنامه، ویدیو و آموزش‌های کاملاً کاربردی دندانسازی برایتان ارسال می‌شود

اینجا کلیک کنید

دوره‌های جـامع و تخـصصی نرم افزاری اگزوکد، طـراحی لبـخند

ارائه خدمات مشاوره و راه اندازی بخش دیجیتال توجیه پذیر و سودآور

exocad DSD Digital Smile Design

برای حرفه‌ای شدن و متمایز شدن مسیر خودت را سریع و آسان کن

۰۲۱ - ۲۸۴۲۶۰۵۰